

مجموعہ نثریاتیات حضرت

بغیر اللہ

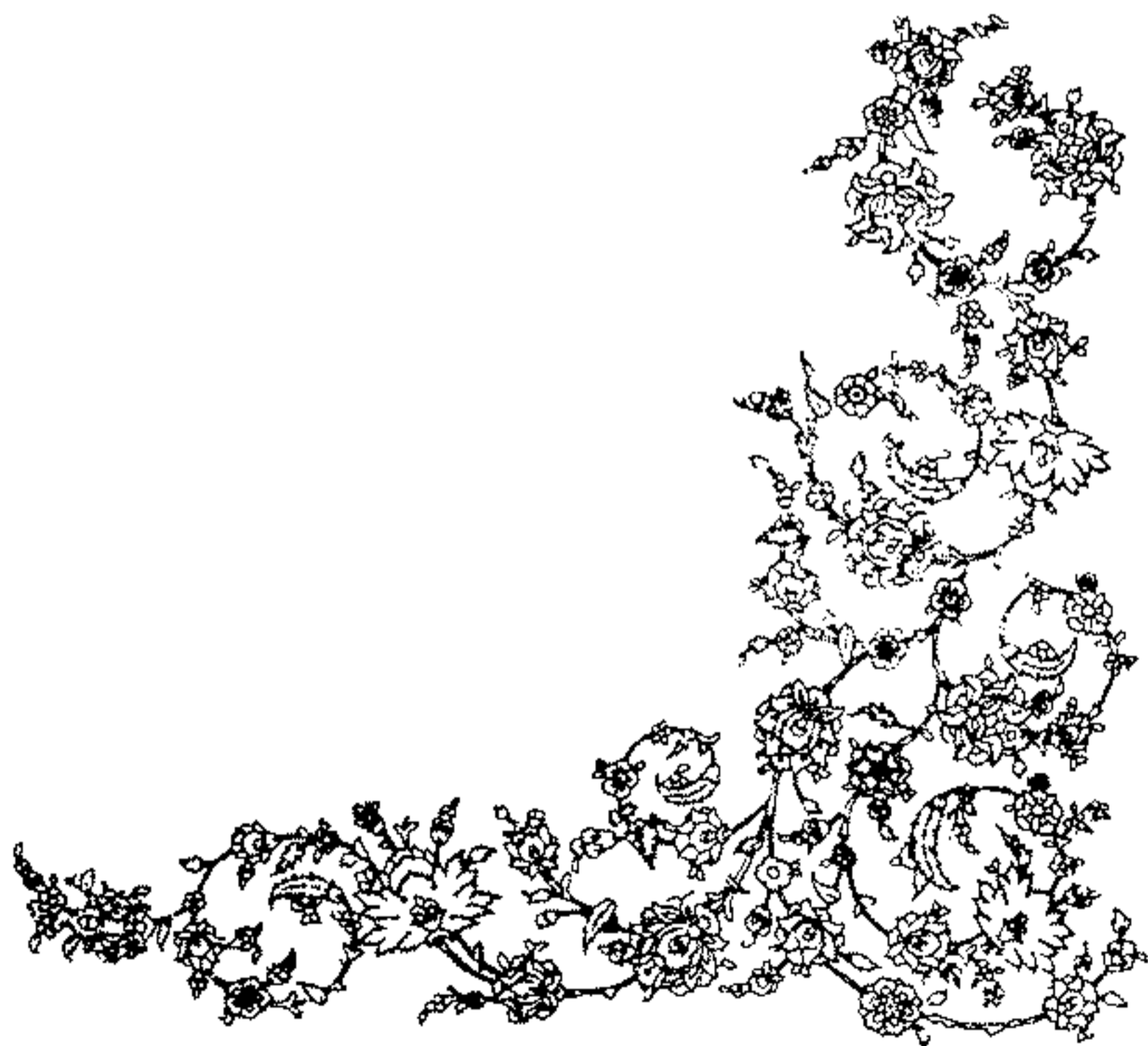
ارواحِ حالہ الفداء

مرحوم آیت اللہ حاج شیخ محمد خادمی شیرازی





لب بجا تا همه شکر خوردند
ز آب دهانت طب تر خوردند



خادمی شیرازی، محمد، ۱۳۰۶ -
مجموعه سخنان، توقیعات، ادعیه حضرت بقیة الله / محمد خادمی شیرازی - قم: رسالت،
۱۳۷۷.
۳۲۰ ص.

ISBN: 964 - 6838 - 01 - 4

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار).

عنوان دیگر: سخنان حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء.

چاپ قبلی: الغدیر، ۱۳۶۸.

چاپ دوم.

۱. محمد بن حسن (هج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق. توقیعات: ۲. دعاها. ۳. مهدویت.

۴. احادیث شیعه. الف. عنوان. ب. عنوان: سخنان حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء.

۲۹۷ / ۹۵۹

BP۵۱ / ۲ / ۲۳ خ

۱۳۷۷

۱۷۶۶۴ - ۷۷ م

کتابخانه ملی ایران



مؤسسه انتشارات رسالت

قم - تلفن ۹۳۴۸۳۵

مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء

محمد خادمی شیرازی

چاپ دوم / زمستان ۱۳۷۷

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه / ۳۲۰ صفحه وزیری

چاپخانه: سپهر

شابک: ۹۶۴ - ۶۸۳۸ - ۰۱ - ۴

ISBN: 964 - 6838 - 01 - 4

حق چاپ محفوظ است

مجموعہ

نحمان، توقیعات و ادعیہ

حضرت یحییٰ علیہ السلام

ارواحِ حالہ الفداء

محمد خادمی شیرازی

مشہد مقدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَأَلِهِ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا الْأَمَامِ الْمُبِينِ وَالْكَهْفِ الْحَصِينِ وَ
غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَكِينِ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى الْمَخْلُوقِينَ وَ
وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ
تَعَالَى لَهُ الْفَرَجَ وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ وَمُخَالَفِيهِمْ
وَمُنْكَرِي فَضَائِلِهِمْ وَمَنَاقِبِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ
الَّذِينَ.

پیشگفتار

سخنان ناگفته و درهای ناسفته فراوانی پیرامون: گفتارها، نوشتارها، نیایشها و دیگر معارف وارده از پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء هست، که لازم است مرزداران دین و مرزبانان آئین، با تأسیس دانشکده‌ها و پژوهشکده‌ها، مسائل فقهی، عقیدتی، اخلاقی، اجتماعی و دیگر جنبه‌های حیاتی نهفته در توقیعات شریفه و بیانات منیفة آن مصدح آسمانی را بررسی نموده، نتایج حاصله را در اختیار حوزه‌ها، دانشگاهها و دیگر مراکز علمی و طبقات شیفته و دل‌باخته حضرتش قرار دهند.

مواد خام این تحقیق و کنکاش در مجامع حدیثی و منابع روایی آمده، ناقلان آثار و راویان اخبار، تعداد فراوانی از توقیعات شریفه و بیانات منیفة آن حضرت را در آثار ارزشمند خود آورده‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

- ۱ - شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ هـ. ۵۲ توقیع شریف، تحت عنوان: « ذکر التوقیعات الواردة عن القائم علیه السلام ». (۱)
- ۲ - شیخ مفید متوفای ۴۱۳ هـ. ۲۴ توقیع و گفتار، تحت عنوان: « طرف من دلائل صاحب الزمان علیه السلام ». (۲)
- ۳ - شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ هـ. ۱۰ توقیع شریف، تحت عنوان: « بعض توقیعات الحجّة علیه السلام ». (۳)
- ۴ - عمادالدین ابن حمزه، محمد بن علی طوسی، از بزرگان سده ششم هجری، سی گفتار معجزآسا، تحت عنوان: « فی بیان ظهور آیاته علیه السلام ». (۴)

۱ - کمال الدین: ۲ / ۴۲۸ - ۵۲۲، چاپ تهران.

۲ - ارشاد مفید: ۲ / ۳۵۵ - ۳۶۷، چاپ ۱۴۱۳ هـ. ق.م.

۳ - غیبت شیخ طوسی: ۳۷۳ - ۴۱۷، چاپ ۱۴۱۱ هـ. ق.م.

۴ - الثاقب فی المناقب: ۵۸۴ - ۶۱۵، چاپ ۱۴۱۱ هـ. ق.م.



- ۵ - ابومنصور طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، از اعلام قرن ششم، ۲۳ توقیع شریف، تحت عنوان: «احتجاجات الامام المهدي المنتظر عليه السلام». (۱)
- ۶ - امین الاسلام طبرسی، فضل بن حسن، صاحب مجمع البیان، متوفای ۵۴۸ هـ. ۲۸ توقیع تحت عنوان: «بعض ما خرج من توقیعاته». (۲)
- ۷ - فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ هـ. ۲۲ توقیع، تحت عنوان: «مکاتیب الامام المنتظر». (۳)
- ۸ - علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. ۲۳ توقیع تحت عنوان: «ما خرج من توقیعاته عليه السلام». (۴)
- ۹ - صاحب مکیال، میرزا محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ هـ. ۱۱۲ فقره از نیایشهای وارده پیرامون دعا برای تعجیل در امر فرج. (۵)
- ۱۰ - علامه قزوینی، سید محمد کاظم، متوفای ۱۴۱۵ هـ. ۲۳ خطبه و توقیع، تحت عنوان: «نشاطات الامام المهدي عليه السلام». (۶)
- ۱۱ - آیه الله صافی، حاج شیخ لطف الله - معاصر - ۱۳ دعا تحت عنوان: «بعض الأدعية المأثورة عنه عليه السلام». (۷)
- ۱۲ - گروه نویسندگان، ۴۲ توقیع و حدیث، تحت عنوان: «توقیعات الامام المهدي عليه السلام». (۸)

* * *

اینها نمی از یم و اندکی از منابع بی شماری بود که بخشی از فصول آنها به

- ۱ - احتجاج طبرسی: ۲ / ۴۶۱ - ۴۹۹، چاپ ۱۴۰۱ هـ. بیروت.
- ۲ - اعلام الوری: ۲ / ۲۵۵ - ۲۷۲، چاپ ۱۴۱۷ هـ. تهران.
- ۳ - معادن الحکمة: ۲ / ۲۷۵ - ۳۲۰، چاپ ۱۳۸۸ هـ. تهران.
- ۴ - بحار الانوار: ۵۳ / ۱۵۰ - ۱۹۷، چاپ ۱۳۸۴ هـ. تهران.
- ۵ - مکیال المکارم: ۲ / ۲ - ۱۰۳، چاپ ۱۳۹۸ هـ. قم.
- ۶ - الامام المهدي من المهد الى الظهور: ۲۴۲ - ۳۴۰ و ۵۰۰ - ۵۱۷ چاپ ۱۴۰۵ هـ. بیروت.
- ۷ - منتخب الأثر: ۵۱۹ - ۵۲۵، چاپ ۱۳۷۳ ش. تهران.
- ۸ - معجم احادیث المهدي: ۴ / ۲۷۵ - ۳۵۱، چاپ ۱۴۱۱ هـ. قم.



گفتارها و نوشتارهای آن حضرت اختصاص یافته است و اما کتابهایی که مستقلاً در این رابطه به رشته تحریر در آمده، بسیار است، که با عناوین برخی از آنها در اینجا آشنا می شویم:

- ۱ - تَوَقِيعُ النَّاحِيَةِ الْمَقْدَسَةِ، از مؤلف ناشناخته، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران موجود است. (۱)
- ۲ - تَوَقِيعَاتُ إِمَامِ ثَانِي عَشَرَ، از علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ هـ. چاپ سنگی ۱۳۱۳ هـ. بمبئی، ۸۸ صفحه رفعی.
- ۳ - تَوَقِيعَاتُ حَضْرَتِ قَائِمٍ عَلَيَّهِ السَّلَامُ، از مؤلف ناشناخته، چاپ سنگی، بمبئی. (۲)
- ۴ - تَوَقِيعَاتُ مَقْدَسَةِ، از جعفر وجدانی - معاصر - چاپ ۱۳۹۸ هـ. تهران، ۹۰ صفحه رفعی.
- ۵ - الرِّسَائِلُ وَ التَّوَقِيعَاتُ، از عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری عَلَيَّهِ السَّلَامُ. (۳)
- ۶ - رِسَالَةُ مَهْدَوِيَّةٍ، از سید علی محمد بن سید محمد نقوی، مشهور به تاج العلماء، متوفای ۱۳۱۲ هـ. به زبان اردو.
- ۷ - رِسَالَةُ مَهْدَوِيَّةٍ، از مؤلف ناشناخته، چاپ هند، به زبان اردو. (۴)
- ۸ - سَخْنَانَ حَضْرَتِ مَهْدِي عَلَيَّهِ السَّلَامُ، از استاد حاج میرزا عمران علیزاده - معاصر - چاپ ۱۴۰۴ هـ. قم، ۶۴ صفحه جیبی.
- ۹ - الصَّحِيفَةُ الْمُبَارَكَةُ الْمَهْدِيَّةُ، از سید مرتضی مجتهدی سیستانی - معاصر - چاپ ۱۴۱۹ هـ. قم، ۷۵۹ صفحه وزیری.
- ۱۰ - الصَّحِيفَةُ الْقَائِمِيَّةُ، از شیخ فضل الله نوری، مستشهد ۱۳۲۷ هـ. (۵)

۱ - کتابنامه حضرت مهدی عَلَيَّهِ السَّلَامُ: ۱ / ۲۵۸، فهرست مجلس: ۱ / ۷۸۰.

۲ - کتابنامه: ۱ / ۲۵۸، فهرست مشار: ۱ / ۹۷۱.

۳ - کتابنامه: ۱ / ۳۹۰، فهرست شیخ طوسی: ۱۳۲.

۴ - کتابنامه: ۱ / ۴۱۰، الذریعه: ۱۱ / ۲۲۶.

۵ - کتابنامه: ۲ / ۴۸۶، تکملة نجوم السماء: ۲ / ۲۶۶.



- ۱۱ - الصّحيفة المهدویّة، از میرزا محمّد بن رجبعلی تهرانی، شامل ۶۰ دعاء، به سال ۱۳۵۸ هـ. از تألیف آن پرداخته است. (۱)
- ۱۲ - الصّحيفة المهدویّة و القائمیّة، از مؤلف ناشناخته، که نسخه خطی آن به خط مؤلف در کتابخانه مرحوم آیت الله مرعشی به شماره ۱۰۴۱۴ موجود است. (۲)
- ۱۳ - صحیفة المهدی علیه السلام، از خطیب توانا، حاج شیخ عیسی سلیم پور اهری - معاصر - چاپ ۱۴۰۶ هـ. قم، ۱۲۰ صفحه وزیری.
- ۱۴ - صحیفة المهدی علیه السلام، از جواد قیومی اصفهانی - معاصر - چاپ ۱۳۷۳ ش. قم، ۳۸۹ صفحه وزیری.
- ۱۵ - الصّحيفة الهادیة و التّحفة المهدیّة، از ابراهیم بن محسن کاشانی، چاپ سنگی ۱۳۱۸ هـ. با تقریظی از مرحوم آیت الله حاج سید اسماعیل صدر، متوفای ۱۳۳۸ هـ. ۲۵۸ صفحه رفعی.
- ۱۶ - قرب الاسناد الی صاحب الأمر علیه السلام، از ابوالعبّاس عبدالله بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام (۳)
- ۱۷ - کلمة الامام المهدی علیه السلام، از حاج سید حسن شیرازی، مستشهد ۱۴۰۰ هـ. چاپ ۱۴۰۴ هـ. ۵۹۱ صفحه وزیری.
- ۱۸ - ترجمه کلمة الامام المهدی، ترجمه کتاب فوق، از دکتر سید حسن افتخارزاده - معاصر - جلد اول شامل توفیعات چاپ ۱۴۰۷ هـ. تهران، ۷۰۲ صفحه وزیری.
- ۱۹ - المختار من کلمات الامام المهدی علیه السلام، از استاد علامه حاج شیخ محمّد غروی - معاصر - شامل ۵۰۰ فراز از کلمات درربار حضرت با شرح و تفصیل، در سه مجلد، چاپ ۱۴۱۴ هـ. قم، ۱۹۶۳ صفحه وزیری.
- ۲۰ - مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله ارواحنا فداء (کتاب حاضر).

۲ - کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام: ۲ / ۴۸۷.

۱ - الذریعة: ۱۵ / ۲۴.

۳ - کتابنامه: ۲ / ۵۷۰، رجال نجاشی: ۲۲۰.



مؤلف بزرگوار درست ده سال پیش در ایام اقامت محدودشان در مشهد مقدس این اثر ارزشمند را به رشته تحریر درآوردند، ۲۶ توفیق شریف، ۱۶ گفتار و ۲۲ نیایش، از منابع مورد اعتماد و استناد، همراه با ترجمه روان در آن گردآوردند و اینک خوشوقتیم که چاپ جدید آن بسان ران ملخی به شیعیان شیفته و دوستان دلسوخته آن سنیمان زمان تقدیم می‌گردد.

برای جلب نظر خوانندگان گرامی به اهمیت ویژه این اثر و دیگر آثاری که در این رابطه منتشر شده، به خاطره جالبی اشاره می‌کنیم:

در میان خاورشناسان بیشماری که به دلایل گوناگون در پیرامون اسلام و تشیع به بحث و کنکاش پرداخته‌اند، پرفسور: «هنری کربن» جایگاه خاصی دارد. وی از افراد معدودی بود که همه ساله برای بهره‌وری از دانش بیکران اهل بیت علیهم‌السلام به ایران می‌آمد، به محضر علمای اعلام می‌رسید و از خرمن ناپیدا کرانه معارف اهل بیت خوشه‌چینی می‌کرد.

او روزهای تعطیلی به محضر مفسر کبیر قرآن علامه طباطبائی رحمته‌الله می‌رفت و حقایق فراوانی پیرامون قرآن و عترت از محضر آن دانشمند فرزانه فرا می‌گرفت و به عنوان گنج پربهائی به کشورهای غربی به ارمغان می‌برد.

او در محضر فیلسوف بزرگ شرق، آن چنان با شخصیت والای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه آشنا شد که در شب نیمه شعبان ۱۳۵۳ ش. خطابه پرشوری از تلویزیون فرانسه ایراد کرد که اعجاب همگان را برانگیخت و در بسیاری از مطبوعات جهان منعکس گردید.

در ایام ارتحال دانشمند فرزانه مرحوم حاج سید حسن الهی، مرحوم علامه طباطبائی برای شرکت در مجالس ترحیم برادر بزرگوارش به تبریز آمده بود، روزی در محفل علمای تبریز که برای عرض تسلیت به محضر ایشان رسیده بودند، از پرفسور هنری کربن سخن به میان آمد، علامه فرمودند:

من روزی از هنری کربن پرسیدم: آیا شما دعاهای پیش ساخته‌ای دارید که در کلیسا و دیگر مواقع نیایش از آنها استفاده کنید، یا هرکسی به ذوق خود و با زبان خود در مقابل خداوند منان به نیایش برمی‌خیزد؟ او در پاسخ گفت:



هر دو هست، هم دعاهای پیش ساخته داریم و هم هر فرد مسیحی در حدّ
 بینش و سطح دانش خود، با آفریدگارش نیایش می‌کند. آنگاه افزود:
 ولی من دعاهای حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه را در دفتر کوچکی یادداشت
 کرده‌ام و به هنگام نیایش آنها را از روی دفتر می‌خوانم، زیرا من معتقد هستم که او
 تنها حجّت پروردگار در این زمان است و هرکسی باید به هنگام نیایش از دعاهای
 صادره از آن قطب عالم امکان استفاده کند و با زبان آن حضرت با خدایش به
 نیایش پردازد.

بسیار جالب است که یک خاورشناس مسیحی در قلب اروپا نیایشهای
 حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه را اسوه و الگوی خود قرار می‌دهد ولی بسیاری از
 شیعیان دلسوخته حضرتش حتی یک نیایش از مولا و مقتدای خود بلد نیستند!!
 وه چه زیبا گفته سعدی شیرازی:

«دوران با بصر در حضور و نزدیکان بی بصر دور».

فراموش نمی‌کنم که وقتی این مطلب را با برادر ارزشمندم دکتر اسماعیل
 مصباح‌زاده بازگو کردم، فرمودند: من نیز نسخه‌ای از کتاب «صحیفة المهدی» را با
 خود به لندن برده‌ام و هر روز یکی از نیایشهای حضرت ولی عصر صلوات الله علیه را
 بعد از نماز صبح می‌خوانم.

این نکته را از این جهت یادآور شدم که خوانندگان گرامی مجموعه‌های
 گردآمده پیرامون فرمایشات حضرت بقیّة‌الله ارواحنا فداه را قدر بدانند، به یکبار
 مطالعه بسنده نکنند، بلکه در کنار قرآن و صحیفة سجّادیه فرارش دهند و همه
 روزه از فیوضات بیکران سخنان گهربار حجّت پروردگار بهره بگیرند، و به هنگام
 نیایش مؤلف، ناشر، مصحح و دیگر دست اندرکاران طبع و نشر این اثر ارزشمند را
 از دعای خیر فراموش نفرمایند.

غرّة ذیقعدة الحرام ۱۴۱۹ هـ.

سالروز میلاد مسعود کریمه اهل بیت حضرت معصومه علیها السلام

حوزه علمیه قم - علی اکبر مهدی پور



مقدمه

همه ارادتمندان خاندان عصمت و طهارت سلام الله عليهم اجمعين علاقمندند که از سخنان حیات بخش مصلح واقعی جهان حضرت ولی الله الاعظم حجة بن الحسن العسكري روحی لثراب مقدمه الفداء تا اندازه‌ای آگاهی یافته، فرمایشات روح بخش آن سرور را وسیله تقویت بنیه و نیروی ایمان و عقیده خویش قرار دهند، بویژه آن گروه از شیعیان آن حضرت که در آتش هجران می‌سوزند و در انتظار قیامت بسر می‌برند و همه چیز را در سایه قیام شکوهمند آن مولای عزیز می‌دانند؛ بندگان صالح خداوند که در انتظار پیاده شدن حکومت عدل گستر آن پیشوای محبوب آسمانی هستند و می‌دانند که خداوند به وعده خود وفا خواهد کرد و نماینده عزیز و آخرین سفیر خویش را بر جهان هستی غالب نموده، به دست توانای وی ریشه ستمگران را از بیخ و بن بر خواهد کند.

آری، همه تشنه نوشیدن آب گوارائی هستند که قرآن کریم آن را وعده فرموده است (قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ) و همه می‌خواهند از سخنان زندگی بخش امام عزیز خود استفاده نمایند.



بنابراین به خواست خداوند و عنایات کریمانه حضرتش، در این کتاب دلباختگان و سوختگان در آتش فراقش را به یاد فرمایشات آن مصلح بزرگ آسمانی از لحظه اول ولادت تا روزهای اول ظهورش می‌اندازیم و از پیشگاه مقدس آن حضرت استدعا داریم که توفیق بهره‌برداری عملی از راهنماییهای آن محبوب برجسته آسمانی و نیز آمادگی خدمت در دولت کریمه اش را به ما عنایت فرماید. به امید رسیدن به این آرزو و هدف مقدس و درک حکومت دادگسترش در سراسر جهان هستی.

نکته قابل ذکر اینکه بزرگان علم حدیث رضوان الله علیهم اجمعین قبل از این حقیر به نحو احسن و اکمل و به بهترین وجهی از بیانات حیاتبخش آن قائد آسمانی استفاده نموده و دیگران را نیز بهره‌مند ساخته‌اند. بنابراین در این کتاب از خرمن علمی علما و بزرگان شیعه رضوان الله علیهم اجمعین استفاده شده است و نگارنده چیز تازه‌ای نیاورده‌ام که تقدیم حضور دوستان امام عصر روحی له الفداء کنم و صرفاً این کتاب مشتمل بر دو خصوصیت و ویژگی است:

اول آنکه تا کنون مجموعه سخنان دربار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از لحظات قبل از ولادت تا روزهای اول ظهور در یک کتاب جمع‌آوری نشده است و علمای ما در کتب معتبره مشروحاً ولی به صورت پراکنده آن را بیان فرموده‌اند (جزاهم الله خیراً).

دوم آنکه مجموعه کلمات آخرین حجت خداوند و زنده کننده جهان هستی، با ترجمه فارسی و بعضاً با شرح مختصر و نیز درباره ابعاد زندگی پرفروغ حضرت خاتم اوصیاء و روحی له الفداء (بویژه در مورد برنامه‌های دولت کریمه آن حضرت) در اختیار برادران و خواهرانی که مایه علمی زیادی ندارند، قرار نگرفته است.

بنابراین امید است علاقمندان آن سرور با در نظر گرفتن «انظروا الی ما قال ولا تنظروا الی من قال» از این کتاب بهره‌وفی برده، همیشه خود را در خدمت امام زمان خویش ببینند و غیبت نتواند به صورت پرده‌ای درآید و آنان را از خدمت مولای عزیزشان دور کند.

اکنون باهم به سراغ زندگانی پر از اعجاز آن حضرت می‌رویم. آری، ما در فصول مختلفه زندگی آن امام معصوم پیوسته قدرت بینهایت خداوندی را در مقابل خویش می‌بینیم. ان شاء الله آن مصلح بزرگ درآینده بسیار نزدیک به امر خداوند و استعانت از قدرت بی‌پایانش جهان را قبضه کرده، مقررات حیاتبخش قرآن کریم را در سراسر گیتی به مرحله اجرا درخواهد آورد.

اینک از لحظاتی قبل از ولادت حضرتش در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری به یاد آن یوسف عزیز از نظر پنهان به گفتگومی نشینیم.

چون میسر نیست بر من کام او عشقبازی می‌کنم با نام او

ضمناً از نظر اهمیت موضوع و لزوم پاسخگویی به افراد بهانه جو و یا ناآگاه و کسانی که در شناخت وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء و عجل الله تعالی له الفرج ضعیف هستند - با اینک در مقدمه کتابهای «نشان‌های ظهور او» و «خورشیدی که طلوع می‌کند» به طور مفصل و مشروح توضیح داده شده است - تکرار این تذکر را در مقدمه کتاب حاضر نیز ضروری می‌دانم و در پاسخ این افراد که چرا این حقیر نوشته‌های خود را به حضرت بقیة الله روحی له الفداء اختصاص داده‌ام به طور اجمال و اختصار مطالبی به عرض می‌رسانم، باشد که مؤمنان را سودمند افتد «وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ» (۱):

۱. حضرت بقیة الله حجت منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام زمان من است.
۲. تمام روایات رسیده از خاندان وحی را در ارتباط با آن سرور گرفته‌ام؛ پس بدین ترتیب همه جا در خدمت آن عزیزان و سروران هستم.
۳. غربت و تنهایی وجود مقدس حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی له الفرج.
۴. غفلت شیعه از امام آسمانی خویش.
۵. تبلیغات زهرآگین دشمنان ولایت.
۶. مسئولیت هر فرد شیعه در ترویج از آن سرور.
۷. ویژگی برنامه آن قائد معظم.
۸. تحولی که در جهان در سایه قیام آن وجود مقدس پدید می‌آید.
۹. ثوابهایی که بر یاد آن بزرگوار و توجه دادن شیعیان به آن امام عزیز و مهربان مترتب است.
۱۰. نیاز مبرم شیعه مخصوصاً منتظران ظهور آن حضرت به اینکه همواره به یاد حضرتش باشند.
۱۱. عنایت و دستگیریهای حیاتبخش آن پدر مهربان از این حقیر.
۱۲. امید به ظهور حضرتش و اینکه نام این حقیر را هم در دفتر علاقمندان و منتظران قیامش امر به ثبت و ضبط فرماید.

آنچه ذکر شد به اضافه صدها دلیل دیگر موجب شده است که آثار قلمی این بنده ناتوان به آن عزیز غایب از نظر اختصاص یابد. از شما خواننده عزیز استدعا دارم که از آن امام به مراتب مهربانتر ازیدرخواستید که قبول فرمایند و اخلاص لطف کنند، چه اگر خدای ناخواسته کوچکترین غلّ و غشی مانند ریا و غیره در آن باشد، وای بر این ناچیز!!

در خانمه چون تألیف و تکمیل این کتاب در دوران تشرّف این حقیر به ارض اقدس رضوی علیه آلاف التّحیّة والثناء بوده است لذا به مقتضای ادب و شکر این نعمت، با نهایت ادب و اظهار عجز و انکسار، با تمسک به قرآن مجید عرض می‌کنم: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^۱.

ای سلطان عالم وجود وای امام مهربان! این هدیه را از غلام روسیاه خویش بپذیر. آری، به احترام حضرت زهراى مرضیه سلام الله علیها و به جان گرامی جواد الائمه، شما را قسم می‌دهم که بپذیرید (عَادَتْكُمْ الْإِحْسَانُ وَسَجَّيْتُكُمْ الْكَرَمَ).

مشهد مقدّس ... خرداد شصت و هفت

محمد خادمی شیرازی





فرمایشات

حضرت یحییٰ علیہ السلام

ارواحاً لاله الفداء

از کلمات قبل از ولادت تا آغاز غیبت صغری

سخن گفتن حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

در رحيم مادر

قَالَتْ حَكِيمَةُ فَلَمَّ أَرَزْنَا أَزْفُوبَهَا إِلَى وَفْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةٌ بَيْنَ
يَدَيْ لَا تَغْلِبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ وَفْتِ طُلُوعِ
الْفَجْرِ وَتَبَتْ فَرْعَةً فَصَمَّمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمَّيْتُ عَلَيْهَا، فَصَاحَ أَبُو
مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَالَ إِفْرَأِي عَلَيْهَا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
فَأَقْبَلْتُ أَفْرَأَ عَلَيْهَا وَقُلْتُ لَهَا مَا حَالُكَ قَالَتْ ظَهَرَ الْأَمْرُ الَّذِي
أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَفْرَأَ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ
مِنْ بَطْنِهَا بِقُرْأَنٍ كَمَا أَفْرَأَ وَسَلَّمْ عَلَيَّ.

حکیمه خاتون می گوید: طبق دستور حضرت عسکری علیه السلام در شب نیمه شعبان همواره مراقب نرجس خاتون بودم. وی در خواب بود و همه چیز به آرامی می گذشت و چون نزدیک طلوع فجر شد، ناگهان (در نتیجه درد شدید) با ناله از جای برخاست. ایشان را به سینه چسبانده، نام خداوند بر او خواندم. در این هنگام حضرت عسکری علیه السلام ندا در دادند که «سوره قدر بر او بخوان»، و من شروع به خواندن آن سوره کردم و شنیدم بچه ای که در شکم اوست با من سوره قدر را تلاوت می کند، و بر من سلام کرد.

سخنان حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

پس از ولادت

قَالَتْ حَكِيمَةُ وَإِذَا أَنَا بِالضَّيْبِ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَاجِدًا عَلَيَّ وَجْهِي جَائِيًا
 عَلَيَّ رُكْبَتَيْهِ رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
 وَخَدُهُ لِأَشْرِيكَ لَهُ وَأَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَّ أَبِي
 أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَيَّ أَنْ بَلَغَ إِلَيَّ نَفْسِي فَقَالَ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ: اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي وَعْدِي وَأَتِمِّمْ لِي أَمْرِي وَتَبِّتْ وَظَاتِنِي
 وَأَمْلَأِ الْأَرْضَ بِي عَدْلًا وَقِسْطًا.^۱

حکیمه خاتون عمه گرامی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می فرماید: وارد اطاق مخصوص نرجس خاتون شدم، نوزادی (علیه السلام) را در حال سجده دیدم و در حالی که دوزانوروی به قبله نشسته و دستهای مبارکش را به سوی آسمان بلند کرده بود، نخست به یگانگی خداوند متعال و نبوت جدش خاتم انبیاء و امامت پدر مکرمش علی مرتضی امیرالمؤمنین و ائمه پس از آن حضرت یکی پس از دیگری شهادت داد و آنگاه برای خودش این گونه دعا فرمود: خداوندا! به وعده ای که به من داده ای، وفا کن و امر قیام مرا تمام فرما. قدمهایم را ثابت بدار و در سایه قیام من، جهان را پر از عدل و داد کن.



مصلح جهان

اروحناله الفداء

در ساعات اولیه ولادت

عَنْ نَسِيمٍ وَمَارِيَةَ أَنَّهُ لَمَّا سَقَطَ صَاحِبُ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ بَطْنِ
أُمِّهِ سَقَطَ جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ فَقَالَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ: زَعَمَتِ الظُّلَمَةُ
أَنَّ حُجَّةَ اللَّهِ دَاحِضَةٌ وَلَوْ أُذِنَ لَنَا فِي الْكَلَامِ لَزَالَ الشُّكُّ.^۱

به طوری که نسیم و ماریه نقل می‌کنند وجود مقدس حضرت مهدی
عجل الله فرجه الشریف بلافاصله پس از تولد از مادر، دو زانو روبه قبله نشسته، در
حالی که انگشتان سبابه را به جانب آسمان بلند کرده بودند عطسه ای کرده،
فرمودند: ستایش و حمد مخصوص ذات پاک خداوند است. و پس از درود بر
جدش حضرت خاتم انبیاء و دودمان گرامی ایشان فرمودند: ستمگران پنداشتند که
حجت خدا از بین رفته است، در حالی که اگر به ما اجازه سخن گفتن داده
می‌شد [از طرف خداوند متعال] هر آینه تمام شکها را از بین می‌بردیم.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند سخن گفتن نوزاد در ابتدای
تولد و ستایش خداوند متعال، معرفی فرستاده او و خاندان مقدس خاتم
پیامبران و اعلام نابودی ستمگران و محورپندارهای باطل آنان با هیچ یک از

قوانین مادی و طبیعی تطبیق ندارد و همگی از خوارق عادت است. آری، این است معنای خلیفه و جانشین خداوند در روی زمین و داشتن ولایت مطلقه الهیه، و بدیهی است که این امر در صورت اراده حضرت حق هیچ گونه استبعادی ندارد و به نص صریح قرآن در مورد حضرت عیسیٰ علی نبیّنا و آله و علیه السلام نیز اتفاق افتاده است که پس از تولد فرمود: «إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا...»^۱



تکلم امام زمان

علیه السلام

هنگام ولادت

عَنْ غِيَاثِ بْنِ أَسَدٍ، قَالَ سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُمَانَ الْعُمَرِيَّ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ يَقُولُ: لَمَّا وُلِدَ الْخَلْفُ الْمَهْدِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ سَطَعَ نُورٌ مِنْ فَوْقِ رَأْسِهِ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ. لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. ۱

از غیاث بن اسد روایت شده که از جناب محمد بن عثمان عمری [که یکی از نواب اربعه امام زمان علیه السلام بوده است] شنیدم که می فرمود: هنگامی که حجت منتظر متولد شدند، نوری از بالای سرشان ساطع گردید و حضرت عرضه می داشتند: خداوندا! به یگانگی تو اعتراف می کنم و گواهی می دهم که ملائکه آسمان و صاحبان علم به عدل و داد قیام می کنند، و نیست خدائی جز او که حکیم و مقتدر است. خداوندا! تنها دینی که نزد تو اعتبار و رسمیت دارد، فقط اسلام است.



سخنان امام عصر

علیه السلام

در لحظات اولیة زندگانی این جهان^۱

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَتَنِي بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
 وَعَلَيْهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَثَمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ حَتَّى وَقَفْتُ
 عَلَيَّ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ تَلَاهُ هَذِهِ الْآيَةَ:
 «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَتُرِيدُونَ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي
 الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
 نُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^۲

وجود مقدس امام زمان سلام الله عليه در این عبارت کوتاه با شهادت به یگانگی خداوند متعال و نبوت خاتم انبیاء و امامت علی بن ابی طالب و فرزندان عزیزش، بشارت تشکیل حکومت حقه الهیه به وسیله بندگان صالح خدای تبارک و تعالی را می دهند و اینکه سرانجام، بندگان خاص خداوند بر فراعنه و جباران غالب خواهند شد و دشمنان خداوند به هر مرحله ای از قدرت که برسند (فرعونیت و امثال آن) سرانجام از میان خواهند رفت.

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴.

۲. قصص / ۶ و ۵.



سخن گفتن حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

در ساعات اولیة ولادت

فَاسْتَوَىٰ وَلِيُّ اللَّهِ جَالِسًا فَمَسَحَ يَدَهُ عَلَىٰ رَأْسِهِ وَقَالَ لَهُ يَا بَتَّىٰ أَنْطِقْ
بِقُدْرَةِ اللَّهِ فَاسْتَعَاذَ وَلِيُّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَاسْتَفْتَحَ:
«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي
الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَ
نُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ»^١ وَصَلَّىٰ عَلَى
رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَىٰ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَاحِدًا وَاحِدًا

عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

الْمُسْتَضْعُونَ فِي الْأَرْضِ الْمَذْكُورُونَ فِي الْكِتَابِ (وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ
عَلَى الَّذِينَ... الخ) الَّذِينَ يَجْعَلُهُمُ اللَّهُ أَئِمَّةً نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ، يَبْعَثُ
اللَّهُ مَهْدِيَهُمْ فَيُعِرُّهُمْ وَيَذِلُّ أَعْدَاءَهُمْ.^٢

حضرتش سراز سجده برداشت. امام حسن عسکری علیه السلام دست مبارکش
را بر سر فرزند عزیزشان کشیدند و فرمودند: «فرزندم! به قدرت الهی سخن بگو».
آنگاه امام عصر علیه السلام پس از استعاذه از شیطان رجیم، با نام خداوند متعال



١. قصص/٦٥ و ٦٦.

٢. بحار الانوار، ج ٥١/ص ١٨.

آغاز به سخن فرموده، آیه شریفه ای را که درباره حکومت عدل پرور جهانی آن حضرت است و بشارت می دهد که سلطنت و حکومت روی زمین از آن بندگان ویژه خداوند است، تلاوت فرموده، سپس بر رسول خدا و امیرالمؤمنین و ائمة معصومین علیهم السلام یکی پس از دیگری درود و صلوات فرستادند.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در معنی آیه شریفه «وَتُرِيدُ...» فرمودند: درباره شیعیان ما است که مهدی آنها قیام می کند و دشمنان آنان را ذلیل می سازد و بر قامت دوستانشان لباس عزت می پوشاند.



سخن گفتن حضرت صاحب الزمان

علیه السلام

در ساعات اولیة ولادت

قال إبراهيم بن محمدٍ وحدثتني نسيمُ خادمُ أبي محمدٍ عليه السلامُ
 قالت: قال لي صاحبُ الزمانِ عليه السلامُ وقد دخلتُ عليه بعدَ مولدهِ
 بليَّةٍ فعطسْتُ عندهُ فقالَ لي يرحمُك اللهُ. قالتُ نسيمُ فقريحتُ بذلكِ
 فقالَ لي عليه السلامُ: ألا أبشركَ في العطاسِ فقلتُ بلى قالَ هو أمانٌ
 من الموتِ ثلاثةَ أيامٍ

نسیم خدمتکار حضرت امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: یک شب پس از ولادت حضرت صاحب الزمان علیه السلام برآن حضرت وارد شدم و هنگامی که در خدمت ایشان بودم عطسه ای نمودم. بلافاصله حضرت فرمودند: «یرحمک الله» (خداوند ترا رحمت فرماید) و من از این موضوع خوشحال و شاد شدم. سپس حضرت فرمودند: آیا می خواهی از خاصیت و اهمیتتی که در عطسه است ترا بشارت دهم؟ عرض کردم: بفرمائید. فرمودند: عطسه تا سه روز امان از مرگ است یعنی عطسه کننده حتماً تا سه روز زنده است.

● البته علت خوشحالی نسیم خدمتکار حضرت از سخن گفتن نوزاد یک روزه، آن هم در ارتباط با یک مسأله اخلاقی و دستور مستحب و احترام به مؤمن، بر خوانندگان گرامی پوشیده نیست.





سخنان امام عصر

روحي له الفداء

در خدمت پدر بزرگوارشان

خطاب به احمد بن اسحق و سعد بن عبدالله اشعري قمي



سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْقُمِيُّ الْأَشْعَرِيُّ، قَالَ بُلِيتُ بِأَسَدِ النَّوَاصِبِ مُنَازَعَةً
فَقَالَ لِي يَوْمًا بَعْدَ مَا نَاطَرْتُهُ:

تَبَا لَكَ وَلَا ضَحَابِكَ، أَنْتُمْ مَعَاشِرَ الرَّوَافِضِ تَقْصِدُونَ الْمُهَاجِرِينَ
وَالْأَنْصَارَ بِالظَّنِّ عَلَيْهِمْ وَبِالْجُحُودِ لِمَحَبَّةِ النَّبِيِّ لَهُمْ، فَالْصِّدِيقُ هُوَ
فَوْقَ الصَّحَابَةِ بِسَبَبِ سَبْقِ الْإِسْلَامِ. أَلَا تَعْلَمُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّمَا ذَهَبَ بِهِ لَيْلَةَ الْعَارِ لِأَنَّهُ خَافَ عَلَيْهِ كَمَا خَافَ عَلَيَّ
نَفْسِهِ وَلَمَّا عَلِمَ أَنَّهُ يَكُونُ الْخَلِيفَةَ فِي أُمَّتِهِ وَآرَادَ أَنْ يَصُونَ نَفْسَهُ كَمَا
يَصُونَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَاصَّةً نَفْسِهِ كَيْ لَا يَخْتَلَّ حَالُ الدِّينِ مِنْ بَعْدِهِ
وَيَكُونَ الْإِسْلَامُ مُنْتَظَمًا وَقَدْ أَقَامَ عَلَيًّا عَلِيًّا فِرَاشِهِ لِمَا كَانَ فِي عِلْمِهِ
أَنَّهُ لَوْ قُتِلَ لَا يَخْتَلُّ الْإِسْلَامُ بِقَتْلِهِ لِأَنَّهُ يَكُونُ مِنَ الصَّحَابَةِ مَنْ يَقُومُ
مَقَامَهُ لَا جَرَمَ لَمْ يُبَالِ مِنْ قَتْلِهِ.

قَالَ سَعْدٌ إِنِّي قُلْتُ عَلِيٌّ ذَلِكَ أَجْوِبَةٌ لِكِنَّهَا غَيْرُ مُسْكِنَةٍ.
ثُمَّ قَالَ مَعَاشِرَ الرَّوَافِضِ تَقُولُونَ إِنَّ «الْأَوَّلَ وَالثَّانِيَّ» كَانَا يُنَافِقَانِ،
وَتَسْتَدِلُّونَ عَلَيَّ ذَلِكَ بِلَيْلَةِ الْعَقَبَةِ. ثُمَّ قَالَ لِي: أَخْبِرْنِي عَنْ
إِسْلَامِهِمَا، كَانَ مِنْ ظُوعٍ وَرَغْبَةٍ أَوْ كَانَ مِنْ إِكْرَاهٍ وَاجْبَارٍ؟



سعد بن عبدالله قمی اشعری گوید: روزی مرا با یکی از نواصب (لعنة الله عليه) و دشمنان سرسخت حضرت امیرالمؤمنین سلام الله عليه اتفاق صحبت و مناظره افتاد تا بحث ما به جایی رسید که به من گفت: مرگ بر تو و اصحاب تو! شما رافضیها (شیعیان) مهاجران را نکوهش می‌کنید و محبت حضرت رسول اکرم صلی الله عليه وآله را نسبت به آنها انکار می‌کنید و حال آنکه ابوبکر به جهت سبقت در اسلام و افتخار همراهی با آن حضرت در غار، از همه دیگر اصحاب آن حضرت برتر است و پیامبر بزرگ همان گونه که بر جان خود می‌ترسید در مورد او هم نگران بود، زیرا می‌دانست که ابوبکر پس از او خلیفه امت اسلامی خواهد شد و اگر زنده باشد امر اسلام منظم و در صورتی که کشته شود امر اسلام مختل خواهد شد؛ در حالی که همان شب علی [عليه السلام] را در رختخواب خود خواباند، زیرا می‌دانست اگر علی [عليه السلام] کشته شود امر اسلام مختل نمی‌شود و در میان صحابه کسانی که جانشین او باشند، هستند.

سعد بن عبدالله می‌گوید: البته به او جوابهایی دادم، ولی ساکت نشد.

سپس آن مرد ناصبی به من گفت: شما رافضیها (شیعیان) می‌گوئید اولی و دومی (ابوبکر و عمر) منافق اند و در این مورد به ماجرای شب «عقبه» استدلال می‌کنید. آیا به نظر شما اسلام آن دو نفر از روی رضا و رغبت بوده یا با اکراه و اجبار ایمان آورده اند؟

فَاخْتَرْتُ عَنْ جَوَابِ ذَلِكَ وَقُلْتُ مَعَ نَفْسِي إِنْ كُنْتُ أَحْبَبْتُهُ بِأَنَّهُ كَانَ
عَنْ طُلُوعِ قَبُولِهِ لَا يَكُونُ عَلَيَّ هَذَا الْوَجْهِ إِيمَانُهُمَا عَنْ نِفَاقٍ وَإِنْ قُلْتُ
كَانَ عَنْ إِكْرَاهٍ وَإِجْبَارٍ، لَمْ يَكُنْ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ لِإِسْلَامِ قُوَّةٌ حَتَّى
يَكُونَ إِسْلَامُهُمَا بِإِكْرَاهٍ وَقَهْرٍ.

فَرَجَعْتُ عَنْ هَذَا الْخُضْمِ عَلَيَّ حَالٍ يَنْقَطِعُ كَبِدِي فَأَخَذْتُ طُومَارًا
وَكَتَبْتُ بَعْضًا وَأَرْبَعِينَ مَسْئَلَةً مِنَ الْمَسَائِلِ الْغَامِضَةِ الَّتِي لَمْ يَكُنْ
عِنْدِي جَوَابُهَا فَقُلْتُ أَدْفَعُهَا إِلَى صَاحِبِ مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ
عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ الَّذِي كَانَ فِي قَوْمِ - أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ - فَلَمَّا
ظَلَبْتُهُ كَانَ هُوَ قَدْ ذَهَبَ فَمَشَيْتُ عَلَيَّ آثِرُهُ فَأَذْرَكْتُهُ وَقُلْتُ الْحَالُ مَعَهُ
فَقَالَ لِي: جِئْ مَعِيَ إِلَى سُرْمَنْ رَأَى حَتَّى نَسْأَلَ عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ
مَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. فَذَهَبْتُ مَعَهُ إِلَى سُرْمَنْ رَأَى ثُمَّ
جِئْنَا إِلَى بَابِ دَارِ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَاسْتَأْذَنَّا عَلَيْهِ فَادْنَى لَنَا فَدَخَلْنَا
الدَّارَ وَكَانَ مَعَ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ جِرَابٌ قَدْ سَرَّهُ بِكِسَاءٍ ظَبْرِيٍّ وَكَانَ
فِيهِ مِائَةٌ وَسِتُّونَ صُرَّةً مِنَ الذَّهَبِ وَالْوَرَقِ، عَلَيَّ كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا
خَاتَمٌ صَاحِبِيهَا الَّذِي دَفَعَهَا إِلَيْهِ.

وَلَمَّا دَخَلْنَا وَقَعَ أَعْيُنُنَا عَلَيَّ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
كَانَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةً الْبَدْرِ وَقَدْ رَأَيْنَا عَلَيَّ فَاخَذَهُ غُلَامًا يُشْبِهُ الْمُشْتَرِيَّ
فِي الْحُسْنِ وَالْجَمَالِ، وَكَانَ عَلَيَّ رَأْسُهُ ذُو ابْتَانٍ وَكَانَ بَيْنَ يَدَيْهِ رِقَابٌ
مِنَ الذَّهَبِ قَدْ حُلِيَ بِالْفُضُوصِ وَالْجَوَاهِرِ الثَّمِينَةِ قَدْ أَهْدَاهُ وَاحِدٌ
مِنْ رُؤَسَاءِ الْبَصْرَةِ وَكَانَ فِي يَدِهِ قَلَمٌ يَكْتُبُ بِهِ شَيْئًا عَلَيَّ فِرطَائِسَ
فَكُلَّمَا أَرَادَ أَنْ يَكْتُبَ شَيْئًا أَخَذَ الْغُلَامُ يَدَهُ فَأَلْقَى الرُّمَانَ حَتَّى يَذْهَبَ

سعد بن عبدالله اضافه می‌کند که از پاسخ بدین سؤال احتراز کرده، با خود گفتم اگر بگویم آندو با رضا و رغبت ایمان آوردند، خواهد گفت پس نمی‌توان آنها را منافق دانست و اگر بگویم در نتیجه ترس و اجبار دین مقدس اسلام را پذیرفته‌اند در آن زمان اسلام چنین قدرتی که کسی به اکراه و اجبار به آن ایمان بیاورد نداشت.

به هر صورت، در حالی که نزدیک بود. قلبم از حرکت باز ایستد از وی فاصله گرفتم و متعاقباً طی نامه ای تعداد چهل و چند مسأله را که جوابی برای آنها نداشتیم و بر من مشکل شده بود، نوشته، با خود گفتم از جناب احمد بن اسحاق نماینده حضرت عسکری علیه السلام سؤال خواهم کرد، و پس از اینکه برای ملاقات با ایشان رفتم معلوم شد که به سوی سامراء حرکت کرده‌اند. من نیز به راه افتادم و در بین راه ایشان را دیده، ماجرا را با وی در میان گذاشتم. فرمودند: با من به سرمن رأی بیا تا این مسائل را از مولایمان حضرت عسکری علیه السلام بپرسیم. من نیز همراه ایشان به سرمن رأی رفتم و چون بدانجا رسیدیم به خانه حضرت عسکری علیه السلام رفتیم و پس از کسب اجازه توفیق شرفیابی دست داد.

احمد بن اسحاق با خود ظرفی (خورجین و مانند آن) داشت که در آن یکصد و شصت بدره طلا بود و به کسانی تعلق داشت که به ایشان داده بودند تا به امام حسن عسکری علیه السلام برساند و بر سر هر یک مهر صاحب پول منقوش بود. هنگامی که وارد منزل حضرت امام حسن عسکری علیه السلام شدیم، جمال مبارک آن حضرت را که چون ماه شب چهارده می‌درخشید و پسر کوچکی که در حسن و جمال همانند ستاره مشتری و روی زانوی حضرتش نشسته بود، زیارت کردیم. بر سر مبارک آن حضرت و در جلوی ایشان یک گوی طلائی که به جواهرات قیمتی آراسته و یکی از بزرگان بصره به آن حضرت هدیه کرده بود، قرار داشت. حضرت امام حسن عسکری علیه السلام قلمی در دست مبارکش بود و بر روی کاغذ چیزی می‌نوشتند و گاهی که اراده می‌فرمودند مطلبی را بنویسند و فرزند عزیزشان قلم را از دست پدر بزرگوار می‌گرفتند، امام علیه السلام آن گوی را به طرفی می‌انداختند و چون وجود عزیز حضرت مهدی روحی له الفداء برای

الْغُلَامُ إِلَيْهِ وَيَجِيءُ بِهِ فَلَمَّا تَرَكَ يَدَهُ يَكْتُبُ مَا شَاءَ.

ثُمَّ فَتَحَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْكِسَاءَ وَوَضَعَ الْجِرَابَ بَيْنَ يَدَيْ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَتَنَظَرَ الْعَسْكَرِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْغُلَامِ فَقَالَ فَضَّ الْخَاتَمَ عَنْ هَدَايَا شَيْعَتِكَ وَمَوَالِكَ. فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ، أَيَجُوزُ أَنْ أَمُدَّ يَدًا طَاهِرَةً إِلَى هَدَايَا نَجِسَةٍ وَأَمْوَالٍ رَجِسَةٍ؟ ثُمَّ قَالَ يَا بَنِي إِسْحَاقَ أَخْرِجْ مَا فِي الْجِرَابِ لِيُمِيزَ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ ثُمَّ أَخْرَجَ (صُرَّةً) فَقَالَ الْغُلَامُ هَذَا «لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ» مِنْ مَحَلَّةٍ (كُذِّبَ) بِقِيمٍ مُشْتَمِلٍ عَلَى اثْنَيْنِ وَسَبْعِينَ دِينَارًا فِيهَا مِنْ ثَمَنِ حُجْرَةٍ بَاعَهَا وَكَانَتْ إِرْتَابًا عَنْ أَبِيهِ خَمْسَةً وَأَرْبَعُونَ دِينَارًا وَمِنْ اثْمَانِ سَبْعَةِ أَثْوَابٍ أَرْبَعَةَ عَشَرَ دِينَارًا وَفِيهِ مِنْ اجْرَةِ الْحَوَانِيتِ ثَلَاثَةَ دَنَانِيرَ.

فَقَالَ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ يَا بَنِي، دُلَّ الرَّجُلَ عَلَى الْحَرَامِ مِنْهَا. فَقَالَ الْغُلَامُ فِي هَذِهِ الْعَيْنِ دِينَارٌ بِسَكَّةِ الرَّيِّ تَارِيخُهُ فِي سَنَةِ (كُذِّبَ) قَدْ ذَهَبَ نَصْفٌ نَقِشِهِ عَنْهُ وَثَلَاثَةُ أَقْطَاعٍ قَرَاضِيَةٍ بِالْوِزْنِ (دَانِقٍ وَنَصْفِ) فِي هَذِهِ الصُّرَّةِ الْحَرَامِ هَذَا الْقَدْرُ، فَإِنَّ صَاحِبَ هَذِهِ الصُّرَّةِ فِي سَنَةِ كُذِّبَ فِي شَهْرِ كُذِّبَ كَانَ لَهُ عِنْدَ نَسَاجٍ وَهُوَ مِنْ جَمَلَةِ جِيرَانِهِ مَنْ وَرُئِعَ فَاتَى عَلَى ذَلِكَ زَمَانٌ كَثِيرٌ فَسَرَقَهُ سَارِقٌ مِنْ عِنْدِهِ فَاخْبَرَهُ النَّسَاجُ بِذَلِكَ فَمَا صَدَّقَهُ وَأَخَذَ الْغَرَامَةَ بِغَزَلٍ أَدَقَّ مِنْهُ مَبْلُغٌ مَنٍ وَنَصْفٌ ثُمَّ امْرَحَنِي نُسَبِحَ مِنْهُ ثَوْبٌ وَهَذَا الدِّينَارُ وَالْقَرَاضِيَةُ مِنْ ثَمَنِهِ ثُمَّ حَلَّ عِقْدَهَا فَوَجَدَ الدِّينَارَ وَالْقَرَاضِيَةَ كَمَا أَخْبَرَ.

بازگرداندن آن گوی تشریف می بردند، پدر عالیقدرشان از فرصت استفاده فرموده، آنچه که می خواستند، می نوشتند.

سپس احمد بن اسحق سرپوش را عقب زده، کیسه ها را خدمت حضرت عسکری علیه السلام نهاد. آن حضرت به فرزند دلبندها فرمودند: عزیزم! از هدایای شیعیانیت مهربردار و آنها را باز کن. حضرت مهدی علیه السلام [خطاب به پدر بزرگوارشان] فرمودند: ای مولای من! آیا درست است که دست پاک [ولی خدا] به سوی اموال ناپاک و غیرحلال دراز شود؟ آنگاه فرمودند: ای احمد بن اسحق! آنچه در این ظرف است بیرون بیاور تا اینکه حلال و حرام را از یکدیگر جدا کنند. سپس احمد بن اسحق کیسه ای را بیرون آورد. امام مهدی روحی له الفداء فرمودند: این کیسه مربوط به فلان شخص از فلان محله قم و هفتاد و دو دینار در آن است. چهل و پنج دینار آن مربوط به فروش خانه است که از ارث پدر به او رسیده و چهارده دینار آن از فروش هفت دست لباس و سه دینار آن از کرایه دکانها است.

در این هنگام حضرت عسکری علیه السلام فرمودند: راست می گوئی فرزندم! این مرد را به آنچه در این مال، حرام است راهنمایی فرما. حضرت مهدی روحی له الفداء فرمودند: در این مال، دیناری هست که سکه ری بر آن نقش شده و نیمی از آن نقش از بین رفته است و سه قطعه دیگر در این کیسه وجود دارد که حرام است، زیرا صاحب آن در فلان سال و فلان ماه در نزد نساج (بافنده) ای امانتی داشت و آن شخص در همسایگی او زندگی می کرد. مدتی مدید گذشت و در نتیجه اینکه دزدی دستبرد زد آن امانت ربوده شد و با اینکه آن شخص به صاحب امانت اطلاع داد که امانتش ربوده شده است او باور نکرد و بیش از ارزش آن امانت از او غرامت گرفت و از همان جنس پیراهنی دوخت و این پول از بهای آن پیراهن است. کیسه را چون گشودند همان گونه که حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرموده بودند، عیناً همان طور بود.

ثُمَّ أَخْرَجَتْ صُرَّةَ أُخْرَى، فَقَالَ الْغُلَامُ هَذَا (لِفُلَانِ بْنِ فُلَانٍ) مِنَ
الْمَحَلَّةِ (الْفُلَانِيَّةِ) بِقَمٍّ وَالْعَيْنُ فِيهَا (خَمْسُونَ دِينَارًا) وَلَا تَنْبَغِي لَنَا أَنْ
نُدْنِي أَيْدِيَنَا إِلَيْهَا. قَالَ لِمَ؟

فَقَالَ مِنْ أَجْلِ أَنْ هَذِهِ الدَّنَانِيرُ تَمُنُّ الْحِنَظَةَ وَكَانَتْ هَذِهِ الْحِنَظَةُ بَيْتَهُ
وَبَيْنَ مُحَرَّاتٍ لَهُ، فَأَخَذَ نَصِيْبَهُ بِكَيْلٍ كَامِلٍ وَأَعْطَى نَصِيْبَهُ بِكَيْلٍ نَاقِصٍ.
فَقَالَ مَوْلَانَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَدَقْتَ يَا بُنَيَّ.

قَالَ يَا بَنَ إِسْحَقَ، إِحْمِلْ هَذِهِ الصُّرَّةَ وَتَلِغْ أَضْحَابَهَا وَأَوْصِ بِتَبْلِيغِهَا إِلَى
أَضْحَابِهَا فَإِنَّهُ لَا حَاجَةَ بِنَا إِلَيْهَا، ثُمَّ قَالَ جِيْ إِلَى بَثْوَبِ تِلْكَ الْعَجُوزِ

فَقَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ كَانَ ذَلِكَ فِي حَقِيْبَةِ فَنَسِيْتُهُ ثُمَّ مَشَى أَحْمَدُ بْنُ
إِسْحَقَ لِيَجِيْ بِذَلِكَ إِلَى مَوْلَانَا أَبِي مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

وَقَالَ: مَا جَاءَكَ يَا سَعْدُ؟ فَقُلْتُ شَوَّقَنِي أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ إِلَى لِقَاءِ
مَوْلَانَا قَالَ الْمَسَائِلُ الَّتِي آرَدْتُ أَنْ تَسْأَلَ عَنْهَا؟ قُلْتُ عَلَى حَالِهَا يَا
مَوْلَايَ. قَالَ فَاسْأَلْ قَرَّةَ عَيْنِي وَأَوْقِئِي إِلَى الْغُلَامِ مِمَّا بَدَاكَ.

فَقُلْتُ: يَا مَوْلَانَا وَأَبْنَ مَوْلَانَا، رُوي لَنَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَعَلَ
طَلَاقَ نِسَائِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى أَنَّهُ بَعَثَ يَوْمَ الْجَمَلِ رَسُولًا إِلَى
عَائِشَةَ وَقَالَ إِنَّكَ أَدْخَلْتِ الْهَلَكَ عَلَى الْإِسْلَامِ وَأَهْلِهِ بِالْغِيْثِ الَّذِي
حَصَلَ مِنْكَ وَأَوْرَدْتِ أَوْلَادَكَ فِي مَوْضِعِ الْهَلَكَ بِالْجَهَالَةِ، فَإِنْ
امْتَنَعْتَ وَإِلَّا طَلَّقْتُكَ.

فَأَخْبَرْنَا يَا مَوْلَايَ عَنْ مَعْنَى الطَّلَاقِ الَّذِي فَوَّضَ حُكْمَهُ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ؟

ترجمه سخنان امام عصر خطاب به احمد بن اسحاق و سعد بن عبدالله

سپس کیسه دیگری را بیرون آوردند و به محض اینکه چشم مبارک حضرت بقیة الله امام مهدی روحی له الفداء به آن کیسه افتاد فرمودند: در این کیسه پنجاه دینار است و شایسته نیست که دست ما به سوی آن دراز شود. احمد بن اسحاق عرض کرد: چرا؟ فرمودند: زیرا این پول بهای گندمی است که میان صاحب آن و زارع مشترک بوده و در وقت تقسیم، صاحب گندمها سهم خود را به طور کامل برداشته و سهم زارع را کمتر داده است.

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: ای احمد بن اسحاق! این کیسه ها و ظرفهای پول را ببر و به صاحبانشان تسلیم نما و سعی کن که به صاحبانشان برسد، زیرا ما نیازی به این گونه پولها نداریم. سپس فرمودند: پیراهن آن پیرزن را بده. احمد بن اسحاق می گوید: آن پیراهن را در منزل فراموش کرده بودم. و در نتیجه برای آوردن آن راهی منزل شد.

سعد بن عبدالله ادامه می دهد: سپس مولایم حضرت عسکری علیه السلام نگاهی به من افکنده، سؤال فرمودند: برای چه به اینجا آمده ای؟ عرض کردم: احمد بن اسحاق مرا تشویق کرد تا به زیارت مولایم نائل شوم. فرمودند: مسائلی را که می خواهی سؤال کنی و بدان خاطر به اینجا آمده ای چه شد؟ عرض کردم: به همان صورت باقی است. فرمودند: از نور چشم [حضرت مهدی علیه السلام] بپرس. آنگاه عرض کردم: ای مولا و پسر مولای من! به طوری که برای ما روایت شده است، جدّ شما حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه وآله موضوع طلاق زنان خویش را به امیرالمؤمنین علیه السلام واگذار نمودند و در جنگ جمل امیرالمؤمنین علیه السلام طیّ پیامی به عایشه فرمودند: در نتیجه خطائی که مرتکب شده ای، امت اسلامی را به هلاکت و فرزندان اسلام را به وادی جهالت و نادانی کشیده ای و اگر از این عمل دست برداری ترا طلاق می دهم. علیهذا بفرمائید معنی طلاق که پیامبر بزرگ ما به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام تفویض فرمودند، چیست؟

فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ تَقَدَّسَ اسْمُهُ عَظَّمَ شَأْنُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَخَصَّهِنَّ بِشَرَفِ الْأُمَّهَاتِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّ هَذَا شَرَفٌ بَاقٍ مَا دُمِنَ لِلَّهِ عَلَى طَاعَةِ فَايْتَهُنَّ عَصَتِ اللَّهُ بَعْدِي بِالْخُرُوجِ عَلَيْكَ فَطَلَّقَهَا مِنَ الْأَزْوَاجِ وَأَسْقِطَهَا مِنْ شَرَفِ أُمَّتِهِ الْمُؤْمِنِينَ .
ثُمَّ قُلْتُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْفَاحِشَةِ الْمُبَيَّنَّةِ الَّتِي إِذَا فَعَلَتِ الْمَرْأَةُ ذَلِكَ يَجُوزُ لِبُعْلِهَا أَنْ يُخْرِجَهَا مِنْ بَيْتِهِ فِي أَيَّامِ عِدَّتِهَا؟

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ تِلْكَ الْفَاحِشَةُ السُّحْقُ وَكَيْسَتْ بِالزِّنَا، لِأَنَّهَا إِذَا زَنَتْ يُقَامُ عَلَيْهَا الْحَدُّ وَلَيْسَ لِمَنْ أَرَادَ تَزْوِيجَهَا أَنْ يَمْتَنِعَ مِنَ الْعَقْدِ عَلَيْهَا لِأَجْلِ الْحَدِّ الَّذِي أَقِيمَ عَلَيْهَا وَإِنَّمَا إِذَا سَاحَقَتْ، فَيَجِبُ عَلَيْهَا الرَّجْمُ وَالرَّجْمُ هُوَ الْخِزْيُ وَمَنْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِرَجْمِهَا فَقَدْ أَخْزَاهَا، لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقْرِبَهَا .

ثُمَّ قُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى لِنَبِيِّهِ مُوسَى «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طَوًى»^١ فَإِنَّ فَهَاءَ الْفَرِيقَيْنِ يَزْعَمُونَ أَنَّهَا كَانَتْ مِنْ إِهَابِ الْمَيْتَةِ .

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ قَالَ ذَلِكَ افْتَرَى عَلَى مُوسَى وَاسْتَجْهَلَهُ فِي نُبُوَّتِهِ، لِأَنَّهُ مَا خَلَا الْأَمْرُ فِيهَا مِنْ خَطِيئَةٍ، إِذَا كَانَ صَلَاةَ مُوسَى فِيهَا جَائِزَةً أَوْ غَيْرَ جَائِزَةً فَإِنَّ كَانَتْ صَلَاةَ مُوسَى جَائِزَةً فِيهَا فَجَازَ لِمُوسَى أَنْ يَكُونَ لِأَيْسَرِهَا فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ وَإِنْ كَانَتْ مُقَدَّسَةً مُطَهَّرَةً وَإِنْ كَانَتْ صَلَاتُهُ غَيْرَ جَائِزَةٍ فِيهَا فَقَدْ أَوْجَبَ أَنْ مُوسَى لَمْ يَعْرِفِ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَلَمْ يَعْلَمْ

امام عصر روحی له الفداء در پاسخ سعد بن عبدالله فرمودند: خداوند بزرگ، مقام رسول اکرم صلی الله علیه وآله را بسیار والا و معظم قرار داده و به منظور حفظ کیان و شخصیت آن سرور، مقام همسران آن حضرت را نیز گرامی داشته و آنها را به مقام «امهات المؤمنین» مفتخر ساخته است. رسول معظم اسلام به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی! این شرف و افتخار برای همسران من تا وقتی که آنان بندگی خداوند را ترک نکرده، به مخالفت با شما برنخیزند، باقی است و در غیر این صورت شما آنها را طلاق بده و از مقام «امهات المؤمنین» خارج کن و این شرف و افتخار را از آنان بگیر.

سعد بن عبدالله می‌گوید: عرض کردم «فاحشه مبیته» چیست که اگر زن مرتکب آن گردد شوهرش در ایام عده می‌تواند او را از خانه اش بیرون کند؟ حضرت مهدی علیه السلام فرمودند: این «فاحشه» زنا نیست و «مساحقه» است، زیرا اگر زنی زنا کند حدّ شرعی را بر او جاری می‌کنند و اگر کسی بخواهد با او ازدواج کند مانع از اجرای عقد نیست؛ در حالی که حدّ شرعی مساحقه، رجم (سنگباران) است و کسی که خداوند امر فرموده است او را رجم کنند گرفتار خزی (خواری) دنیا و آخرت خواهد بود و کسی نمی‌تواند با او ازدواج کند.

سپس عرض کردم: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه وآله! از فرمایش خداوند متعال به حضرت موسی (فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ...) ما را با خبر کن، زیرا فقهای شیعه و سنی می‌گویند نعلین حضرت موسی از پوست حیوان حرام گوشت (میته) بوده است.

امام عصر روحی له الفداء در جوابش فرمودند: کسی که این را بگوید به حضرت موسی افتراء زده و او را در نبوتش جاهل دانسته است (از نظر علم به احکام)، زیرا از دو حال خارج نیست: یا نماز خواندن حضرت موسی در آن نعلین جایز است یا خیر. در صورتیکه جایز باشد موسی می‌توانست آن کفش را در آن مکان نیز بپوشد اگرچه آن بارگاه پاک و پاکیزه باشد. و اگر نماز خواندن در آن برای حضرت موسی جایز نبود لازم می‌آید که موسی به حلال و حرام آگاهی نداشته باشد و نداند که نماز خواندن در این نعلین جایز نیست — همچنانکه جایز



ماجازت الصلوة فيه كما لم تجز وهذا كفر.

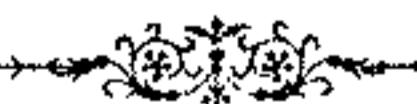
قلت فاخبرني يا مولاي عن التأويل فيها

قال (عليه السلام) ان موسى عليه السلام كان بالوادي المقدس فقال
يارب اني اخلصت لك المحبة متى وغسلت قلبي عمن سواك وكان
شديد الحب لاهله، فقال الله تبارك وتعالى فاخلع نعليك اني انزع
حُب اهلك من قلبك ان كانت محبتك لي خالصة وقلبك من الميل
الي من سواي مغسولاً.

فقلت اخبرني عن تأويل كهيعص.

قال (عليه السلام) هذه الحروف من آباء الغيب اطلع الله عليها عبده
زكريا ثم قصها على محمد صلى الله عليه وآله وذلك ان زكريا
عليه السلام سأل ربه ان يعلمه الاسماء الخمسة فاهبط عليه جبرئيل
فعلمه اياها فكان زكريا اذا ذكر محمداً وعلياً وفاطمة والحسن سرى
عنه همته وانجلي كربته واذا ذكر اسم الحسين عليه السلام خنقته
العبرة ووقعت عليه البهرة فقال ذات يوم الهى ما بالى اذا ذكرت ارتعاً
منهم تسليت باسمائهم من همومي واذا ذكرت الحسين عليه السلام
تدمع عيني وتور زفرتي فانبأه الله تبارك وتعالى عن قصته فقال
«كهيعص».

فالكاف اسم «كربلاء» والهاء «هلاک» والياء «يزيد» وهو ظالم
الحسين والعين «عظشة» والصاد «صبره» فلما سمع بذلك زكريا



هم نیست۔ و این کفر است. (نسبت دادن جهل به پیامبر و اینکه حلال و حرام الهی را از هم تمیز نمی‌دهد، کفر است.)

عرض کردم: پس مولای من تأویل آیه چیست؟

حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرمودند: موسی بن عمران که به وادی مقدس آمد عرض کرد: «خداوندا! من محبتتم را نسبت به تو خالص کرده (اختصاص به تو داده) و خانه دلم را از غیر تو پاک نموده‌ام.»، در حالی که خاندانش را بسیار دوست می‌داشت. لذا خداوند به او فرمود: «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ» یعنی محبت و علاقه شدید خانواده‌ات را از دل بیرون کن اگر محبت تو نسبت به من خالص و از میل بجز من دلت پاک است. (چون جایگاه من است، باید محبت اهل و عیال خود را از دل بیرون کنی.)

سپس عرض کردم: از تأویل «کهیصص» مرا مطلع فرمائید.

حضرت امام عصر علیه السلام در جواب فرمودند: این حروف از اخبار غیبیه است که خداوند زکریا را از آن مطلع نمود؛ سپس داستان را برای حضرت محمد صلی الله علیه وآله بیان فرمود و خلاصه ماجرا این است که زکریا از خداوند درخواست نمود که اسامی پنج تن را به او یاد دهد و جبرئیل فرود آمده، اسامی پنجگانه را به ایشان تعلیم نمود. هر زمان که زکریا نامهای محمد، علی، فاطمه و حسن علیهم السلام را می‌برد، شاد می‌شد، ولی آنگاه که نام مقدس امام حسین علیه السلام را می‌برد دلش شکسته و اشکش جاری می‌گشت. روزی گفت: خدایا! مرا چه می‌شود که هرگاه نام چهارتن بالا را می‌برم دلم تسلی می‌یابد و هرگاه نام مبارک امام حسین علیه السلام را می‌برم اشکم جاری می‌شود و نفسم در سینه گره می‌خورد؟ خداوند از حادثه مربوط به امام حسین علیه السلام بدین گونه خبر داد که «کهیصص».

امام عصر روحی له الفداء فرمودند که:

«کاف» اسم کربلا و «هاء» اشاره به شهادت و هلاکت عترت طاهره

(خاندان مکرم حضرت رسالت) است؛ «یاء» اشاره به یزید است که بر حسین

علیه السلام ظلم نمود؛ «عین» اشاره به عطش و تشنگی حسین علیه السلام و یاران

عزیز اوست و «ص» اشاره به صبر آن حضرت است در مقابل مصائب و شدائد.

عليه السلام لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَمَنَعَ فِيهِنَّ النَّاسَ مِنَ الدَّخُولِ
عَلَيْهِ وَأَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَالتَّحِيْبِ وَكَانَ يُرِثِيهِ
إِلَهِي أَنْفُجِعْ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلَدِهِ؟
إِلَهِي أَنْزِلْ بَلَوِي هَذِهِ الرِّزْقِيَّةَ بِفَنَائِهِ؟
إِلَهِي أَتَلِيسُ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ ثَوْبَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ؟
إِلَهِي تَحِلُّ كُرْبَةِ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ بِسَاحَتَيْهِمَا؟

ثُمَّ كَانَ يَقُولُ إِلَهِي أَرْزُقْنِي وَلَدًا تَقْرِيهِ، عَيْنِي عَلَى الْكِبَرِ فَإِذَا رَزَقْتَنِيهِ
فَأَفْتِنِي بِحُبِّهِ ثُمَّ أَفْجِعْنِي بِهِ كَمَا تُفْجِعُ مُحَمَّدًا حَبِيبَكَ بَوْلَدِهِ.
فَرَزَقَهُ اللَّهُ بِحَيٍّ وَقَجَعَهُ بِهِ وَكَانَ حَمَلُ بِحَيٍّ سِتَّةَ أَشْهُرٍ وَحَمْلُ
الْحُسَيْنِ كَذَلِكَ.

فَقُلْتُ أَخْبِرْنِي يَا مَوْلَايَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ الْقَوْمَ مِنْ اخْتِيَارِ الْإِمَامِ
لِأَنْفُسِهِمْ؟

قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مُصْلِحٌ أَوْ مُفْسِدٌ؟

فَقُلْتُ مُصْلِحٌ

قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَقَعَ خَيْرُهُمْ عَلَى الْمَفْسِدِ بَعْدَ أَنْ لَا يَعْلَمَ
أَحَدٌ مَا يَخْطُرُ بِبَالِ غَيْرِهِ مِنْ صَلاَحٍ أَوْ فِسادٍ؟
قُلْتُ بَلَى

قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَهِيَ (الْعِلَّةُ) أَيَّدُ نَهَاكَ بِرِهَانٍ يَقْبَلُ ذَلِكَ عَقْلُكَ
قُلْتُ نَعَمْ

ترجمه سخنان امام عصر خطاب به احمد بن اسحاق و سعد بن عبدالله

زکریا علیه السلام چون این بشنید در مسجد خویش سه روز اعتکاف نمود و از معاشرت با مردم خودداری کرد و پیوسته مشغول گریه و زاری بود و مرثیه سرائی می کرد که:

بار خدایا! آیا بهترین بندگان و مخلوقات را به مرگ فرزندش با این کیفیت مبتلا می کنی؟

بارالها! آیا این بلیه را با شهادت حسین علیه السلام بر حبیب خاتم انبیاء نازل می فرمائی؟

خداوندا! آیا برعلی و فاطمه لباس این مصیبت را می پوشانی؟
پروردگارا! آیا آثار این مصیبت بزرگ را در چهره علی و فاطمه ظاهر می سازی؟

آنگاه زکریا عرض کرد: خداوندا! به من نیز فرزندی عنایت فرما و او را در پیری مایه روشنائی چشمم قرارده و مرا به وسیله او امتحان فرما و در مرگ او دل مرا بسوزان، چنانکه حبیب خاتم انبیاء را به مصیبت فرزندش مبتلا می کنی. خداوند به او یحیی را مرحمت فرمود که شهیدش کردند و مدت حمل او نیز مانند امام حسین علیه السلام شش ماه بود.

سپس سعد بن عبدالله می گوید: عرض کردم مولای من! علت اینکه مردم نمی توانند برای خودشان امام انتخاب کنند چیست؟

امام علیه السلام در جوابم فرمودند: امام مصلح یا مفسد؟

عرض کردم: مصلح.

امام عصر علیه السلام فرمودند: آیا ممکن است مردم در انتخاب اشتباه کنند و به جای پیشوا و امام پرهیزگار و مصلح یک فرد غیر مصلح را اختیار نمایند یا خیر؟

عرض کردم: آری، امکان این اشتباه هست.

امام زمان روحی له الفداء فرمودند: علت اینکه مردم نمی توانند برای خود امام انتخاب کنند این است و من برای تو دلایلی ذکر می کنم که عقلت بپذیرد.

عرض کردم: بفرمائید.



قال (عليه السلام) اخبرني عن الرّسل الذين اصطفاهم الله وانزل
عليهم الكتب واتيدهم بالوحي والعصمة، اذ هم اعلام الامم
فاهدي الي ثبت الاختيار ومنهم موسى وعيسى هل يجوز مع وفور
عقلهما وكمال علمهما اذهما على المنافق بالاختيار ان يقع خيرتهما
وهما يظنان انه مؤمن
قلت: لا

قال (عليه السلام) فهذا موسى كليم الله مع وفور عقله وكمال علمه
ونزول الوحي عليه اختار من اعيان قومه ووجوه عسكره لميقات ربه
سبعين رجلاً ممن لم يشك في ايمانهم واخلاصهم فوقع خيرته على
المنافقين قال الله عزوجل «واختار موسى قومه سبعين رجلاً لميقاتنا»
آية.

فلما وجدنا اختيار من قد اصطفاه الله للنبوّة واقعاً على الأفسد دون
الأصلح وهو يظن انه الأصلح دون الأفسد، علمنا ان لا اختيار لمن
لا يعلم ما تخفي الصدور وما تكن الضمائر وتصرف عنه السرائر وان لا
خطر لاختيار المهاجرين والأنصار بعد وقوع خيرة الأنبياء على ذوى
الفساد لما أرادوا أهل الصلاح.

ثم قال مولانا عليه السلام يا سعد من ادعى ان التبي صلى الله عليه
 وآله - وهو خصمك - ذهب بمختار هذه الامة مع نفسه الى الغار
فانه خاف عليه كما خاف على نفسه لما علم انه الخليفة من بعده
على امتيه لانه لم يكن من حكم الاختفاء ان يذهب بغيره معه وانما
اقام علياً على مبيته لانه علم انه ان قتل لا يكون من الخلل بقتله

امام علیه السلام [در مقام بیان استدلال و دلیل بر اثبات مدعی] فرمودند: به من بگو آیا انبیاء و فرستادگان الهی که راهنمایان مردمند و با (۱) نزول کتابهای آسمانی، (۲) فرستادن وحی به وسیله جبرئیل و (۳) مجهز بودن به نیروی عصمت، مؤید هستند و بزرگانی مانند موسی و عیسی با آن عقل و کمالی که داشته اند ممکن است انتخابشان غلط بوده باشد و در حالی که خیال می‌کردند برگزیدگان آنها مؤمن هستند، از منافقین بوده باشند؟

عرض کردم: خیر، ای مولای من!

امام عصر علیه السلام فرمودند: با این وصف موسی کلیم الله با آن فراوانی عقل و کمال علمی و برخوردار بودن از نیروی وحی از میان بزرگان قوم و لشکریانش هفتاد نفر را از همه طبقات اختیار کرد؛ آن هم کسانی را که در اخلاص و ایمان آنها شک و تردیدی نبود و دیدیم که چه شد. و خداوند بزرگ فرموده است: «وموسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده گاه برگزید.»

امام عصر علیه السلام فرمودند: پس هنگامی که مشاهده کردیم که انتخاب و اختیار برگزیدگان خداوند از سلسله جلیله انبیاء به این صورت درآمد و افراد فاسد به جای مردم صالح قرار گرفتند، نتیجه می‌گیریم افرادی که از درون اشخاص آگاهی ندارند حق اختیار و انتخاب از آنها گرفته شده است و پس از اینکه انتخاب انبیاء بر افراد مفسد پیاده شد، دیگر اعتباری برای اختیار و انتخاب مهاجرین و انصار پس از رسول اکرم صلی الله علیه وآله باقی نمی‌ماند تا برای پیامبر بزرگ اسلام وصی و جانشین انتخاب کنند.

پس امام عصر روحی له الفداء فرمودند: ای سعد! در مورد ادعای دشمن تو راجع به اینکه پیامبر صلی الله علیه وآله منتخب امت (ابوبکر) را با خود به غار بردند، زیرا ترسیدند اگر او کشته شود امر اسلام مختل گردد چون می‌دانستند که او پس از آن حضرت خلیفه می‌شود و رعایت اختفاء ایجاب می‌نمود کس دیگری را به غار نبرند و علی را در رختخواب خود بخوابانیدند، زیرا می‌دانستند که اگر علی کشته شود اختلالی در اسلام پیدا نخواهد شد و اینکه کسانی که بتوانند جای علی

مَا يَكُونُ بِقَتْلِ أَبِي بَكْرٍ لِأَنَّهُ يَكُونُ لِعَلِيِّ مِنْ يَقَوْمٍ مَقَامَهُ فِي الْأُمُورِ.
لِمَ لَا تَنْفُضُ عَلَيْهِ بِقَوْلِكَ.

أَوْلَسْتُمْ تَقُولُونَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّ الْخِلَافَةَ مِنْ بَعْدِي
ثَلَاثُونَ سَنَةً وَصَيَّرَهَا مَوْقُوفَةً عَلَى أَعْمَارِ هَؤُلَاءِ الْأَرْبَعَةِ (أَبِي بَكْرٍ،
وَعُمَرَ، وَعُمَانَ، وَعَلِيٍّ) فَإِنَّهُمْ كَانُوا عَلَى مَذْهَبِكُمْ خُلَفَاءَ رَسُولِ اللَّهِ
فَإِنَّ خَضَمَكَ لَمْ يَجِدْ بُدْأً مِنْ قَوْلِهِ: بَلَى. قُلْتَ لَهُ فَإِذَا كَانَ الْأَمْرُ
كَذَلِكَ فَكَمَا أَبُو بَكْرٍ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِهِ كَانَ هَذِهِ الثَّلَاثَةُ خُلَفَاءَ أُمَّتِهِ
مِنْ بَعْدِهِ، فَلِمَ ذَهَبَ بِخَلِيفَةٍ وَاحِدَةٍ وَهُوَ (أَبُو بَكْرٍ) إِلَى الْغَارِ وَلَمْ يَذْهَبْ
بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ؟ فَعَلَى هَذَا الْأَسَاسِ يَكُونُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)
مُسْتَخِفًّا بِهِمْ دُونَ أَبِي بَكْرٍ، فَاتَهُ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يَفْعَلَ بِهِمْ مَا فَعَلَ
بِأَبِي بَكْرٍ، فَلَمَّا لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ يَكُونُ مُتَهَاوِنًا بِحَقُوقِهِمْ وَتَارِكًا
لِلشَّفَقَةِ عَلَيْهِمْ بَعْدَ أَنْ كَانَ يَجِبُ أَنْ يَفْعَلَ بِهِمْ جَمِيعًا عَلَى تَرْتِيبِ
خِلَافَتِهِمْ مَا فَعَلَ بِأَبِي بَكْرٍ.

وَأَمَّا مَا قَالَ لَكَ الْخَصْمُ بِأَنَّهُمَا أَسْلَمَا ظُوعًا أَوْ كُرْهًا؟ لِمَ لَمْ تَقُلْ بِأَنَّهُمَا
أَسْلَمَا ظَمَعًا وَذَلِكَ أَنََّّهُمَا يُخَالِطَانِ مَعَ الْيَهُودِ وَيُخْبِرَانِ بِخُرُوجِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاسْتِيلَانِهِ عَلَى الْعَرَبِ عَنِ التَّوْرَةِ وَالْكِتَابِ الْمَقْدَسَةِ
وَمَلَا حِمٍ قِصَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيَقُولُونَ لِهَذَا يَكُونُ اسْتِيلَانُهُ
عَلَى الْعَرَبِ كَاسْتِيلَانِهِ (بِخْتِ النَّصْرِ) عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا أَنَّهُ يَدَّعِي

را بگیرند و امور اسلام و مردم را منظم نمایند وجود داشتند.

درباره این سؤال و ادعای این شخص چرا جواب نقضی ندادی؟ چرا نگفتی که مگر نه این است که شما در روایاتتان از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده اید که آن حضرت فرمودند خلافت پس از من سی سال خواهد بود و بقای عمر آن به وجود این چهار نفر (ابوبکر و عمر و عثمان و علی) بستگی دارد؟ بنابراین، این چهار نفر بر اساس مذهب شما جانشینان رسول الله هستند. قطعاً دشمن تو چاره ای جز اینکه بگوید «درست است»، ندارد (یعنی گفته تورا قبول کند ندارد). پس از این امر به دشمن می گوئی با توجه به این موضوع همان گونه که ابوبکر خلیفه پیامبر است، این سه نفر هم بوده اند؛ پس چرا پیامبری از این چهار نفر (ابوبکر) را با خود به غار برد و آن سه نفر دیگر را نبرد؟ [در حالی که از نظر مقام و آثار وجودی، هر چهار نفر باید یکی باشند.] در این صورت، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نسبت به آن سه نفر استخفاف ورزیده و ترک محبت نموده و از شفقتی که نسبت به ابوبکر روا داشته آنان را محروم کرده است.

● خلاصه و نتیجه فرمایشات امام عصر روحی له الفداء ممکن است این طور باشد که: بُردن ابوبکر به غار نه تنها دلیل بر خلیفه بودن او نیست بلکه دلیل بر ابطال خلافت او است؛ زیرا بنا بر گفته و روایت جعلی خودشان هر چهار نفر خلیفه بوده اند و یار غار بودن، به ابوبکر اختصاصی ندارد. بنابراین، ادعای تقدّم ابوبکر به دلیل همراهی با رسول الله صلی الله علیه و آله در غار نادرست و باطل است.

امام علیه السلام فرمودند: اما در مورد سؤال دیگر دشمن — درباره اسلام اولی و دومی که آیا از روی اختیار بود و یا به اکراه و اجبار اسلام آورده اند — چرا در جوابش نگفتی که آن دو نفر به جهت «طمع» ایمان آورده بودند و علت طمع آنان نیز این بود که آنها با یهودیان معاشرت داشتند و در نتیجه این معاشرت از اینکه حضرت محمد صلی الله علیه و آله به پیامبری مبعوث خواهند شد و بر عرب استیلا پیدا می کنند، باخبر شده و از تورات و کتب مقدسه ماجرای آن حضرت را شنیده بودند و به این دو نفر گفته شده بود همچنانکه بخت التصبر بر بنی اسرائیل مسلط شد حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز بر عرب استیلا می یابد، با این

التَّبَوَّةُ وَلَا يَكُونُ مِنَ التَّبَوَّةِ فِي شَيْءٍ. فَلَمَّا ظَهَرَ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ فَسَاعَدَا
مَعَهُ عَلَى شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
وآلِهِ) طَمَعًا أَنْ يَجِدَا مِنْ جَهَّةٍ وَلَا يَتَّخِذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا يَتَّخِذُوا أَمْرَهُ
وَحَسَنَ بِاللَّهِ وَاسْتَقَامَتِ وَلَا يَتَّخِذُوا. فَلَمَّا آيَسَا مِنْ ذَلِكَ وَافَقَا مَعَ امْتِثَالِهِمَا لَيْلَةَ
العَقَبَةِ وَتَلَّتْهُمَا مِثْلَ مَنْ تَلَّتْهُ مِنْهُمْ فَتَقَرُّوا بِدَائَةِ رَسُولِ اللَّهِ لِتُسْقِطَهُ وَتَصِيرَهَا
لِكَا بِسُقُوطِهِ بَعْدَانَ صَعِدَ الْعَقَبَةَ فَيَمْنُ صَعَدَ فَحَفِظَ اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ مِنْ
كَيْدِهِمْ وَلَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يَفْعَلُوا شَيْئًا وَكَانَ حَالُهُمَا كَحَالِ ظُلْحَمَةَ وَالرُّبَيْرِ
إِذْ جَاءَا عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبَايَعَاهُ طَمَعًا أَنْ تَكُونَ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا
وِلَايَةٌ فَلَمَّا لَمْ يَكُنْ ذَلِكَ وَآيَسَا مِنَ الْوِلَايَةِ نَكَنَّا بَيْعَتَهُ وَخَرَجَا عَلَيْهِ حَتَّى
آلَ أَمْرُ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا إِلَى مَا يَوُولُ أَمْرُ مَنْ يَنْكُثُ الْعَهْدَ وَالْمَوَاتِقَ.

ثم قام مولانا الحسن بن علي عليه السلام ليصلوته وقام القائم معه
فَرَجَعْتُ مِنْ عِنْدِهِمَا وَظَلَمْتُ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ فَاسْتَقْبَلَنِي بَاكِئًا فَقُلْتُ
مَا أَبْطَأَكَ وَمَا أَبْكَكَ قَالَ قَدْ فَقَدْتُ الثَّوْبَ الَّذِي سَأَلَنِي مَوْلَايَ
إِحْضَارَهُ، قُلْتُ لَا بَأْسَ عَلَيْكَ فَأَخْبِرْهُ. فَدَخَلَ عَلَيْهِ وَأَنْصَرَفَ مِنْ
عِنْدِهِ مُتَبَسِّمًا وَهُوَ يُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ. فَقُلْتُ مَا الْخَبْرُ؟ فَقَالَ
وَجَدْتُ الثَّوْبَ مَبْسُوطًا تَحْتَ قَدَمِي مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي عَلَيْهِ.

قَالَ سَعْدُ، فَحَمِدْنَا اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ عَلَى ذَلِكَ وَجَعَلْنَا نَخْتَلِفُ بَعْدَ ذَلِكَ
الْيَوْمِ إِلَى مَنْزِلِ مَوْلَانَا عَلَيْهِ السَّلَامُ آيَامًا فَلَا نَرَى الْغُلَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا
كَانَ يَوْمَ الْوُدَاعِ دَخَلْتُ أَنَا وَأَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ وَكُفَّالَانِ مِنْ أَهْلِ بَلَدِنَا
فَأَنْتَصَبَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ بَيْنَ يَدَيْهِ فَأَثَمًا وَقَالَ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ دَنَيْتِ
الرَّحْلَةَ وَأَشْتَدَّتِ الْمِخْتَةُ، فَخُنُّ نَسَأُ اللَّهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ

تفاوت که حضرتش دعوی پیامبری دارد. بنابراین، آنگاه که موضوع رسالت حضرتش ظاهر شد، این دو تن در مورد شهادت لاله الا لله و محمد رسول الله صلی الله علیه وآله با پیامبر اسلام مساعدت کردند تا شاید به مقامی دست یابند و پس از قدرت یافتن و استقرار حضرت رسول صلی الله علیه وآله، در حکومت شریک باشند. ولی آنگاه که از دستیابی به مقامی مأیوس شدند، با دوستان دیگرشان در شب عقبه سعی کردند مرکب سواری حضرت رسول صلی الله علیه وآله را منحرف نمایند تا در دره ای سقوط کند و پیامبر کشته شود؛ ولی خداوند پیامبرش را حفظ فرموده و او را از این توطئه نجات داد. و نظیر و مانند این دو نفر طلحه و زبیرند که با امیرالمؤمنین علیه السلام به طمع دستیابی به مقامی بیعت کردند و چون با توجه به عدالت امیرالمؤمنین علیه السلام، مأیوس شدند، بیعت خود را با حضرتش شکستند و نتیجه امرشان مانند دیگر بیعت شکنان شد، یعنی به ارتداد آنان از دین منجر گشت.

سعد بن عبدالله می گوید: سپس مولایم حضرت عسکری علیه السلام برای اقامه نماز برخاستند و حضرت قائم علیه السلام نیز با ایشان برخاستند و من از خدمتشان مرخص شدم و به دنبال احمد بن اسحاق رفتم. در راه، ایشان را دیدم که به سمت من می آمد و می گریست. از علت تأخیر و گریه اش سؤال کردم. پاسخ داد: پیراهنی را که مولایم از من خواسته بودند گم کرده ام. به ایشان گفتم: تقصیری نداری و موضوع را به مولایمان اطلاع بده. احمد بن اسحاق حضور امام علیه السلام مشرف شد و در حالتی که خنده بلب داشت و بر محمد و آل طاهرین وی صلوات می فرستاد مراجعت نمود. از موضوع استفسار کردم، گفت: مولایمان بر روی آن لباس مشغول نماز خواندن بودند.

سعد بن عبدالله می گوید: خدای را بدین جهت سپاس گفتیم و تا وقتی که در ساقراء بودیم مکرر خدمت مولای عزیزمان حضرت عسکری علیه السلام شرفیاب می شدیم، ولی دیگر موفق به زیارت حضرت مهدی روحی له الفداء نشدیم. و چون هنگام بازگشت فرارسید برای عرض خداحافظی و وداع شرفیاب شدیم. احمد بن اسحاق در پیشگاه حضرت عسکری علیه السلام ایستاده، عرضه داشت: ای فرزند رسول خدا! هنگام جدائی فرارسیده و باید از خدمت شما

المُصْطَفَى جَدِّكَ وَعَلَى الْمُرْتَضَى أَبِيكَ وَعَلَى سَيِّدَةِ النِّسَاءِ أُمِّكَ
فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَعَلَى سَيِّدَتِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَمِّكَ وَأَبِيكَ وَعَلَى
الْأَيْمَةِ مِنْ بَعْدِهِمَا آبَائِكَ وَأَنْ يُصَلِّيَ عَلَيْكَ وَعَلَى وَلَدِكَ وَنَزَعْتُ إِلَيْهِ
أَنْ يُعَلِّيَ كَعْبِكَ وَيَكْبِتَ عَدُوَّكَ وَلَا جَعَلَ اللَّهُ هَذَا آخِرَ عَهْدِنَا مِنْ
لِقَائِكَ .

قال فلما قال هذه الكلمة استعبر مولانا عليه السلام حتى استهملت
دُمُوعُهُ وَتَهَاطَرَتْ عِبْرَاتُهُ

ثم قال (عليه السلام) يا ابن إسحق، لا تُكَلِّفْ فِي دُعَائِكَ شَطَطاً فَإِنَّكَ
مُلاقِ اللَّهِ فِي صَدْرِكَ هَذَا، فَخَرَّ أَحْمَدُ مَغْشِياً عَلَيْهِ، فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ:
سَأَلْتُكَ بِاللَّهِ وَبِحُرْمَةِ جَدِّكَ إِلَّا مَا شَرَّفْتَنِي بِخُرْفَةٍ أَجْعَلُهَا كَفْناً
فَأَدْخَلَ مَوْلَانَا يَدَهُ تَحْتَ الْبِسَاطِ فَأَخْرَجَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ دِرْهَمًا فَقَالَ
(عليه السلام) خذها ولا تُنْفِقْ عَلَى نَفْسِكَ غَيْرَهَا فَإِنَّكَ لَنْ تَعْدِمَ
مَا سَأَلْتَ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ .

قال سعد فلما صرنا بعد منصرفنا من حضرة مولانا عليه السلام من
حلوان على ثلاثة فراسخ حم أحمد بن إسحق وثارَتْ عَلَيْهِ عِلَّةٌ صَعْبَةٌ
أَيَسَ مِنْ حَيَاتِهِ بِهَا فَلَمَّا وَرَدْنَا حَلْوَانَ وَنَزَلْنَا فِي بَعْضِ الْخَانَاتِ دَعَا
أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَلَدِهِ كَانَ قَاطِنًا بِهَا ثُمَّ قَالَ تَفَرَّقُوا عَنِّي
هَذِهِ اللَّيْلَةَ وَأَتْرُكُونِي وَخُدِي . فَأَنْصَرَفْنَا عَنْهُ وَرَجَعُ كُلٌّ وَاحِدٌ إِلَى مَرْقَدِهِ .
قال سعد فلما حان أن ينكشف الليل عن الصبح أصابتنى فكرة
ففتحت عيني فإذا أنا بكافور الخادم، خادم مولانا أبي محمد وهو

مرخص شویم. از خداوند درخواست می‌کنیم که بر جدّت خاتم انبیاء و پدرت علی مرتضی و مادرت سیده النساء زهرای مرضیه و بر آقایان اهل بهشت، عموی عزیزت حضرت مجتبی و پدرت سیدالشهداء و ائمهٔ پس از ایشان پدران گرامی شما، و نیز بر حضرتت و فرزند عزیزت [حضرت مهدی روحی له الفداء] سلام و درود بی پایان فرستد و عظمت شما را فزونی بخشد و دشمنانت را منکوب و خوار نماید و این ملاقات را آخرین دیدار ما قرار ندهد.

سعد بن عبدالله می‌گوید: چون سخن احمد بن اسحاق بدینجا رسید، امام علیه السلام منقلب شدند و اشک از دیدگان مبارکشان روان گشت و فرمودند: احمد بن اسحاق! تا می‌توانی در دعا کردن کوشش کن، زیرا بزودی به ملاقات خداوند خواهی رفت.

احمد بن اسحاق با شنیدن این مطلب [یعنی خبر مرگ خویش] غش کرد و بر زمین افتاد و چون به هوش آمد عرض کرد: مولای من! شما را به خدا قسم و به احترام جدّتان [خاتم انبیاء] پارچه‌ای به من مرحمت فرمائید که برای خود کفن نمایم [و به آن تبرک جویم]. حضرت دست مبارک به زیر بساط بردند و مبلغ سیزده درهم بیرون آورده، فرمودند: این پول را بگیر و از پول دیگری مخارج زندگی را تأمین نما و آنچه که خواستی (کفن) داده خواهد شد و خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌سازد.

سعد بن عبدالله می‌گوید: چون از حضور مبارک حضرت عسکری علیه السلام مرخص شدیم و به سه فرسنگی حلوان رسیدیم، احمد بن اسحاق دچار تب شدیدی شد که او را از حیات و زندگی مأیوس کرد و چون وارد حلوان شدیم در یکی از کاروانسراها منزل کردیم. احمد بن اسحاق از ما خواست که او را تنها بگذاریم و ما نیز به اطاقهای خود رفتیم.

سعد می‌گوید: نزدیک صبح که به یاد احمد بن اسحاق بودم چون چشم باز کردم کافور خادم حضرت عسکری علیه السلام را دیدم که می‌گوید: خداوند در مورد مصیبت و مرگ برادر مقرب و محبوبتان به همه شما پاداش نیکو مرحمت فرماید. ما از غسل و کفن کردن دوست شما فارغ شدیم، برخیزید و او را دفن نمایید. با گفتن این جمله، کافور خادم از نظر ما پنهان شد و ما با دوستان بر

يقول: أَحْسَنَ اللَّهُ بِالْخَيْرِ عَزَاكُمْ وَحَتَمَ بِالْمَحْبُوبِ رِزْيَتَكُمْ، قَدْ فَرَعْنَا مِنْ
غُسْلِ صَاحِبِكُمْ وَمَنْ تَكْفِينَهُ فِقُومُوا لِدْفَنِهِ فَإِنَّهُ مِنْ أَكْرَمِكُمْ مَحَلًّا عِنْدَ
سَيِّدِكُمْ، ثُمَّ غَابَ عَنَّا أَعْيُنًا.
فاجتمعنا على رأسه بالبكاء والتَّحْيِبِ والعيول حتى قضينا حقه وفرغنا
من امره، رحمه الله^١

جنازه مقدس احمد بن اسحق گرد آمده، عزاداری کردیم و بدنش را به خاک سپردیم. خداوند او را از رحمت بی نهایت خویش بهره مند سازد.

● خواننده ارجمند! مسلماً لطف و عنایتی که در مورد احمد بن اسحق در خصوص غسل دادن و کفن کردن به عمل آمده از طرف حضرت امام حسن عسکری علیه السلام بوده است و براساس قانون لطف، این برنامه باید در حضور خود مولای عزیزمان روحی له الفداء انجام شده باشد. خداوند تبارک و تعالی، این سعادت بزرگ را نصیب شما خواننده گرامی این کتاب و بنده ناقابل نویسنده بفرماید و به دست توانای حضرت بقیة الله روحی له الفداء افتخار کفن و دفن در خدمت آن سرور و زیر نظر مبارکشان شامل حال همه ما گردد. آمین.

سخن گفتن امام عصر

روحی له الفداء

در کنار بدن مقدس حضرت عسکری

علیه السلام

فَلَمَّا صِرْنَا بِالْأَدَارِ إِذَا نَحْنُ بِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلِيٌّ نَعِشِهِ
 مُكْفَنًا فَتَقَدَّمَ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ لِيُصَلِّيَ عَلَيَّ أَخِيهِ، فَلَمَّا هَمَّ بِالتَّكْبِيرِ
 خَرَجَ صَبِيٌّ بِوَجْهِهِ سَمْرَةٌ بِشَعْرِهِ فَظَلَّ بِأَسْنَانِهِ، تَفْلِيحٌ فَجَبَذَ رِدَاءَ جَعْفَرِ بْنِ
 عَلِيٍّ وَقَالَ: «تَأْخَرُ يَا عَمَّ فَإِنَّا أَحَقُّ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ أَبِي» فَتَأَخَّرَ جَعْفَرُ
 بْنُ عَلِيٍّ وَقَدِ ارْتَدَّتْ وَجْهَهُ فَتَقَدَّمَ الصَّبِيُّ فَصَلَّى عَلَيَّ وَدُفِنَ إِلَيَّ جَانِبَ
 قَبْرِ أَبِيهِ^۱

در تاریخ شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام، مرحوم علامه مجلسی رضوان الله علیه نقل می‌کند که راوی حدیث می‌گوید: چون وارد منزل حضرت عسکری علیه السلام شدیم، جنازه مقدسش را که غسل داده و کفن کرده بودند، دیدیم. جعفر بن علی (برادر آن حضرت) خواست بر بدن امام علیه السلام نماز گزارد. هنگامی که خواست تکبیر بگوید ناگهان طفلی ماه روی نقاب بر چهره، باموهای پر پشت و دندانهای باز و ازهم جدا از پس پرده بیرون آمد و عباي جعفر را گرفته، او را عقب زد و فرمود: «عمو! عقب برو. من باید بر پدرم نماز بخوانم، زیرا من اولی و سزاوارترم.» در این هنگام جعفر در حالی که رنگ صورتش دگرگون

سخن گفتن امام عصر در کنار بدن مقدس حضرت عسکری (ع)

شده بود، کنار رفت. آن حضرت بر پدر نماز گزارد و حضرت عسکری علیه السلام را در کنار پدر بزرگوارش، حضرت امام علی التقی سلام الله علیهما به خاک سپردند.

● اولویت امام زمان علیه السلام بر جعفر بن علی برای نماز گزاردن بر پدر به جهات متعددی است از جمله اینکه آن حضرت فرزند حضرت عسکری علیه السلام بوده است و نیز اینکه «امام باید بر امام نماز بخواند» و دیگر مقام والای تقوای حضرتش و بی بهره بودن جعفر از تقوی و پرهیزگاری در آن زمان. همان گونه که خوانندگان گرامی اطلاع دارند هنگام شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وجود مقدس حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف پنج ساله بوده اند و در حالی که منزل و خانواده آن حضرت در محاصره حکومت وقت بود، مع الوصف دشمنان نتوانستند به آن حضرت دسترسی یابند و حضرتش در مقابل چشم آنان جعفر را عقب رانده، بر جنازه پاک پدر، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نماز گزارد. آری، این است معنای ولایت مطلقه الهیه.





توقیعات صادره از پیشگاه مقدس

حضرت یحییٰ علیہ السلام

ارواح‌القدس

در غیبت صغری و کبری



● یکی از عنایات بزرگ حضرت بقیة الله ارواحناله الفداء، راهنمائی‌هایی است که در زمان غیبتشان فرموده‌اند و توقیعاتی به افتخار مردان برجسته تقوی مانند نواب خاصه در زمان غیبت صغری و یا جناب شیخ مفید اعلی الله مقامه شرفصدور یافته است که طی آنها حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف نیازهای دنیوی و اخروی مردم را در ارتباط با دین و بندگی خداوند متعال بیان فرموده و حتی یکی از آن توقیعات می‌تواند احتیاجات مردم را تأمین کند. علیهذا با استعانت از خداوند متعال، ضمن بیان توقیعات و فرامین صادره، با رعایت اختصار به ترجمه و شرح آنها می‌پردازیم.

نکته ای که لازم به تذکر است اینکه برخی از نویسندگان محترم معاصر از ترجمه و شرح برخی از توقیعات، مثلاً توقیع مبارک که به افتخار جناب محمد بن عثمان برای بعضی از شیعیان در پاسخ به سؤالات آنان صادر گردیده است، به عنوان اینکه چون ما در زمان غیبت بسر می‌بریم و لزوماً باید تقلید کنیم، از ترجمه این توقیع شریف خودداری کرده‌اند؛ در حالی که به نظر نگارنده، برعکس، لازم است نوشته شود، که دلایل لزوم آن ذیلاً به عرض می‌رسد:

۱. یکی از پایه‌های محکم اجتهاد فقهای بزرگ ما همان اخبار و احادیث رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین است که به «سنت» تعبیر می‌گردد.



۲. لازمه نوشتن این حقایق، فراموش شدن و از یاد بردن وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء است.
۳. در روایات به طور عموم امر فرموده اند که امر ما را زنده نگاه دارید. (احادیث رسیده از طرف ما را به دوستان ما گوشزد کنید.)
۴. همه افراد شیعه می دانند که باید در زمان غیبت کبری از نواب عامه حضرت بقیه الله روحی له الفداء تقلید نمایند.
۵. اتفاقاً تمام جوابهایی که آن وجود مقدس داده اند در رساله های عملیه با مختصر فرقی بیان شده و بنابراین بهتر است که فرمایشات آن حضرت برای شیعیان شان گفته شود.

توقیع مبارک از ناحیه مقدسه به افتخار محمد بن عثمان رضوان الله علیه

عَنْ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ، قَالَ كَانَ فِيمَا وَرَدَ عَلَيَّ مِنْ
الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرِ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعَمْرِيِّ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ فِي جَوَابِ
مَسْأَلِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
□ أَمَا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ، مِنْ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ
غُرُوبِهَا، فَلَيْتَ كَانَ كَمَا يَقُولُونَ إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ مِنْ بَيْنِ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ
وَتَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ الشَّيْطَانِ فَمَا أَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلِ الصَّلَاةِ
فَصَلَّيْهَا وَأَرْغَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ.

مقام مقدس حضرت امام عصر رومی له الفداء، طی این توقیع مبارک، به
وسیله جناب محمد بن عثمان که از نواب خاص حضرت در زمان غیبت صغری
است، در پاسخ به مسائلی که برخی از شیعیان نموده اند، چنین فرموده اند:
□ اما اینکه در مورد نماز خواندن هنگام طلوع و غروب آفتاب سؤال
کرده ای.

— پس اگر چنان باشد که می گویند «آفتاب در میان دو شاخ شیطان
طلوع و غروب می نماید»، پس بدین ترتیب برای شکست دادن شیطان و بینی او را
به خاک مالیدن، هیچ چیز بهتر از نماز نیست. پس نماز بخوان و بینی شیطان را به
خاک بمال.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْوَفِّ عَلَى نَاحِيَّتِنَا وَمَا يُجْعَلُ لَنَا ثُمَّ
يُخْتَجُّ إِلَيْهِ صَاحِبُهُ فَكُلُّ مَا لَمْ يُسَلِّمْ فَصَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ وَكُلُّ مَا سُلِّمَ
فَلَا خِيَارَ لِصَاحِبِهِ فِيهِ، إِحْتِجَاجٌ أَمْ لَمْ يَخْتَجْ، إِفْتَقَرَ إِلَيْهِ أَوْ اسْتَغْنَى عَنْهُ.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرٍ مَنْ يَسْتَجِلُّ مَا فِي يَدِهِ مِنْ أَمْوَالِنَا، أَوْ
يَتَصَرَّفُ فِيهِ تَصَرُّفَهُ فِي مَالِهِ مِنْ غَيْرِ أَمْرِنَا، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مَلْعُونٌ
وَنَحْنُ خُصَمَاؤُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
«الْمُسْتَجِلُّ مِنْ عَيْتِي مَا حَرَّمَ اللَّهُ مَلْعُونٌ عَلَى لِسَانِي وَلِسَانِ كُلِّ نَبِيٍّ
مُجَابٍ». فَمَنْ ظَلَمْنَا كَانَ فِي جُمْلَةِ الظَّالِمِينَ لَنَا وَكَانَتْ لَعْنَةُ اللَّهِ
عَلَيْهِ لِقَوْلِهِ عَزَّوَجَلَّ «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»^١.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمَوْلُودِ الَّذِي نَبَتْ قُلْفَتُهُ بَعْدَ مَا
يُخْتَنُ، هَلْ يُخْتَنُ مَرَّةً أُخْرَى، فَإِنَّهُ يَجِبُ أَنْ تُقَطَّعَ قُلْفَتُهُ (مَرَّةً أُخْرَى).
فَإِنَّ الْأَرْضَ تَصِيحُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَعْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الْمُصَلِّيِ وَالنَّارِ وَالصُّورَةِ وَالسِّرَاجِ
بَيْنَ يَدَيْهِ، هَلْ تَجُوزُ صَلَاتُهُ فَإِنَّ النَّاسَ اخْتَلَفُوا فِي ذَلِكَ قَبْلَكَ، فَإِنَّهُ
جَائِزٌ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ مِنْ أَوْلَادِ عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ وَالتَّيْرَانِ يُصَلِّيِ وَالصُّورَةَ
وَالسِّرَاجَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلَادِ عَبَدَةِ الْأَوْثَانِ
وَالتَّيْرَانِ.

□ درباره اموالی که برای ما وقف می‌کنند سؤال کرده‌ای.

— در این مورد اگر صاحب ملک، آن را تحویل و به تصرف وقف داده باشد دیگر نمی‌تواند در آن تصرف کند و برای او بازگشتی نیست، چه محتاج باشد یا نباشد، ولی اگر تسلیم نکرده است اختیار او باقی است و می‌تواند در آن ملک تصرف نماید.

□ در مورد اموال ما سؤال کرده بودی که آیا می‌شود آن را تصرف نمود یا حلال دانست؟

— اگر کسی بدون اجازه ما در این گونه اموال تصرف کند ملعون است و ما در روز قیامت دشمن او خواهیم بود، همان گونه که پیامبر بزرگ صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هرکس اموال عترت مرا که خداوند تصرف در آن را بدون اجازه آنها حرام فرموده است، حلال بداند، مورد لعن من و همه انبیاء می‌باشد (دور از رحمت الهی است)». و هرکس به ما ظلم کند در زمره ستمکاران و مورد لعنت خداوندی است، چنانکه خداوند می‌فرماید: «آگاه باشید که ستمگران مشمول لعنت ما هستند».

□ در مورد سؤال از بچه‌ای که یک بار ختنه شده ولی پس از آن در موضع ختنه پوست روئیده باشد آیا برای بار دوم ختنه لازم است یا خیر؟

— بلی، واجب است برای بار دیگر نیز ختنه کنند، زیرا زمینی که شخص ختنه نشده بر آن بول (ادرار) می‌کند تا چهل روز به درگاه خداوند بزرگ ناله و شکایت می‌کند.

□ در پاسخ اینکه نمازگزاری که آتش، عکس و چراغ در جلوی او باشد آیا نمازش صحیح است یا خیر؟

— اگر اجداد و نیاکان نمازگزار از بت پرستان و آتش پرستان نباشند نماز آنها صحیح است، ولی در صورتی که پدران و مادرانشان بت پرست و آتش پرست بوده‌اند نماز آنان در حالی که آتش، عکس و چراغ در پیش روی آنان باشد جایز نیست. (ممکن است با یاد گذشتگان و روش آنها دست از توحید و خداپرستی بردارند.)

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الضِّيَاعِ الَّتِي لِنَاحِيَّتِنَا، هَلْ يَجُوزُ الْقِيَامُ بِعِمَارَتِهَا وَآدَاءِ الْخَرَاجِ مِنْهَا وَصَرْفِ مَا يَفْضُلُ مِنْ دَخْلِهَا إِلَى النَّاحِيَةِ اخْتِسَابًا لِلْآجِرِ وَتَقَرُّبًا إِلَيْكُمْ، فَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالٍ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ فَكَيْفَ يَحِلُّ ذَلِكَ فِي مَالِنَا. مَنْ فَعَلَ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ بِغَيْرِ أَمْرِنَا فَقَدْ اسْتَحَلَّ مَتًّا مَحْرَمًا عَلَيْهِ وَمَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا وَسَيَصْلِي سَعِيرًا.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنْ أَمْرِ الرَّجُلِ الَّذِي يَجْعَلُ لِنَاحِيَّتِنَا صَنِيعَةً وَيُسَلِّمُهَا مِنْ قِيَمِ يَقُومُ بِهَا وَيَعْمُرُهَا وَيُؤَدِّي مِنْ دَخْلِهَا خَرَاجَهَا وَمَوَاقِفَهَا وَيَجْعَلُ مَا يَبْقَى مِنَ الدَّخْلِ لِنَاحِيَّتِنَا، فَإِنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ لِمَنْ جَعَلَهُ صَاحِبُ الصَّنِيعَةِ قِيَمًا عَلَيْهَا، إِنَّمَا لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِغَيْرِهِ.

□ وَأَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ مِنَ الشُّمَارِ مِنْ أَمْوَالِنَا يَمُرُّ بِهِ الْمَارُ فَيَتَنَاوَلُ مِنْهُ وَيَأْكُلُ، هَلْ يَحِلُّ لَهُ ذَلِكَ، فَإِنَّهُ يَحِلُّ لَهُ أَكْلُهُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِ حَمْلُهُ.^۱

□ سؤال کردید: آیا بدون اجازه از ناحیه مقدسه شما می توان در املاک شما عمران و آبادانی کرد و پس از وضع مخارج، بقیه را به ناحیه مقدسه فرستاد و این عمل را به عنوان یک عبادت انجام داد؟
— خیر. تصرف در اموال هیچ کس بدون اجازه او جایز نیست؛ پس چگونه تصرف در اموال ما بدون اجازه جایز است؟ هر کس تصرف در اموال ما را حلال بداند و مال ما را بخورد، گوئی آتش جهنم خورده است.



□ سؤال کردید در مورد اینکه شخصی به ما ملکی می‌دهد و کسی را برای آبادی آن ملک معین می‌کند تا پس از وضع مخارج، بقیه درآمد را برای ما بفرستد. — برای کسی که از طرف مالک و صاحب آن برای این کار تعیین شده جایز است و برای غیر او جایز نیست.

□ سؤال کردید: آیا جایز است از میوه درختهایی که از کنار آنها عبور می‌کنیم بخوریم؟ (ظاهراً منظور درختهایی است که شاخه‌های آنها از دیوار باغ بیرون آمده و در مسیر عابر قرار گرفته باشد، که خوردن آن جایز و حلال است.) — خوردن میوه این گونه درختها برای عبور کننده حلال، ولی بردن آن حرام است.

توقيع شريف حضرت بقيّة الله

روحي له الفداء

به افتخار جناب عمري وفرزندش محمد بن عثمان

تَوْقِيعٌ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ خَرَجَ إِلَى الْعَمْرِيِّ وَأَيْنِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا،
رَوَاهُ سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَحَدَّثَهُ مُثَبَّتًا
بِخَطِّ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ.

وَفَقَّكُمْ اللَّهُ لِبَطَاعَتِهِ وَتَبَتَّكُمْ عَلَى دِينِهِ وَأَسْعَدَكُمْ بِمَرْضَاتِهِ، أَنْتَهَى إِلَيْنَا
مَا ذَكَرْتُمَا أَنَّ الْمَيْثِمِيَّ أَخْبَرَ كَمَا عَنِ الْمُخْتَارِ وَمُنَاطِرَتِهِ مَنْ لَقِيَ
وَاحْتِجَاجِهِ بِأَنْ لَا خَلْفَ غَيْرُ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ وَتَضَدِيقِهِ إِتَاءَهُ.

وَقَهَمْتُ جَمِيعَ مَا كَتَبْتُمَا بِهِ مِمَّا قَالَ أَصْحَابُكُمْ عَنْهُ وَأَنَا أَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ
الْعَمَى بَعْدَ الْجَلَاءِ وَمِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَى وَمِنَ مُوَبِقَاتِ الْأَعْمَالِ
وَمُرْدِيَاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «أَلَمْ، أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ
يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^١



این فرمان از طرف حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء به افتخار جناب عمری و فرزندش محمد بن عثمان شرفصدور یافته و به قراری که شیخ ابوجعفر فرموده فرمان مزبور را به خط سعد بن عبدالله شخصاً دیده است. و اینک متن توفیق مبارک حضرت صاحب الزمان روحی له الفداء:

خداوند شما [پدر و پسر] را به طاعت و بندگی خویش موفق و بردین خود ثابت قدم بدارد و در سایه رضای ذات پاکش به شما سعادت دوجوهانی عنایت فرماید. آنچه که میثمی به شما خبر داده بود در مورد «مختار» و مناظره او با کسی که اظهار می داشته پس از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام کسی جز جعفر بن علی نیست، و او هم تصدیق کرده است، به ما رسید.

● آنچه در ابتدای این توفیق شریف — همان گونه که خوانندگان گرامی

ملاحظه می فرمایند — در سه اصل مهم خلاصه می شود، عبارت است از:

۱. موفقیت در اطاعت و بندگی حق تعالی است.

۲. مهمترین عامل موفقیت ثابت قدم بودن در دین است.

۳. زیربنای سعادت هر فردی در دوجوهان، تحصیل رضای خداوند بزرگ

است.

همچنین آنچه که شما به میثمی در پاسخ مطالبی که به یاران شما گفته بود، نوشتید نزد ما روشن است و من از اینکه پس از بینائی و بصیرت [در دین]، دچار نابینائی شوم [و حق را نبینم] و پس از هدایت، گمراه گردم و نیز از فتنه ها و عدم قبولی اعمال، به خدا پناه می برم؛ چه آنکه حق تعالی در قرآن کریم فرموده است: «آیا مردم خیال می کنند که اگر بگویند ایمان آورده اند از آنها می گذرند و آنان را آزمایش نمی کنند؟» [حتماً باید آزمایش شوند.]

● خواننده عزیز! در این قسمت از توفیق، مقام مقدس امام زمان علیه السلام به

چند نکته مهم برای آموزش همگان اشاره فرموده اند:

۱. در هر حال باید به لطف خداوند پناه برد، زیرا امکان لغزش و سقوط برای

همه وجود دارد.

۲. باید مراقب بود که فتنه ها را از پای در نیاورد.

كَيْفَ يَتَسَاقَطُونَ فِي الْفِتْنَةِ وَيَتَرَدَّدُونَ فِي الْحَيْرَةِ وَيَأْخُذُونَ يَمِينًا
وَشِمَالًا، فَارْقُوا دِيْنَهُمْ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ عَانَدُوا الْحَقَّ أَمْ جَهِلُوا مَا جَاءَتْ بِهِ
الرِّوَايَاتُ الصَّادِقَةُ وَالْأَخْبَارُ الصَّحِيحَةُ أَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ فَتَنَاسَوْا. أَمَا
تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةٍ إِقَامًا ظَاهِرًا وَأَمَا مَعْمُورًا.

أَوْلَمْ يَعْلَمُوا انْتِظَامَ ائْتِمَانِهِمْ بَعْدَ نَبِيِّهِمْ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاحِدًا بَعْدَ
وَاحِدٍ إِلَى أَنْ أُفْضِيَ الْأَمْرُ بِأَمْرِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَى الْمَاضِي يَعْنِي الْحَسَنَ
ابْنَ عَلِيٍّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ فَقَامَ مَقَامَ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَهْدِي إِلَى
الْحَقِّ وَالْيَ طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ.

كَانَ نُورًا سَاطِعًا وَقَمَرًا زَاهِرًا، إِخْتَارَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ مَا عِنْدَهُ فَمَضَى عَلَى
مِنْهَاجِ آبَائِهِ (الشَّهَادَةِ) عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَذَّوَالْتَعَلَّ بِالنَّعْلِ عَلَى عَهْدِ عَهْدِهِ
وَوَصِيَّةِ أَوْصِيَّ بِهَا إِلَى وَصِيِّ سَتَرَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِأَمْرِهِ إِلَى غَايَةِ وَأَخْفَى
مَكَانَهُ بِمَشِيئَتِهِ لِلْقَضَاءِ السَّابِقِ وَالْقَدْرِ التَّائِيدِ وَفِينَا مَوْضِعُهُ وَلَنَا فَضْلُهُ.

وَلَوْ قَدْ أَدَانَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ فِيمَا قَدْ مَنَعَهُ وَأَزَالَ عَنْهُ مَا قَدْ جَرَى بِهِ مِنْ
حُكْمِهِ لِأَرَاهُمْ الْحَقَّ ظَاهِرًا بِأَحْسَنِ حِلْيَةٍ وَأَبْيَنِ دَلَالَةٍ وَأَوْضَحِ عِلَاقَةٍ
وَلَا بَانَ نَفْسُهُ وَقَامَ بِحُجَّتِهِ وَلَكِنْ أَقْدَارُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ لَا تُغَالَبُ وَإِرَادَتُهُ لَا
تُرَدُّ وَتَوْفِيقُهُ لَا يُسْبَقُ.

ترجمه توفیق شریف حضرت بقیة الله به افتخار جناب عمری و فرزندش محمد بن عثمان

توضیح این نکته مناسب است که البته امام معصوم علیه السلام نه گمراه می شود و نه در فتنه ها گرفتار می آید، بلکه فرمایشات امام عصر روحی له الفداء برای ما است که موعظه شویم و پند بگیریم و آگاه باشیم.

چگونه در فتنه سقوط می کنند و در حیرت و سرگردانی بسر می برند و پیوسته به چپ و راست در حرکتند؟ آیا از دین خود جدا افتاده اند؟ (ارتباط آنها با دینشان قطع شده است؟) یا دچار شک و تردید شده اند؟ و یا با حق به ستیزه پرداخته اند؟ آیا از روایات معتبر در این مورد بی اطلاع هستند یا آگاهند ولی آن را از یاد برده اند؟ آیا نمی دانند که خداوند کره زمین را از حجت خالی نمی گذارد، اعم از اینکه آن حجت ظاهر و در میان مردم باشد یا غایب از انظار؟

آیا این دسته ای که در وجود امام [پس از حضرت عسکری علیه السلام] شک و تردید دارند، از برنامه منظم ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین پس از پیامبرشان صلی الله علیه و آله بی اطلاع هستند که چگونه یکی پس از دیگری طبق برنامه های تعیین شده به وظیفه خویش عمل کردند و نوبت به حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسید که جانشین پدرانش بود و به امر خداوند مردم را به سوی حق و راه مستقیم ولایت دعوت فرمود؟

او خورشیدی فروزان و ماهی درخشان بود که در آسمان ولایت و امامت می درخشید و آنگاه که ساعت مقرر فرا رسید و مانند اجداد گرامی اش راه شهادت در پیش گرفت و به جوار رحمت حق شتافت، مانند پدرانش بدون کم و زیاد به عهد خویش وفا نمود و وصیت خود را به وصی و جانشین خودش — که به امر خداوند باید تا روز موعود از نظرها پنهان باشد — سپرد. البته که در مورد جانشین او مقدر الهی اینچنین است که محل زندگی او باید مخفی باشد و این برای ما فضیلتی است.

و آن روزی که خداوند به ما اجازه دهد و منع خود را از ظهور ما بردارد، حق در زیباترین لباسها و روشن ترین نشانه ها به مردم نشان داده شده، بر همگان آشکار خواهد شد و اساساً حق و حقیقت، خود معرف خویش خواهد بود. لکن چه باید کرد؟ اکنون باید در برابر قضا و قدر الهی و اراده توانایش تسلیم و به انتظار توفیق از جانب ذات پاکش بود.

فَلْيَدْعُوا عَنْهُمْ أَتْبَاعَ الْهَوَىٰ وَلْيُقِيمُوا عَلَىٰ أَصْلِهِمُ الَّذِي كَانُوا عَلَيْهِ وَلَا
يَبْحَثُوا عَمَّا سَتَرَ عَنْهُمْ فَيَأْتُمُوا وَلَا يَكْشِفُوا سَتْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَيَسْنَدُوا
وَلْيَعْلَمُوا أَنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَابٌ مُّفْتَرٍ وَلَا
يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ. فَلْيَقْتَصِرُوا مِنَّا عَلَىٰ هَذِهِ الْجُمْلَةِ دُونَ
التَّفْسِيرِ وَيَقْنَعُوا مِنْ ذَلِكَ بِالْتَّعْرِيفِ دُونَ التَّضْرِيحِ، إِنْ شَاءَ اللَّهُ

پس منکران و کسانی را که در شک و تردید هستند بخوانید تا دست از متابعت هوی و هوس بردارند و همان اصول [یعنی برنامه منظم ائمه معصومین علیهم السلام] را که پیروی می‌کردند رعایت کنند و همان راه را دنبال نمایند. از آنچه از آنها پوشیده است درگذرند و از بحث و فحص در آن خودداری کنند، که به گناه آلوده خواهند شد. اسرار الهی را فاش نکنند، که موجب پشیمانی آنان خواهد شد و بدانند که حق با ما و در راه دوستی ما است. هیچ کس جز ما این ادعا [یعنی دعوی امامت و جانشینی رسول اکرم صلی الله علیه وآله] را ندارد مگر دروغگویان و آنان که بر خداوند افترا بسته‌اند. بدین مختصر که از ما شنیدید قناعت کنید و از تفصیل و شرح آن درگذرید.

● از مجموع سخنان حضرت بقیة الله روحی له الفداء در این فرمان به چند اصل مهم و حیاتی باید توجه نمود:

۱. برنامه‌های ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین از طرف خداوند عزوجل معین گردیده است و آنچه آنها عمل فرموده‌اند از قبیل موضوع غیبت، ظهور، در



- خانه نشستن، شهادت و مدارا کردن با دشمنان برای حفظ اسلام و جلوگیری از ریختن خون شیعیان، همه و همه از جانب خداوند متعال بوده است.
۲. وجود مقدس حضرت بقیة الله روحی له الفداء در تمام آنات و لحظات منتظر فرمان خداوند تبارک و تعالی و آماده قیام هستند.
۳. تمام مردم در معرض امتحان و آزمایش قرار خواهند گرفت.
۴. بهترین و بالاترین وسیله قرب به آن حضرت، تسلیم بودن و چون و چرا نداشتن درباره غیبت و تأخیر ظهور است.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

در مورد ابوالعباس خضر بن ابی صالح

حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَمَّارُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ إِسْحَاقَ الْأَسْرُوشَنِيِّ
— رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ — قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ الْخَضْرَاءُ بْنُ أَبِي صَالِحٍ الْجَنْدِيُّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ خَرَجَ إِلَيْهِ مِنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَوْقِيعٌ بَعْدَ
أَنْ كَانَ أُعْرِيَ بِالْفَخْصِ وَالظَّلْبِ وَصَارَ عَنُ وَطْنِهِ لِيَتَبَيَّنَ لَهُ مَا يَعْمَلُ
عَلَيْهِ وَكَانَ نُسخُهُ التَّوْقِيعِ:
مَنْ بَحَثَ فَقَدْ ظَلَبَ، وَمَنْ ظَلَبَ فَقَدْ ذَلَّ، وَمَنْ ذَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَمَنْ
أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ . قَالَ فَكَفَّ عَنِ الظَّلْبِ وَرَجَعَ!

هرکس که دربارهٔ من جستجو کند، به دنبال من آمده است. و هرکس
برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است. و
هرکس دشمن را به سوی من رهبری کند، جان مرا به خطر انداخته است. و
هرکس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است.
و بدین ترتیب، خضر بن ابی صالح که مدت‌ها در طلب مقام مقدس حضرت
بقیة الله روحی له الفداء در شهرها و بلاد در جستجو بود، دست از این کار برداشته،
به منزل خود بازگشت.



● همان گونه که خوانندگان ارجمند ملاحظه می‌فرمایند از این فرمان استفاده می‌شود که فحص و جستجو جهت پیدا کردن آن حضرت در زمان غیبت، جایز نیست. والبتّه هیچ کس در هر مقامی و دارای هر قدرتی که باشد امکان دسترسی به آن حضرت را نخواهد داشت و غرض، هدایت و راهنمایی دوستان است که راه رضا و تسلیم را ترک نکنند و تا روز موعود همچنان در آتش هجران بسوزند و در انتظار آن آب حیات بسر برند. **اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ وَأَنْتَقِمَ لَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ.**

توقیع شریف حضرت بقیة الله

علیه السلام

به افتخاریکی از شیعیان

عَلِيٌّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ، قَالَ وَتَهَيَّأْتُ لِحَجِّ وَوَدَّعْتُ النَّاسَ وَكُنْتُ عَلَى الْخُرُوجِ فَوَرَدَ: «نَحْنُ بِذَلِكَ كَارِهُونَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ» قَالَ فَصَاقَ صَدْرِي وَأَعْتَمَمْتُ وَكَتَبْتُ أَنَا مُقِيمٌ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ غَيْرَ أَنِّي مُعْتَمِّمٌ بِتَخَلُّفِي عَنِ الْحَجِّ. فَوَقَعَ: «لَا يَضِيقَنَّ صَدْرُكَ فَإِنَّكَ سَتَحِجُّ مِنْ قَابِلٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ» قَالَ وَلَمَّا كَانَ مِنْ قَابِلٍ كَتَبْتُ أَسْأَلُكَ فَوَرَدَ الْإِذْنَ فَكَتَبْتُ أَنِّي عَادَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ الْعَبَّاسِ وَأَنَا وَائِقٌ بِدِيَانَتِهِ وَصِيَانَتِهِ فَوَرَدَ: «الْأَسَدِيُّ نِعَمَ الْعَدِيلُ، فَإِنْ قَدِمَ فَلَا تَحْتَزَّ عَلَيْهِ» فَقَدِمَ الْأَسَدِيُّ وَ عَادَلْتُهُ!

علی [ناقل خبر] می گوید: پس از تصمیم و آماده شدن برای سفر حج و خداحافظی با دوستان و آشنایان، عازم حرکت بودم که از ناحیه مقدسه حضرت بقیة الله روحی له الفداء فرمانی رسید که: «ما از این سفر [حج] توناخشنودیم و کراهت داریم ولی موضوع موکول به تصمیم خودت می باشد.» و من که از این امر غمگین شده بودم با تقدیم عریضه ای خدمت حضرتش (علیه السلام) عرضه داشتم

توقیع شریف حضرت بقیة الله به افتخاریکی از شیعیان به نام علی

که دستورتان را اطاعت کرده، از این مسافرت منصرف گردیدم، ولی از عدم توفیق زیارت خانه خدا اندوهگین شده‌ام. در پاسخ توقیعی شرفصدور یافت که: «دلتنگ مباش! به خواست خداوند سال آینده به حج خواهی رفت.»

در آستانه سال بعد، ضمن عریضه‌ای به حضور مبارکشان اجازه خواستم و مرحمت فرمودند. بار دیگری نامه دیگری معروض داشتم که در این سفر با محمدبن عباس که به دیانت و امانت وی اطمینان دارم همراه خواهم بود. در پاسخ فرمودند: «اسدی همراه خوبی است. اگر آمد، کسی را براو ترجیح مده.» و متعاقباً شخص نامبرده آمد و با هم به سفر حج رفتیم.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء بالطف و عنایت خاصی همه برنامه‌های زندگی دوستان را تحت نظارت عالیہ دارند و مصالح مادی و معنوی آنان را زیر نظر شامخ ولایت حفظ می‌فرمایند. نکته دیگر آنکه معنای ادب شیعه در مقابل امام معصوم همین است که در تمام مسائل مربوط به زندگی اش باید کسب اجازه کند.





توقیع مبارک حضرت امام زمان

ارواحنا له الفداء

به افتخاریکی از شیعیان

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ وَحَدَّثَنِي
أَبُو الْحَسَنِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ وَجَرِي بَيْنَ قَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِنَا مُجْتَمِعِينَ
عَلَى كَلَامٍ فِي مَجْلِسٍ فَكَتَبَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِلَى رَجُلٍ شَرَحَ مَا جَرَى
فِي الْمَجْلِسِ.^۱

پدرم رضی الله عنه از سعد بن عبدالله نقل می‌کند که به طوری که ابوالحسن جعفر بن احمد برای من اظهار نمود، در مجلسی که میان جمعی از دوستان تشکیل شده بود، مطالبی مورد بحث قرار گرفت. حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء طی نامه ای به یکی از آنان که در مجلس شرکت داشت شرح آنچه در آن جمع و در آن مجلس گذشته بود، بیان فرمودند.

• آری، آن وجود مقدس همه چیز را می‌دانند و بر همه چیز آگاهی دارند.



توقیع مبارک حضرت ولی عصر

روحی له الفداء

در تأیید محمد بن عثمان عمری

عَنْ إِسْحَقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِي رَحِمَهُ اللَّهُ أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلْتُ عَلَيَّ فَوَقَعَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ: «وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعَمْرِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ، فَإِنَّهُ تَقَى وَكِتَابُهُ كِتَابِي»!

اسحاق بن یعقوب می گوید: در مورد برخی از مسائل که برای من به صورت مشکل باقی مانده بود از جناب محمد بن عثمان عمری رحمة الله علیه خواهش کردم که نامه و عریضه ام را تقدیم پیشگاه مقدسه حضرت بقیة الله امام زمان علیه السلام بنماید. سپس فرمانی به خط مولای عزیزمان حضرت صاحب الزمان به دست من رسید و طی آن فرموده بودند: «محمد بن عثمان - که خداوند از او و پدرش راضی باد - مورد اعتماد من و نامه او نامه من است.» (یعنی هرچه او جواب دهد، جواب من است.)

● آری، خواننده ارجمند! انسان در سایه پرهیزگاری و تقوی به جایی می رسد که تالی تلو معصوم می شود: «فَإِنَّهُ تَقَى وَكِتَابُهُ كِتَابِي».





توقيع حضرت صاحب الامر

روحي له الفداء

به افتخار اسحق بن يعقوب

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ يَعْقُوبَ، قَالَ سَأَلْتُ مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الْعَمْرِيَّ
— رَحِمَهُ اللَّهُ — أَنْ يُوَصِّلَ لِي كِتَابًا قَدْ سَأَلْتُ فِيهِ عَنْ مَسَائِلَ أَشْكَلَتْ
عَلَيَّ فَوَرَدَ التَّوْقِيعُ بِخَطِّ مَوْلَانَا صَاحِبِ الدَّارِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«أَمَّا مَا سَأَلْتَ عَنْهُ، أَرْشَدَ اللَّهُ وَتَبَّتْكَ مِنْ أَمْرِ الْمُنْكَرِينَ لِي مِنْ أَهْلِ
بَيْتِنَا وَبَنِي عَمِّيْنَا فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَبَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، وَمَنْ
أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي وَسَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ وَأَمَّا سَبِيلُ عَمِّي جَعْفَرٍ وَوَلَدِهِ
فَسَبِيلُ إِخْوَةِ يُوسُفَ عَلِيٍّ نَسَبِنَا وَإِلَيْهِ وَعَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَمَّا الْفُقَاعُ فَشُرْبُهُ
حَرَامٌ وَلَا تَبَأْسَ بِالسَّلَامِ. وَأَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَمَا نَقَبَلُهَا إِلَّا لِتَظْهَرُوا، فَمَنْ
شَاءَ فَلْيَصِلْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ، فَمَا آتَانَا اللَّهُ خَيْرًا مِمَّا آتَاكُمْ، وَأَمَّا ظُهُورُ
الْفَرَجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، كَذِبَ الْوَقَائِدُونَ، وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ زَعَمَ أَنَّ
الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُقْتَلْ، فَكُفْرٌ وَتَكْذِيبٌ وَضَلَالٌ.

وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي
عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.



اسحق بن یعقوب می گوید: در مورد برخی از مسائل که برای من مشکل شده بود توسط جناب محمد بن عثمان — که خدا از او و پدرش راضی باد — [نایب خاص حضرت بقیة الله، عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری] عریضه ای به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر روحی له الفداء تقدیم داشتم که جوابی از ناحیه مقدسه حضرت واصل شد بدین شرح:

«خداوند ترا به حق هدایت کند و ثابت قدم بدارد.

□ اما در خصوص انکار وجود من از طرف برخی از خویشاوندان (عموها و غیره)، بدان که میان خداوند متعال و بندگانش قرابت و خویشاوندی نیست و هرکس که مرا انکار کند از من نیست و راه او راه پسر نوح است (از ما نیستند).

□ در مورد جعفر عمویم و فرزندانش، وضع آنان همانند برادران یوسف علی نبینا وآله وعلیه السلام است. (هم ممکن است مورد عفو حضرت قرار گیرند، چنانکه حضرت یوسف به برادرانش گفت «لَا تَثْرِيبَ عَلَیْكُمْ الْیَوْمَ» و هم ممکن است توبه کنند، چنانکه بعداً توبه کردند).

□ خوردن و استعمال فقاع (آبجو) حرام است، ولی نوشیدن «شلماب» مانعی ندارد. (شلماب شربتی است که از شلغم تهیه می شود).

□ اما وجه اینکه اموال شما را قبول می کنیم این است که اموال شما پاک شود. بنابراین، هرکس که می خواهد اموالش پاک شود بدهد و هرکس که نمی خواهد، ندهد. آنچه خداوند به ما عطا فرموده از آنچه شما می دهید بهتر است. (ما نیازی به اموال شما نداریم).

□ اما وقت ظهور ما موكول و منوط به اراده خداوند عزوجل است و هرکس برای ظهور ما وقت تعیین کند دروغ گفته است.

□ واما گفته کسانی که پنداشته اند امام حسین علیه السلام کشته نشده کفر و گمراهی است. (گویندگان کافر و گمراهند).

□ اما در مورد مسائل و حوادث جدیدی که برای شما پیدا می شود، به کسانی که احادیث ما را روایت می کنند رجوع کنید. (به کسانی که سخنان ما خاندان رسالت را برای شما می گویند مراجعه کنید و نه به کسانی که از خودشان درمی آورند.) و این دسته حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر همه شما هستم.

وَآمَا مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ الْعُمَرَى - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَعَنْ أَبِيهِ مِنْ قَبْلُ - فَإِنَّهُ
يَقْتَى وَكِتَابُهُ كِتَابِي.

وَآمَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارَ الْأَهْوَزِيِّ فَسَيُصْلِحُ اللَّهُ قَلْبَهُ وَيُرِيْلُ عَنْهُ
شَكَّهُ.

وَآمَا مَا وَصَلْتَنَابِيهِ، فَلَا قَبُولَ عِنْدَنَا إِلَّا لِمَا طَابَ وَظَهَرَ، وَتَمَنُّ الْمُغْنِيَةِ
حَرَامٌ.

وَآمَا مُحَمَّدُ بْنُ شاذَانَ بْنِ نَعِيمٍ، فَإِنَّهُ رَجُلٌ مِنْ شِيَعَتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.
وَآمَا أَبُو الْخَطَّابِ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي زَيْتَبِ الْأَجْدَعِ مَلْعُونٌ وَأَصْحَابُهُ
مَلْعُونُونَ، فَلَا تُجَالِسُ أَهْلَ مَقَالَاتِهِمْ وَإِنِّي مِنْهُمْ بَرِيٌّ وَأَبَائِي
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْهُمْ بُرءٌ آءُ.

وَآمَا الْمُتَلَبِّسُونَ بِأَمْوَالِنَا، فَمَنْ اسْتَحَلَّ مِنْهَا شَيْئًا فَآكَلَهُ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ
التَّيْرَانَ.

وَآمَا الْخُمْسُ فَقَدْ أُبِيحَ لِشِيَعَتِنَا وَجُعِلُوا مِنْهُ فِي حِلِّ إِلَى وَقْتِ ظَهْوَرِ
أَمْرِنَا لِتَطْيِبِ وَلَا ذَنْبُهُمْ وَلَا تَخْبُثُ.

وَإِنَّمَا نِدَامَةُ قَوْمٍ قَدْ شَكُّوا فِي دِينِ اللَّهِ عَلَى مَا وَصَلُونَا بِهِ فَقَدْ أَقْلُنَا مَنْ
اسْتَقَالَ وَلَا حَاجَةَ لَنَا فِي صِلَةِ الشَّاكِينَ.

وَآمَا عِلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْعُيْبَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدِّلَكُمْ تَسْؤُكُمْ.»

إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغِيَةِ زَمَانِهِ وَإِنِّي
أَخْرُجُ حِينَ أَخْرُجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيَةِ فِي عُنُقِي.

- واما محمد بن عثمان عمری — که خداوند از او و پدرش راضی باد — مورد اعتماد من و نوشته و نامه او، نامه من است.
- در خصوص محمد بن علی بن مهزیار اهوازی — بزودی قلب او اصلاح می گردد و شگ از دلش بیرون می رود.
- واما اموالی که برای ما فرستادی، ما آنها را قبول نمی کنیم، چون از حرام است و باید از حرام پاک شود.
- در مورد محمد بن شاذان سؤال کرده بودی. او از شیعیان ما اهل بیت است.
- اما ابوالخطاب محمد فرزند ابی زینب الاجدع واصحابش ملعونند. با آنها معاشرت نکن و من و پدران گرامی ام علیهم السلام از آنها بیزاریم.
- واما در مورد کسانی که اموال ما را می خورند، اگر بر سبیل انکار باشد و حلال بدانند خوردن اموال ما را، شکمهای خود را از آتش جهنم پُر می کنند.
- در مورد خمس، آن را تاهنگام ظهور بر شیعیان خود حلال کردیم تا فرزندان آنها پاکیزه متولد شده، به دنیا بیایند. (یعنی از مال مشتبّه تغذیه نکنند که در نتیجه فرزندان آنها ناپاک باشند.)
- در مورد شگ و تردید عده ای در دین خدا و پشیمانی آنها از اموالی که برای ما ارسال نموده اند، باید بدانند که ما احتیاجی به اموال آنها نداریم.
- در خصوص علت غیبت سؤال کرده بودید. خداوند متعال در قرآن کریمش می فرماید: «ای اهل ایمان! از چیزهایی که جواب آنها را نمی توانید تحمل کنید و ناراحت می شوید، سؤال نکنید.»
- بدانید که هرکدام از پدران و اجداد من بیعت یکی از طاغوتهای زمان خویش را به گردن داشتند؛ ولی من وقتی قیام می کنم بیعت هیچ یک از گردنکشان و طاغوتهای زمان را برگردن ندارم.

وَإِنَّمَا وَجْهُ الْإِنْتِفَاعِ فِي غَيْبَتِي فَكَأَلِإِنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ
الْأَبْصَارِ السَّحَابُ وَإِنِّي لَأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ التُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ
السَّمَاءِ، فَأَغْلِقُوا السُّؤَالَ عَمَلًا يَغْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عَلَيَّ مَا قَدْ كَفَيْتُمْ
وَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
إِسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى مَنْ اتَّبَعَ الْهُدَى!

□ اما استفاده و انتفاع از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است. (یعنی اگرچه خورشید در زیر ابرهای متراکم پنهان است ولی از نور و حرارت آن همگان استفاده می‌کنند و اگر همان نباشد دیگر روز نیست و چون شب تاریک است.)

□ آگاه باشید که وجود من، موجب بقای کره زمین و امان برای همه مخلوقات است همچنانکه ستارگان موجب امان اهل آسمانند. بنابراین درهای سؤال را بر آنچه برای شما سودی ندارد و آن را از شما نخواسته‌اند، ببندید.

□ برای تعجیل در امر ظهور و فرج ما بسیار دعا کنید که فرج شما در همین دعا کردن است. و سلام بر توای اسحاق بن یعقوب و بر هر که راه هدایت در پیش گیرد.

● خواننده عزیز! در مورد جمله مبارکه «وَأَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ» دو نکته لازم به ذکر است: یکی آنکه امر به دعا کردن بسیار برای تعجیل فرج شده و بنا به گفته علما و دانشمندان، امر ظاهر در وجوب است، و دیگر «اکثروا» — بسیار — باید دعا کرد و نهایی برای آن نیست. بنابراین، باید «زیاد» و «همیشه» دعا کرد. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ.



خبر دادن حضرت صاحب الامر

علیه السلام

از مرگ محمد بن زیاد

كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الصَّمِيرِيُّ يَسْأَلُ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ
كَفَنَّا يَتَيَّمَنُ بِمَا يَكُونُ مِنْ عِنْدِهِ فَوَرَدَ أَنَّكَ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ سَنَةً إِحْدَى وَ
ثَمَانِينَ. فَمَاتَ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي الْوَقْتِ الَّذِي حَدَّهُ وَتَعَثَّ إِلَيْهِ بِالْكَفَنِ
قَبْلَ مَوْتِهِ بِشَهْرٍ^١

محمد بن زیاد صمیری از پیشگاه مقدس ولی عصر ارواحنا له الفداء کفنی تقاضا نمود تا به برکت آن از عذاب محفوظ باشد. آن حضرت روحی له الفداء در جوابش فرمودند: تو در سال هشتاد و یک به کفن احتیاج پیدا خواهی کرد. و همین طور هم شد و او در سال هشتاد و یک وفات نمود (همان سالی که آن حضرت عجل الله فرجه فرموده بودند) و یک ماه پیش از وفات وی از ناحیه مقدسه حضرت امام زمان علیه السلام کفن به محمد بن زیاد رسید.

● خداوند تبارک و تعالی از این کفنها نصیب بنده روسیاه نویسنده و شما خوانندگان عزیز نیز بفرماید. آمین، یارب العالمین.



توقیع حضرت بقیة الله

روحی له الفسداء

برای جمعی از شیعیان

توسط جناب محمد بن عثمان نایب خاص حضرت مهدی

علیه السلام

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى هُوَ الَّذِي خَلَقَ الْأَجْسَامَ وَقَسَمَ الْأَرْزَاقَ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ
وَلَا حَالٍ فِي جِسْمٍ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ وَأَمَّا الْأَئِمَّةُ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنَّهُمْ يَسْأَلُونَ اللَّهَ تَعَالَى فَيَخْلُقُ وَيَسْأَلُونَ فَيَرْزُقُ إِجَاباً
لِمَسْئَلَتِهِمْ وَأَعْظَمَ مَا لِحَقِّهِمْ.

میان جمعی از شیعیان در مورد نقش ائمه علیهم السلام درباره خلقت موجودات اختلافی پدید آمد که خلاصه ماجرا بدین شرح است: برخی از آنان می گفتند ائمه علیهم السلام خلق می کنند و روزی می دهند. عده دیگری معتقد بودند که غیر از ذات باری تعالی، محال است کس دیگری بتواند موجودی را خلق کند. گروه دیگری راعقیده این بود که خداوند متعال به ائمه قدرت می دهد تا خلق کنند و روزی بدهند. دامنه اختلاف بالا گرفت و بالأخره بنا به پیشنهادی که شد به جناب محمد بن عثمان نایب خاص حضرت بقیة الله عجل الله تعالی

توقيع حضرت بقية الله توسط جناب محمد بن عثمان

فرجه الشريف مراجعه کردند و توسط ایشان عريضة ای به پیشگاه مقدس امام زمان
روحي له الفداء تقديم داشتند. پاسخ رسید که:

«خداوند متعال آفریننده تمامی مخلوقات و روزی دهنده همه آنهاست.
او جسم نیست و مثل و مانند ندارد و شنوا و داناست. اما ائمه معصومین سلام الله
عليهم اجمعین، سؤال و درخواست می کنند و خداوند موجودات را خلق می کند و از
ذات مقدس او تقاضا می کنند و او به خاطر احترام و مقامات عالیة آنان، اجابت
فرموده، روزی می دهد.»

● آری، این است نقش ائمه هدی سلام الله عليهم اجمعین در عالم خلقت.



توقیع مبارک حضرت صاحب الامر

اروحناله الفداء

به افتخار جمعی از شیعیان

تَشَاجَرِ ابْنِ أَبِي غَانِمٍ الْقَزْوِينِيِّ وَجَمَاعَةٍ مِنَ الشَّيْعَةِ فِي الْخَلْفِ فَذَكَرَ
ابْنُ أَبِي غَانِمٍ أَنَّ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى وَلَا خَلْفَ لَهُ. ثُمَّ إِنَّهُمْ
كَتَبُوا فِي ذَلِكَ كِتَابًا وَأَنْفَذُوهُ إِلَى التَّاجِيَةِ وَأَعْلَمُوهُ بِمَا تَشَاجَرُوا فِيهِ،
فَوَرَدَ جَوَابُ كِتَابِهِمْ بِخَطِّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ السَّلَامُ:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ عَافَانَا اللَّهُ وَإِنَّا كُمْ مِنَ الضَّلَالَةِ وَالْفِتَنِ وَوَهَبَ
لَنَاوَلَكُمْ رُوحَ الْيَقِينِ وَأَجَارَنَا وَإِنَّا كُمْ مِنْ سُوءِ الْمُتَقَلِّبِ. إِنَّهُ أَنْهَى إِلَيَّ

میان جماعتی از شیعیان و پسرابی غانم قزوینی در مورد جانشینی حضرت امام حسن عسکری علیه السلام اختلاف افتاد. پسرابی غانم گفت: امام حسن عسکری علیه السلام در حالی که فرزندی پس از خودشان نداشتند درگذشتند. سپس [توسط یکی از نواب خاص] عریضه ای به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر ارواحناله الفداء تقدیم نمودند. در پاسخ حضرت بقیة الله علیه السلام چنین فرمودند:

«به نام خداوند بخشنده مهربان. خداوند همه ما و شما را از گمراهی و فتنه ها با عاقبت نجات دهد و به ما و شما روح یقین [به خداوند و رسول و قرآنش] عنایت فرموده، از بداندیشی در انتخاب راه زندگی و تحوّل به سوی بدیها در پناه خودش حفظمان فرماید. به من خبر رسید که گروهی از شما درباره ولی امر

ارْتِيَابُ جَمَاعَةٍ مِنْكُمْ فِي الدِّينِ وَمَا دَخَلَهُمْ مِنَ الشَّكِّ وَالْحَيْرَةِ فِي
وُلَاةِ أُمُورِهِمْ، فَغَمَّنَا ذَلِكَ لَكُمْ لِأَنَّا وَسَاءْنَا فِيكُمْ لِأَفِينَا.

لِأَنَّ اللَّهَ مَعَنَا وَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَىٰ غَيْرِهِ وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا
وَنَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا وَالْخَلْقُ بَعْدُ صَنَائِعُنَا.

يَا هُوَلَاءِ، مَا لَكُمْ فِي الرَّبِّ تَتَرَدَّدُونَ وَفِي الْخَيْرَةِ تَنعَكُسُونَ. أَوْ مَا
سَمِعْتُمْ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ.»^١

أَوْ مَا عَلِمْتُمْ مَا جَاءَتْ بِهِ الْأَثَارُ مِمَّا يَكُونُ وَيَخْدُثُ فِي أُمَّتِكُمْ عَنِ
الْمَاضِينَ وَالْبَاقِينَ مِنْهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

أَوْ مَا رَأَيْتُمْ كَيْفَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مَعَاقِلَ تَأْوُونَ إِلَيْهَا وَأَعْلَامًا تَهْتَدُونَ
بِهَا مِنْ لَدُنْ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَىٰ أَنْ ظَهَرَ الْمَاضِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - كُلَّمَا
غَابَ عِلْمٌ بَدَأَ عِلْمٌ وَإِذَا أَقْلَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ فَلَمَّا قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ
ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَىٰ أَبْظَلَ دِينَهُ وَقَطَعَ السَّبَبَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ خَلْقِهِ - كَلَّا،
مَا كَانَ ذَلِكَ وَلَا يَكُونُ حَتَّىٰ تَقُومَ السَّاعَةُ وَيُظْهَرَ أَمْرُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَهُمْ
كَارِهُونَ.

و امام زمان خویش دچار شگ و حیرت شده‌اید. از این جهت غمگین شدم ولی نه برای خودم بلکه برای شما، و ناراحت شدم البته برای خود شما نه برای ما.»
زیرا خداوند متعال با ما است و ما بجز ذات مقدس وی به چیزی نیاز نداریم و حق همه جا با ما است. بنابراین، اگر گروهی [یا همه مردم دنیا] با ما قطع رابطه کنند، هرگز در ما وحشتی ایجاد نمی‌کند. برای چه و به چه جهت دچار وحشت شویم در حالی که خداوند متعال، ما خاندان رسالت و امامت را به ید قدرت خویش خلق و در مکتب مخصوص خود تربیت فرموده است و همه موجودات به طفیل وجود ما و یا بر حسب خواست ما آفریده شده‌اند؟

ای گروه شیعه! چه موجب شده است که در وجود ما شگ و تردید کنید و در حیرت باشید؟ آیا فرمایش خداوند متعال را در قرآن کریم نشنیده‌اید که فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! فرمان خداوند و رسول گرامی او و صاحبان امر [ولایت] را اطاعت کنید»؟

آیا از آثار وجودی و آنچه که برای ائمه معصومین شما علیهم السلام از گذشتگان و آنان که باقی هستند پیش آمده است بی اطلاع‌اید و نمی‌دانید؟
(شیعه باید از آنچه برای ائمه سلام الله علیهم اجمعین پیش آمده است، اگر چه به طور اختصار و اجمال، آگاهی داشته باشد و از این رهگذر ائمه معصومین را بشناسد.)

آیا ندیدید خداوند متعال چگونه از بدو خلقت آدم علیه السلام پناهگاه و معقل و پرچمهای هدایتی برای شما قرار داد؟ (کنایه از سلسله جلیله انبیاء و اولیاء علیهم السلام است.) هرگاه یکی از پرچمهای هدایت به زمین می‌افتاد پرچم دیگری به اهتزاز درمی‌آمد و هر زمان که یکی از ستارگان درخشان آسمان توحید و نبوت و امامت غروب می‌کرد ستاره فروزان دیگری به جای او طلوع می‌نمود. پس آنگاه که پدرم از دنیا رفت گمان کردید که خداوند بزرگ دین خود را باطل و بی سرپرست گذاشته و رشته ارتباط بین خود و مخلوقاتش را قطع کرده است. نه چنین است. نه در گذشته این طور شده و نه در آینده این طور خواهد شد، بلکه ارتباط میان خداوند و مخلوقاتش تا روز قیامت همواره برقرار خواهد بود، اگر چه دشمنان خداوند از این امر کراهت داشته و ناراحت باشند.

وَإِنَّ الْمَاضِيَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَضَى سَعِيداً فَقِيداً عَلَى مِنْهَاجِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ حَذْوَالنَّعْلِ بِالنَّعْلِ، وَفِينَا وَصِيَّتُهُ وَعِلْمُهُ، وَمَنْ هُوَ خَلْفُهُ وَمَنْ هُوَ
يَسُدُّ مَسَدَهُ، لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعَهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَلَا يَدَّعِيهِ دُونَنَا إِلَّا جَاحِدٌ
كَافِرٌ، وَلَوْلَا أَنَّ أَمْرَ اللَّهِ تَعَالَى لَا يُغْلَبُ وَسِرُّهُ لَا يُظْهَرُ وَلَا يُعْلَنُ لَظَهَرَ
لَكُمْ مِنْ حَقِّنَا مَا تَبِينُ مِنْهُ عُقُولُكُمْ وَيُزِيلُ شُكُوكَكُمْ، لِكَيْتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ
كَانَ وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَسَلِّمُوا لَنَا وَرُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا فَعَلَيْنَا
الْإِضْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْإِيرَادُ.

وَلَا تُحَاوِلُوا كَشْفَ مَا عُطِيَ عَنْكُمْ، وَلَا تَمِيلُوا عَنِ الْيَمِينِ وَتَعْدِلُوا إِلَى
الشِّمَالِ وَاجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ فَقَدْ
نَصَحْتُ لَكُمْ وَاللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَعَلَيْكُمْ وَلَوْلَا مَا عِنْدَنَا مِنْ مَحَبَّةٍ
صَلَاحِكُمْ وَرَحْمَتِكُمْ وَالْإِشْفَاقِ عَلَيْكُمْ، لَكُنَّا عَنْ مُخَاطَبَتِكُمْ فِي سُغْلِ
فِيمَا قَدْ امْتَحَنَّا بِهِ مِنْ مُنَازَعَةِ الظَّالِمِ الْعُتْلِ الضَّالِّ الْمُتَتَابِعِ فِي غَيْبِهِ.

المُضَادِّ لِرَبِّهِ، الدَّاعِي مَا لَيْسَ لَهُ، الْجَاحِدِ حَقِّ مَنْ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ،
الظَّالِمِ الْغَاصِبِ وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِي أُسْوَةٌ
حَسَنَةٌ. وَسَيُرَدِّي الْجَاهِلُ رِدَاءَةَ عَمَلِهِ وَسَيَعْلَمُ الْكَافِرُ لِمَنْ عُقْبَى
الدَّارِ. عَصَمَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ الْمَهَالِكِ وَالْأَسْوَاءِ وَالْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ

پدرم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام سعادت‌مندان و در حالی که روش آباء و اجداد گرامی اش را دقیقاً در زندگی خویش و همه مردم پیاده فرمود، از این جهان درگذشت. وصایا و علم آن حضرت در نزد ماست که جانشین و ادامه دهنده راه او هستیم. هر کس که در امر امامت با ما منازعه کند، ستمگر و گناهکار است و هر که این مقام را ادعا کند کافر است. و اگر نه این بود که امر خداوند بر همه غالب است و سر بزرگ الهی نباید فاش گردد، مسلماً ما حق خود را بر شما چنان ظاهر می‌کردیم که عقل شما آن را درک کرده، شگ و تردیدتان از بین برود. و البته هر چه که خداوند اراده فرموده است همان خواهد شد. برای هر مدتی، کتاب مخصوصی است [که در عالم غیب نوشته شده است.] (شاید اشاره به مدت غیبت و زمان ظهور باشد که خداوند به آن آگاه است و البته خود آقا، حضرت بقیة الله روحی له الفداء، هم می‌دانند که چه زمانی ظهور خواهند کرد و باید بدانند.)

از خدا بترسید و تقوی پیشه کنید و امر [امامت] را به ما واگذارید که صدور آن بر ماست همان گونه که همه لطفهای آن از جانب ماست (تمام خیرات از جانب ما است).

در برداشتن پرده از اسراری که بر شما پوشیده است، نکوشید و از راه راست منحرف نشوید و به سمت راست و چپ متمایل نگردید. هدف و مقصد خود را بر اساس دوستی و محبت با ما قرار دهید (یعنی هدف شما، ما باشیم) و راه روشن را دنبال کنید. آنچه لازمه محبت و نصیحت بود به شما گفتم و خداوند بر من و شما گواه است. و اگر نسبت به شما محبت نداشتیم و به خاطر ترحم و شفقت نبود، حتماً سخن گفتن با شما را ترک می‌کردیم. و البته که تعدی ستمگران پرخور به حقوق ما برای ما امتحان است.

آن ستمگری که در مقابل خداوند بزرگ سرکشی کرد و مدعی مقامی شد که برای او نبود [و ادعای امامت کرد] (شاید اشاره به ادعای جعفر باشد) و در مقابل کسی که اطاعت از او واجب بود، ایستاد. و در جریان غصب حق مسلم دختر رسول خدا (غصب فدک) برای من یک نوع تاسی و پیروی وجود دارد و آن نادان بزودی نتیجه عمل پست خود را خواهد دید و کفار نیز جایگاه خود را در

كُلِّهَا بِرَحْمَتِهِ فَإِنَّهُ وَلِيُّ ذَٰلِكَ وَالْقَادِرُ عَلَىٰ مَا يَشَاءُ وَكَانَ لَنَا وَلَكُمْ وَلِيًّا
وَحَافِظًا وَالسَّلَامُ عَلَىٰ جَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ وَالْأَوْلِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا.^۱

جهنم خواهند دید. خداوند ما و شما را از جمیع بلیات و آفات و بدیها محفوظ دارد، و او بر همه چیز تواناست و او نگهبان و حافظ ما است. و بر همه اوصیاء و اولیاء و بندگان صالح خداوند بویژه بر محمد و خاندان پاک او سلام و درود باد.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

به جناب احمد بن اسحق

قَالَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَقَ: كَتَبَ إِلَيْهِ جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ كِتَابًا أَنَّ عِنْدَهُ مِنْ عِلْمِ
الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ مَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنَ الْعُلُومِ كُلِّهَا. قَالَ أَحْمَدُ بْنُ
إِسْحَقَ فَلَمَّا قَرَأَتْ الْكِتَابَ كَتَبْتُ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَصَيَّرْتُ كِتَابَ جَعْفَرٍ فِي دَرَجِهِ، فَخَرَجَ الْجَوَابُ إِلَيَّ ذَلِكَ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَتَانِي كِتَابُكَ أَبْقَاكَ اللَّهُ، وَالْكِتَابُ الَّذِي أَنْفَدْتَهُ دَرَجَةً وَأَحَاطَتْ

احمد بن اسحق می گوید: از جعفر بن علی نامه ای به دست من رسید که
طی آن ادعا کرده بود به علم دین (حلال و حرام) و نیز کلیه علوم و آنچه که مردم
بدان نیازمندند، آگاهی دارد. پس از اینکه نامه را خواندم، عریضه ای به پیشگاه
مقدس حضرت امام عصر رومی له الفداء نگاشته، نامه جعفر را نیز در جوف آن
قرار دادم. متعاقباً از ناحیه مقدسه جوابی بدین شرح واصل شد:

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوند ترا پایدار بدارد. نامه شما و ضمیمه آن (نامه جعفر) به من رسید و
از مضمون آن که با اختلاف الفاظ و اشتباهات بسیار توأم بود، مطلع شدم و اگر

مَعْرِفَتِي بِجَمِيعِ مَا تَضَمَّنَتْهُ عَلَيَّ اخْتِلَافِ الْفَاطِيهِ وَتَكَرُّرِ الْخَطَا فِيهِ، وَلَوْ
تَدَبَّرْتَهُ لَوَقَّفْتُ عَلَيَّ بَعْضِ مَا وَقَفْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
حَمْدًا لِأَشْرِيكَ لَهُ عَلَيَّ إِحْسَانِهِ إِلَيْنَا، وَفَضْلِهِ عَلَيْنَا، أَبِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ
لِلْحَقِّ إِلَّا إِنَّمَاءً.

وَاللِّبَاطِلِ إِلَّا ذُھُوقًا وَهُوَ شَاهِدٌ بِمَا أَذْكَرُهُ وَلِي عَلَيَّكُمْ بِمَا أَقُولُهُ إِذَا
اجْتَمَعْنَا لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَيَسْأَلُنَا عَمَّا نَحْنُ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ. أَنَّهُ لَمْ يَجْعَلْ
لِصَاحِبِ الْكِتَابِ عَلَيَّ الْمَكْتُوبِ إِلَيْهِ وَلَا عَلَيَّكَ وَلَا عَلَيَّ أَحَدٍ مِنَ
الْخَلْقِ جَمِيعًا إِمَامَةً مُفْتَرَضَةً وَلَا طَاعَةً وَلَا ذِمَّةً وَسَائِبِينَ لَكُمْ جُمْلَةً
تَكْتَفُونَ بِهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

يَا هَذَا، يَرْحَمُكَ اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقِ الْخَلْقَ عَبَثًا وَلَا أَهْمَلَهُمْ
سُدًى بَلْ خَلَقَهُمْ بِقُدْرَتِهِ وَجَعَلَ لَهُمْ أَسْمَاعًا وَأَبْصَارًا وَقُلُوبًا وَالْبَابَ
ثُمَّ بَعَثَ إِلَيْهِمُ النَّبِيَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، يَا مُرُونَهُمْ بِطَاعَتِهِ
وَيَنْهَوْنَهُمْ عَنِ مَعْصِيَتِهِ وَيُعَرِّفُونَهُمْ مَا جَهِلُوهُ مِنْ أَمْرِ خَالِقِهِمْ وَدِينِهِمْ وَأَنْزَلَ
عَلَيْهِمْ كِتَابًا.

شما هم دقت کرده بودید به برخی از آنها آگاه می‌شدید. حمد و ثنا مختص ذات پاک خداوند متعال، پروردگار جهانیان است که برای او شریکی در احسان وی نسبت به ما و فضلش بر ما نیست. خداوند عزوجل، مقدر و معین فرموده است که حق به مرحله نهائی و کمال خود برسد. (پرچم حق در سراسر جهان هستی به دست ما به اهتزاز درآید.)

و خداوند اراده فرموده است که باطل از بین برود. و او بر آنچه بیان نمودم گواه است و آنچه که تذکر می‌دهم در روز قیامت بر شما حجت خواهد بود و از آنچه که در آن اختلاف داشتیم سؤال خواهد کرد. خداوند، برای صاحب آن نامه (جعفر) هیچ گونه مقام و حقی بر ما و شما و بر دیگر مخلوقات قرار نداده است و اطاعت او واجب نیست (آنچه در نامه اش ادعا کرده، همگی دروغ است) و من طی یک جمله مطلب را به نحو کافی و کامل بیان خواهم کرد. ان شاء الله.

ای احمد بن اسحق! خداوند ترا از رحمت بی نهایتش بهره مند سازد. خداوند متعال خلائق را بیهوده نیافریده و آنان را مهمل نگذاشته است، بلکه آنان را به قدرت کامله خویش آفریده (زیربنای خلقت عالم هستی و موجودات، قدرت بی پایان خداوندی است) و برای رسیدن به کمال واقعی، اسباب تکامل را به آنان مرحمت فرموده است، از جمله برای شنیدن حقایق، گوش و برای دیدن آیات الهی، چشم و برای درک حقایق و تمیز باطل از حق، قلب و عقل عنایت فرمود [و اینها راهنمایان باطنی هستند] و سپس سلسله جلیله انبیاء علیهم السلام را برانگیخت که به نعمتهای او در آخرت والطف وی در این دنیا بشارت دهند و از عذاب او مردم را بترسانند و افراد جامعه را به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند دستور دهند و از نافرمانی و مخالفت وی برحذر دارند و آنچه که در شناخت خداوند و دین مقدس اسلام مؤثر است در اختیارشان قرار داده تا با عوامل جهل و نادانی مبارزه کنند. و از دیگر الطاف بزرگ الهی فر فرستادن قرآن کریم است که تمام موجبات خوشبختی و سعادت و همه عوامل بدبختی و شقاوت را بیان می‌دارد.

وَبَعَثَ إِلَيْهِمْ مَلَائِكَةً يَأْتِينَ بَيِّنَاتٍ مِنْ بَعْتِهِمْ إِلَيْهِمْ بِالْفَضْلِ الَّذِي
جَعَلَهُ لَهُمْ وَعَلَيْهِمْ وَمَا آتَاهُمْ مِنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَةِ وَالْبَرَاهِينِ البَاهِرَةِ
وَالآيَاتِ العَالِيَةِ فَمِنْهُمْ مَنْ جَعَلَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَأَتَّخَذَهُ خَلِيلًا
وَمِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَهُ تَكْلِيمًا وَجَعَلَ عَصَاهُ تُعْبَانًا مُبِينًا وَمِنْهُمْ مَنْ أَحْيَى
الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَمِنْهُمْ مَنْ عَلَّمَهُ
مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِيَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ .

ثُمَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَتَمَّمَ بِهِ نِعْمَتَهُ
وَخَتَمَ بِهِ أَنْبِيََاءَهُ وَأَرْسَلَهُ إِلَى النَّاسِ كَافَّةً وَأَظْهَرَ مِنْ صِدْقِهِ مَا أَظْهَرَ
وَبَيَّنَ مِنْ عِلْمَاتِهِ مَا بَيَّنَّ ثُمَّ قَبَضَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَمِيدًا فَقِيدًا
سَعِيدًا وَجَعَلَ الْأَمْرَ بَعْدَهُ إِلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ وَوَصِيَّتِهِ وَوَارِثِهِ عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ثُمَّ إِلَى الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ وَاحِدًا وَاحِدًا، أَخِي
بِهِمْ دِينَهُ، وَأَتَمَّ بِهِمْ نُورَهُ وَجَعَلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ إِخْوَانِهِمْ وَبَنِي عَمِّهِمْ
وَالْأَدْنِيْنَ فَالْأَدْنِيْنَ مِنْ ذَوِي أَرْحَامِهِمْ فَرُقَانًا بَيْنًا يُعْرَفُ بِهِ الْحُجَّةُ مِنَ
الْمَحْجُوجِ وَالْإِمَامُ مِنَ الْمَأْمُومِ بِأَنَّ عَصَمَتَهُمْ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَأَهُمْ

دیگر از ابزار کمال، فرو فرستادن ملائکه است در میان مردم و کسانی که از طرف خداوند برای هدایت آنان مبعوث شده‌اند، که خود فضل الهی بر همه آنها (انبیاء و مردم) است. همچنین از نشانه‌های قدرت الهی آنکه دلایل و براهین منطقی و معجزاتی به وسیله انبیاء و پیامبران به منصفه ظهور رسیده است (هریک از پیامبران معجزه‌ای داشته‌اند که بدان وسیله دشمنان و منکران را مخدول و منکوب کرده‌اند)، از جمله برای برخی از آنان (حضرت ابراهیم علیه السلام) آتش را گلستان نمود و او را خلیل خویش قرارداد. با دیگری (حضرت موسیٰ علی نبینا وآله وعلیه السلام) سخن گفت و عصایش را از دهانی مهیب نمود. پیامبر دیگری (حضرت عیسیٰ علی نبینا وآله وعلیه السلام) با اجازه خداوند، مرده‌ها را زنده می‌نمود و بیماریها (پسی و جذام و غیره) را شفا می‌داد و به برخی دیگر از انبیاء (حضرت سلیمان علی نبینا وآله وعلیه السلام) زبان حیوانات را آموخت و برای دستیابی به هر چیز، وسیله مناسب در اختیار آنها قرار می‌داد.

سپس حضرت محمد صلی الله علیه وآله را به رسالت مبعوث فرمود و به وسیله او نعمت را تمام و نبوت و پیامبری را به او ختم نمود و وجود مقدسش را برای همه جهانیان رحمت و اسعه الهی قرارداد. آنچه که می‌باید، با راستگوئی و صداقت ظاهر نمود و علائم و آیات و نشانه‌های قدرت خداوندی را آن گونه که لازم بود، بیان داشت و در حالی که تمام خوبیها که در سعادت هر انسانی مؤثر است در وجود گرامی اش جمع بود، از این جهان رحلت فرمود و پس از او [خداوند بزرگ] امر اسلام و مسلمین و خلافت و امامت را به برادر، پسر عم، وصی و وارث وی علی بن ابی طالب و پس از آن حضرت به فرزندانش یکی پس از دیگری سپرد تا با تعلیمات و راهنماییهای ائمه معصومین علیهم السلام دین خود را زنده و نور خود را تمام کند. و در میان فرزندان آن حضرت و برادران و پسرعموها و خویشان آنها تفاوت‌های روشن و آشکاری قرارداد تا امام از مأموم و حجت خدا از غیر او شناخته شوند.

آری، بدین طریق امام از مأموم و حجت خدا از کسی که باید از وی متابعت نماید شناخته شدند. برخی از امتیازات و برجستگیها و ویژگیهای ائمه معصومین به قرار زیر است:



مِنَ الْعُيُوبِ وَظَهَّرَهُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَنَزَّهَهُمْ مِنَ اللَّبْسِ وَجَعَلَهُمْ خُزَانَ عِلْمِهِ
وَمُسْتَوْدَعَ حِكْمَتِهِ وَمَوْضِعَ سِرِّهِ وَأَيَّدَهُمْ بِالدَّلَائِلِ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَكَانَ
النَّاسُ عَلَى سَوَاءٍ وَلَا دَعَى أَمْرَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ كُلُّ أَحَدٍ وَلَمَّا عُرِفَ الْحَقُّ
مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا الْعَالِمُ مِنَ الْجَاهِلِ.

وَقَدْ ادَّعَى هَذَا الْمُبْطِلُ الْمُفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ بِمَا ادَّعَاهُ فَلَا أَدْرِي
بِأَيَّةِ حَالَةٍ هِيَ لَهُ رَجَاءٌ أَنْ يُتِمَّ دَعْوَاهُ، أَيْفَقَهُ فِي دِينِ اللَّهِ؟ فَوَاللَّهِ مَا
يَعْرِفُ حَلَالًا مِنْ حَرَامٍ وَلَا يَفْرُقُ بَيْنَ خَطِيئَةٍ وَصَوَابٍ أَمْ يَعْلَمُ؟ فَمَا يَعْلَمُ

۱. مقام عصمت دارند. (یعنی هرگز مرتکب گناه و خطا و لغزش نشوند و این به اختیار خود آنان است نه اینکه در ترک گناه مجبور باشند.)
۲. جانشینان رسول اکرم صلی الله علیه وآله از تمام عیوب [ظاهری و باطنی] مبری و منزّه اند.
۳. برگزیدگان خدا و رسول او از تمام پلیدیها برکنارند.
۴. ذوات مقدسه ائمه علیهم السلام از همه عوارض نفسانی به دورند.
۵. اوصیای رسول گرامی گنجینه های علوم خداوند بزرگند.
۶. حجت های خداوند پس از خاتم انبیاء صلی الله علیه وآله باید مرکز حکمت های الهی باشند.
۷. اوصیای دوازده گانه پیامبر بزرگ باید مرکز اسرار الهی باشند. (تمام اسرار عالم توحید در اختیار آنان است.)
۸. این ذوات مقدسه به وسیله دلایل و براهین و معجزات و کراماتی که خداوند متعال در اختیارشان قرار داده است مؤید به تأییدات الهی هستند و اگر این ویژگیها را نداشتند با دیگران مساوی بودند و حق برتری از آنان سلب می شد.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند امتیازات و تجهیزات کوبنده ای که در هشت اصل فوق ذکر شد به شهادت دوست و دشمن در هیچ کس جز حضرت امیرالمؤمنین و یازده فرزندش ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین وجود نداشته و ندارد. بنابراین فقط ذوات مقدسه چهارده معصوم پاک باید بر عالم و جهان حکومت کنند تا جهان انسانیت به سوی سعادت واقعی رهبری گردد. ان شاء الله تعالی این برنامه در حکومت عدالت پرور حضرت مهدی، بقیة الله روحی له الفداء عملی خواهد شد.

با این تفصیل و خصوصیات اوصیای رسول اکرم صلی الله علیه وآله که برای شما نقل کردم، این پیرو باطل و دروغگو (جعفر و ادعای باطل او) بر خداوند افترا بسته است. این شخص با امید به چه چیزی می خواهد این ادعای عاری از حقیقت خود را ثابت کند؟ آیا با اطلاعاتی که در احکام الهی دارد؟ به خدا قسم این فرد آنقدر بی اطلاع است که حلال و حرام را نمی شناسد و میان بد و خوب

حَقًّا مِنْ بَاطِلٍ وَلَا مُحْكَمًا مِنْ مُتَشَابِهٍ وَلَا يَعْرِفُ حَدَّ الصَّلَاةِ وَوَقْتَهَا. أَمْ
بِوَرَعٍ، قَالَ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ تَرْكِهِ الصَّلَاةِ الْفَرَضِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا يَزْعَمُ ذَلِكَ
لِظَلْبِ السَّعُودَةِ وَلَعَلَّ خَبْرَهُ قَدْ تَأْدَىٰ إِلَيْكُمْ وَهَاتِيكَ ظُرُوفٌ مَسْكُورِهِ
مَنْصُوبَةٌ وَأَنَارُ عِضْيَانِهِ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَشْهُورَةٌ قَائِمَةٌ.

أَمْ بآيَةٍ؟ فَلَيَاتِ بِهَا. أَمْ بِحُجَّةٍ فَلْيَقِمْهَا. أَمْ بِدَلَالَةٍ فَلْيَذْكَرْهَا. قَالَ
اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، حَمَّ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.
مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى
وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مَعْرِضُونَ. قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ اتُّونِي بِكِتَابٍ
مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَنَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ
يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ
غَافِلُونَ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ».

فَالْتَمِسْ - تَوَلَّى اللَّهُ تَوْفِيقَكَ - مِنْ هَذَا الظَّالِمِ مَا ذَكَرْتُ لَكَ وَأَمْتَحِنُهُ
وَسَلُّهُ عَنْ آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ يُفَسِّرُهَا أَوْ صَلَاةٍ قَرِيبَةٍ يُبَيِّنُ حُدُودَهَا وَمَا
يَجِبُ فِيهَا لِتَعْلَمَ حَالَهُ وَمِقْدَارَهُ وَيُظْهِرَ لَكَ عَوَارِئَهُ وَنُقْصَانَهُ وَاللَّهُ حَسِيبُهُ،

فرق نمی‌گذارد. آیا به دانش خود تکیه دارد؟ او بقدری تهی دست است که حق و باطل را نمی‌شناسد، محکم و متشابه را نمی‌داند و از احکام نماز، حتی وقت آن آگاهی ندارد. آیا این مدعی فاقد صلاحیت، به ورع و پرهیزگاری خویش تکیه می‌کند؟ خداوند شاهد است که نماز واجب خویش را برای اینکه شعبده‌بازی یاد بگیرد ترک نموده است. حتماً از ظروف مشروب و آثار دیگری از گناهان او که مشهور است، اطلاع دارید.

آیا این شخص، برای اثبات مدعای خود، آیه‌ای از قرآن یا حجّتی دارد؟ اگر اینچنین است پس بیان کند و اگر دلیل دیگری دارد، بیاورد، چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است:

«این کتابی است نازل شده از سوی خداوند مقتدر حکیم. ما آسمانها و زمین و آنچه که در بین آسمانها و زمین است، همه را جز به حق و مدّتی که نام برده شده، نیافریدیم و آنها که کافر گشتند، از آنچه آنها را ترسانیدند، دوری گزینند. به آنها بگو به من نشان دهید آنهائی را که غیر از خدای یگانه می‌خوانند، چه چیز از زمین را آفریده‌اند؟ مگر در خلقت آسمانها شرکت داشته‌اند؟ کتابی را که پیش از این [قرآن] آمده باشد [و در آن نوشته باشد که آنها در خلقت آسمانها دخالت داشته‌اند] و یا علامتی که موجب یقین به این معنی باشد، اگر راستگو هستید، بیاورید. کیست گمراه‌تر از کسی که غیر از خدای یگانه را می‌خواند و تا روز قیامت دعایش مستجاب نمی‌شود؟ و آن خدایان باطل، از اینکه آنها را می‌خوانند غافلند. وقتی این مردم برانگیخته شدند، همین خدایان دشمن آنها خواهند بود و عبادت آنها را انکار می‌کنند.»

خداوند ترا توفیق دهد، آنچه برایت گفتم از این ستمکار ظالم بپرس و او را آزمایش کن. از یکی از آیات قرآن و تفسیر آن از وی سؤال نما و یا از نماز و شرایط آن از او باز پرس تا به معایب و کمبودهای او پی ببری و حال او بدانی. و خداوند کفایت‌کننده است. خداوند حق را برای اهلش حفظ می‌کند و آن را در جایگاهش قرار می‌دهد.

حَفِظَ اللهُ الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ، وَأَقْرَهُ فِي مُسْتَقَرِّهِ وَقَدَّابَى اللهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ
تَكُونَ الْإِمَامَةُ فِي أَخَوَيْنِ بَعْدَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَإِذَا
إِذَنْ اللهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَأَضْحَلَ الْبَاطِلُ، وَأَنْحَسَرَ عَنْكُمْ،
وَالَى اللهُ أَرْغَبُ فِي الْكِفَايَةِ وَجَمِيلِ الصُّنْعِ وَالْوِلَايَةِ، وَحَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ
الْوَكِيلُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

خداوند متعال پس از حضرت امام حسن و امام حسین علیهما السلام
امامت را در دو برادر قرار نداده است. (یعنی پس از امام حسن و امام حسین
علیهما السلام که دو برادر و هر دو امام بودند، دیگر دو برادر از خاندان رسول گرامی
امام نبودند و این امکان وجود ندارد.)

وآنگاه که خداوند اجازه فرماید که ماسخن گوئیم حق ظاهر خواهد شد و باطل
از میان خواهد رفت. البته توجه ما به خداوند بزرگ و الطاف اوست و ذات
مقدسش بهترین وکیل برای ما است. و درود بر حضرت محمد و خاندان پاک و
طاهر او باد.



توقیع مبارک امام زمان

علیه السلام

در ارتباط با «شلمغانی» مطرود

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ الْقُمِّيِّ، قَالَ وَجَدْتُ بِحِطِّ
 أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْبَخْتِيِّ وَأَمْلَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِيِّ بْنِ رُوحِ
 رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَلَى ظَهْرِ كِتَابٍ فِيهِ جَوَابَاتٌ وَمَسَائِلُ أُنْفِذَتْ مِنْ قَمٍ
 يَسْأَلُ عَنْهَا، هَلْ هِيَ جَوَابَاتُ الْفَقِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَوْ جَوَابَاتُ مُحَمَّدِ بْنِ
 عَلِيِّ السَّلْمَغَانِيِّ لِأَنَّهُ حُكِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ هَذِهِ الْمَسَائِلُ أَنَا أَجَبْتُ عَنْهَا
 فَكَتَبَ إِلَيْهِمْ عَلَى ظَهْرِ كِتَابِهِمْ:

محمد بن داود قمی گوید: نامه ای به خط احمد بن ابراهیم و املائی حسین بن روح رضوان الله علیه دیدم که در آن پاره ای از مسائل واصله از قم و جواب آنها نوشته شده بود. به طوری که گفته می شد شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی ادعا می نمود که مسائل مزبور را وی پاسخ گفته است. در مورد اینکه جواب مسائل یاد شده از ناحیه مقدسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد و یا از طرف شلمغانی، استعلام نمودند و در نتیجه این توقیع در تکذیب ورد گفتار شلمغانی لعنة الله علیه صادر شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ وَقَفْنَا عَلَى هَذِهِ الرَّقْعَةِ وَمَا تَضَمَّتْهُ فَجَمِيعُهُ جَوَابُنَا وَلَا مَدْخَلٌ
لِلْمَخْذُولِ الضَّالِّ الْمُضِلِّ الْمَعْرُوفِ بِالْعَرَاقِرِيِّ لَعْنَةُ اللَّهِ فِي حَرْفٍ مِنْهُ
وَقَدْ كَانَتْ أَشْيَاءُ خَرَجَتْ إِلَيْكُمْ عَلَى يَدَيِ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ وَغَيْرِهِ مِنْ
نُظَرَائِهِ وَكَانَ مِنْ أَرْتِدَادِهِمْ عَنِ الْإِسْلَامِ مِثْلُ مَا كَانَ مِنْ هَذَا عَلَيْهِمْ
لَعْنَةُ اللَّهِ وَغَضَبُهُ، فَاسْتَشَبَّتُ قَدِيمًا فِي ذَلِكَ.

فَخَرَجَ الْجَوَابُ أَلَا مَنْ اسْتَشَبَّتْ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ فِي خُرُوجِ مَا خَرَجَ عَلَى
أَيْدِيهِمْ وَأَنَّ ذَلِكَ صَحِيحٌ.

وَرُوي قَدِيمًا عَنْ بَعْضِ الْعُلَمَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَالصَّلَاةُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ
مِثْلِ هَذَا بِعَيْنِهِ فِي بَعْضِ مَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

أَلَعَلَّمُ عَلِمْنَا وَلَا شَيْءَ عَلَيْكُمْ مِنْ كُفْرٍ مَنْ كَفَرَ فَمَا صَحَّ لَكُمْ مِمَّا
خَرَجَ عَلَى يَدَيْهِ بِرِوَايَةِ غَيْرِهِ مِنَ النَّفَاتِ رَحِمَهُمُ اللَّهُ، فَاحْمَدُوا اللَّهَ
وَأَقْبَلُوهُ وَمَا شَكَّكُمْ فِيهِ أَوْلَمَ يَخْرُجُ إِلَيْكُمْ فِي ذَلِكَ إِلَّا عَلَى يَدَيْهِ
فَرُدُّوهُ إِلَيْنَا لِتُصَحِّحَهُ أَوْ تُبْطَلَهُ، وَاللَّهُ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ وَجَلَّ تَنَاؤُهُ وَلَيْسَ
تَوْفِيقُكُمْ وَحَسِينُنَا فِي أُمُورِنَا كُلِّهَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.^١

به نام خداوند بخشاینده مهربان

این نامه و آنچه در آن بیان شده است به نظر ما رسید. تمام پاسخهایی که طی نامه مزبور داده شده از ماست و آن گمراه مخدول (محمد بن علی شلمغانی) معروف به عزاقری لعنة الله علیه، کوچکترین دخالتی در آن نداشته است. در گذشته نیز مشابه و مانند ادعای این شخص، ادعائی توسط احمد بن هلال و امثال او شده که خود نمودار ارتداد این افراد از اسلام است. لعنت و غضب خداوند بر همه آنها باد. می‌خواستم این حقیقت قبلاً بر من روشن شود.

● در خصوص عبارت «فَأَسْتَشْبِثُ قَدِيمًا فِي ذَلِكَ» (می‌خواستم این حقیقت قبلاً بر من روشن شود) علامه مجلسی (ره) فرموده‌اند که ممکن است باقیمانده سؤال قبلی باشد و یا اینکه سؤال دیگری باشد که اول آن افتاده است. پاسخ واصل از پیشگاه مقدس امام عصر ارواحنا له الفداء بدین صورت شرفصدور یافت:

«هرکس که تحقیق کند (واقع را درک کند) دیگر این قبیل مطالب ضرری به او نخواهد داشت.»

و از برخی ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین نیز نظیر این ماجرا در مورد افرادی که مورد غضب الهی واقع شده‌اند، عیناً نقل شده است. آن امام فرمودند: حقیقت علم نزد ماست و اگر کسی کافر شود، کفر او به شما ضرری نخواهد داشت. در مورد مطالبی که به وسیله افراد موثق غیر از او (شلمغانی و امثال او) به شما می‌رسد خدای را سپاسگزار باشید و از آن شخص امین قبول نمائید و اگر در مواردی نسبت به اعتبار آنچه نقل می‌شود و یا اینکه به وسیله افراد غیر موثق به دست شما می‌رسد شگ دارید، برای ما بفرستید تا مطالب آن را برای شما تصحیح یا باطل کنیم. خداوند بزرگ ولی شما و کفایت کننده همه امور ما و بهترین وکیل است.

نامه محمد بن عبد الله بن جعفر حمیری
به پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ وَأَدَامَ عِزَّكَ وَتَأَيَّدَكَ وَسَعَادَتَكَ وَسَلَامَتَكَ وَأَتَمَّ
نِعْمَتَهُ وَزَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَجَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَفَضْلِهِ عِنْدَكَ
وَجَعَلَنِي مِنَ السُّوءِ فِدَاكَ وَقَدَّمَنِي قَبْلَكَ، أَلْتَأَسُّ بِتَنَافُسُونَ فِي
الدَّرَجَاتِ، فَمَنْ قَبِلْتُمُوهُ كَانَ مَقْبُولًا وَمَنْ دَفَعْتُمُوهُ كَانَ وَضِعًا
وَالْخَامِلُ مَنْ وَضَعْتُمُوهُ وَنَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. وَبِبَلَدِنَا آيَتُكَ اللَّهُ
جَمَاعَةً مِنَ الْوُجُوهِ يَتَسَاوُونَ وَيَتَنَافَسُونَ فِي الْمَنْزِلَةِ.

وَوَرَدَ آيَتُكَ اللَّهُ كِتَابُكَ إِلَى جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ فِي أَمْرِ أَمْرَتِهِمْ بِهِ مِنْ مُعَاوَنَةٍ
«ص» وَأَخْرَجَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَالِكِ الْمَعْرُوفِ بِمَالِكِ
بَادُوكَةَ وَهُوَ خَنُصْرٌ رَحِمَهُمُ اللَّهُ مِنْ بَيْنِهِمْ، فَأَعْتَمَّ بِذَلِكَ وَسَأَلَنِي
آيَتُكَ اللَّهُ أَنْ أُعَلِّمَكَ مَا نَالَهُ مِنْ ذَلِكَ فَإِنْ كَانَ مِنْ ذَنْبٍ اسْتَغْفَرَ اللَّهُ مِنْهُ
وَإِنْ يَكُنْ غَيْرَ ذَلِكَ عَرَفْتَهُ مَا يَسْكُنُ نَفْسُهُ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

التوقيع: لم نكتب إلا من كاتبنا.



محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری، عریضه ای به ناحیه مقدسه امام عصر روحی له الفداء تقدیم داشته که خلاصه مضمون آن بدین قرار است:

خداوند بزرگ عمر مبارکت را طولانی فرماید، عزت و تأییدات وجود مقدست را مستدام بدارد، سلامت و سعادت و نعمتهایش را بر شما کامل فرماید، احسان و مواهب خویش را به شما فزونی بخشد، از فضل خود، شما را بیش از پیش برخوردار نماید و در پیش آمدهای سوء مرا فدای شما و مرگ مرا پیش از وجود مقدست قرار دهد.

مردم درباره درجات و مقامات با یکدیگر بحث می کنند. آن کسی را که شما قبول بفرمائید مقبول و آن را که شما برانید بی ارزش و پست است. هر که را شما فرومایه بدانید بدبخت دوجهان است و من از اینکه از آنها باشم به خداوند پناه می برم. خداوند شما را مؤید بدارد. در محل ما جماعتی هستند که در مورد منزلت و مقام با یکدیگر گفتگو می کنند.

و نامه ای از ناحیه مقدسه شما برای گروهی از آنان رسیده است که طی آن به مساعدت و یاری کردن به «ص» (ممکن است اشاره به شخص خاصی باشد) امر فرموده اید و نامی از علی بن محمد معروف به «مالک بادوکه» برده نشده است و بدین جهت او ناراحت و غمگین شده، از من خواست که جریان را به عرض شما برسانم تا اگر علت نبردن نام او گناهی بوده که مرتکب شده است، طلب آمرزش کند و اگر غیر از این باشد، بیان فرمائید تا موجب آرامش خاطر او گردد. ان شاء الله تعالی.

جواب: هر کس به ما نامه نوشت، ما هم با او مکاتبه می کنیم.

● معلوم می شود در عریضه به محضر مبارک حضرت بقیة الله روحی له الفداء از مطالب مختلفی سؤال شده است، از جمله در مورد اینکه نام علی بن محمد بن حسین معروف به مالک ذکر نشده و نیز معلوم می شود که شخص مورد نظر، خود عریضه ای تقدیم نداشته است.



وَقَدْ عَوَّدْتَنِي - أَدَامَ اللَّهُ عِزَّكَ مِنْ تَفْضُلِكَ مَا أَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تُجْرِيَنِي
عَلَى الْعَادَةِ وَقَبْلَكَ أَعَزَّكَ اللَّهُ الْفُقَهَاءُ^١، أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى أَشْيَاءَ تَسْأَلُ
لِي عَنْهَا فَرَوَى لَنَا عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ^٢ - أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ إِمَامٍ قَوْمٍ
صَلَّى بِهِمْ بَعْضَ صَلَاتِهِمْ وَحَدَّثَتْ عَلَيْهِ حَادِثَةٌ، كَيْفَ يَعْمَلُ مَنْ
خَلْفَهُ؟ فَقَالَ يُؤَخِّرُ وَيُقَدِّمُ بَعْضُهُمْ وَيُتِمُّ صَلَاتَهُمْ وَيَغْتَسِلُ مَنْ مَسَّهُ.
التَّوْفِيعُ: لَيْسَ عَلَى مَنْ نَحَاهُ إِلَّا غَسْلُ الْيَدِ وَإِذَا لَمْ تَحْدُثْ حَادِثَةٌ تَقْطَعُ
الصَّلَاةَ تَمَّ صَلَوَاتُهُ مَعَ الْقَوْمِ.

وَرَوَى عَنِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ مَنْ مَسَّ مَيْتًا بِحَرَارَتِهِ غَسَلَ يَدَهُ وَمَنْ
مَسَّهُ وَقَدْ بَرَدَ فَعَلَيْهِ الْغُسْلُ وَهَذَا الْإِمَامُ فِي هَذِهِ الْحَالَةِ لَا يَكُونُ مَسَّهُ
إِلَّا بِحَرَارَتِهِ، وَالْعَمَلُ مِنْ ذَلِكَ عَلَى مَا هُوَ وَلَعَلَّهُ يُنَحِّيهِ بِشَيْبِهِ وَلَا يَمْسُهُ
فَكَيْفَ يَجِبُ عَلَيْهِ الْغُسْلُ.

التَّوْفِيعُ: إِذَا مَسَّهُ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ، لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ إِلَّا غَسْلُ يَدِهِ.

وَعَنْ صَلَاةِ الْجَعْفَرِ إِذَا سَهَا فِي التَّسْبِيحِ فِي فِصَامٍ أَوْ قُعُودٍ أَوْ رُكُوعٍ
أَوْ سُجُودٍ وَذَكَرَهُ فِي حَالَةٍ أُخْرَى قَدْ صَارَ فِيهَا مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ، هَلْ
يُعِيدُ مَا فَاتَهُ مِنْ ذَلِكَ التَّسْبِيحِ فِي الْحَالَةِ الَّتِي ذَكَرَهَا أَمْ يَتَجَاوَزُ فِي
صَلَاتِهِ؟

التَّوْفِيعُ: إِذَا هُوَ سَهَا فِي حَالَةٍ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ ذَكَرَ فِي حَالَةٍ أُخْرَى، فَضَى
مَا فَاتَهُ فِي الْحَالَةِ الَّتِي ذَكَرَ.

سؤال: اگر امام جماعت در هنگامی که به نماز مشغول است، حادثه ای برایش رخ دهد (وفات کند) مأمومین چه کنند؟ والبته این سؤال قبلاً از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین نیز شده و فرموده اند: برخی دیگر جلو بایستند و نماز را تمام کنند و هر که امام متوفی را مس کرده است باید غسل مس میت بجا آورد. این خلاصه پرسشی است که از فقها و عالم پیش از شما شده است.

جواب: وکسی که با لباس او را حرکت دهد، وظیفه ای جز شستن دست نخواهد داشت و اگر کاری انجام نداده که موجب قطع نماز باشد، نماز را با مردم تمام می کند.

سؤال: از امام علیه السلام منقول است که اگر کسی به مرده ای در حالی که بدن او هنوز گرم است دست بزند، فقط باید دستش را بشوید و چنانچه پس از سرد شدن بدن او دست بزند، باید غسل مس میت کند. و در این مورد نیز امام جماعت که ناگهان به زمین افتاده مسلماً بدن او گرم است و ممکن است تنها کاری که دیگران کرده اند این باشد که لباس او را گرفته و تغییر مکان داده باشند و بدن وی را مس نکرده و دست نزده باشند. پس چگونه غسل واجب می شود؟

جواب: اگر در حالتی که بدن میت هنوز گرم است، او را مس کند فقط باید دستش را بشوید.

سؤال: در نماز جعفر علیه السلام اگر تسبیحات را فراموش کنند و در حال قیام و یا نشستن و یا رکوع و سجود و یا حالت دیگری به یادشان بیاید که تسبیحات مربوطه فراموش شده است، آیا در همان حالی که به خاطرشان آمد باید تسبیحات فراموش شده را بخوانند یا برنماز اضافه کنند (پس از نماز بخوانند)؟

جواب: اگر تسبیحات را در حالتی فراموش کرد و در حالت دیگری یادش آمد، آنچه که از او فوت شده است در همان حالتی که متوجه شد (قضاء) به عنوان قضاء بجا آورد.

وَعَنِ الْمَرْثَةِ يَمُوتُ زَوْجِهَا، هَلْ يَجُوزُ أَنْ تَخْرُجَ فِي جَنَازَتِهِ أَمْ لَا؟
التَّوْفِيعُ: تَخْرُجُ فِي جَنَازَتِهِ.

وَهَلْ يَجُوزُ لَهَا وَهِيَ فِي عِدَّتِهَا أَنْ تَزُورَ قَبْرَ زَوْجِهَا أَمْ لَا؟
التَّوْفِيعُ: تَزُورُ قَبْرَ زَوْجِهَا وَلَا تَبِيتُ عَنْ بَيْتِهَا.

وَهَلْ يَجُوزُ لَهَا أَنْ تَخْرُجَ فِي قِضَاءِ حَقِّ يَلْزَمُهَا أَمْ لَا تَبْرُحُ مِنْ بَيْتِهَا
وَهِيَ فِي عِدَّتِهَا؟

التَّوْفِيعُ: إِذَا كَانَ حَقٌّ خَرَجَتْ وَقِضَتْهُ، وَإِذَا كَانَتْ لَهَا حَاجَةٌ لَمْ يَكُنْ
لَهَا مَنْ يَنْظُرُ فِيهَا خَرَجَتْ لَهَا حَتَّى تَقْضِيَ وَلَا تَبِيتُ عَنْ مَنْزِلِهَا.

وَرُويَ فِي ثَوَابِ الْقُرْآنِ فِي الْفَرَائِضِ وَعَبِيرِهِ أَنَّ الْعَالِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ
عَجَبًا لِمَنْ لَمْ يَقْرَأْ فِي صَلَوَتِهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ»، كَيْفَ تُقْبَلُ
صَلَوَتُهُ وَرُويَ مَا زَكَّتْ صَلَوَةٌ لَمْ يُقْرَأْ فِيهَا «بِقُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ». وَرُويَ أَنَّ
مَنْ قَرَأَ فِي فَرَائِضِهِ «الْهُمَزَةَ»، أُعْطِيَ مِنَ الدُّنْيَا فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَقْرَأَ
«الْهُمَزَةَ» وَتَدَعِ هَذِهِ السُّورَةَ الَّتِي ذَكَرْنَاهَا مَعَ مَا قَدَرُويَ أَنَّهُ لَا تُقْبَلُ
الصَّلَوَةُ وَلَا تَزُكُّوا إِلَّا بِهِمَا.

التَّوْفِيعُ: الثَّوَابُ فِي السُّورَةِ عَلَى مَا قَدَرُويَ وَإِذَا تَرَكَ سُورَةً مِمَّا فِيهَا
الثَّوَابُ وَقَرَأَ «قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَ«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» لِفَضْلِهِمَا، أُعْطِيَ ثَوَابَ
مَا قَرَأَ وَثَوَابَ السُّورَةِ الَّتِي تَرَكَ. وَيَجُوزُ أَنْ يَقْرَأَ غَيْرَ هَاتَيْنِ السُّورَتَيْنِ
وَتَكُونُ صَلَوَتُهُ تَامَّةً وَلَكِنْ يَكُونُ قَدْ تَرَكَ الْفَضْلَ.

سؤال: آیا زنی که شوهرش فوت شده است می‌تواند در تشییع جنازه او شرکت کند یا خیر؟

جواب: می‌تواند.

سؤال: آیا زنی که شوهرش فوت شده و در عده وفات است، می‌تواند به زیارت قبر شوهرش برود (فاتحه بخواند؟)

جواب: به زیارت قبر شوهرش می‌تواند برود، ولی از خانه اش دور نشود.

سؤال: آیا زن می‌تواند برای انجام حاجتی از خانه شوهر بیرون برود در حالی که در عده وفات است؟

جواب: اگر نیازی داشته باشد و کسی که آن حاجت را تأمین کند، نباشد بیرون آمدن زن از منزل شوهر برای انجام حوائج مانعی ندارد.

سؤال: در مورد ثواب قرائت قرآن در نمازهای واجب، از امام علیه السلام روایت شده است که هرکس در نماز سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را نخواند، در قبول شدن نمازش تعجب است. و نیز روایت است نمازی که در آن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» خوانده نشود، قبول و پاکیزه نیست. همچنین روایت شده است که هرکس در نمازهای واجبش سوره «هُمَزَه» را بخواند، از دنیا به او چنین و چنان داده خواهد شد. آیا جایز است که در نماز، سوره «هُمَزَه» را بخواند و سوره‌های «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را نخواند با وجود اینکه پاکیزگی و قبولی نماز در خواندن این دو سوره است؟

جواب: ثواب در سوره‌ها به همان اندازه‌ای است که روایت شده است و اگر کسی خواندن سوره‌ای را که ثواب دارد ترک کرده، به جای آن سوره‌های «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را به خاطر برتری و فضیلت آنها بخواند، هم ثواب سوره‌هایی که خوانده و هم ثواب سوره‌ای که خواندنش را ترک کرده است، به او داده می‌شود. خواندن سوره‌ای غیر از «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» نیز جایز و نماز هم درست و صحیح است، ولی کسی که این دو سوره را ترک کند، فضیلتی را از دست داده است.

وَعَنْ وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ مَتَى يَكُونُ، فَقَدْ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فَبَعْضُهُمْ يَقُولُ يُقْرَأُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ هُوَ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْهُ إِذَا رَأَى هِلَالَ شَوَّالٍ.

التَّوْفِيعُ: الْعَمَلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْالِيهِ وَالْوِدَاعُ يَقَعُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، فَإِنْ خَافَ أَنْ يَنْقُصَ جَعَلَهُ فِي لَيْلَتَيْنِ.

وَعَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ»^١ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَعْنَى بِهِ «ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ»^٢ مَا هَذِهِ الْقُوَّةُ «مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ»^٣ مَا هَذِهِ الطَّاعَةُ وَأَيْنَ هِيَ؟ فَرَأَيْكَ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّكَ بِالسُّفْضِلِ عَلَيَّ بِمَسْئَلَةٍ مَنْ تَثِقُ بِهِ مِنَ الْفُقَهَاءِ عَنْ هَذِهِ الْمَسَائِلِ وَاجَابَتِي عَنْهَا مُنْعِمًا مَعَ مَا تَشْرَحُهُ لِي مِنْ أَمْرِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَالِكِ الْمُقَدَّمِ ذِكْرُهُ بِمَا يَسْكُنُ إِلَيْهِ وَيَعْتَدُّ بِنِعْمَةِ اللَّهِ عِنْدَهُ وَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِدُعَاءِ جَامِعٍ لِي وَإِلَّا خَوَانِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَعَلْتَ مُثَابًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

التَّوْفِيعُ: جَمَعَ اللَّهُ لَكَ وَإِلَّا خَوَانِكَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَكَ وَأَدَامَ عِزَّكَ وَتَأْيِيدَكَ وَكِرَامَتَكَ وَسَعَادَتَكَ وَسَلَامَتَكَ وَأَتَمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَزَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَجَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَفَضْلِهِ عِنْدَكَ وَجَعَلَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَمَكْرُوهٍ فِدَاكَ وَقَدَّمَنِي قَبْلَكَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ^٤

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند، پاسخ حضرت بقیة الله روحی له الفداء بالاترین دلیل بر برتری و فضیلت سوره های قدر و توحید بر سوره های دیگر است.

سؤال: در خصوص وداع با ماه مبارک رمضان در میان اصحاب ما اختلاف است. برخی می گویند این عمل در شب آخر ماه باید انجام گیرد و بعضی دیگر می گویند باید در آخرین روز ماه رمضان، آنگاه که هلال ماه شوال رؤیت گردد، خوانده شود.

جواب: اعمال در ماه مبارک رمضان، در شبها انجام می گیرد و وداع با آن نیز در شب آخر ماه مبارک رمضان عمل می شود، ولی اگر کسی بترسد که نقصی حاصل شده، از ثواب آن کاسته گردد، می تواند برنامه وداع را در دو شب از ماه رمضان قرار بدهد.

در این خصوص مقام مقدس حضرت بقیة الله روحی له الفداء، فقط به دو سؤال پاسخ داده اند: یکی در مورد تقاضای دعا برای خود سائل و همه برادران دینی، و دیگر در مورد محمد بن حسین بن مالک که در پایان اشاره شده است و قبلاً هم فرمودند: «ما با آن کسی که به ما نامه نوشته است، مکاتبه می کنیم». و اما در مورد سؤالات دیگر، جواب فرمودند و مسلماً مصلحت بزرگی در این امر نهفته است که ما از آن بی اطلاع هستیم و نمی دانیم.

در پایان، نویسنده عریضه به محضر مبارک حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء برای آن وجود مقدس به شرح زیر دعا می کند:

خداوند عمر و عزت شما را طولانی و مستدام بدارد و مؤید و سعادت مند و سلامت باشید. احسان و مواهب الهی درباره وجود مقدس شما بیش از پیش باشد و من در کلیه بلاها و حوادث فدای آن وجود عزیز شوم و مرگم پیش از شما باشد. سپاس خدای جهانیان را و درود بر محمد و آل او باد.



● امید است این سعادت، یعنی قربانی شدن در راه آن وجود گرامی، نصیب این غلام شرمنده روسیاه نیز گردد. آمین.

توقیعات حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

خطاب به شیخ مفید

رحمة الله عليه

در شخصیت علمی و مقام والای شیخ مفید از نظر تقوی و ولایت اهل بیت سلام الله علیهم اجمعین هیچ گونه تردیدی برای دشمن وجود ندارد چه رسد به دوست، و بویژه در ارتباط آن بزرگوار با وجود مقدس حضرت بقیة الله فی الارضین ارواحنا له الفداء همگی، از خاص و عام، اتفاق نظر دارند؛ بالاخص در مورد توقیعات پر محتوای آن حضرت که به افتخار شیخ مفید رضوان الله علیه شرف صدور یافته است.

کسی که این توقیعات و فرامین به نام او صادر شده به راستی از هرگونه معرفی و تکریم و تمجیدی بی نیاز است و همین بس که وجود مبارک حضرت مهدی روحی له الفداء در مرگ وی مرثیه سرائی فرموده است و عین عباراتی که روی سنگ مزار آن مرحوم در ایوان حضرت موسی بن جعفر و حضرت جواد الائمه سلام الله علیهما نوشته شده و عیناً فرمایشات حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف است در اینجا نقل می شود:

يَوْمَ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ	لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ
فَالْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ	إِنْ كُنْتَ قَدْ غُيِّبْتَ فِي جَدِّ الثَّرِي
عَلَيْكَ مِنَ الدَّرُوسِ عُلُومٌ	فَالْحُجَّةُ الْمَهْدِيُّ يَفْرَحُ كُلَّمَا تَلَيْتَ



رحلت شما بر خاندان عصمت و طهارت بسیار سخت است.
اگر چه از نظرها پنهان شدی و بدن پاکت در زیر خاک مدفون گردید اما اساس علم و
توحید در شخصیت وجودی همواره بر پاست.
وجود مقدس حضرت مهدی بقیة الله علیه السلام از بیانات علمی و درسهائی که آن بزرگوار
برای دانشجویان خود ایراد می فرمود، همواره خشنود بود.

در این سه بیت شعر، مقام مقدس امام زمان سلام الله علیه و عجل الله
فرجه الشریف از مرگ شیخ مفید رضی الله عنه اظهار تأسف فرموده اند.
اینک در این بخش متن توقیعات آن حضرت به شیخ مفید و ترجمه آنها به
نظر خوانندگان محترم این کتاب می رسد.

توقيع حضرت بقية الله

روحي له الفداء

خطاب به محمد بن نعمان ملقب به «شيخ مفيد»

رحمة الله عليه

لِإِخِ السَّيِّدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، الشَّيْخِ الْمُفِيدِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ
مُحَمَّدِ بْنِ التُّعْمَانِ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاؤَهُ مِنْ مُسْتَوْدِعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُودِ عَلَى
الْعِبَادِ.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ، سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَوْلَى وَالْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ،
الْمَخْضُوعُ فِينَا بِالْيَقِينِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ
نَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا، نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
وَنُعَلِّمُكَ - أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِضُرَّةِ الْحَقِّ وَأَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ عَلَى
نُطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ - أَنَّهُ قَدْ أُذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتَبَةِ.
وَتَكْلِيفِكَ مَا تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مَوَالِينَا قَبْلَكَ - أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ
وَكَفَاهُمُ الْمُهِمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَحِرَاسَتِهِ - فَقِفْ، أَمَدَكَ اللَّهُ بِعَوْنِهِ عَلَى
أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَكُرُهُ، وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيتِهِ إِلَى مَنْ
تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا تَرِسُمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

نامه ای به برادر با ایمان و دوست رشید (نیرومند) ما، ابو عبد الله محمد بن محمد بن نعمان — شیخ مفید — که خداوند عزت وی را مستدام بدارد.

سلام خداوند بر تو ای کسی که در دوستی ما به زیور اخلاص آراسته ای و در اعتقاد و ایمان به ما دارای امتیاز مخصوصی هستی. ما در مورد نعمت وجود تو خداوند یکتا را سپاسگزاریم. (ارزش و اهمیت شیخ مفید رحمه الله از این جمله معلوم می شود. او در سایه محبت و دوستی خالصانه و بی شائبه نسبت به اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین و مخصوصاً دشمنی با دشمنان ایشان و خدمت صادقانه به مذهب تشیع به جایی رسیده است که امام زمان علیه السلام به خاطر وجودش خداوند را شکر می کند و سپاس می گوید.)

و از پیشگاه مقدس خداوندی استدعا می کنیم که برسید و مولای ما حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله و خاندان او درود و صلوات پیاپی و بی نهایت خویش را نازل فرماید.

از آنجا که در راه یاری حق و بیان سخنان و نصایح ما صادقانه کوشیدی، خداوند این افتخار را به شما ارزانی داشته و به ما اجازه فرموده است که با شما مکاتبه کنیم. (خداوند اجازه فرموده است که امام عصر علیه السلام به شیخ مفید، نامه مرقوم فرمایند. آری، این است ارزش مقام تقوی.)

شما مکلف هستید که اوامر و دستورات ما را به دوستان ما برسانی. خداوند عزت و توفیق اطاعتش را به آنان مرحمت فرماید و مهمات آنان را کفایت کرده، در پناه لطف خویش محفوظشان دارد.

با یاری خداوند متعال در مقابل دشمنان ما که از دین خداوند روی برگردانده اند، بر اساس تذکرات، استقامت کن و با خواست الهی، دستورات ما را به آنان که از تومی پذیرند و گفتار ما موجب آرامش آنها می باشد ابلاغ کن. با اینکه ما بر اساس فرمان خداوند بزرگ و صلاح واقعی ما و شیعیانمان تا زمانی که

نَحْنُ وَإِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَائِنَا التَّائِي عَنْ مَسَاكِينِ الظَّالِمِينَ حَسَبَ الَّذِي
أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَلِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ
دَوْلَةُ الدُّنْيَا لِلْفَاسِقِينَ فَإِنَّا يُحِيطُ عَلِمْنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ
أَخْبَارِكُمْ وَمَعْرِفَتُنَا بِالزَّلِيلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ مُذْجَنَحَ كَثِيرٍ مِنْكُمْ إِلَى مَا
كَانَ السَّلَفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا وَنَبَذُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودَ مِنْهُمْ وَرَاءَ
ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ
لِدِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَتْ بِكُمْ اللَّأْوَاءُ وَأَضْطَلَمَكُمُ الْآعْدَاءُ.

فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَظَاهِرُونَا عَلَى انْتِيَاشِكُمْ مِنْ قِتْنَةٍ قَدْ آنَافَتْ
عَلَيْكُمْ يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حَمَّ أَجَلُهُ وَيُحْمَى عَلَيْهِ مَنْ أَدْرَكَ أَقْلُهُ وَهِيَ
أَمَارَةٌ لِأُزُوفِ حَرَكَتِنَا وَ (مُبَاتَّتِكُمْ) بِأَمْرِنَا وَنَهْيِنَا وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ
الْمُشْرِكُونَ.

إِعْتَصِمُوا بِالتَّقِيَّةِ مِنْ شَبِّ نَارِ الجَاهِلِيَّةِ يَخْشُشُهَا عَصَبُ أُمُورِيَّةٍ تَهْوُلُ بِهَا
فِرْقَةٌ مَهْدِيَّةٌ أَنَا زَعِيمٌ بِنَجَاةٍ مَنْ لَمْ يَرْمُ مِنْهَا الْمَوَاطِنَ الخَفِيَّةَ وَسَلَكَ فِي
الظُّلْمِ مِنْهَا السُّبُلَ الرَّضِيَّةَ. إِذَا حَلَّ جُمَادَى الْأُولَى مِنْ سَنَتِكُمْ هَذِهِ
فَاعْتَبِرُوا بِمَا يَخْدُثُ فِيهِ وَأَسْتَيْقِظُوا مِنْ رَفْدَتِكُمْ لِمَا يَكُونُ مِنَ الَّذِي
يَلِيهِ، سَتَظْهَرُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ جَلِيَّةٌ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلُهَا بِالسَّوِيَّةِ وَ
يَخْدُثُ فِي أَرْضِ الْمَشْرِقِ مَا يُخْزِنُ وَيُقْلِقُ وَيَغْلِبُ مِنْ بَعْدِ عَلَى الْعِرَاقِ
ظَوَائِفٌ عَنِ الْإِسْلَامِ مِرَاقٍ، تَضِيقُ بِسُوءِ فِعَالِهِمْ عَلَى أَهْلِهِ الْأَرْزَاقِ، ثُمَّ
تَتَفَرِّجُ الْغُمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ بِبَوَارِطِ غُوتٍ مِنَ الْأَشْرَارِ، يَسْرُبُ بِهَا كَيْهَ الْمُتَّقُونَ
الْأَخْيَارَ، وَيَتَّفِقُ لِمُرِيدِي الْحَجِّ مِنَ الْأَفَاقِ مَا يَأْمُلُونَهُ عَلَى تَوْفِيرِ غَلْبَةٍ
مِنْهُمْ وَاتِّفَاقٍ، وَلَنَا فِي تَيْسِيرِ حَجَّتِهِمْ عَلَى الْإِخْتِيَارِ مِنْهُمْ وَالْوِفَاقِ شَأْنٌ

حکومت در دنیا در اختیار ستمگران است در نقطه ای دور و پنهان از دیدها بسر می بریم، ولی از تمام حوادث و ماجراهائی که بر شما می گذرد کاملاً مطلع هستیم و هیچ چیز از اخبار شما بر ما پوشیده نیست. از خطاها و گناهانی که بندگان صالح خداوند از آنها دوری می کردند ولی اکثر شما مرتکب آن شدید نیز با خبریم. از عهدشکنیها و پشت سر گذاشتن عهد و پیمانها با اطلاعیم [که همین عوامل موجب بدبختی و دوری شما از حریم ولایت شده است]. گوئی اینها از لغزشهای خود خبر ندارند. با همه این گناهان، ما هرگز امور شما را مهمل نگذاشته، شما را فراموش نمی کنیم و اگر عنایات و توجهات ما نبود، مصائب و حوادث زندگی، شما را در بر می گرفت و دشمنان، شما را از بین می بردند.

پس از خداوند بترسید و تقوی پیشه کنید و ما خاندان رسالت را مدد رسانید. در برابر فتنه هائی که پیش می آید، و البته عده ای در این آزمایش و برخورد با فتنه ها هلاک می شوند، مقاومت کنید و البته همه اینها از نشانه های حرکت و قیام ما هستند. اوامر و نواهی ما را متروک نگذارید و بدانید که علی رغم کراهت و ناخشنودی کفار و مشرکان، خداوند نور خود را تمام خواهد کرد. تقیه را از دست ندهید و از آتشی که جاهلیت به رهبری بنی امیه افروخته است، پرهیزید. من که ولی خدا هستم سعادت پویندگان راه حق را تضمین می کنم.

در این سال در ماه جمادی الاولی حوادثی به وجود می آید که باید از آن عبرت بگیرید. در آسمان علامت و نشانه ای ظاهر می شود که کاملاً روشن است (همه می فهمند که این، آیت آسمانی است) و نیز نشانه ای در زمین همانند و مساوی آن پیدا خواهد شد. (ممکن است مساوی بودن آیت آسمانی و زمینی، از لحاظ این باشد که هر دو از آیات الهی و غیبی اند.)

در مشرق زمین حادثه ای به وجود می آید که موجب حزن و اندوه و اضطراب است. پس از آن، گروهی از امت اسلامی که در واقع با اسلام بیگانه هستند بر عراق مستولی خواهند شد و در نتیجه اعمال بد آنها وضع زندگی و آرزاق مردم سخت می شود. آنگاه با هلاک شدن طاغوت آن زمان، بندگان با تقوی خوشحال می شوند و راه حج خانه خدا بر اهلش گشوده می شود و به آسانی حج می کنند و امر مردم طبق مراد و خواسته آنها منظم خواهد شد. پس سعی کنید

يُظْهِرُ عَلَيَّ نِظَامٍ وَأَتَسَاقِي، فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ
مَحَبَّتِنَا وَلْيَتَجَنَّبْ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهِيَتِنَا وَسَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرًا يَبْغَتْهُ فُجَاءَةٌ
حِينَ لَا يَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَلَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَيَّ حَوْبَةٌ وَاللَّهُ يُلْهِمُكُمْ
الرُّشْدَ وَيَلْطَفُ لَكُمْ بِالتَّوْفِيقِ بِرَحْمَتِهِ.

اعمال شما طوری باشد که شما را به ما نزدیک سازد و از گناهایی که موجبات نارضائی ما را فراهم نماید بترسید و دوری کنید.

● خواننده گرامی! آنچه مایه دوستی و نزدیکی به خاندان رسالت است، همانا بندگی خداوند متعال در ابعاد مختلف آن است.

امر قیام ما با اجازه خداوند به طور ناگهانی انجام خواهد شد و دیگر در آن هنگام توبه فایده ای ندارد و سودی نمی بخشد. عدم التزام به دستور ما موجب می شود که بدون توبه از دنیا بروند و دیگر ندامت و پشیمانی نفعی نخواهد داشت. ای شیخ مفید! خداوند شما را با الهامات غیبی خود ارشاد و توفیقات خویش را در سایه رحمت بی پایانش نصیب شما بفرماید.

توقیع دیگر حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

به افتخار شیخ مفید

علیه الرحمه

هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْآخُ الْوَلِيُّ وَالْمُخْلِصُ فِي وُدِّنَا الصَّفِيُّ،
وَالتَّاصِرُ لَنَا الْوَفِيُّ، حَرَسَكَ اللهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، فَاحْتَفِظْ بِهِ وَلَا تُظْهِرْ
عَلَى خَطِينِنَا الَّذِي سَطَرْنَا بِمَا لَهُ ضَمْنَا أَحَدًا، وَأَدِّ مَافِيهِ إِلَى مَنْ
تَسْكُنُ إِلَيْهِ وَأَوْصِ جَمَاعَتَهُمْ بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللهُ وَصَلَّى اللهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ. ۱

این نامه ای است به برادر راستگو و درستکار و دوست مخلص ما، کسی که دریاری ما کوتاهی نکرده و وفا را رعایت کرده است. خداوند تورا با دید قدرتش که هرگز به خواب نمی رود محافظت فرماید.

[ای برادر با اخلاص!] آنچه ما به تو نوشته ایم باید مستور و پوشیده باشد و به غیر از آنان که به جهت ایمانی که به ما دارند مورد اعتماد ما هستند و سخنان ما موجب آسایش و آرامش خاطر آنها می شود، فرد دیگری نباید از مضمون این نامه

ترجمه توفیق حضرت بقیة الله به افتخار شیخ مفید

آگاه گردد. به همه دوستان ما سفارش کن که به محتوای فرمان ما با عنایت خداوند عمل کنند.

● همان گونه که خوانندگان گرامی ملاحظه می فرمایند وجود مقدس امام زمان علیه السلام همه جا صحبت از عمل کردن به وظایف بندگی خداوند می فرمایند.

توقیع مبارک امام زمان

عجل الله تعالى فرجه

به افتخار شیخ مفید

علیه الرحمة

وَرَدَ عَلَيْهِ كِتَابٌ آخِرٌ مِنْ قَبْلِهِ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ - يَوْمَ الْخَمِيسِ
الثَّالِثِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ.
مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَى مُلْهِمِ الْحَقِّ وَذَلِيلِهِ

در تاریخ پنجشنبه بیست و سوم ذیحجه الحرام سال ۴۱۲ هجری قمری فرمان دیگری از پیشگاه مقدس امام عصر روحی له الفداء به افتخار شیخ مفید اعلی الله مقامه شرف صدور یافت که اینک متن و ترجمه فرمان مزبور از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد:

این نامه ای است از سوی بنده خدا و آن کسی که پیوسته در راه او در حرکت است و هیچگاه از مسیر حق منحرف نمی‌شود به کسی که از حق الهام می‌گیرد [شیخ مفید(ره)] و خود دلیل و راهنمای حق است.

● خوانندگان گرامی! عبارت فوق نمودار مقام پراج و منزلت والای شیخ مفید رحمه الله می‌باشد که پس از معصوم علیهم السلام مانند او یا کم است و یا اصلاً وجود ندارد. در این عبارت، نهایت ارج و ارزش نسبت به مقام مقدس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ، الدَّاعِي
إِلَى كَلِمَةِ الصِّدْقِ، فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْهُنَا وَاللَّهُ
أَبَانَا الْأَوْلِينَ وَنَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى نَبِيِّنَا وَسَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. وَبَعْدُ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُنَا
مُنَاجَاتِكَ عَصَمَكَ اللَّهُ بِالسَّبَبِ الَّذِي وَهَبَهُ لَكَ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَحَرَسَكَ
مِنْ كَيْدِ أَعْدَائِهِ وَشَقَّعْنَا ذَلِكَ الْآنَ مِنْ مُسْتَقَرِّ لَنَا يُنْصَبُ فِي شِمْرَاحٍ مِنْ
بَهْمَاءٍ صِرْنَا إِلَيْهِ أَنْفَاءً مِنْ غَمَالِيلِ الْجَأِ إِلَيْهِ السَّارِبَةُ مِنَ الْإِيمَانِ
وَيُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هُبُوطُنَا مِنْهُ إِلَى صَخَصِجٍ مِنْ غَيْرِ بُعْدٍ مِنَ الدَّهْرِ وَلَا
تَطَاوُلٍ مِنَ الزَّمَانِ.

وَيَأْتِيكَ بِتَأْمِينًا بِمَا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ
الرُّلْفَةِ إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوَفِّقُكَ لِذَلِكَ بِرَحْمَتِهِ، فَلْتَكُنْ حَرَسَكَ اللَّهُ
بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ أَنْ تُقَابِلَ بِذَلِكَ فِيهِ تُبْسَلُ نَفُوسُ قَوْمٍ حَرَّتْ بِاطِلَاءٍ

تقوی و بندگان صالح خداوند بزرگ از زبان مقدّس حضرت ولیّ الله اعظم حجة بن الحسن العسکری ارواحنا له الفداء بیان شده است. بنابراین، دوستان آن حضرت باید در مسیر تقوی و خدمت به مذهب تشیع و طریقه حقه جعفریه گامهای بلندتری بردارند تا اینکه جای «مفید»ها را پرکنند.

اکنون با هم به سخنان حضرت مهدی امام زمان روحی له الفداء خطاب به دوست مخلص و باوفای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، جناب شیخ مفید رضوان الله علیه، گوش می‌دهیم. باشد که از برکات وجود مقدّس آن سرور و کلمات حیاتبخش حضرتش به سعادت ابدی نائل گردیم.

به نام خداوند بخشاینده مهربان. سلام و درود ما بر تو که یار و یاور حق هستی و پیوسته مردم را به راستی و پیروی از کلمه صدق (شاید منظور حضرت از کلمه صدق، توحید و یا پیروی از قرآن کریم و امامت اهل بیت باشد) راهنمایی و دعوت می‌نمائی.

ما در مورد نعمت وجود و توفیقات شما، پروردگاریکتا را که خداوند ما و پدران ماست، سپاسگزاریم و حمد و ثنای خود را نسبت به ذات پاکش عرضه می‌داریم و از پیشگاه مقدّسش مسألت می‌داریم که بر پیامبر و سید و مولای ما که خاتم پیامبران است و بر خاندان پاک و مطهر او درود فرستد.

ای شیخ مفید! مناجات تورا (توجهات تورا به ساحت مقدّس خداوند) دیدیم. خداوند در سایه موهبتی که در ارتباط با اولیاءاش به تو عنایت فرموده است از شما حراست و نگهبانی فرماید و از شر دشمنان در امان باشی و شفاعت ما را در برآوردن حوائج شما بپذیرد و هم اکنون در جایگاه و خیمه‌ای در قلّه‌های کوه — که البته بر مردم پوشیده است — برای حوائج شما دعا می‌کنم. همچنین در بیابانهای تاریک و ظلمانی و صحراهای خشک و بی آب و علف که دست تطاول زمان بدان نمی‌رسد، برای شما دعا می‌کنم.

و به همین زودی از این محلّ به دشت همواری که چندان از آبادی دور نباشد فرود می‌آئیم و از حالات آینده خود آگاهت می‌سازیم و بدان وسیله باخبر می‌شوی که به سبب کارهای خوب نزد ما مقرب باشی و خداوند در سایه رحمت خود تورا به این اعمال موفق داشته است. پس ای شیخ مفید! — که خداوند به

لَا سِتْرَ هَابِ الْمُبْطِلِينَ وَتَبْتَهَجُ لِإِمَارَتِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَتَحْرَنُ لِذَلِكَ الْمُجْرِمُونَ
وَآيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْنَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقٍ
مُدَّمَمٍ مُسْتَحِيلٍ لِلدَّمِ الْمُحَرَّمِ يَعْمِدُ بِكَيْدِهِ أَهْلَ الْإِيمَانِ وَلَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ
غَرَضَهُ مِنَ الظُّلْمِ لَهُمْ وَالْعُدْوَانِ لِأَنَّ مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمْ بِالْإِعْمَارِ الَّذِي
لَا يُحْجَبُ عَنْ مَلِكِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ فَلْيُظْمِئَنَّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَانَا
الْقُلُوبُ وَلْيَسْتَفُوا بِالْكِفَايَةِ مِنْهُ وَإِنْ رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبُ وَالْعَاقِبَةُ
لِيَجْمِلَ صُنْعُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا اجْتَنَبُوا الْمَنْهَى عَنْهُ
مِنَ الذُّنُوبِ.

وَنَحْنُ نَعْهَدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ الْمُجَاهِدُ فِيْنَا الظَّالِمِينَ،
أَيْدِكَ اللَّهُ بِضُرَّةِ الَّذِي آتَدِيهِ السَّلَفُ مِنْ أَوْلِيَانَا الصَّالِحِينَ، أَنَّهُ مَنْ
أَتَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ فِي الدِّينِ وَخَرَجَ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ مُسْتَحِقُّهُ كَانَ آمِنًا
مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُظْلَمَةِ وَمَحْنِهَا الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةِ وَمَنْ بَخَلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ
اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاهُ
وَآخِرَتِهِ. وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَّهُمُ اللَّهُ لِيُطَاعَتِهِ عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي
الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيُمْنُ بِلِقَائِنَا وَلَتَعَجَّلَتْ لَهُمْ
السَّعَادَةُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَصِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا فَمَا يَحْسِبُنَا
عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ، وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ وَهُوَ
حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الظَّاهِرِينَ وَسَلَامٌ. وَكُتِبَ فِي غُرَّةِ شَوَالٍ مِنْ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَأَرْبَعِمِائَةٍ.

وسیله چشم عنایت خویش که هرگز آن را خواب فرانگیرد نگهداری ات کند۔ باید در مقابل باطل و طرفداران آن که جان مردم را به خطر انداخته اند مقاومت کنی تا پیروان باطل را بترسانی و بیهوده کاران را نیز به وحشت بیندازی، و در نتیجه اهل ایمان از مخدول شدن آنان خوشحال می شوند و تبه کاران غمناک می گردند. و نشانه خانه نشینی ما جنبشی است که در سایه حادثه ای در مکه معظمه و به دست شخص پلید و دورویی روی خواهد داد که خونریزی را مباح دانسته، با کید و نیرنگ خویش آهنگ جان مؤمنان می نماید، اما به هدف ظالمانه خود نخواهد رسید، زیرا همواره دعای ما شامل حال اهل ایمان خواهد بود و خداوند آسمان و زمین اجابت آن را به تأخیر نخواهد انداخت.

پس دل‌های دوستان و اولیای ما باید به آن اطمینان داشته باشد و بدانند که از آسیب و زیان آن دشمن در امان خواهند بود، اگر چه درگیریها و سختیهای هولناک آنها را بترساند و باید بدانند که خداوند کفایت کننده امور آنها است و تا وقتی که شیعیان ما از گناهان دوری می کنند از عنایات او برخوردارند.

ای دوست مخلص و ای کسی که با ستمگران در راه ما مبارزه می کنی! خداوند بزرگ آنچنان که دوستان صالح ما را در گذشته یاری فرمود، شما را نیز با نصرت خود تأیید فرماید. ما با شما عهد می کنیم که هرکسی از برادران دینی شما (شیعیان) که تقوی را سرمایه خویش قرار دهد از فتنه های گمراه کننده ظلمت خیز در امان خواهد بود (مانند فتنه های زمان خودمان) و اگر کسی برخلاف وظیفه رفتار کرده، از آنچه باید عمل کند بخل ورزد، مسلماً خسران و زیان دو جهان نصیبش خواهد شد.

اگر شیعیان ما ـ که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد ـ در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می داشتند و عهد و پیمان الهی را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما به تأخیر نمی افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نائل می شدند در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگوئی و صداقت آنها نسبت به ما بود. (یعنی اگر در دوستی با ما صادق بودند.)

آنچه که موجب جدائی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است، گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است.

و خداوند تنها یاری کننده و کفایت کننده تمام کارها و امور ما و بهترین وکیل برای ماست. در روزهایی الهی بر روان پاک خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و خاندان بزرگ و برجسته او باد. این توفیق در روز اول ماه شوال چهارصد و دوازده شرف صدور دریافته است.

● خوانندگان گرامی! آنچه در این توفیق مبارک به عنوان بزرگترین وسیله

سعادت بدان اشاره شده، چند اصل مهم است:

۱. مقام والای شیخ مفید رضوان الله علیه که در نتیجه پیمودن راه تقوی، حجت خداوند و امام زمان علیه السلام، به او سلام می‌کند.

۲. امام عصر روحی له الفداء بر اعمال همه مردم (کتانظرنا مناجاتک) نظارت عالی دارند.

۳. دعای آن حضرت درباره شیخ مفید و هر دوست مخلص.

۴. تضمین یاری و نصرت خداوند درباره شیخ مفید و هر کس دیگری که راه او را ادامه دهد.

۵. علت غیبت و محروم بودن ما از فیوضات و برکات وجود مقدس حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف و بی سعادتگی از رهبری آن حضرت، گناهان و لغزشهای اجتماع شیعه است. خداوند بزرگ همه ما را به صلاح و طی منازل تقوی و پرهیزگاری و خدمت به مذهب و مکتب تشیع یاری فرماید.
آمین یا رب العالمین.

توقیع مبارک امام زمان

عجل الله تعالی فرجه

به افتخار احمد بن ابی روح

توسط جناب محمد بن عثمان (ره)

احمد بن ابی روح می‌گوید: به سوی بغداد می‌رفتم تا مقداری از مال ابوالحسن خضربن محمد را که نزد من بود و به من امر شده بود که آن را به جناب محمد بن عثمان عمری نایب خاص حضرت بقیة الله تقدیم کنم، به ایشان بدهم. سپس امر کردند که اموال را به شخص دیگری بدهم و ضمناً برای شفای مرضی که آن شخص بدان مبتلا بود تقاضای دعا نموده، پرسم که آیا با در برداشتن و پوشیدن لباسی که از گُرک (وبر) تهیه شده باشد نماز صحیح است یا خیر؟ که نامه‌ای از ناحیه مقدسه حضرت بدین مضمون واصل گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
سَأَلْتُ الدُّعَاءَ عَنِ الْعِلَّةِ الَّتِي تَجِدُهَا، وَهَبَ اللَّهُ لَكَ الْعَافِيَةَ وَدَفَعَ
عَنْكَ الْآفَاتِ وَصَرَفَ عَنْكَ بَعْضَ مَا تَجِدُهُ مِنَ الْحَرَارَةِ وَعَافَاكَ

به نام خداوند بخشنده مهربان

برای شفای بیماری خود خواسته بودی دعا کنم. خداوند به شما عافیت ارزانی دارد و آفات و بلیات را از شما دفع کند و پاره‌ای از امراض (حرارت) را که در وجود شما است دفع نماید و عافیت و سلامت به شما عنایت فرماید.

وَصَحَّ جِسْمُكَ وَسَأَلْتَ مَا يَحِلُّ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ مِنَ الْوَبْرِ وَالسَّمُورِ
وَالسَّنْجَابِ وَالْفَنَكِ وَالذَّلَقِ وَالْحَوَاصِلِ، فَأَمَّا السَّمُورُ وَالنَّعَالِبُ فَحَرَامٌ
عَلَيْكَ وَعَلَى غَيْرِكَ الصَّلَاةُ فِيهِ وَيَحِلُّ لَكَ جُلُودُ الْمَأْكُولِ مِنَ اللَّحْمِ
إِذَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ غَيْرُهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَكَ مَا تُصَلِّيَ فِيهِ فَالْحَوَاصِلُ جَائِزٌ
لَكَ أَنْ تُصَلِّيَ فِيهِ الْغَرَامَتَاغُ الْغَنَمِ مَا لَمْ يُذْبَحْ بِأَرْقَمِيَّةٍ يَذْبَحُهُ النَّصَارَى
عَلَى الصَّلِيبِ فَجَائِزٌ لَكَ أَنْ تَلْبِسَهُ إِذَا ذَبَحَهُ أَحَ لَكَ (أَوْ مُخَالِفٌ تَيْقُ
بِه)

اما در مورد چیزهایی که می شود با آنها نماز خواند. با پوست سمور (یک حیوان صحرائی است) و روباه نماز خواندن حرام است و با پوست حیوانات مأكول اللحم که به وسیله یکی از برادران دینی تو یا فردی از مخالفان (ممکن است اشاره به سنیها باشد) که مورد اعتماد تو باشد ذبح شود، پوشیدن آن جایز است و طبعاً نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

به افتخار ابی صالح خجندی

مَنْ بَحَثَ فَقَدْ ظَلَبَ، وَمَنْ ظَلَبَ فَقَدْ ذَلَّ، وَمَنْ ذَلَّ فَقَدْ أَشَاطَ وَمَنْ
أَشَاطَ فَقَدْ أَشْرَكَ. ۱

ماجرای ابی صالح خجندی به طور اختصار این است که نامبرده نهایت درجه علاقه بلکه عشق شدید به زیارت حضرت بقیة الله روحی له الفداء داشت و برای رسیدن به آب حیات (دیدار حضرت مهدی روحی له الفداء) تلاش بسیار می‌کرد و سرانجام عریضه ای به پیشگاه مقدس امام عصر علیه السلام به وسیله جناب حسین بن روح (نایب خاص آن حضرت) تقدیم داشت و طی آن علاقه و اشتیاق شدید و جستجوی خود را در شهرها برای پیدا کردن آن وجود مقدس به عرض رساند. در پاسخ چنین فرمودند:

هرکه درباره من جستجو کند، به دنبال من آمده است و هرکه برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است و هرکس که دشمن را به سوی من رهبری کند، جان مرا در خطر انداخته است و هرکس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است.



توقيع ديگری از وجود مقدس امام عصر

روحي لتراب مقدمه الفداء

مِنْ كِتَابٍ آخَرَ: فَرَأَيْتَكَ أَدَامَ اللَّهِ عَزَّكَ فِي تَأْمُلِي رُقْعَتِي وَالتَّفْضُلِ
عَلَيَّ بِمَا يَسْهَلُ لِأُضِيفَهُ إِلَى سَائِرِ آيَادِيكَ عَلَيَّ وَاحْتَجَّتْ - أَدَامَ اللَّهُ
عَزَّكَ أَنْ تَسْأَلَ لِي بَعْضَ الْمُفْقَهَاءِ عَنِ الْمُصَلِّي إِذَا قَامَ مِنَ التَّشَهُدِ
الْأَوَّلِ لِلرَّكْعَةِ الثَّلَاثَةِ، هَلْ يَجِبُ عَلَيْهِ أَنْ يُكَبِّرَ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا
قَالَ لَا يَجِبُ عَلَيْهِ التَّكْبِيرُ وَيُجْزِيهِ أَنْ يَقُولَ «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ
وَاقْعُدُ».

قَالَ إِنَّ فِيهِ حَدِيثَيْنِ، أَمَّا أَحَدُهُمَا فَإِنَّهُ إِذَا انْتَقَلَ مِنْ حَالَةٍ إِلَى حَالَةٍ
أُخْرَى فَعَلَيْهِ تَكْبِيرٌ وَأَمَّا الْآخَرُ فَإِنَّهُ رُوِيَ أَنَّه إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ
الثَّانِيَةِ فَكَبَّرَ ثُمَّ جَلَسَ ثُمَّ قَامَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ لِلْقِيَامِ بَعْدَ الْقُعُودِ تَكْبِيرٌ وَ
كَذَلِكَ التَّشَهُدُ الْأَوَّلُ يَجْرِي هَذَا الْمَجْرَى وَبِأَيْهِمَا أَخَذَتْ مِنْ جِهَةِ
التَّسْلِيمِ كَانَ صَوَابًا.

وَعَنِ الْقَصِّ الْخُمَاهَنِ، هَلْ تَجُوزُ فِيهِ الصَّلَاةُ إِذَا كَانَ فِي أَصْبَعِهِ؟
فِيهِ كَرَاهَةٌ أَنْ يُصَلِّيَ فِيهِ وَفِيهِ إِطْلَاقٌ وَالْعَمَلُ عَلَى الْكِرَاهِيَةِ.

طی این توفیق و عریضه از پاره ای از مسائل و احکام شرعیّه استعمال گردیده است از جمله اینکه:

سؤال: آیا نماز گزار پس از تشهد اول که برای رکعت سوّم برمی خیزد باید تکبیر بگوید؟ برخی از اصحاب ما را عقیده بر این است که در این مورد تکبیر واجب نیست و اگر بگوید «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ» کافی است.

جواب: در این مورد دو حدیث است: مضمون یکی از آن دو این است که نماز گزار هنگامی که از حالتی به حالت دیگر منتقل گردد باید تکبیر گوید. حدیث دیگر این است که نماز گزار اگر از سجده دوّم سر برداشته، تکبیر بگوید و سپس بنشیند و بعداً برخیزد، پس از برخاستن دیگر لازم نیست تکبیر بگوید. در مورد تشهد اول نیز همین گونه است و به هر یک از دو حدیث از جهت تسلیم عمل کنی، صحیح است.

سؤال: و در مورد انگشت خماهن (فلزی است)، آیا اگر نماز گزار چنین انگشتی در انگشت داشته باشد نماز وی صحیح است؟

جواب: با چنین انگشتی نماز گزار دن مکروه است.

وَعَنْ رَجُلٍ اشْتَرَى هَدِيًّا لِرَجُلٍ غَائِبٍ عَنْهُ وَسَأَلَهُ أَنْ يَنْحَرَ عَنْهُ هَدِيًّا
يَمْنِي فَلَمَّا أَرَادَ نَحْرَ الْهَدْيِ نَسِيَ اسْمَ الرَّجُلِ وَنَحَرَ الْهَدْيَ، ثُمَّ ذَكَرَهُ بَعْدَ
ذَلِكَ، أَيُجْزَى عَنِ الرَّجُلِ أَمْ لَا؟
لَا بَأْسَ بِذَلِكَ وَقَدْ أَجَزَّ عَنْ صَاحِبِهِ.

وَعِنْدَنَا حَالَةٌ مَجْبُوسٍ يَا كُلُّونَ الْمَمِيَّةَ وَلَا يَغْتَسِلُونَ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ
يَنْسُجُونَ لَنَا ثِيَابًا، فَهَلْ يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُغَسَّلَ؟
لَا بَأْسَ بِالصَّلَاةِ فِيهَا.

وَعَنِ الْمُصَلِّي يَكُونُ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي ظُلْمَةٍ، فَإِذَا سَجَدَ يَغْلُظُ
بِالسَّجَادَةِ وَيَضَعُ جَبْهَتَهُ عَلَى مِسْحٍ أَوْ نِظْعٍ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ وَجَدَ السَّجَادَةَ،
هَلْ يَعْتَدُّ بِهَذِهِ السَّجْدَةِ أَمْ لَا يَعْتَدُّ بِهَا؟
مَا لَمْ يَسْتَوْجِلسَا فَمَا شَيْءٌ عَلَيْهِ فِي رَفْعِ رَأْسِهِ لِطَلَبِ الْخُمْرَةِ.

سؤال: شخصی از کسی خواست که در منی از طرف وی گوسفندی قربان کند. شخص دوم هنگام ذبح قربانی نام شخص اول را فراموش کرد و پس از ذبح نام وی را به خاطر آورد. آیا این قربانی از طرف شخص اول کافی است؟
جواب: مانعی ندارد و از طرف صاحب آن مجزی و کافی است.

سؤال: نزدیک ما خیاط مجوسی است که گوشت میته می‌خورند و از آلودگی جنابت‌پروائی ندارند. آیا با لباسی که برای ما می‌دوزند قبل از اینکه تطهیر شود، می‌توان نماز خواند؟

جواب: نماز در آن لباس مانعی ندارد.

سؤال: نمازگزاری هنگام نماز در تاریکی شب، سجاده را اشتباه می‌کند و پیشانی را بر غیر آنچه سجده بر آن صحیح است می‌گذارد و چون سر برمی‌دارد سجاده را پیدا می‌کند. آیا این سجده کافی است یا خیر؟

جواب: تا زمانی که دوزانو ننشسته است می‌تواند سر خود را برای پیدا کردن سجاده یا محلّ سجده بلند کند.

آخرين توقيع حضرت بقیة الله

روحی له الفداء

به جناب علی بن محمد سمري

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يا عَلِيُّ بْنَ مُحَمَّدِ السَّمُرِيِّ، أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ
مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سَيِّدِهِ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ
مَقَامَكَ بَعْدَ وِفَاتِكَ، فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظَهْرَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ
تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ
جَوْرًا.

وَسَيَأْتِي إِلَى شِيعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ ادَّعَى
الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّبِيحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَلَا حَوْلَ وَلَا
قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. ١

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای علی بن محمد سمری! خداوند بزرگ در مصیبت درگذشت تو به برادران دینی ات پاداش عظیم عنایت فرماید. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. بنابراین، امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و جانشین خویش قرار نده، زیرا دوران غیبت کبری آغاز شده است و امر ظهور موكول به اجازه خداوند بزرگ است که آن هم پس از:

۱. غیبتی بس طولانی

۲. قساوت دلهای مردم و دوری آنان از حقایق

۳. فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا

خواهد بود.

بزودی افرادی به سوی شیعیان من آمده، ادعای مشاهده (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و شنیدن صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگو است و [بر خدا و رسول او] افترا می بندد. و تمام قدرتها و نیروها از آن خداوند متعال است.

● خواننده گرامی! برخی از کسانی که منکر امکان تشرّف و زیارت حضرت بقیة الله روحی له الفداء در زمان غیبت کبری هستند به همین تویع استدلال می کنند؛ در حالی که براساس قرائن موجود در فرمان حضرت، به خوبی معلوم می شود که منظور از ادعای مشاهده در این فرمان، دعوی نیابت خاصه است و جمله «فَاجْمَعُ أَمْرِي وَلَا تُوصِي إِلَيَّ أَحَدًا» که یعنی امر خود را جمع کن (به اصطلاح روز، دفتر کار خویش را ببند) و هیچ کس را جانشین خود قرار نده، به وضوح و روشنی هرگونه نیابت خاصه را از طرف آن حضرت در زمان غیبت کبری منتفی می نماید، و الا هیچ مانعی ندارد که گروهی به حضورش رسیده، از گفتار و کردارش بهره ها ببرند.

مرحوم میرزای نوری، در پایان کتاب «جَنَّةُ الْمَأْوَى» بخشی را به اثبات امکان رؤیت حضرت و تأویل توقیع شریف اختصاص داده است. روی این بیان، تردیدی در امکان رؤیت و زیارت حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف در زمان غیبت کبری باقی نمی ماند و چه بسا هزاران نفر به دیدار آن کشتی نجات و مشعل هدایت نائل شده اند که بعد از جدا شدن با دلایل قطعی بر آنها ثابت شده که حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف بوده است و تشرّف برخی از علمای بزرگوار از جمله سید بن طاووس، علامه حلی، مقدس اردبیلی، علامه بحر العلوم، شیخ مرتضی انصاری و صدها نفر دیگر از علمای بزرگ در طول قرون متمادی، قطعی و بی تردید است.

فرمان حضرت ولی عصر

روحی له الفداء

برای همه

به وسیله جناب حسین بن روح

عَنْ اِبْرَاهِيمَ بْنِ اِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الشَّيْخِ اَبِي الْقَاسِمِ
الْحُسَيْنِ بْنِ رُوْحِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ عِيْسَى
الْقَضْرِيُّ فَقَامَ اِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ اُرِيدُ اَنْ اَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ. فَقَالَ لَهُ
سَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ.

فَقَالَ الرَّجُلُ اَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، اَهُوَ وَاِلَيْ
اللّٰهِ؟
قَالَ نَعَمْ.

ابراهیم فرزند اسحاق طالقانی می گوید: با گروهی از جمله علی بن
عیسی^۱ در خدمت جناب حسین بن روح بودیم. مردی برخاست و خطاب به
حسین بن روح رضوان الله علیه عرض کرد: سؤالی دارم.
ایشان فرمودند: بگو.

عرض کرد: آیا حضرت حسین بن علی^۲ علیهما السلام ولی خداوند بود؟
حسین بن روح فرمودند: آری.

قَالَ أَخْبِرْنِي عَنْ قَاتِلِهِ لَعَنَهُ اللَّهُ، أَهُوَ عَدُوُّ اللَّهِ؟
قَالَ نَعَمْ.

قَالَ الرَّجُلُ فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَلِّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَدُوَّهُ عَلَيَّ وَلِيَّهِ؟
فَقَالَ أَبُو الْقَاسِمِ قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ، إِيَّاهُمْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ.

إِعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُخَاطَبُ النَّاسَ بِمُشَاهَدَةِ الْعِيَانِ وَلَا يُشَافَهُهُمْ
بِالْكَلَامِ وَلَكِنَّهُ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مِنْ أَجْنَابِهِمْ وَأَصْنَافِهِمْ
بَشَرًا مِثْلَهُمْ وَلَوْ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رُسُلًا مِنْ غَيْرِ صِنْفِهِمْ وَصُورِهِمْ لَتَفَرُّوا عَنْهُمْ
وَلَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاؤُهُمْ وَكَانُوا مِنْ جِنْسِهِمْ يَا كُلُّونَ الطَّعَامِ
وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ، قَالُوا لَهُمْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِثْلُنَا لَا نَقْبَلُ مِنْكُمْ حَتَّى
تَأْتُونَا بِشَيْءٍ نَعْجِزُ مِنْ أَنْ نَأْتِيَ بِمِثْلِهِ، فَتَعْلَمُ أَنَّكُمْ مَخْضُوضُونَ
ذُونَا بِمَالٍ نَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمُ الْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ
الْخَلْقُ عَنْهَا.

فَمِنْهُمْ مَنْ جَاءَ بِالطُّوفَانِ بَعْدَ الْأَعْدَارِ وَالْإِنْدَارِ فَفَرِقَ جَمِيعُ مَنْ طَغَى
وَتَمَرَّدَ.

وَمِنْهُمْ مَنْ أَلْقَى فِي التَّارِ فَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا.
وَمِنْهُمْ مَنْ أَخْرَجَ مِنَ الْحَجَرِ الصُّلْبِ النَّاقَةَ وَأَجْرِي مِنْ ضَرْعِهَا لَبَنًا.

ترجمه فرمان حضرت ولی عصر برای همه به وسیله جناب حسین بن روح

عرض کرد: آیا قاتل آن حضرت (یزید) — که لعنت خداوند بر او باد — دشمن خداوند بود؟

ایشان فرمودند: آری.

سپس عرض کرد: آیا جایز است که خداوند دشمن خود را بر ولی خود مسلط فرماید؟

جناب حسین بن روح فرمودند: توجه کن و در سخنان من دقت نما تا برای تو مطلب را توضیح دهم.

بدان که خداوند بزرگ با مردم، به صورت مشاهده و ملاقات سخن نمی گوید و با چشم دیده نمی شود؛ ولی ذات اقدسش پیامبرانی از نوع بشر برانگیخته است که همانند آنها هستند و اگر افرادی غیر از نوع بشر برمی انگیزند، مردم از آنان فرار می کردند و گفته آنها را نمی پذیرفتند.

پس از اینکه خداوند افرادی را مبعوث کرد، مردم به آنان گفتند که شما هم مانند ما هستید؛ غذا می خورید و راه می روید (از جهات ظاهری مانند غذا خوردن، راه رفتن، ازدواج و غیره شبیه به آنان بودند) و ما دعوت شما را بدون اینکه معجزه ای بیاورید (کاری که ما از انجام آن عاجز و ناتوان باشیم)، نمی پذیریم و البته پس از دیدن معجزات، برتری شما بر ما مسلم خواهد شد.

خداوند نیز به انبیاء، معجزات و خوارق عاداتی عنایت فرمود [که شاید آن را بتوان به «ولایت تکوینی» تعبیر نمود].

حضرت نوح پس از آنکه قومش را انذار و ارشاد فرمود، در مقابل طغیان و تمرد آنان طوفانی فرارسید که همه طایغان و سرکشان را غرق نمود و فقط گروهی که با وی در کشتی بودند نجات یافتند.

در مورد حضرت ابراهیم، با اینکه نمرود برای سوزاندن آن سرور، بیابانی از آتش آماده کرد و آن حضرت را درون آتش انداختند، خداوند آتش را بر ابراهیم گلستان نمود.

در مورد حضرت صالح، خداوند بزرگ برای آن حضرت و برای نشان دادن قدرت خویش، ناقه ای (شتری) از شکاف کوه بیرون آورد که از شیر آن استفاده می شد.

وَمِنْهُمْ مَنْ فَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَفَجَّرَ لَهُ مِنَ الْعُيُونِ وَجَعَلَ لَهُ الْعَصَا الْيَابِسَةَ
تُعْبَانَا تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ .
وَمِنْهُمْ مَنْ أَبْرَأَ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ وَأَخْيَى الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ وَأَنْبَأَهُمْ
بِمَا يَأْكُلُونَ وَمَاتَدَّ خِرُونَ فِي بُيُوتِهِمْ .
وَمِنْهُمْ مَنْ انْشَقَّ لَهُ الْقَمَرُ وَكَلَّمَتْهُ الْبَهَائِمُ مِثْلُ الْبَعِيرِ وَالذِّئْبِ وَغَيْرِ
ذَلِكَ .

فَلَمَّا آتَوْا بِمِثْلِ ذَلِكَ وَعَجَزَ الْخَلْقُ عَنْ أَمَمِهِمْ مِنْ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِهِ كَانَ
مِنْ تَقْدِيرِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَلُظْفِهِ بِعِبَادِهِ وَحِكْمَتِهِ أَنْ جَعَلَ أَنْبِيَاءَهُ مَعَ
هَذِهِ الْمُعْجَزَاتِ فِي حَالِ غَالِبِينَ وَأُخْرَى مَغْلُوبِينَ وَفِي حَالِ قَاهِرِينَ وَ
أُخْرَى مَقْهُورِينَ وَلَوْ جَعَلَهُمُ اللَّهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ غَالِبِينَ وَقَاهِرِينَ وَلَمْ
يَبْتَلِهِمْ وَلَمْ يَمْتَحِنَهُمْ لَأَتَّخَذَهُمُ النَّاسُ الْهَيْئَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَمَّا
عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ وَالْمِحَنِ وَالْإِخْتِبَارِ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ
أَحْوَالَهُمْ فِي ذَلِكَ كَأَحْوَالِ غَيْرِهِمْ لِيَكُونُوا فِي حَالِ الْمِخْنَةِ وَالْبَلَاؤِ
صَابِرِينَ وَفِي حَالِ الْعَافِيَةِ وَالظُّهُورِ عَلَى الْأَعْدَاءِ شَاكِرِينَ، وَيَكُونُوا
فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِمْ مُتَوَاضِعِينَ غَيْرَ شَامِخِينَ وَلَا مُتَّجِبِرِينَ .

وَلِيَعْلَمَ الْعِبَادُ أَنَّ لَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَهًا هُوَ خَالِقُهُمْ وَمُدَبِّرُهُمْ
فَيَعْبُدُوهُ وَيَطِيعُوا رُسُلَهُ، وَتَكُونَ حُجَّةُ اللَّهِ تَابِتَةً عَلَى مَنْ تَجَاوَزَ الْحَدَّ
فِيهِمْ وَأَدَّعَى لَهُمُ الرُّبُوبِيَّةَ، أَوْ عَانَدُوا خَالَفَ وَعَصَى وَجَعَدَ بِمَا آتَتْ بِهِ
الْأَنْبِيَاءُ وَالرُّسُلُ، وَلِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيْتِهِ وَيُخِيبُ مَنْ حَيَّ عَنْ
بَيْتِهِ .

برای حضرت موسی، خداوند رود نیل را شکافت و فرعون و فرعونیان را هلاک فرمود. همچنین دوازده چشمه از سنگی بیرون آورد و عصای خشک موسی را اژدهائی کرد که هرچه را میخواست میبلعید.

حضرت عیسی امراض مختلفه را شفا می داد و با اجازه خداوند، مردگان را زنده می کرد و از آنچه مردم می خوردند و در خانه هایشان ذخیره می نمودند، خبر می داد.

و برای حضرت محمد صلی الله علیه وآله، خداوند بزرگ، کره ماه را به دونیم فرمود و حیواناتی مانند شتر و گرگ و غیر اینها با حضرتش سخن گفتند.

پس آنگاه که انبیاء، معجزات خود را به مردم نشان دادند و مردم از آوردن مانند آنها عاجز و ناتوان بودند تقدیر و حکم الهی این شد که فرستادگان خویش را با داشتن این همه معجزات گاهی غالب و بر دشمنان پیروز و زمانی مغلوب گردانند، و در حالتی قاهر و وقت دیگر مقهور باشند، و اگر در تمام این حالات و همیشه بر دشمن غالب و پیروز می شدند و به این گرفتاریها مبتلا نمی شدند و در معرض امتحان الهی قرار نمی گرفتند، مردم آنان را به عنوان خدای خویش تلقی و انتخاب می کردند و فضیلت مقام صبر و بردباری آنها در مقابل بلاها و امتحانات دیده و شناخته نمی شد. ولی خداوند آنها را مانند دیگران قرار داد تا در وقت ابتلاء به مصائب و سختیها صابر و شکیبا و هنگام عافیت و بهره برداری از نعمتها شاکر باشند و در تمام حالات متواضعانه رفتار کنند و متکبر نباشند.

برخورد انبیاء و اوصیاء با حوادث و ابتلاء آنان به مصائب برای این بوده است که مردم بدانند این ذوات مقدسه دارای خدائی هستند که آفریننده و مدبر آنها است. پس باید از خداوند اطاعت کرد و فرمان پیامبران و فرستادگانش را اجرا نمود و در مقابل آنان که دعوی خدائی می کنند و نیز در مقابل کسانی که عناد ورزیده، آنچه را که انبیاء آورده اند انکار نمودند، حجتی باشند تا اینکه به وسیله حجتها و دلایل اقامه شده، منکران هلاک و افراد مطیع زنده شوند [و سرانجام راه سعادت را پیمایند].

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): فَعُدْتُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ (رَه) فِي الْعَدِيدِ وَأَنَا أَقُولُ فِي نَفْسِي: أَرَأَيْتَ مَا ذَكَرْنَا مَا ذَكَرَ يَوْمَ أَمْسٍ مِنْ عِنْدِ نَفْسِهِ؟ فَأَبْتَدَأَنِي وَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، لَسْنَا أُخْرَجَ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَّفَنِي الظُّيْرُ أَوْ تَهْوَى بِي الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ بِرَأْيِي وَمِنْ عِنْدِ نَفْسِي، بَلْ ذَلِكَ عَنِ الْأَصْلِ وَمَسْمُوعٌ مِنَ الْحُجَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَامُهُ.

محمد بن ابراهیم فرزند اسحاق می گوید: فردای آن روز به ملاقات جناب حسین بن روح رفتم و با خود گفتم حسین بن روح دیروز یک سلسله مطالب از طرف خود برای ما اظهار نمود. ولی چون وارد شدم [بدون هیچ سخنی و بی آنکه چیزی بگویم] حسین بن روح فرمودند: ای محمد بن ابراهیم! اگر به بدترین عذابها مرا شکنجه دهند برای من بهتر است از اینکه در ارتباط با دین خداوند از نزد خود مطلبی بگویم. و تمام مطالبی که روز گذشته برای شما بیان کردم از زبان مقدس حجت و ولی خدا بود که خود مرکز همه علوم و معارف الهی هستند.

توقیع مبارک حضرت ولی عصر

عجل الله فرجه الشريف

به افتخار محمد بن علی بن هلال کرخی

وَمِمَّا خَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَدًّا عَلَى الْغُلَاةِ مِنَ
التَّوْقِيعِ جَوَاباً لِكِتَابِ كُتِبَ إِلَيْهِ عَلَى بَدِيِّ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ هِلَالِ
الْكَرْخِيِّ:

يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ — تَعَالَى اللَّهُ وَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ —
لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُ فِي عِلْمِهِ وَلَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا
قَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ تَبَارَكْتَ أَسْمَاؤُهُ «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ

از جمله توقیعاتی که از طرف مقام مقدس حضرت ولی عصر صلوات الله علیه در ردّ بر غلات شیعه و در پاسخ عریضه محمد بن علی بن هلال کرخی شرف صدور یافته، این توقیع است که ترجمه آن ذیلاً به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

ای محمد بن علی! خداوند متعال بالاتر از آن است که به وصف آمده و او را حمد و ثنا گفته اند. ما خاندان رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و علم به آن مختصّ ذات پاک اوست، چنانکه در قرآن مجیدش فرموده است: «ای حبیبم! بگو غیب در آسمانها و زمین مختصّ ذات پاک خداوند است.»

وَالْأَرْضِ الْغَيْبِ إِلَّا اللَّهُ»^۱ وَأَنَا وَجَمِيعُ آبَائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ، آدَمَ وَنُوحَ وَ
 إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَغَيْرِهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَمِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ
 وَعَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ وَغَيْرِهِمْ مِمَّنْ مَضَىٰ مِنَ الْأُمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَىٰ مَبْلَغِ أَيَّامِي وَمُنْتَهَىٰ عَصْرِي، عبيد الله عزوجل.
 يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنِّي ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا
 وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ» - قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ
 بَصِيرًا - قَالَ كَذَلِكَ أَنْتَ آيَاتُنَا فَتَسِيَّتْهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ.»^۲
 يا محمد بن علی، قد آذانا جُهلاءُ الشَّيعةِ وَحَمَقًاؤُهُمْ وَمَنْ دَبْنُهُ جَنَاحُ
 الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ، فاشهد الله الذي لا إله إلا هو وكفى به شهيداً و
 رَسُولَهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَائَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
 وَأَشْهَدُكَ وَأَشْهَدُ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا، أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَالْإِلَهِ
 رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَنُشَارِكُهُ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحَلِّمُنَا مَحَلًّا سِوَى
 الْمَحَلِّ الَّذِي رَضِيَ اللَّهُ لَنَا وَخَلَقَنَا لَهُ أَوْ يَتَعَدَّى بِنَا عَمَّا قَدْ فَسَّرْتُهُ لَكَ
 وَبَيَّنَّتهُ فِي صَدْرِ كِتَابِي وَأَشْهَدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ نَبَرَأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ
 وَمَلَائِكَتُهُ وَرُسُلُهُ وَأَوْلِيَاؤُهُ.
 وَجَعَلْتُ هَذَا التَّوْفِيعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ وَعُنُقِ مَنْ
 سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكْتُمَهُ لِأَحَدٍ مِنْ قَوَالِيَّ وَشِيعَتِي حَتَّىٰ يَظْهَرَ عَلَيَّ هَذَا التَّوْفِيعُ
 الْكَلِّ مِنَ الْمَوَالِي، لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَنَلِفَاهُمْ فَيَرْجِعُونَ إِلَىٰ دِينِ اللَّهِ
 الْحَقِّ وَتَنْتَهُونَ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْتَهُ مِنْهُ وَأَمْرُهُ وَنَهْيُهُ فَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ
 مِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.^۳

۱. نمل/ ۶۵. ۲. طه/ ۱۲۴-۱۲۷.

۳. احتجاج طبرسی، ج ۲/ص ۴۷۳، طبع بیروت.

ترجمه توفیق مبارک حضرت ولی عصر به افتخار محمد بن علی بن هلال کرخی

من وهمه آباء و اجداد گرامی ام از اولین — آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی — و از آخرین — محمد و علی و دیگر بزرگواران از ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است — همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است: «کسی که از ذکر و یاد من اعراض کند (روی برگرداند)، معیشت او ضنک و سخت بوده، در قیامت نابینا محشور خواهد شد. او می گوید: خداوندا! چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من بینا بودم؟ خداوند می فرماید: چون تو آیات ما را تکذیب نمودی ما نیز ترا به دست فراموشی سپردیم.»

ای محمد بن علی! نادانان شیعه و نابخردان آنها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می کنند و افرادی که برای دینشان به اندازه یک بال مگس ارزش قائل نیستند باعث ناراحتی ما هستند.

من خداوند بزرگ را که خدائی جز او نیست به شهادت می گیرم و البته او شاهدهی کافی است و نیز حبیبش محمد صلی الله علیه و آله و ملائکه و پیامبران او و نیز تو و هرکس را که فرمان من به او برسد گواه می گیرم که از افرادی که می گویند علم غیب نزد ماست و ما در آفرینش موجودات شریک هستیم، و ما را از محلی که خداوند برای ما قرارداد داده و راضی است بالا ترمی برند، بیزارم. همچنین از کسانی که از آنچه برای تو بیان کردم (بندگی خداوند) و از آنچه در ابتدای نامه ام بدان اشاره کردم گامی فراتر بروند، بیزارم و اینان البته گرفتار سخط و عذاب الهی خواهند بود. و من ترا گواه می گیرم که هرکس که ما از او بیزاری جوئیم، خداوند و ملائکه و فرستادگانش و اولیای الهی نیز از او بیزار خواهند بود.

[ای محمد بن علی!] این توفیق را به عنوان امانت به گردن تو و هر که نامه من به او برسد قراردادام و مکلف هستید که محتوای این فرمان را به همه دوستان و شیعیان من برسانید. شاید خداوند متعال به آنها توفیق عنایت فرماید و در سایه بهره برداری از کلمات من، به سوی دین حق برگردند و از آنچه نمی دانند دست بردارند. پس هرکس از شیعیان و دوستان ما از مضمون فرمان من در این توفیق آگاهی یافت و به آنچه در این فرمان بیان شده عمل نکرد سزاوار لعنت خداوند و ملائکه و فرستادگان و اولیای او خواهد بود.

- خواننده گرامی! آنچه از خلاصه این فرمان به دست می‌آید و باید به آن توجه داشت و عمل کرد دو اصل است:
- ۱. اینکه همه انبیاء و ائمه و اولیاء، بنده خدا هستند و تمام قدرتهای مادی و معنوی آنها (ولایت تکوینی و تشریحی) از آن خداوند است.
- ۲. همه دوستان خاندان رسالت، بندگی خداوند را بر هر چیزی باید مقدم دارند.

توقیع دیگر حضرت بقیة الله

روحی له الفداء

به افتخار محمد بن عبد الله حمیری

وفی کتابِ آخرِ لمحمد بن عبد الله الحمیری الی صاحب الزمان
علیه السلام من جوابِ مسائله الّتی سألته عنها فی سنة سبع وثلاث مائة:
سأل عن المَحْرِمِ، یَجُوزُ أَنْ یَشُدَّ الْمِیْزَرَ مِنْ خَلْفِهِ عَلٰی عَقْبِهِ بِالطُّوْلِ وَ
یَرْفَعَ ظَرْفَیْهِ اِلٰی حَقْوٰیهِ وَیَجْمَعَهُمَا فِی خَاصِرَتِهِ وَتَعْقِدَهُمَا وَیُخْرِجَ
الظَّرْفَیْنِ الْاٰخَرَتَیْنِ مِنْ بَیْنِ رِجْلَیْهِ وَیَرْفَعَهُمَا اِلٰی خَاصِرَتِهِ وَیَشُدَّ ظَرْفَیْهِ
اِلٰی وَرْکَبِهِ فَیَكُوْنُ مِثْلَ السَّرَاوِیْلِ یَشْتَرُ مَا هُنَاكَ فَاِنَّ الْمِیْزَرَ الْاَوَّلَ کُنَّا
نَنْزِرُ بِهِ اِذَا رَكَبَ الرَّجُلُ جَمَلَهُ یَكْشِفُ مَا هُنَاكَ وَهَذَا سِتْرٌ؟

در نامه دیگری که محمد بن عبدالله حمیری رضوان الله علیه به پیشگاه
مبارک حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف در سال سیصد و هفت هجری
قمری تقدیم داشت سؤالاتی به شرح زیر نمود:

سؤال کرد آیا جایز است کسی که مُحْرِم است لنگ احرام را از درازا به
پشت برده، دو طرف آن را بالای رانها در دو طرف خاصره به یکدیگر گره بزند و
دو طرف دیگر را بالای ران و خاصره به یکدیگر ببندد تا مثل شلوار شده،
بدین طریق ستر عورت گردد؟ چه آنکه در گذشته وقتی لنگ پوشیده، بر شتر سوار
می شدیم پوشش درست و صحیحی نداشت و آنچه را که پوشانده بودیم ظاهر

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَازَ أَنْ يَتَرَزَّ الْإِنْسَانُ كَيْفَ شَاءَ إِذَا لَمْ يَخْدُثْ فِي
الْمِيْرَزِ حَدَثًا بِمَقْرَاضٍ وَلَا أِبْرَةٍ يُخْرِجُهُ بِهِ عَنْ حَدِّ الْمِيْرَزِ وَغَزْرَةٍ غَزْرًا وَلَمْ
يَعْقُدْهُ وَلَمْ يَشُدَّ بَعْضَهُ بِبَعْضٍ وَإِذَا عُطِيَ سُرْتُهُ وَرُكْبَتَيْهِ كِلَاهِمَا فَإِنَّ
السُّنَّةَ الْمُجْمَعَةَ عَلَيْهَا بِغَيْرِ خِلَافٍ تَعْطِيَةُ الشَّرَّةِ وَالرُّكْبَتَيْنِ وَالْأَحَبُّ
إِلَيْنَا وَالْأَفْضَلُ لِكُلِّ أَحَدٍ شُدُّهُ عَلَى السَّبِيلِ الْمَأْلُوفَةِ الْمَعْرُوفَةِ لِلنَّاسِ
جَمِيعًا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَشُدَّ عَلَيْهِ مَكَانَ الْعَقْدِ تِكَّةً.
فَأَجَابَ «عَلَيْهِ السَّلَامُ» لَا يَجُوزُ شُدُّ الْمِيْرَزِ بِشَيْءٍ سِوَاهُ مِنْ تِكَّةٍ
وَلَا غَيْرِهَا.

وَسَأَلَ عَنِ التَّوَجُّهِ لِلصَّلَاةِ أَنْ يَقُولَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَإِنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهُ إِذَا قَالَ عَلَى دِينِ
مُحَمَّدٍ فَقَدْ أَبْدَعَ لِأَنَّا لَمْ نَجِدْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِ الصَّلَاةِ خِلا حَدِيثًا
فِي كِتَابِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ إِنَّ الصَّادِقَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لِلْحَسَنِ كَيْفَ تَتَوَجَّهْ؟ فَقَالَ، أَقُولُ لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ.
فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، لَيْسَ عَنْ هَذَا أَسْأَلُكَ. كَيْفَ تَقُولُ
وَجْهَتُ وَجْهِي لِلدِّي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا؟ قَالَ الْحَسَنُ
أَقُولُ.

فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا قُلْتَ ذَلِكَ فَقُلْ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ
مُحَمَّدٍ وَمِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْإِيْتِمَامِ بِآلِ مُحَمَّدٍ حَنِيفًا مُسْلِمًا
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.

می شد، در حالی که اگر لنگ را اینچنین ببندیم مستورتر خواهد بود.

در پاسخ فرمودند: لنگ را هرطور که خواست، می تواند پوشد، البته تا وقتی که با قیچی و سوزن کاری در آن نکرده باشد که آن را از حالت لنگ بودن خارج کند. لنگ احرام را در یک جا جمع نکند و به یکدیگر گره نزند و نبندد. هنگامی که ناف و دوزانو پوشیده شود کفایت می کند، و پوشاندن ناف و زانوها سنت مورد اجماع مسلمین است که در آن اختلاف نظر نیست و آنچه مورد دلخواه و پسندماست پیروی از روش عمومی مردم در بستن لنگ احرام به همین روش متداول و معروف است. ان شاء الله.

در پاسخ اینکه آیا در بستن لنگ احرام به جای گره زدن آن می توان از کمر بند استفاده کرد فرمودند: بستن لنگ احرام با کمر بند و غیره جایز نیست و از غیر خود لنگ نمی شود استفاده کرد.

سؤال: در مورد «توجه^۱» قبل از نماز که بگوید «... عَلِيٍّ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» برخی از اصحاب گفته اند که گفتن عبارت «عَلِيٍّ دِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» بدعت است، چون در احادیث مربوط در این مورد چیزی به ما نرسیده است و در این خصوص فقط یک حدیث در مرقومه قاسم بن محمد از جدش حسن بن راشد وجود دارد و مضمون آن این است که حضرت صادق علیه السلام از حسن سؤال کردند: چگونه «توجه» می کنی؟ او گفت: می گویم «لَتَبِيكَ وَتَعَدِيكَ^۲». امام صادق علیه السلام فرمودند: از این موضوع سؤال نکردم، چگونه می گوئی «وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا مُسْلِمًا»؟ حسن گفت: همین طور می گویم. حضرت فرمودند: پس از اینکه این را گفتی بگو «... عَلِيٍّ مِلَّةِ اِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَالْإِتْمَامِ بِآلِ مُحَمَّدٍ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

۱. توجه قبل از نماز این است که بگوید: «وَجْهَتُ وَجْهِي لِلذِّي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ...».
۲. ظاهراً شخص مزبور تصور کرده که منظور امام صادق علیه السلام در حج است، در حالی که مراد حضرت توجه قبل از نماز بوده است.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْتَوَجَّهُ كُفْلَهُ لَيْسَ بِفَرِيضَةٍ وَالسَّنَةُ الْمُؤَكَّدَةُ فِيهِ
الَّتِي هِيَ كَالْإِجْمَاعِ الَّذِي لَا خِلَافَ فِيهِ وَجَهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي
فَطَّرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ
وَهَدَىٰ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا آمَنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ
الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، ثُمَّ أقرأ الحمد. قَالَ الْفَقِيهُ الَّذِي لَا يُشَكُّ فِي عَمَلِهِ،
إِنَّ الدِّينَ لِمُحَمَّدٍ وَالْهُدَايَةَ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ لِأَنَّهَا لَهُ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِي عَقْبِهِ بِأَقْبَىٰ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ كَانَ كَذَلِكَ فَهُوَ مِنَ
الْمُهْتَدِينَ وَمَنْ شَكَّ فَلَا دِينَ لَهُ وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الضَّلَالَةِ بَعْدَ الْهُدَىٰ.

وَسَأَلَهُ عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْفَرِيضَةِ، إِذَا فَرَّغَ مِنْ دُعَائِهِ يَجُوزُ أَنْ يَرُدَّ يَدَيْهِ
عَلَىٰ وَجْهِهِ وَصَدْرِهِ لِلْحَدِيثِ الَّذِي رُوِيَ «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آجِلٌ مِنْ أَنْ
يَرُدَّ يَدَيْ عَبْدِهِ صَفْرًا بَلْ يَمْلَأُهَا مِنْ رَحْمَتِهِ» أَمْ لَا يَجُوزُ، فَإِنَّ بَعْضَ
أَصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهُ عَمِلَ فِي الصَّلَاةِ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَدُّ اليَدَيْنِ مِنَ الْقُنُوتِ عَلَى الرَّأْسِ وَالْوَجْهِ غَيْرُ
جَائِزٍ فِي الْفَرَايِضِ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْعَمَلُ فِيهِ إِذَا رَجَعَ يَدُهُ فِي قُنُوتِ
الْفَرِيضَةِ وَفَرَّغَ مِنَ الدُّعَاءِ أَنْ يَرُدَّ بظُنِّ رَاحَتِيهِ مَعَ صَدْرِهِ تَلْقَاءَ رُكْبَتَيْهِ
عَلَى تَمَهُّلٍ وَيُكَبِّرَ وَيَرْكَعُ وَالْخَبْرُ صَحِيحٌ وَهُوَ فِي نَوَافِلِ النَّهَارِ وَاللَّيْلِ
دُونَ الْفَرَايِضِ وَالْعَمَلُ بِهِ فِيهَا أَفْضَلُ.

جواب: توجه واجب نیست و آنچه مستحب مؤکد است این است که بگوید
«وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَهُدًى
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. لَا شَرِيكَ
لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ
الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.»! سپس حمد را قرائت کن.

امام علیه السلام که در کارش شکی و تردیدی روانیست فرموده اند که دین
از محمد است صلی الله علیه وآله و هدایت از حضرت علی امیرالمؤمنین علیه السلام،
و این در اعقاب و فرزندان او تا روز قیامت باقی است. هرکس این گونه باشد از
هدایت شدگان است و هرکس شک کند، دین ندارد. و به خداوند پناه می بریم از
اینکه پس از هدایت شدن گمراه شویم.

سؤال: آیا نمازگزار در قنوت نمازهای واجب پس از اینکه از دعا فارغ شد
می تواند دستش را به صورت و سینه اش بمالد؟ زیرا حدیث است که «خداوند
عزوجل بزرگتر از این است که دست بنده را خالی برگرداند، بلکه آن را از رحمت
خود پُر می کند». به طوری که نقل شده است، بعضی از اصحاب در نماز چنین
کرده اند. آیا جایز است یا خیر؟

جواب: پس از قنوت نمازهای واجب، مالیدن دست به سروصورت جایز
نیست و آنچه که باید کرد این است که وقتی در قنوت نمازهای واجب از دعا
فارغ شد کف دستها را با سینه اش به آرامی در مقابل زانوها قرار داده، تکبیر گوید
و به رکوع برود. و این خبر درست است و در مورد نوافل روز و شب می باشد نه در
نمازهای واجب، و عمل کردن به این روایت در نمازهای نافله بهتر است.

۱. به سوی خداوندی روی می کنم که آسمانها و زمین را آفرید. توجه من به سوی ذات حق در حالی است
که یکتاپرست و مسلمان هستم و بر ملت ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه وآله و هدایت حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام و از مشرکان نیستم. نماز و عبادت و حیات و ممات من برای خداوند،
پروردگار عالمیان است. مرا و را شریکی نیست و بدین مأمور شده ام و از مسلمین هستم. بار خدایا!
مرا از مسلمانان قرار ده. به خداوند شنوای دانا از شیطان مردود و رانده شده پناه می برم. بِسْمِ اللَّهِ
الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ...

وَسَأَلَ عَنْ سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ، فَإِنَّ بَعْضَ اصْحَابِنَا ذَكَرَ أَنَّهَا
بِدْعَةٌ، فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ تَسْجُدَهَا الرَّجُلُ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ وَإِنْ جَازَ قَفِي
صَلَاةِ الْمَغْرِبِ هِيَ بَعْدَ الْفَرِيضَةِ أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ رَكَعَاتِ النَّافِلَةِ؟
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الْأَرْبَعِ الشُّكْرِ وَأَوْجِبَتْهَا وَلَمْ يَقُلْ
إِنَّ هَذِهِ السَّجْدَةُ بِدْعَةٌ إِلَّا مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحَدِّثَ بِدْعَةً فِي دِينِ اللَّهِ. فَأَمَّا
الْخَبَرُ الْمَرْوِيُّ فِيهَا بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ وَالْإِخْتِلَافُ فِي أَنَّهَا بَعْدَ الثَّلَاثِ
أَوْ بَعْدَ الْأَرْبَعِ، فَإِنَّ فَضْلَ الدُّعَاءِ وَالتَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَايِضِ عَلَى الدُّعَاءِ
بِعَقِبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ الْفَرَايِضِ عَلَى النَّوَافِلِ وَالسَّجْدَةُ دُعَاءٌ وَتَسْبِيحٌ
فَالْأَفْضَلُ أَنْ تَكُونَ بَعْدَ الْفَرِيضِ، فَإِنْ جُعِلَتْ بَعْدَ النَّوَافِلِ أَيْضًا جَازَ.

وَسَأَلَ أَنْ يَتَبَّعَ إِخْوَانِنَا مِمَّنْ تَعْرِفُهُ ضَيْعَةً جَدِيدَةً بِجَنِبِ ضَيْعَةِ
خَرَابِ لِلْسُّلْطَانِ فِيهَا حِصَّةٌ وَأَكْرَتُهُ، رُبَّمَا زَرَعُوا حُدُودَهَا وَتُوذِبُهُمْ
عَمَّا لِلْسُّلْطَانِ وَتَتَعَرَّضُونَ فِي الْكُلِّ مِنْ غَلَاتِ ضَيْعَتِهِ وَلَيْسَ لَهَا قِيَمَةٌ
لِخَرَابِهَا وَأَلَمَّا هِيَ بِأَثَرُهُ مُنْذُ عِشْرِينَ سَنَةً وَهُوَ يَتَحَرَّجُ مِنْ شِرَائِهَا لِأَنَّهُ
يُقَالُ إِنَّ هَذِهِ الْحِصَّةَ مِنْ هَذِهِ الضَّيْعَةِ كَانَتْ قُبِضَتْ عَنِ الْوَقْفِ قَدِيمًا
لِلْسُّلْطَانِ، فَإِنْ جَازَ شِرَائُهَا مِنَ السُّلْطَانِ وَكَانَ ذَلِكَ صَلاَحًا لَهُ وَعِمَارَةً
لِضَيْعَتِهِ وَأَنَّهُ يَزْرَعُ هَذِهِ الْحِصَّةَ مِنَ الْقَرْيَةِ الْبَائِرَةِ لِفَضْلِ مَاءِ ضَيْعَتِهِ
الْعَامِرَةِ وَيَنْحَسِمُ عَنْهُ أَوْلِيَاءُ سُلْطَانٍ وَإِنْ لَمْ يَجْزُ عَمَلٌ بِمَا تَأْمُرُهُ بِهِ
إِنْشَاءَ اللَّهِ تَعَالَى.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الضَّيْعَةُ لَا يَجُوزُ ائْتِيَاغُهَا إِلَّا مِنْ مَالِكِهَا أَوْ بِأَمْرِهِ
أَوْ رِضَا مِنْهُ.

سؤال: در مورد سجده شکر پس از نماز واجب، برخی از اصحاب گفته اند که این کار بدعت است. آیا جایز است که پس از نماز واجب سجده شکر نمود یا خیر؟ در صورتی که جایز است، در مورد نماز مغرب، پس از نماز واجب باید سجده کرد یا پس از نوافل مغرب؟

جواب: سجده شکر از لازم ترین و واجب ترین مستحبات است و کسی که آن را بدعت خوانده، خود قصد ایجاد بدعت در دین داشته است. اما خبری که در مورد سجده شکر روایت شده و در آن اختلاف است که پس از نماز مغرب است یا پس از چهار رکعت نافله آن، بدان که: فضیلت دعا و تسبیح پس از فرائض در مقایسه با دعا و تسبیح پس از نوافل، مشابه و مانند فضیلت خود فرائض بر نوافل است. و سجده، دعا و تسبیح می باشد، پس بهتر است که بعد از فریضه و نماز واجب باشد؛ البته پس از نوافل هم جایز و صحیح است.

سؤال: برخی از برادران ما در کنار کشتزار خرابی که سلطان و حکومت در آن سهم دارند، زمین زراعتی جدیدی دارد که کارگران و کشاورزان آنها به زراعت مشغولند. گاهی نمایندگان و کارگران سلطان موجب آزار و اذیت آنان را فراهم نموده، متعرض محصولات آنها می شوند. زمین مزبور، خراب است و قیمتی ندارد بلکه حدود بیست سال است که ویران شده است. خرید این زمین برای شخص یاد شده دشوار است. گفته می شود که این سهم از زمین وقف بوده و سلطان آن را به زور گرفته است. حال، اگر برای این شخص خرید زمین مزبور از سلطان جایز باشد به صلاح او خواهد بود و موجب آبادی زمین او می شود و می تواند این قسمت بایر از زمین را به اضافه آب خود به کار گرفته، آن را آباد کند و دیگر دست نمایندگان و کارگران سلطان و حکومت نیز کوتاه خواهد شد. البته اگر جایز نباشد به هر دستوری که بفرمائید عمل خواهد کرد.

جواب: زمین مزروعی را جز از مالک یا به دستور و رضایت وی نمی شود خریداری کرد.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ اسْتَحَلَّ امْرَأَةً خَارِجَةً مِنْ حِجَابِهَا وَكَانَ يَحْتَرِزُ مِنْ
أَنْ يَقَعَ وَلَدٌ فَجَاءَتْ بِابْنٍ، فَتَحْرَجُ الرَّجُلُ أَنْ لَا يَقْبَلَهُ فَقَبِلَهُ وَهُوَ سَائِلٌ
فِيهِ وَجَعَلَ يَجْرِي التَّفَقُّعَ عَلَى أُمِّهِ وَعَلَيْهِ حَتَّى مَاتَتِ الْأُمُّ وَهُوَ ذَا يَجْرِي
عَلَيْهِ غَيْرَ أَنَّهُ سَائِلٌ فِيهِ لَيْسَ يَخْلِطُ بِنَفْسِهِ وَيَجْعَلُهُ كَسَائِرِ وَلَدِهِ فَعَلَّ ذَلِكَ
وَإِنْ جَازَ أَنْ يَجْعَلَ لَهُ شَيْئاً مِنْ مَالِهِ دُونَ حَقِّهِ فَعَلَّ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلَا سَتِخْلَالُ بِالْمَرْأَةِ يَقَعُ عَلَى وُجُوهِهِ وَالْجَوَابُ
يَخْتَلِفُ فِيهَا، فَلْيَذْكُرِ الْوَجْهَ الَّذِي وَقَعَ الْإِسْتِخْلَالُ بِهِ مَشْرُوحاً لِيَعْرِفَ
الْجَوَابَ فِيمَا يَسْأَلُ عَنْهُ مِنْ أُمِّ الْوَلَدِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَسَأَلَهُ الدُّعَاءَ لَهُ
فَخَرَجَ الْجَوَابُ.

جَادَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِمَا هُوَ جَلٌّ وَتَعَالَى أَهْلُهُ إِجَابَتُنَا لِحَقِّهِ وَرِعَايَتُنَا لِأَبِيهِ
رَحِمَهُ اللَّهُ وَقَرُبُهُ مِنَّا وَقَدَرَضِينَا بِمَا عَلِمْنَا مِنْ جَمِيلِ نَيْتِهِ وَوَقَفْنَا عَلَيْهِ
مِنْ مُخَاطَبَتِهِ الْمُفْرَكَةِ مِنَ اللَّهِ الَّتِي يَرْضَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَرَسُولُهُ وَأَوْلِيَاؤُهُ
وَالرَّحْمَةُ بِمَا بَدَأْنَا، نَسَأَلُ اللَّهَ بِمَسْئَلَتِهِ مَا أَمَلَهُ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ عَاجِلٍ وَ
أَجَلٍ وَأَنْ يُضْلِحَ لَهُ مِنْ أَمْرِ دِينِهِ وَدُنْيَا مَا يَجِبُ صَلَاحُهُ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٍ.

وَكَتَبَ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَيْضاً فِي سِتَّةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ سَأَلَهُ عَنْ
مَسَائِلَ أُخْرَى كَتَبَ.

سؤال: مردی زنی را حلال خود دانسته و بالباس و حجاب او با وی آمیزش کرده و با اینکه از بچه دار شدن امتناع می کرده است ولی اتفاقاً زن بچه دار شده و پسری برای او زاده است. با اینکه پذیرش این فرزند برای او سخت بوده ولی او را قبول کرده است. او شک داشته که مخارج زن و فرزند را داده است یا خیر تا مادر طفل فوت نمود و او همچنان آن بچه را سرپرستی کرده است ولی باز هم شک دارد که آیا فرزند وی به حساب می آید یا خیر و آیا می تواند طفل مزبور را به خود نسبت دهد یا نمی تواند؟ اگر بر او واجب است که او را به خود نسبت دهد و مانند دیگر فرزندان خود با او رفتار کند، این کار را بکند، و چنانچه باید چیزی به او داده، دیگر از اموال خود حقی برای او قرار ندهد، این گونه عمل کند.

جواب: حلال شمردن زن بر خود، صورتهای مستعددی دارد و جواب هر کدام نیز متفاوت است. نحوه حلال شمردن را مشروحاً بنویسید تا جواب معلوم شود و وضعیت فرزند روشن گردد.

● خواننده عزیز! معلوم می شود در جواب ندادن به این سؤال مصلحت بزرگی بوده است، و الا امام علیه السلام عالم به ما کان و ما یکون می باشد. و همه چیز را می داند.

نگارنده در پایان عریضه از آن حضرت تقاضای دعا کرده است. حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء به این شرح درباره او دعا فرمودند. امید است دعای آن حضرت شامل حال همه ما گردد. آمین یا رب العالمین:

خداوند به اندازه شایستگی خودش درباره او نیکی فرماید. جواب ما به او و رعایت ما نسبت به پدر او که خداوند او را رحمت کند، او را به ما نزدیک گرداند. چون از نیت و باطن او با اطلاعییم و از او خوشنود شدیم و بر گفتگوی او آگاهی یافتیم از خداوند برای او چیزی را گواهی می دهیم که خداوند و رسولش و اولیای او خوشنود گردند و از خداوند می خواهیم که تمام آرزوهایش را در مورد خیرات دنیا و آخرت برآورده فرماید و امور دین و دنیای او را که صلاح باشد اصلاح فرماید. البته خداوند ولی توانا و مقتدر است.

توقيع ديگر حضرت امام زمان

عليه السلام

به افتخار محمد بن عبد الله حميرى

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَطَالَ اللَّهُ بِفَاكَ وَأَدَامَ عَزْلَكَ وَكَرَامَتَكَ وَسَعَادَتَكَ وَسَلَامَتَكَ وَأَتَمَّ
نِعْمَتَكَ وَزَادَ فِي إِحْسَانِهِ إِلَيْكَ وَجَمِيلِ مَوَاهِبِهِ لَدَيْكَ وَفَضْلِهِ عَلَيْكَ وَ
جَزِيلِ قِسْمِهِ لَكَ وَجَعَلَنِي مِنَ الشُّعْرِ كَلِيهِ فِدَاكَ وَقَدَّمَنِي قَبْلَكَ، إِنَّ
قَبْلَنَا مَشَائِخَ وَعَجَائِرُ يَصُومُونَ رَجَبًا مُنْذُ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَأَكْثَرُ وَيَصِلُونَ
بِشَعْبَانَ وَشَهْرَ رَمَضَانَ، وَرَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا (أَنَّ صَوْمَهُ مَعْصِيَةٌ).

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ الْفَقِيهُ يَصُومُ مِنْهُ أَيَّامًا إِلَى خَمْسَةِ عَشْرَ يَوْمًا إِلَّا
أَنَّ يَصُومَهُ عَنِ الثَّلَاثَةِ الْآيَاتِ الْفَائِتَةِ لِلْحَدِيثِ «إِنَّ نِعْمَ شَهْرُ الْقَضَاءِ
رَجَبٌ».

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ يُكُونُ فِي مَخْمَلِهِ وَالثَّلُجُ كَثِيرٌ بِقَامَةِ رَجُلٍ فَيَتَخَوَّفُ أَنْ
نَزَلَ الْغَوْصَ فِيهِ وَرُبَّمَا سَقَطَ الثَّلُجُ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ وَلَا يَسْتَوِي لَهُ
أَنْ يَلْبَسَ شَيْئًا مِنْهُ لِكَثْرَتِهِ وَتَهَاقُتِهِ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ فِي الْمَخْمَلِ
الْقَرِيضَةَ؟ فَقَدْ فَعَلْنَا ذَلِكَ أَيَّامًا فَهَلْ عَلَيْنَا فِي ذَلِكَ إِعَادَةٌ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا بَأْسَ بِهِ عِنْدَ الضَّرُورَةِ وَالشَّدَّةِ.

خداوند عمر حضرتت را طولانی و خوشبختی و سلامت آن وجود عزیز را پاینده دارد و نعمتش را بر شما تمام و احسانش را درباره شما زیاده کند و براحسان و فضل و مواهب عالیة خود بر شما فزونی بخشد و نصیب و قسمتهای نیکورا شامل حال حضرتت فرماید و در هر بلائی که متوجه وجود پربرکت شود، مرا فدای شما گرداند و من پیش مرگ آن وجود عزیز باشم. در میان ما پیرمردان و پیرزنانی هستند که متجاوز از سی سال یا بیشتر است که ماه رجب را روزه می گیرند و همچنان روزه گرفتن را تا ماه مبارک رمضان ادامه می دهند. برخی از اصحاب براساس حدیث گفته اند که روزه آنها معصیت و گناه است.

حضرت بقیة الله روحی له الفداء جواب فرمودند که فقیه فرموده است^۱ از اول ماه رجب تا پانزده روز، روزه بگیرد و آنگاه آن را قطع نماید، مگر از باب انجام قضای سه روز روزه که از او فوت شده باشد و بخواهد قضای آن سه روز را بگیرد که در این صورت اشکالی ندارد. البته این هم به جهت روایتی است که نقل شده مبنی بر اینکه «ماه رجب برای گرفتن روزه قضا ماه خوبی است.»

سؤال: مردی در محمل و کجاوه که بر روی شتر است قرار دارد و با توجه به اینکه برف بسیاری به ارتفاع قامت یک انسان باریده است، می ترسد اگر از شتر پائین بیاید در برف فرو برود و چه بسا ممکن است که در حال بیرون آمدن از محمل، برف از بالا سقوط کند و او نتواند آن را از خود دور سازد. آیا در این صورت می تواند نماز واجب خود را در محمل بخواند؟ البته ما چند بار این کار را کرده ایم. آیا باید نمازهایی را که این گونه خوانده ایم اعاده کنیم یا خیر؟
جواب: هنگام ضرورت و در حالت اضطرار مانعی ندارد.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَلْحَقُ الْإِمَامَ وَهُوَ رَاكِعٌ فَيَرْكَعُ مَعَهُ وَيَخْتَسِبُ تِلْكَ
الرَّكْعَةَ، قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ إِنْ لَمْ يَسْمَعْ تَكْبِيرَةَ الرَّكُوعِ فَلَيْسَ لَهُ
أَنْ يَعْتَدَّ بِتِلْكَ الرَّكْعَةِ.

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا لَحِقَ مَعَ الْإِمَامِ مِنْ تَسْبِيحِ الرَّكُوعِ تَسْبِيحَةً
وَاحِدَةً، اعْتَدَّ بِتِلْكَ الرَّكْعَةِ وَإِنْ لَمْ يَسْمَعْ تَكْبِيرَةَ الرَّكُوعِ.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى الظُّهْرَ وَدَخَلَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَلَمَّا أَنْ
صَلَّى مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ رُكْعَتَيْنِ، اسْتَيْقَنَ أَنَّهُ صَلَّى الظُّهْرَ رُكْعَتَيْنِ
كَيْفَ يَضَعُ؟

فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ أَحْدَثَ بَيْنَ الصَّلَاَتَيْنِ حَادِثَةً يَقْطَعُ بِهَا
الصَّلَاةَ، أَعَادَ الصَّلَاَتَيْنِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ أَحْدَثَ حَادِثَةً جَعَلَ الرَّكْعَتَيْنِ
الْآخِرَتَيْنِ تِنْمَةً لِصَلَاةِ الظُّهْرِ وَصَلَّى الْعَصْرَ بَعْدَ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ عَنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، هَلْ يَتَوَالَدُونَ إِذَا دَخَلُوهَا أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ: إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمْلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَلَا وِلَادَةَ وَلَا ظَمْثَ وَلَا نِفَاسَ
وَلَا شِقَاءَ بِالطُّفُولِيَّةِ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلَدُّ الْأَعْيُنُ كَمَا قَالَ
سُبْحَانَهُ، فَإِذَا الْمُؤْمِنُ اشْتَهَى وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ بِغَيْرِ حَمْلٍ وَلَا وِلَادَةٍ عَلَى
الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ عِبْرَةً.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ تَزَوَّجَ امْرَأَةً بِشَيْءٍ مَعْلُومٍ إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ وَبَقِيَ لَهُ
عَلَيْهَا وَقْتُ فَجَعَلَهَا فِي حِلِّ مِمَّا هِيَ عَلَيْهَا وَقَدْ كَانَتْ ظَمَّتْ قَبْلَ أَنْ
يَجْعَلَهَا فِي حِلِّ مِنْ أَيَّامِهَا بِثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. أَيُجُوزُ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا رَجُلٌ مَعْلُومٌ
إِلَى وَقْتٍ مَعْلُومٍ عِنْدَ طَهْرِهَا مِنْ هَذِهِ الْحَيْضَةِ أَوْ يَسْتَقْبِلُ بِهَا حَيْضَةً
أُخْرَى؟

سؤال: مردی در حالی که امام جماعت در رکوع است تکبیر گفته، به رکوع می‌رود و آن را یک رکعت حساب می‌کند. برخی از اصحاب ما گفته‌اند اگر تکبیر رکوع را نشنود نمی‌تواند آن را یک رکعت حساب کند.

جواب: اگر به رکوع برسد و یک تسبیح را از امام در رکوع درک کند، می‌تواند آن را یک رکعت حساب کند اگر چه صدای تکبیر را نشنود.

سؤال: کسی نماز ظهر را خواند و وارد نماز عصر شد و پس از اینکه دو رکعت از نماز عصر را خواند، یقین کرد نماز ظهر را دو رکعتی خوانده است. تکلیف او چیست؟

جواب: اگر در بین نماز، چیزی که نماز را باطل می‌کند، انجام داده است هر دو نماز را اعاده می‌کند، و اگر انجام نداده است، دو رکعت اخیر را به نیت نماز ظهر خوانده، سپس نماز عصر را می‌خواند.

سؤال: آیا اهل بهشت زاد و ولد می‌کنند (زنها باردار می‌شوند و بچه می‌آورند؟) یا خیر؟

جواب: در بهشت، زنان باردار نمی‌شوند تا بچه بزایند و خون حیض و نفاس هم نمی‌بینند و رنج بچه‌داری نیز نیست. همان‌گونه که خداوند فرموده است در بهشت آنچه چشمها و جانها از آن لذت برند، وجود دارد و هرگاه مؤمنی بخواهد بچه داشته باشد خداوند بدون باردار شدن و وضع حمل برای او بچه و فرزندی خلق می‌کند همان‌گونه که حضرت آدم را آفرید.

سؤال: مردی با زنی برای مدت معینی ازدواج نمود (ازدواج موقت) و مقداری که از آن مدت باقی مانده بود آن زن را رها کرد و بقیه مدت را به او بخشید. آن زن سه روز قبل از اینکه مدت وی بخشیده شود حیض شد. آیا پس از پاک شدن از همین حیض، می‌تواند با مرد دیگری ازدواج کند یا اینکه باید حیض دیگری ببیند و پس از پاک شدن ازدواج کند؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَسْتَقْبِلُ حَيْضَةً غَيْرَ تِلْكَ الْحَيْضَةِ لِأَنَّ أَقْلَ تِلْكَ
الْعِدَّةِ حَيْضَةٌ وَظَهَرُهَا نَاقَةٌ.

وَيَسْأَلُ عَنِ الْآبْرَصِ وَالْمَجْدُومِ وَصَاحِبِ الْفَالِجِ، هَلْ يَجُوزُ شَهَادَتُهُمْ؟
فَقَدْ رَوَى لَنَا أَنَّهُمْ لَا يَأْمُونُ الْأَصْحَابَ.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَ بِهِمْ حَادِثًا، جازَتْ شَهَادَتُهُمْ وَإِنْ كَانَ
وِلَادَةً لَمْ يَجُزْ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَةَ امْرَأَتِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنْ كَانَتْ رُبَيْتٌ فِي حِجْرِهِ فَلَا يَجُوزُ ...

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِنْتُ ابْنَةِ امْرَأَةٍ ثُمَّ يَتَزَوَّجَ جَدَّتَهَا بَعْدَ ذَلِكَ.
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَدْ نَهَى عَنْ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ عَنْ رَجُلٍ ادَّعَى عَلَى رَجُلٍ أَلْفَ دِرْهَمٍ وَأَقَامَ بِهِ الْبَيِّنَةَ الْعَادِلَةَ
وَأَدَّعَى عَلَيْهِ أَيْضًا خَمْسِمِائَةَ دِرْهَمٍ فِي صَكِّ آخَرٍ وَمَاتِي دِرْهَمٍ فِي
صَكِّ آخَرَ وَلَهُ بِذَلِكَ كُفْلُهُ بَيِّنَةٌ عَادِلَةٌ وَيَزْعَمُ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ أَنَّ هَذِهِ
الصِّكَاكَ قَدْ دَخَلَتْ فِي الصِّكِّ الَّذِي بِالْفِ دِرْهَمٍ وَالْمُدَّعَى مُنْكَرٌ
أَنْ يَكُونَ كَمَا زَعَمَ. فَهَلْ يَجِبُ أَلْفَ دِرْهَمٍ مَرَّةً وَاحِدَةً أَوْ يَجِبُ عَلَيْهِ
كَمَا يُقِيمُ الْبَيِّنَةَ وَلَيْسَ فِي الصِّكَّاكَ إِسْتِثْنَاءٌ، إِنَّمَا هِيَ صِكَّاكَ عَلَى
وَجْهِهَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُؤْخَذُ مِنَ الْمُدَّعَى عَلَيْهِ أَلْفَ دِرْهَمٍ مَرَّةً
وَاحِدَةً وَهِيَ الَّتِي لِاشْتِبَاهِ فِيهَا وَيُرَدُّ الَّتِي فِي الْأَلْفِ الْبَاقِي عَلَى
الْمُدَّعَى فَإِنْ نَكَلَ فَلَا حَقَّ لَهُ.

جواب: باید حیض دیگری ببیند، زیرا کمترین مدت عده، یک حیض و یک طهر کامل است.

سؤال: آیا شهادت کسانی که به جذام و پیسی و فلج مبتلا هستند، قبول است؟ چون روایت شده است که این گونه افراد نمی‌توانند امام جماعت باشند.
جواب: چنانچه این گونه افراد پس از تولدشان به امراض یاد شده مبتلا شده باشند شهادت دادن آنان جایز است و چنانچه این بیماریها در آنها مادرزاد باشد، جایز نیست.

سؤال: آیا مرد می‌تواند با دختر زن خود ازدواج کند؟

جواب: اگر در دامان وی و نزد او تربیت یافته باشد، نمی‌تواند با آن دختر ازدواج کند...

سؤال: آیا با دختر دختر زنی می‌شود ازدواج کرد و بعداً با مادر بزرگ آن دختر ازدواج نمود یا جایز نیست؟
جواب: از این عمل نهی شده است.

سؤال: شخصی ادعا کرده که هزار درهم از شخصی طلبکار است و شاهد عادل نیز شهادت داد و به موجب سند دیگر مجدداً ادعا کرد که پانصد درهم طلبکار است و در این مورد نیز شاهد عادل داشت. بار سوم با مدرک دیگر ادعا کرد که سیصد درهم طلبکار است. در مرتبه چهارم سند دیگری آورد که دویست درهم طلبکار است و در این مورد بیته و شاهد عادل هم داشت و آن کسی که علیه او طرح دعوی شده می‌گوید همه اینها داخل در همان هزار درهم است؛ ولی مدعی، منکر این مطلب است. آیا در این صورت، باید فقط همان هزار درهم را پردازد یا اینکه اسناد نیز به قوت خود باقی و مستقل است و استثناء بردار نیست؟

جواب: از کسی که علیه او دعوی اقامه شده است هزار درهم باید گرفته شود و برای هزار درهم دیگر مدعی باید قسم بخورد. اگر از قسم خوردن امتناع کرد، حقی نخواهد داشت.

وَسَأَلَ عَنْ طِينِ الْقَبْرِ يُوضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ، هَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُوضَعُ مَعَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ وَيَخْلَطُ بِخُيُوطِهِ إِنْ
شَاءَ اللَّهُ.

وَسَأَلَ فَقَالَ رُوِيَ لَنَا عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ كَتَبَ عَلَى إِزَارِ ابْنِهِ
إِسْمَاعِيلَ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، فَهَلْ يَجُوزُ ذَلِكَ أَنْ نَكْتُبَ مِثْلَ ذَلِكَ
بِطِينِ الْقَبْرِ أَمْ غَيْرِهِ؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَبِّحَ الرَّجُلُ بِطِينِ الْقَبْرِ وَهَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُسَبِّحُ الرَّجُلُ بِهِ فَمَا مِنْ شَيْءٍ مِنْ السَّبْحِ
أَفْضَلُ مِنْهُ وَمِنْ فَضْلِهِ أَنْ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَيُدِيرُ الشُّبْحَةَ فَيُكْتُبُ
لَهُ التَّسْبِيحَ.

وَسَأَلَ عَنِ السَّجْدَةِ عَلَى لَوْحٍ مِنْ طِينِ الْقَبْرِ وَهَلْ فِيهِ فَضْلٌ؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَفِيهِ الْفَضْلُ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَزُورُ قُبُورَ الْأَيِّمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَسْجُدَ
عَلَى الْقَبْرِ؟ وَهَلْ يَجُوزُ لِمَنْ صَلَّى عِنْدَ بَعْضِ قُبُورِهِمْ أَنْ يَقُومَ وَرَاءَ الْقَبْرِ
وَيَجْعَلَ الْقَبْرَ قِبْلَةً وَيَقُومَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَرِجْلَيْهِ وَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَتَقَدَّمَ الْقَبْرَ وَ
يُصَلِّيَ وَيَجْعَلَ الْقَبْرَ خَلْفَهُ أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَمَّا السُّجُودُ عَلَى الْقَبْرِ فَلَا يَجُوزُ فِي نَافِلَةٍ
وَلَا فَرِيضَةٍ وَلَا زِيَادَةٍ وَالَّذِي عَلَيْهِ الْفَضْلُ أَنْ يَضَعَ خَدَّهُ الْأَيْمَنَ عَلَى
الْقَبْرِ وَأَمَّا الصَّلَاةُ فَإِنَّهَا خَلْفَهُ وَيَجْعَلُ الْقَبْرَ أَمَامَهُ وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ

ترجمه توفیق دیگر حضرت امام زمان به افتخار محمد بن عبدالله حمیری

سؤال: در مورد «گل قبر»^۱ که همراه میت در قبر می گذارند، آیا این عمل درست است یا خیر؟

جواب: در قبر گذاشته می شود و به خواست خداوند با نخهای کفن وی مخلوط خواهد شد.

سؤال: از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که بر کفن فرزندشان اسماعیل نوشتند: «اسماعیل شهادت می دهد که خدائی جز خداوند یکتا نیست». آیا جایز است که با تربت قبر [امام حسین علیه السلام] یا چیز دیگری بنویسیم؟

جواب: این عمل جایز است.

سؤال: آیا از تربت می توان تسبیح درست کرد و تسبیح با تربت فضیلتی دارد یا خیر؟

جواب: با آن [تسبیح تربت]، تسبیح بگویند که چیزی از تسبیح گفتن با آن بالاتر نیست. و از جمله فضیلت و برتری آن، اینکه گاهی که انسان تسبیح گفتن را فراموش می کند اما تسبیح را می گرداند، برای او ثواب تسبیح گفتن را می نویسند.

سؤال: آیا بر مهر تربت [امام حسین علیه السلام] سجده جایز است و آیا فضیلتی دارد یا خیر؟

جواب: این عمل جایز و در آن ثواب و فضیلت است.

سؤال: شخصی به زیارت قبور ائمه علیهم السلام می رود. آیا سجده بر قبور ائمه جایز است؟ آیا ایستادن پشت قبر و قبر را قبله خود قرار دادن جایز است؟ آیا می تواند بالای سر و پائین پا بایستد؟ و آیا جایز است پشت به قبر و روبه قبله ایستاده، نماز بخواند یا خیر؟

جواب: اما سجده بر قبر، نه در واجبات و نه در مستحبات و نه در نماز احتیاط، جایز نیست و آنچه بدان عمل می شود آن است که طرف راست صورت و گونه خود را روی قبر بگذارد. و اما نماز خواندن به نحوی که قبر در جلو قرار گرفته

بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا عَنْ يَمِينِهِ وَلَا عَنْ يَسَارِهِ لِأَنَّ الْإِمَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
لَا يُتَقَدَّمُ وَلَا يُسَاوَى.

وَسَأَلَ فَقَالَ يَجُوزُ لِلرَّجُلِ إِذَا صَلَّى الْفَرِيضَةَ أَوِ التَّائِلَةَ وَيَدِهِ الشُّبْحَةُ
أَنْ يُدِيرَهَا وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ إِذَا خَافَ السَّهُوَ وَالْغَلَطَ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُدِيرَ الشُّبْحَةَ بِيدِهِ الْيَسَارِ إِذَا سَبَّحَ أَوَّلًا يَجُوزُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

وَسَأَلَ فَقَالَ رُوِيَ عَنِ الْفَقِيهِ فِي بَيْعِ الْوَقْفِ خَبْرًا ثَوْرًا إِذَا كَانَ الْوَقْفُ
عَلَى قَوْمٍ بِأَعْيَانِهِمْ وَأَعْقَابِهِمْ، فَاجْتَمَعَ أَهْلُ الْوَقْفِ عَلَى بَيْعِهِ وَكَانَ ذَلِكَ
أَصْلَحَ لَهُمْ أَنْ يَبِيعُوهُ، فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يَشْتَرِيَ مِنْ بَعْضِهِمْ إِنْ لَمْ يَجْتَمِعُوا
كُلُّهُمْ عَلَى الْبَيْعِ أَمْ لَا يَجُوزُ إِلَّا أَنْ يَجْتَمِعُوا كُلُّهُمْ عَلَى ذَلِكَ وَعَنِ
الْوَقْفِ الَّذِي لَا يَجُوزُ بَيْعُهُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا كَانَ الْوَقْفُ عَلَى إِمَامِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَا يَجُوزُ
بَيْعُهُ وَإِنْ كَانَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَلْيَبِيعْ كُلُّ قَوْمٍ مَا يَقْدِرُونَ عَلَى
بَيْعِهِ مُجْتَمِعِينَ وَمُتَّفَقِينَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَسَأَلَ هَلْ يَجُوزُ لِلْمُخْرِمِ أَنْ يُصْبِرَ عَلَى ابْطِئَةِ الْمَرْتِكِ وَالشُّوتِيَا لِرِيحِ
الْعَرَقِ أَمْ لَا يَجُوزُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ وَبِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

وَسَأَلَ عَنِ الضَّرِيرِ، إِذَا شَهِدَ فِي حَالِ صِحَّتِهِ عَلَى شَهَادَةٍ ثُمَّ كَفَّتْ
بَصْرُهُ وَلَا يَرَى خَطَّةَ فَيَعْرِفُهُ، هَلْ يَجُوزُ شَهَادَتُهُ أَمْ لَا وَإِنْ ذَكَرَ هَذَا
الشَّهَادَةَ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُشْهَدَ عَلَى شَهَادَتِهِ أَمْ لَا يَجُوزُ؟

ترجمه توفیق دیگر حضرت امام زمان به افتخار محمد بن عبد الله حمیری

باشد جایز است، ولی در جلوی قبر یا طرف راست و چپ قبر نماز خواندن درست نیست و از امام — که درود خدا بر او و خاندانش باد — نباید جلو افتاد و در طرف مساوی امام نیز نباید ایستاد.

سؤال: در حال خواندن نماز اعم از واجب یا مستحب آیا گرداندن تسبیح جایز است یا خیر؟

جواب: اگر می ترسد که اشتباه و سهو کند، اشکالی ندارد.

سؤال: گرداندن تسبیح با دست چپ در وقت ذکر جایز است یا نیست؟

جواب: این عمل جایز است و در حقیقت حمد و ستایش برای آفریننده دوجهان است.

سؤال: درباره فروش وقف از فقیه^۱ خبری به ما رسیده است هرگاه بر گروهی [هم بر خود آنها و هم اولاد آنان (وقف اولاد) مالی را] وقف کرده باشد. صاحبان وقف (موقوف علیهم) همگی قصد فروش موقوفه را که صلاح آنها نیز در همین است، دارند. آیا برخی از آن افراد می توانند سهم دیگران را بخرند یا خیر؟ و آیا فقط در صورت رضایت همه صاحبان موقوفه می توان آن را خرید و کدام موقوفه است که فروش آن جایز است؟

جواب: هرگاه وقف بر امام مسلمین باشد، فروش آن جایز نیست، و اگر بر جمعی از مسلمانان باشد، هرکس می تواند سهم خود را [چه با سایر موقوف علیهم و یا سهم شخص خود را] بفروشد ان شاء الله.

سؤال: آیا مُحَرَّم در حال احرام می تواند برای جلوگیری از بوی عرق به زیر بغل خود «مرتک» یا «توتیا»^۲ بمالد.

جواب: مانعی ندارد و توفیق از جانب خداوند است.

سؤال: شخصی در حال بینائی شهادتی نوشته است، اکنون نور چشمش را از دست داده و نمی تواند خط خودش را ببیند. آیا در این صورت شهادت او پذیرفته می شود یا نه؟ و آیا می تواند گواهی مجدد به شهادت خود بدهد یا نمی تواند؟

۱. منظور امام است.

۲. نوعی از بوی خوش.

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا حَفِظَ الشَّهَادَةَ وَحَفِظَ الْوَقْتَ، جَازَتْ شَهَادَتُهُ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يُوقِفُ ضَيْعَةً وَدَابَّةً وَشَهِدَ عَلَى نَفْسِهِ بِاسْمِ بَعْضِ وَكَلَاءِ الْوَقْفِ ثُمَّ يَمُوتُ هَذَا الْوَكِيلُ أَوْ يَتَّعَبِرُ أَمْرُهُ وَيَتَوَلَّى غَيْرُهُ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يَشْهَدَ الشَّاهِدُ لِهَذَا الَّذِي أُقِيمَ مَقَامُهُ إِذَا كَانَ أَصْلُ الْوَقْفِ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ أَمْ لَا يَجُوزُ ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا يَجُوزُ ذَلِكَ لِأَنَّ الشَّهَادَةَ لَمْ تَقَمْ لِلْوَكِيلِ وَإِنَّمَا قَامَتْ لِلْمَالِكِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ «وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ».

وَسَأَلَ عَنِ الرَّكْعَتَيْنِ الْأُخْرَوَيْنِ، قَدْ كَثُرَتْ فِيهَا الرِّوَايَاتُ فَبَعْضُ يَرَوِي أَنَّ قِرَاءَةَ الْحَمْدِ وَخِذَافَ أَفْضَلُ وَبَعْضُ يَرَوِي أَنَّ التَّسْبِيحَ فِيهِمَا أَفْضَلُ، فَأَلْفَضِلُ لِأَيِّهِمَا لِنَسْتَعْمِلُهُ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): قَدْ نَسَخَتْ قِرَاءَةُ أَمِّ الْكِتَابِ فِي هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ التَّسْبِيحَ وَالَّذِي نَسَخَ التَّسْبِيحَ قَوْلُ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كُلُّ صَلَاةٍ لَا قِرَاءَةَ فِيهَا فَهِيَ خِذَافٌ إِلَّا لِلْعَلِيلِ أَوْ يَكْثُرُ عَلَيْهِ السَّهْوُ فَيَتَخَوَّفُ بُطْلَانَ الصَّلَاةِ عَلَيْهِ.

وَسَأَلَ فَقَالَ يُتَّخَذُ عِنْدَ نَارِ الْجُوزِ لِيُوجِعَ الْحَلْقَ وَالْبَجْحَةَ تُؤْخَذُ الْجُوزُ الرَّطْبُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَنْعَقِدَ وَيُدْقُ دَقًّا نَاعِمًا وَيُعَصَّرُ مَاؤُهُ وَيُصْفَى وَيُطْبَخُ عَلَى التَّصْفِ وَيُتْرَكُ يَوْمًا وَلَيْلَةً ثُمَّ يُنْصَبُ عَلَى النَّارِ وَيُبْلَقُ عَلَى كُلِّ سِتَّةِ أَرْطَالٍ مِنْهُ رِطْلٌ غَسَلٌ وَيُغْلَى رِغْوَتُهُ وَيُسْحَقُ مِنْ التُّوشَادِرِ وَالشَّبِّ الْيَمَانِيِّ مِنْ كُلِّ وَاحِدٍ نِصْفٌ مِثْقَالٍ وَيُدَاكُ بِذَلِكَ

جواب: اگر گواهی دادن و زمان آن را به خاطر داشته باشد، می تواند شهادت بدهد.

سؤال: شخصی زمین یا چهارپائی را وقف می کند و کسی را به عنوان وکیل وقف تعیین می نماید و براین وقف گواه می گیرد. پس از آن، وکیل فوت می کند و یا وکالتش به هم می خورد و واقف، فرد دیگری را متولی وقف می کند. آیا آن کسی که شاهد بوده است با توجه به اینکه اصل وقف برای یک نفر بوده، می تواند برای شخص دومی که قائم مقام وکیل اول شده است، شهادت بدهد یا خیر؟

جواب: این کار جایز نیست، زیرا شهادت برای وکیل اقامه نشده بلکه برای مالک اقامه شده و خداوند فرموده است: «شهادت را برای خدا بر پا دارید».

سؤال: در مورد دورکعت آخر نماز، روایات بسیاری رسیده که قرائت سوره حمد به تنهایی بهتر و افضل است، ولی در برخی از روایات آمده که تسبیح افضل است. فضیلت و برتری با کدام است تا بدان عمل کنیم؟

جواب: قرائت «امّ الكتاب» سوره حمد، تسبیح را نسخ کرده است (حمد افضل است) و دلیل این نسخ، فرمایش امام علیه السلام است که هر نمازی که در آن قرائت نباشد ناقص است مگر برای بیماری یا کسی که دچار سهو و نسیان می شود و می ترسد که نمازش باطل شود.

سؤال: برای معالجه گلو و درد سینه، ما از «رُبّ گردو» استفاده می کنیم بدین صورت که گردوی تازه را قبل از اینکه کاملاً سفت شود گرفته، می کوبند تا نرم شود و آب آن را گرفته، پس از صاف کردن، می جوشانند تا نصف آن تبخیر شود و نصف باقیمانده را یک شبانه روز کنار می گذارند و سپس آن را مجدداً حرارت می دهند و برای هر شش رطل از آن یک رطل عسل اضافه می کنند و می جوشانند و کف آن را گرفته، می پزند. سپس نوشادر و شب یمانی را می کوبند و از هر یک

الماء وَيُلْقَى فِيهِ دِرْهَمٌ زَعْفَرَانٍ الْمَسْحُوقِ وَيُغْلَى وَيُؤْخَذُ رَعْوَةٌ حَتَّى
يَصِيرَ مِثْلَ الْعَسَلِ نَحْنِينًا ثُمَّ يُنَزَّلُ عَنِ النَّارِ وَيَبْرَدُ وَيُشْرَبُ مِنْهُ. فَهَلْ يَجُوزُ
شُرْبُهُ أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا كَانَ كَثِيرُهُ يُسْكِرُ أَوْ يُغَيِّرُ، فَقَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ
حَرَامٌ وَإِنْ كَانَ لَا يُسْكِرُ فَهُوَ حَالَالٌ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَغْرِضُ لَهُ الْحَاجَةَ مِمَّا لَا يَدْرِي أَنْ يَفْعَلَهَا أَمْ لَا
فَيَأْخُذُ خَاتَمِينَ فَيَكْتُبُ فِي أَحَدِهِمَا «نَعَمْ أَفْعَلُ» وَفِي الْآخَرِ «لَا تَفْعَلُ»
فَيَسْتَخِيرُ اللَّهَ مِرَارًا ثُمَّ يَرَى فِيهِمَا فَيَخْرُجُ أَحَدَهُمَا فَيَعْمَلُ بِمَا يَخْرُجُ، فَهَلْ
يَجُوزُ ذَلِكَ أَمْ لَا وَالْعَامِلُ بِهِ وَالتَّارِكُ لَهُ أَهْوَمُ امْتِلُ الْإِسْتِخَارَةَ أَمْ هُوَ سِوَى
ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): الَّذِي سُنَّهَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي هَذِهِ
الْإِسْتِخَارَةَ بِالرِّفَاعِ وَالصَّلَاةِ.

وَسَأَلَ عَنْ صَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (رَه) فِي آيِ أَوْقَاتٍ أَفْضَلُ أَنْ
تُصَلِّيَ فِيهِ وَهَلْ فِيهَا قُنُوتٌ وَإِنْ كَانَ فِي آيِ رَكْعَةٍ مِنْهَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَفْضَلُ أَوْقَاتُهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ ثُمَّ
فِي آيِ الْأَيَّامِ شُبُّنَّ وَآيِ وَقْتِ صَلَاتِهَا مِنْ لَيْلِ أَوْ نَهَارٍ فَهُوَ جَائِزٌ وَالْقُنُوتُ
فِيهَا مَرَّتَانٍ، فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرَّكْعَةِ وَفِي الرَّابِعَةِ بَعْدَ الرَّكْعَةِ.

وَسَأَلَ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَى إِخْرَاجَ شَيْءٍ مِنْ مَالِهِ وَأَنْ يَدْفَعَهُ إِلَى رَجُلٍ
مِنْ إِخْوَانِهِ ثُمَّ يَجِدُ فِي أَقْرَبَائِهِ مُخْتِاجًا، أَيُضْرَفُ ذَلِكَ عَمَّنْ نَوَاهُ لَهُ أَوْ
إِلَى قَرَابَتِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُضْرَفُ إِلَى أَذْنَاهُمَا وَأَقْرَبِيهِمَا مِنْ مَذْهَبِهِ. فَإِنْ

نیم مثقال در آن آب می ریزند و یک درهم زعفران سائیده نیز به آن اضافه می کنند و باز آن را جوشانده، کفش را می گیرند و می پزند تا مانند عسل غلیظ شود و پس از سرد شدن می نوشند. آیا خوردن این معجون جایز است یا خیر؟
جواب: اگر زیاد این معجون سُکرآور است یا حال انسان را تغییر می دهد، کم و زیاد آن حرام و اگر سُکرآور نیست حلال است.

سؤال: شخصی در مورد انجام عملی مردّد است و نمی داند چه کند. دو انگشتر را انتخاب کرده، روی یکی می نویسد «آری، انجام ده!» و روی دیگری می نویسد «انجام نده!» و پس از اینکه مکرّر طلب خیر از خداوند نمود به آن دو انگشتر نظر می افکند و به آن عمل می کند. آیا این کار، استخاره است یا خیر؟
جواب: آنچه رسیده و مورد پسند است، استخاره به رِقاع است و نماز (یعنی هر چه امام علیه السلام فرموده باید بدان عمل کرد و این فرمایش امام است.)

سؤال: در مورد وقت فضیلت نماز حضرت جعفر بن ابی طالب رحمة الله علیه پرسیدند و اینکه آیا این نماز قنوت هم دارد و چنانچه دارد، در کدام رکعت نماز باید خوانده شود؟

جواب: بهترین وقت برای خواندن نماز جعفر نزدیک ظهر جمعه است و در اوقات دیگر نیز می شود آن را خواند. دو بار قنوت دارد: یکی در رکعت دوم پیش از رکوع، و دیگری در رکعت چهارم پس از رکوع.

سؤال: شخصی نیت کرده بود که مقداری از اموالش را به یکی از برادران دینی خود بدهد؛ سپس به یکی از خویشاوندان خود برخورد می کند که از آن برادر دینی نیازمندتر است. آیا می تواند آنچه را که نیت کرده بود به اقوام خویش بدهد؟
جواب: آن را به نزدیکترین افراد از نظر مذهبش بدهد و اگر بخواهد

ذَهَبَ إِلَى قَوْلِ الْعَالِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ وَالصَّدَقَةَ وَذُورَجِيمٍ
مُخْتَلَجٍ، فَلْيُقَسِّمِ بَيْنَ الْقَرَابَةِ وَبَيْنَ الَّذِي نَوَى حَتَّى يَكُونَ قَدْ أَخَذَ
بِالْفَضْلِ كُلِّهِ.

وَسَأَلَ فَقَالَ اخْتَلَفَ أَصْحَابُنَا فِي مَهْرِ الْمَرْأَةِ. فَقَالَ بَعْضُهُمْ إِذَا دَخَلَ بِهَا
سَقَطَ الْمَهْرُ وَلَا شَيْءَ لَهَا وَقَالَ بَعْضُهُمْ هُوَ لِأَزْمٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.
فَكَيْفَ ذَلِكَ وَمَا الَّذِي يَجِبُ فِيهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ كَانَ عَلَيْهِ بِالْمَهْرِ كِتَابٌ فِيهِ ذَكَرَ دَيْنٌ فَهُوَ
لِأَزْمٍ لَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَإِنْ كَانَ عَلَيْهِ كِتَابٌ ذَكَرَ فِيهِ الصِّدَاقُ
سَقَطَ إِذَا دَخَلَ بِهَا وَإِنْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ كِتَابٌ فَإِذَا دَخَلَ بِهَا سَقَطَ بَاقِي
الصِّدَاقِ.

وَسَأَلَ فَقَالَ رُوِيَ لَنَا عَنْ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ
الصَّلَاةِ فِي الْخَرِّ الَّذِي نُعِشَ بِوَتْرِ الْأَرْبِ، فَوَقَعَ بِجُورٍ. وَرُوِيَ عَنْهُ أَيْضًا
أَنَّهُ لَا يَجُوزُ، فَأَيُّ الْخَبَرَيْنِ يُعْمَلُ بِهِ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّمَا حُرِّمَ فِي هَذِهِ الْأَوْبَارِ وَالْجُلُودِ، فَأَمَّا
الْأَوْبَارُ وَوَحْدَهَا فَكُلُّ حَالٍ وَقَدْ سُئِلَ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ عَنْ قَوْلِ الصَّادِقِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يُصَلِّي فِي النَّعْلِ وَلَا فِي الْأَرْبِ وَلَا فِي الثَّوْبِ الَّذِي
تَلِيهِ. فَقَالَ إِنَّمَا عَنِ الْجُلُودِ دُونَ غَيْرِهَا.

وَسَأَلَ فَقَالَ يُتَّخَذُ بِأَصْفِيهَا نِيَابٌ عَنَابِيَّةٌ عَلَى عَمَلِ الْوَشَاءِ مِنْ
فِرَآؤِ أَوَّارِيسَمٍ، هَلْ يَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهَا أَمْ لَا؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): لَا يَجُوزُ الصَّلَاةُ إِلَّا فِي ثَوْبٍ سَدَاءٍ أَوْ لِحْمَتِهِ قَطْنٍ
أَوْ كَتَانٍ.

ترجمه توفیق دیگر حضرت امام زمان به افتخار محمد بن عبد الله حمیری

بر اساس فرمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام که فرموده اند «خداوند صدقه را در صورتی که انسان خویشاوند محتاج داشته باشد، نمی پذیرد» عمل کند، در این صورت [بہتر است] آن مال را بین نزدیکان و آن کسی که نیت کرده بود، تقسیم کند تا همه فضیلت را به دست آورد.

سؤال: در میان اصحاب ما درباره مهریه زن اختلاف وجود دارد. برخی گفته اند اگر با زن نزدیکی (دخول) کند، مهر ساقط می شود و چیزی برای زن نیست. برخی دیگر گفته اند که مهر در دنیا و آخرت به عهده او می باشد. این مسأله چگونه است و چه چیز واجب است؟

جواب: اگر مهریه ای که بر او لازم شده در نامه ای نوشته شده و به عنوان دین و قرض مرقوم است، پرداخت آن در دنیا و آخرت بر او لازم است و اگر نوشته ای ندارد که صدق نوشته شده باشد، وقتی دخول کرد ساقط می شود.

سؤال: از حضرت عسکری علیه السلام برای ما حدیث کرده اند که از آن حضرت در مورد نماز خواندن در لباسی که با مو و کرک خرگوش مخلوط می باشد، سؤال شده است. آن حضرت فرموده اند جایز است. نیز در ارتباط با همین مسأله سؤال شده است، فرموده اند نماز در این لباس جایز نیست. به کدامیک از این دو روایت عمل شود؟

جواب: در خرگوش کرک و مو در پوستش حرام است. اما کرک و مو به تنهایی حلال است. و در مورد روایتی که از حضرت صادق علیه السلام منقول است که طی آن فرموده اند در لباسی که از خرگوش و روباه ساخته شده باشد، نماز خوانده نمی شود، البته مقصود آن حضرت، این است که در پوست آنها نمی شود نماز خواند.

سؤال: در اصفهان لباسهایی به نام «عتابیه» از قزیا ابریشم بافته می شود. آیا نماز خواندن در آنها جایز است یا جایز نیست؟

جواب: نماز جز در لباسی که تار و پودش از پنبه یا کتان باشد، جایز نیست.

وَسَأَلَ عَنِ الْمَسْحِ عَلَى الرَّجْلَيْنِ وَبِأَيِّهِمَا يُبْدَأُ بِالْيَمِينِ أَوْ يَمْسُحُ عَلَيْهِمَا
جَمِيعاً مَعاً؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يُمَسَّحُ عَلَيْهِمَا مَعاً، فَإِنْ بَدَأَ بِأَحَدِهِمَا قَبْلَ الْآخَرِ
فَلَا يَبْتَدَأُ إِلَّا بِالْيَمِينِ.

وَسَأَلَ عَنِ صَلَاةِ الْجَعْفَرِ فِي السَّفَرِ، هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَ أَمْ لَا؟
فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): يَجُوزُ ذَلِكَ.

وَسَأَلَ عَنِ تَسْبِيحِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، مَنْ سَهَى فَجَاوزَ التَّكْبِيرَ أَكْثَرَ
مِنْ أَرْبَعٍ وَثَلَاثِينَ هَلْ يَرْجِعُ إِلَى أَرْبَعٍ وَثَلَاثِينَ أَمْ يَسْتَأْنِفُ وَإِذَا سَمَّحَ
تَمَامَ سَبْعَةٍ وَسِتِّينَ، هَلْ يَرْجِعُ إِلَى سِتَّةٍ وَسِتِّينَ أَوْ يَسْتَأْنِفُ وَمَا الَّذِي
يَجِبُ فِي ذَلِكَ؟

فَأَجَابَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِذَا سَهَى فِي التَّكْبِيرِ حَتَّى يَجُوزَ أَرْبَعَةً وَثَلَاثِينَ
عَادَ إِلَى ثَلَاثَةٍ وَثَلَاثِينَ وَبَنَى عَلَيْهَا وَإِذَا سَهَى فِي التَّسْبِيحِ فَتَجَاوَزَ
سَبْعاً وَسِتِّينَ تَسْبِيحَةً، عَادَ إِلَى سِتَّةٍ وَسِتِّينَ وَبَنَى عَلَيْهَا فَإِذَا
جَاوَزَ التَّحْمِيدَ مِائَةً فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ.

سؤال: آیا هردو پا را باهم می توان مسح کرد یا باید یکی پس از دیگری
مسح شود، یعنی اول پای راست و سپس پای چپ؟
جواب: هر دو را باهم می توان مسح کرد، و اگر خواست اول یکی را مسح
کند باید از پای راست شروع کند و بعد پای چپ را مسح نماید.

سؤال: آیا خواندن نماز حضرت جعفر در مسافرت جایز است یا خیر؟
جواب: جایز است.

سؤال: در مورد تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها، اگر کسی اشتباهاً بیش از سی و چهار مرتبه «الله اکبر» بگوید، آیا باید به همان سی و چهار مرتبه بازگردد و یا اینکه باید از ابتدا شروع کند و نیز اگر شصت و هفت مرتبه تسبیح گفت، آیا باید به شصت و شش بازگردد یا باید از ابتدا شروع کند؟ در این مورد تکلیف وی چیست؟

جواب: هرگاه در گفتن «الله اکبر» اشتباه کرد و از سی و چهار گذشت، بنا را بر سی و سه بگذارد و اگر در گفتن «سبحان الله» اشتباه کرد و از شصت و هفت تجاوز نمود، بنا را بر شصت و شش بگذارد و در مورد «الحمد لله» اگر تجاوز نمود و بیش از صد تا گفت، اشکالی ندارد و بر او چیزی نیست.

متن فرمان مبارک حضرت ولی عصر

ارواحنا له الفداء

توسط استوانه تقوی جناب حاج شیخ محمد کوفی
به افتخار مرحوم آیه الله سید ابوالحسن اصفهانی

أَرْخِصْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدَّهْلِيْزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ النَّاسِ
نَحْنُ نَنْصُرُكَ ۱.

خودت را در اختیار مردم بگذار و محل نشستن خویش را در درِ ورودی
خانه قرار بده [تا مردم سریعتر بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوائج مردم را برآور.
ما ترا یاری می‌کنیم.





فرمایشات

حضرت یحییٰ علیہ السلام

ارواح‌القدس

در روزهای اول ظهور



اولین خطبه یا اعلامیه حضرت بقیه الله

روحي له الفداء

قَالَ الْإِمَامُ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ اسْتَدَ ظَهْرَهُ إِلَى
الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فَيُنَادِي أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْفِرُ اللَّهَ، فَمَنْ آجَابَنَا
مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٍ وَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ
وَبِمُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَمَنْ حَاجَنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى
النَّاسِ بِآدَمَ وَمَنْ حَاجَنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَمَنْ حَاجَنِي فِي

از امام باقر علیه السلام روایت شده که آن حضرت فرمودند: در روز اول ظهور، قائم ما در مکه در کنار بیت الله الحرام در حالتی که پشت به کعبه داده است مردم جهان را مخاطب قرار داده، چنین می فرماید:

ای مردم! ما آل محمد - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در درجه اول از خداوند بزرگ و در مرتبه دوم از بندگان خداوند که جواب ما را می دهند یاری می طلبیم. (البته طلب یاری از مردم به جهت امتحان و اتمام حجت بر آنها است.)

ای مردم! ما خاندان پیامبر شما هستیم و از هر کس به خداوند بزرگ و حبیبش رسول الله سزاوارتریم [و از نظر مقام، برتری داریم].

إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَمَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ، أَلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».

فَإِنَّا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَمُضْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَصَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ) أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ، أَلَا وَمَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَى بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ وَأَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ الْآ آعْتَمُونَا وَمَتَّعْتُمُونَا مَمَّنْ

ای مردم! هرکس در ارتباط با حضرت آدم با من مجادله کند بدانند من از او به آدم اولی‌ترم و آن که در رابطه با شخصیت نوح با من محاجه کند من براو نسبت به نوح مقدم هستم و هرکس بخواهد در ارتباط با ابراهیم با من مجادله کند من از او نسبت به ابراهیم برتری دارم و اگر کسی بخواهد با شخصیت محمد — که درود خداوند بر او و خاندانش باد — با من محاجه کند مسلماً من نسبت به حضرت محمد از او احق و اولی [و تنها فرزند و باقیمانده او و یگانه نگهبان دین و شخصیت او] هستم و هرکس که بخواهد در ارتباط با بقیه انبیاء و فرستادگان خداوند به محاجه با من برخیزد، من براو نسبت به انبیاء تقدم دارم [و جانشین و اجراکننده تمام طرحهای آنها من هستم]. آیا خداوند در قرآن مجیدش فرموده است: «به درستی که خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان اختیار فرموده و بعضی را بر برخی برتری داده است. والبتّه خداوند شنوا و دانا است.»؟

پس — ای مردم! — من تنها باقیمانده از آدم و یگانه ذخیره نوح پیامبر و خلاصه و برگزیده از ابراهیم و از محمد هستم که درود خداوند بر آن بزرگوار و خاندانش باد.

ای مردم! بدانید آن کس که بخواهد در قرآن با من مجادله نماید من از همه اولیتر به قرآن خداوند هستم [و تمام علوم و معارف قرآن و قوانین حیاتبخش آن در نزد من است].

ای مردم! آگاه باشید هرکس که درباره سنت رسول اکرم [یعنی تعلیمات آن حضرت و خاندان عزیزش] با من مجادله کند، من اولیتر از او هستم. پس شما را به خداوند سوگند می‌دهم هرکس که امروز سخنان مرا می‌شنود آن را به آنهایی که در اینجا حاضر نیستند برساند، و شما را به حق خداوند و رسول او و آن حقی که من بر شما دارم [یعنی حق ذوالقربای پیامبر بودن] سوگند می‌دهم که ما را در حقوقمان یاری نمائید و جلوی ظلم و ستمی را که درباره ما رواداشتند

يظلمنا فقد أخفنا وظلمنا وطرّدنا من ديارنا وأبنائنا ونعبي علينا ودفعنا عن
حقنا وأفترى أهل الباطل علينا قاله الله فينا لا تخدّلونا وأنصرونا
ينصركم الله تعالى^١.

بگیرید؛ چه آنکه حقوق ما را پنهان ساختند و درباره ما ظلم کردند و از وطنمان
آواره نمودند و نسبت به ما غدر روا داشتند و پیروان باطل بر ما افترا بستند. از خدا
بترسید، ما را مخدول نکنید، بلکه یاری کنید تا خداوند شما را نصرت عطا
فرماید.

خطبه دوم حضرت بقیه الله

روحي له الفداء

در روزهای اول ظهور

عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَةٌ أَخْرَمَعَ اِخْتِلَافٍ يَسِيرٌ ثُمَّ يَظْهَرُ
الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَأْيَةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ، وَقَمِيضُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتُ وَنُورٌ وَبَيَانٌ فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى
بِأَعْلَى صَوْتِهِ أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ أَيُّهَا النَّاسُ وَمَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَي رَبِّكُمْ وَقَدْ
أَكَّدَ الْمَحَجَّةَ وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْزَلَ الْكِتَابَ بِأَمْرِكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ

در خطبه دیگر با اختلاف کمی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که آن حضرت فرمودند: مهدی ما در وقت عشاء، در حالتی که پرچم رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم در دست آن سرور و پیراهن و شمشیر آن بزرگوار همراه اوست و نیز نشانه‌هایی که عبارت باشد از نور و درخشندگی جمال خاتم و قدرت بیان و سخن گفتن آن سرور، وی را همراهی می‌کند، پس از خواندن نماز عشاء، با صدای بلند فریاد می‌زند:

ای مردم عالم! خداوند بزرگ را به شما تذکر داده، خاطر نشان می‌کنم و نیز ایستادنتان را در مقابل خداوند و اینکه او حجت خود را به وسیله ارسال پیامبران و نزول کتابهای آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به

شَيْئاً وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَي طَاعَتِهِ وَطَاعَةِ رَسُولِهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَسَلَّمَ) وَأَنْ تُحْيُوا مَا أَحْيَا الْقُرْآنَ وَتُمِيتُوا مَا مَاتَ وَتَكُونُوا أَعْوَاناً عَلَي
الْهُدَى وَوُزَرَآءَ عَلَي التَّقْوَى فَإِنَّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فِنَاؤُهَا وَزَوَّالُهَا وَأَذْنَتْ
بِالْوَدَاعِ وَأَنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللهِ وَرَسُولِهِ (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَآمَانَةِ الْبَاطِلِ وَأَحْيَاءِ السُّنَّةِ.^۱

یگانگی یاد کنید و از شرک دوری ورزید و در طاعت و بندگی او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید و آنچه را که قرآن زنده نموده است، زنده نگاه دارید (قوانین حیاتبخش آن را) و آنچه قرآن مرگ آن را اعلام فرموده است شما نیز آن را نابود کنید و یار و مددکار هدایت و رستگاری باشید. تقوی و پرهیزگاری را نگهبان باشید. بدانید که دنیا رو به زوال و در حال وداع با همگان است و من شما را به چهار اصل حیاتی دعوت می‌کنم:

۱. ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش.
۲. اعتقاد به رسول اکرم — که درود خدا بر او باد — و فرمانبرداری از آن حضرت.

۳. عمل کردن به قرآن و احکام سعادت بخش آن.
۴. نابود ساختن باطل و مبارزه با آن.
۵. زنده کردن سنتهای از بین رفته اسلام و بازگرداندن آنها به جای اولیاء

خود.



خطبه سوم از حضرت مهدی

روحي له الفداء

یا

«اعلامیه جهانی»

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَسَيِّدُنَا الْقَائِمِ مُسَيِّدًا ظَهَرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ
يَطُولُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ:

أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَشَيْثَ، فَهَا أَنَاذَا آدَمَ وَشَيْثَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ
أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَوَلَدِهِ سَامَ، فَهَا أَنَاذَانُوحَ وَسَامَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ
إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ، فَهَا أَنَاذَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ
يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَشَمْعُونَ فَهَا أَنَاذَا عِيسَى وَشَمْعُونَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: آقای ما قائم
آل محمد پشت به خانه کعبه می زند و می فرماید:

ای مردم! هرکسی که بخواهد آدم و شیث را ببیند، بیاید مرا ببیند. آری،
من همان آدم و شیث هستم. آگاه باشید، هرکس که بخواهد نوح و فرزندش سام را
ببیند، من همان نوح و سام هستم. ای مردم! بدانید هرکس که بخواهد ابراهیم و
اسماعیل را ببیند، من همان ابراهیم و اسماعیل هستم. آگاه باشید، هرکس که
بخواهد عیسی و شمعون را ببیند، عیسی و شمعون منم. ای مردم! بدانید که اگر
بخواهید محمد و امیرالمؤمنین را ببینید، من همان محمد و امیرالمؤمنین هستم — که

إِلَى مُحَمَّدٍ وَآمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا) فَهِيَ أَنَاذًا مُحَمَّدٌ وَ
آمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَهِيَ أَنَاذًا
الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ. أَلَا وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْأَيْمَةِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ فَهِيَ
أَنَاذًا الْأَيْمَةُ أَجِيبُوا إِلَى مَسْأَلَتِي فَإِنِّي أَنْبِئُكُمْ بِمَا تُبْتَغُونَ بِهِ وَمَا لَمْ تُنَبِّئُوا بِهِ
وَمَنْ كَانَ يَقْرَأُ الْكُتُبَ وَالصُّحُفَ فَلْيَسْمَعْ مِنِّي.

ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِالصُّحُفِ الَّتِي أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى آدَمَ وَشَيْتَ وَيَقُولُ أُمَّةُ آدَمَ
وَشَيْتَ هِبَةَ اللَّهِ، هَذِهِ وَاللَّهِ هِيَ الصُّحُفُ حَقًّا وَلَقَدْ آرَانَا مَا لَمْ نَكُنْ
نَعْلَمُهُ فِيهَا وَمَا كَانَ خَفِيَ عَلَيْنَا وَمَا كَانَ أُسْقِطَ مِنْهَا وَبُدِّلَ وَحُرِّفَ.

ثُمَّ يَقْرَأُ صُحُفَ نُوحٍ وَصُحُفَ إِبْرَاهِيمَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالتَّزْبُورَ فَيَقُولُ
أَهْلُ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالتَّزْبُورِ هَذِهِ وَاللَّهِ صُحُفُ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ حَقًّا وَمَا
أُسْقِطَ مِنْهَا وَبُدِّلَ وَحُرِّفَ مِنْهَا. هَذِهِ وَاللَّهِ التَّوْرَةُ الْجَامِعَةُ وَالتَّزْبُورُ التَّامُّ
وَالْإِنْجِيلُ الْكَامِلُ وَأَنَّهَا أضعافٌ مَا قَرَأْنَا مِنْهَا.

ثُمَّ يَتْلُوا الْقُرْآنَ فَيَقُولُ الْمُسْلِمُونَ هَذِهِ وَاللَّهِ الْقُرْآنُ حَقًّا الَّذِي أَنْزَلَهُ اللَّهُ
عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا أُسْقِطَ مِنْهُ وَحُرِّفَ وَبُدِّلَ.

درود خداوند بر آنها باد۔ آگاه باشید، اگر بخواهید حسن و حسین را ببینید، من همان حسن و حسین ام. ای مردم! اگر بخواهید ائمه از فرزندان حسین را ببینید، من همان پیشوایان از فرزندان حسین هستم [یعنی همه عزیزان و فرستادگان خداوند در من خلاصه شده اند]. پس دعوت مرا اجابت کنید برای اینکه آنچه آنها به شما فرمودند و فرمودند من به شما خواهم گفت و شما را آگاه می‌کنم. هرکسی که کتابهای آسمانی را می‌خواند پس بشنود تا برای او بخوانم.

آنگاه شروع می‌کند به خواندن صحفی که بر آدم و شیث نازل شده است و پیروان آدم و شیث اقرار می‌کنند و می‌گویند به خدا قسم این همان صحفی است که بر آدم و شیث نازل شده و این آقا چیزهایی به ما نشان داد که قبلاً نمی‌دانستیم و بر ما مخفی بود و بعلاوه، کوچکترین حرفی از آنها نیفتاده و تحریف هم نشده است.

سپس شروع می‌کند به خواندن صحف نوح و ابراهیم و نیز تورات و انجیل. پس اهل تورات و انجیل و زبور می‌گویند به خدا قسم این است تورات جامع و زبور تمام و انجیل کامل. به درستی که بیش از آنچه ما از این کتابها خوانده بودیم برای ما قرائت فرمودند.

آنگاه شروع به خواندن قرآن مجید می‌فرماید. پس پیروان قرآن می‌گویند به خدا قسم این همان قرآنی است که خداوند بر پیامبرش نازل فرموده و حرفی از آن نیفتاده و همچنین تحریف و تبدیلی در آن صورت نگرفته است.



برخی از سخنان حضرت قائم

روحی له الفداء

هنگام ظهور

عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ «فَقَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ.»^۱

امام صادق از پدرش حضرت باقر علیهما السلام نقل می‌کند که فرمودند هرگاه قائم ما علیه السلام قیام نماید برای مردم این آیه شریفه را تلاوت می‌کند: «چون از شما ترسیدم لذا دوری اختیار کردم؛ اما خداوند بزرگ مرا از فرستادگان خویش قرارداداده و نیز مقام فرمانروائی و حکومت بر جهان هستی را به من عطا فرموده است.»

۱. بحار الانوار، ج ۵۲/ص ۲۸۱.

۲. شعراء/۲۱.





اولین دعای حضرت ولی عصر

روحی له الفداء

در روزهای اول ظهور

● در شب جمعه ای که قصد داشتم فردای آن شب ترجمه دعائی را که گذشت (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا... الخ) بنویسم، وجود مقدس حضرت بقیة الله روحی له الفداء را در خواب دیدم. فرمودند: این دعا را از کجا گرفته ای؟ عرض کردم: از کتابهای مرحوم علامه مجلسی گرفته ام. فرمودند: علامه مجلسی الآن نزد ما است.

گرچه اینجانب تمایلی به نقل این مطلب نداشتم ولی بدانجهت که بیان قدر و منزلت علامه مجلسی رضوان الله علیه لازم بود و ضمناً اعتبار این دعا را هم که از فرمایشات خودشان است، امضاء فرمودند، مبادرت به نگاشتن آن نمودم. واینک ترجمه دعای حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف.

وجود مقدس آقا امیرالمؤمنین سلام الله علیه می فرمایند: گویا می بینم فرزندم حضرت مهدی ارواحنا له الفداء در ساعات اول ظهورش سوار بر مرکب از ناحیه وادی السلام به طرف مسجد سهله، در حالی که نور از پیشانی مرکب سواری اش می درخشد، در حرکت است و این دعا را می خواند:



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَأَنِّي بِهِ قَدْ عَبَّرَ مِنْ وَاْدِي السَّلَامِ إِلَى
مَسِيلِ السَّهْلَةِ عَلَى فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شَمْرَاحٌ يَزْهَرُ، يَدْعُو وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا
وَرِقًّا اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٌ وَمُدِّكٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، أَنْتَ كُنْفَى
حِينَ تُعَيِّنِي الْمَدَاهِبُ وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحَّبْتَ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي
وَكَنتَ غَنِيًّا عَنِّي خَلَقْتَنِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ إِنِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ. يَا
مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا وَمُخْرِجَ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا يَا مَنْ خَصَّ
نَفْسَهُ بِشُمُوحِ الرَّفْعَةِ فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ
نِيرَ الْمَدَلَّةِ عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ
وَأَلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ وَتَكْفِيَنِي وَتُعَافِيَنِي
وَتَقْضِيَ حَوَائِجِي السَّاعَةَ، السَّاعَةَ، اللَّيْلَةَ، اللَّيْلَةَ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ.

خدائی جز او که حقاً آفریننده همه عالم هستی است، وجود ندارد. آری، او برحق است. از روی ایمان و صادقانه به خداوندی او اعتراف می‌کنم. در کمال عبودیت و بندگی او را می‌ستایم. خداوندا! تو عزت دهنده هر مؤمن بی یار و تنهائی و خوارکننده هر ستمگر و سرکش. بار خدایا! تنها پشت و پناه من هنگام هجوم اجانب و حمله ستمگران، تویی. آری، در وقتی که کره زمین با این وسعت بر من تنگ می‌شود، یار منحصر به فرد من تو هستی. خداوندا! تو مرا آفریدی در حالتی



که نیازی به آفرینش من نداشتی و اگر نصرت و یاریهای ذات مقدس تو نبود، مغلوب حوادث می شدم.^۱ ای کسی که رحمت بی نهایت خود را از مرکز آن به تمام عالم وجود منتشر می سازی و برکات خود را از مرکز آن خارج می کنی و در اختیار بندگانت قرار می دهی! ای خداوندی که عظمت را مخصوص به ذات پاک خود قرار داده ای، بنابراین عزت اولیای الهی از عزت تو سرچشمه می گیرد! ای آفریننده ای که پادشاهان در مقابل قدرت تو خود را خوار و ذلیل می بینند و از توانائی و قدرت زوال ناپذیرت هراسناکند! ترا بدان اسمی که همه مخلوقات و موجودات عالم هستی را به وسیله آن آفریدی، می خوانم^۲ و همه آنها در مقابل ذات پاک تو اعتراف و اقرار دارند. از پیشگاه مقدس تو استدعا می کنم که به روان تابناک جدم و خاندان عزیزش سلام و درود فرستی و:

۱. امر قیام مرا منجز فرمائی.

۲. در ظهورم تعجیل فرمائی.

۳. امور مرا خود کفایت کنی.

۴. در تمام ابعاد، عافیت نصیبم فرمائی.

۵. خواسته های مرا برآورده نمائی.

البته در همین ساعت، آری در همین ساعت؛ و در همین شب، آری

همین شب. می دانم که ذات پاک تو بر هر کاری توانا است.

۱. ممکن است اشاره به حوادث زندگی پر خروش آن حضرت از ساعت اول ولادت تا زمان غیبت صغری و کبری و عنایات غیبی که از جانب خداوند بزرگ به آن عزیز رسیده است، باشد.
۲. اشاره به اسم مقدس اعظم یا اسماء دیگر خداوند است که در سایه آنها جهان وجود آفریده شده است.

سخنرانی حضرت ولی عصر

علیه السلام

در شب اول ظهور

وَعَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ يَظْهَرُ
 الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ عِنْدَ الْعِشَاءِ وَمَعَهُ رَأْيُهُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ
 وَقَمِيصُهُ وَسَيْفُهُ وَعَلَامَاتُ وَنُورٌ وَبَيَانٌ فَإِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ نَادَى بِأَعْلَى
 صَوْتِهِ يَقُولُ: أَذْكَرُكُمْ اللَّهُ أَنَّهَا النَّاسُ وَمَقَامَكُمْ بَيْنَ يَدَيَّ رَبِّكُمْ فَقَدْ
 اتَّخَذَ الْحُجَّةَ وَبَعَثَ الْأَنْبِيَاءَ وَأَنْزَلَ الْكِتَابَ وَأَمَرَكُمْ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِهِ
 شَيْئًا وَأَنْ تُحَافِظُوا عَلَيَّ طَاعَتِهِ وَطَاعَةَ رَسُولِهِ وَأَنْ تُخَيُّوا مَا أَحَبَّي الْقُرْآنَ
 وَتَمِيَّتُوا مَا آمَنَ وَتَكُونُوا أَعْوَانًا عَلَيَّ الْهُدَى وَوَزَرًا عَلَيَّ التَّقْوَى فَإِنَّ
 الدُّنْيَا قَدْ دَنَتْ فَنَاوُهَا وَزَوَالُهَا وَأَذْنَتْ بِالْوَدَاعِ وَإِنِّي أَدْعُوكُمْ إِلَى اللَّهِ
 وَإِلَى رَسُولِهِ وَالْعَمَلِ بِكِتَابِهِ وَإِمَانَةِ الْبَاطِلِ وَأَحْيَاءِ سُنَّتِهِ.

جابر در ارتباط با اولین شب قیام و حکومت جهانی حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء از وجود مقدس حضرت جواد الائمه علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند: حضرت مهدی علیه السلام شبانگاه در وقت نماز عشاء و در مسجد الحرام ظهور می کند در حالتی که پرچم رسول اکرم را - که درود خدا بر او و خاندانش باد - به دست و پیراهن آن حضرت و شمشیر مخصوص آن بزرگوار

را به همراه دارد بعلاوه نشانه‌هایی از نور و بیان. پس چون نماز عشاء را بجا آوردند با صدای بسیار بلند می‌فرماید: ای مردم! من خدا را به یاد شما می‌آورم و ایستادن شما را در پیشگاه خداوند.^۱ مردم! خداوند با فرستادن انبیاء، حجت را بر شما تمام کرد [و راه سعادت و شقاوت را نشان داد] و قرآن را بر شما نازل کرد و امر فرمود که شریکی برای خداوند قائل نشوید و اینک در اطاعت از او و پیامبرش کوتاهی نورزید و هرآنچه را قرآن زنده کرده است شما آن را زنده کنید و آنچه را قرآن نابود و به اصطلاح مرگش را اعلام نموده است شما نیز آن را بمیرانید و بکوشید یاور هادیان به سوی خیر باشید و خود از مقام واقعی هدایت استفاده کنید و همیشه طرفدار تقوی و پرهیزگاری باشید، به درستی که دنیای شما نزدیک به فنا و نابودی است و با زبان مخصوص خودش با شما خدا حافظی می‌کند. و من شما را [به چند اصل حیاتی] دعوت می‌کنم:

۱. به سوی خداوند (بندگی خداوند).
۲. به سوی فرستاده او [حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله].
۳. بیائید به احکام و مقررات خداوند عمل کنید.
۴. باطل را بمیرانید (امحاء بدعتها، مکتبهای ضد قرآن و خلاصه فرهنگ غیر قرآن).
۵. سنتهای الهی و آنچه را که پیامبر فرموده است زنده کنید (اوامر و نواهی خداوند).



سخنان حضرت بقیة الله

روحي له الفداء

هنگام قیام

عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ يَقُولُ:
 أَيُّهَا النَّاسُ نَحْنُ الَّذِينَ وَعَدَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا
 هُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ
 الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ.»^۱

روایت بالا از جناب زید بن علی نقل شده است که فرمودند زمانی که قائم آل محمد [صلوات الله عليهم اجمعين] قیام کنند به مردم چنین می فرمایند:
 ای مردم! ما همان خاندانی هستیم که خداوند در قرآن کریمش به شما وعده فرموده است که وقتی حکومت به ایشان داده می شود «آنان در بر پا داشتن نماز و دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر جدیت خواهند نمود و البته عاقبت همه امور مخصوص به ذات پاک خداوند است.»

● یعنی در دولت خاندان عصمت و طهارت این دسته از احکام و سایر قوانین دیگر الهی اجرا خواهد شد، و الا این دودمان پاک همیشه حتی در زندانها و در حال اسارت نیز این احکام را به دقت اجرا می کردند.

۱. حج/۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲/ص ۳۷۳.





ادعیه محنت نفل شده از

حضرت یحییٰ علیہ السلام

ارواحاً لاله الفداء

دغیب صغری و کبری

۱

دعای افتتاح

منقول از حضرت بقیة الله

ارواحنا له الفداء

● دعای مبارک افتتاح که در شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود، متضمن یک دوره معارف عالیة اسلامی می باشد که در ضمن عناوین مختلفه به شرح زیر بیان شده است:

— حمد و ثنای الهی و اهمیت آن.

— شکایت از عدم تشکیل حکومت کریمه خداوند و نابسامانیهای ناشی از آن (عقب افتادن حکومت مزبور).

— یاد نعمتهای بهشتی و ذکر جهنم و عذابهایی آن.

— اهمیت بندگان صالح خداوند و انتظار پیوستن به آنان بویژه یاد فرستادگان الهی مخصوصاً وجود مقدس رسول اکرم صلی الله علیه وآله وائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین و بالاحص ذکر بنیانگذار حکومت خداوند بزرگ در سراسر گیتی حضرت مهدی، بقیة الله روحی له الفداء.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الشَّاءَ بِحَمْدِكَ وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَتِّكَ وَأَيُّقِنْتُ
أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعُقُوفِ وَالرَّحْمَةِ وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ
فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنِّقْمَةِ وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ
وَالْعِظْمَةِ.

اللَّهُمَّ أذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ وَمَسْئَلَتِكَ فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي وَأَجِبْ
يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي.

فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَّجْتَهَا وَهَمُومٍ قَدْ كَشَفْتَهَا وَعَثْرَةٍ قَدْ أَقَلْتَهَا
وَرَحْمَةٍ قَدْ نَشَرْتَهَا وَحَلَقَةٍ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتَهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وُلْدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي
الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِيلِ وَكَبِيرُهُ تَكْبِيرًا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ نِعَمِهِ كُلِّهَا.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ وَلَا مُنَارِعَ لَهُ فِي أَمْرِهِ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ وَلَا شَبِيهَ لَهُ فِي عِظَمَتِهِ. الْحَمْدُ

لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ الظَّاهِرُ بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ الْبَاسِطُ

بِالْجُودِ الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُودًا

وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلًا مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ وَغِنَاكَ عَنْهُ

قَدِيمٌ وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

بار خدایا! همانا که من سپاس ترا با ستایش تو آغاز می‌کنم و تو آنچه را درست و صواب است از سر بخشش انجام می‌دهی و به یقین می‌دانم که همانا تو در مقام بخشایش و رحمت، رحیم‌ترین رحم‌کنندگان و در مقام عبرت قراردادن بدکاران و مکافات دادن به عقوبت، سخت‌ترین عقاب‌کننده‌ای و در موضع کبریا و عظمت، بزرگترین قدرتمندی.

خداوندا! به ما اجازه فرموده‌ای که ترا بخوانیم و دعا کنیم و از سوی دیگر تضمین نموده‌ای که اجابت فرمائی. پس ای شنوا! ستایشم را بشنو، و ای مهربان! دعای مرا اجابت فرما، و ای آمرزگار! از لغزشهایم درگذر. پروردگارا! در گذشته از بسیاری از خطاها و لغزشهایم صرف نظر فرموده و رحمت واسعه خود را فراگیر نمودی و زنجیرهای بلا را گسستی. پس ترا ستوده و سپاس می‌گویم.

حمد و سپاس مرخدائی را که برای خود جفت و زوج و فرزندی قرار نداده و در حکمرانی بر جهان هستی شریکی ندارد و ذات پاکش نیازمند مساعدت و کمکی نیست و شایسته بزرگترین تکریم و تعظیمهاست. خداوند را با تمام صفات کمالیه‌ای که دارد حمد می‌کنم. آفریدگاری را که در ملک و ملکوت مخالفی ندارد و کسی را یارای منازعه و ستیز با او نیست، ستایش می‌کنم.

حمد خدائی را که او را در آفرینشش شریکی نباشد و در عظمتش مانندی. حمد خدائی را که در میان آفریدگان فرمان و ستایشش فاش باشد و بزرگواری اش به سبب کرمش، ظاهر و دستش به بخشش گشوده؛ خدائی که گنجینه‌هایش کاهش نپذیرد و بسیاری عطا، جز جود و کرمش را نیفزاید. همانا که او عزیز و بسیار بخشنده است.

پروردگارا! تعداد کمی از نیازمندیهای بسیار و زیادم را از درگاه مقدست تقاضا می‌کنم با اینکه احتیاج و نیازم به آن فوق العاده است و ذات پاک تو از ابتدا بی‌نیاز بوده است. اگر چه حوائجم برای من بسیار بزرگ هستند ولی برای تو انجام و برآوردن آنها بسیار ساده و آسان است.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي وَصَفْحَكَ عَنْ ظُلْمِي
وَسِتْرَكَ عَلَيَّ قَبِيحُ عَمَلِي وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ
خَطَايَ وَعَمْدِي، أَظْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ الَّذِي
رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَرَيْتَنِي مِنْ قُدْرَتِكَ وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ فَصِرْتُ
أَدْعُوكَ آمِنًا وَأَسْأَلُكَ مُسْتَأْنِسًا لِأَخَائِفًا وَلَا وَجَلًا مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا
فَصَدْتُ فِيهِ إِلَيْكَ فَإِنْ أَبْطَأَعَنِي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ وَلَعَلَّ الَّذِي
أَبْطَأَعَنِي هُوَ خَيْرٌ لِي لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرْمَوْلِي كَرِيمًا أَصْبَرَ
عَلَيَّ عَبْدٌ لَتِيْمٌ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ.

إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلَى عَمَّنْكَ وَتَتَحَبَّبُ إِلَيَّ فَأَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَتَتَوَدَّدُ إِلَيَّ فَلَا
أَقْبِلُ مِنْكَ كَأَنَّ لِي التَّطَلُّوْلَ عَلَيْكَ فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي
وَالْإِحْسَانِ إِلَيَّ وَالتَّفَضُّلِ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ فَارْحَمْ عَبْدَكَ الْجَاهِلَ
وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ مَالِكِ الْمُلْكِ، مُجْرِي الْقُلُوبِ، مُسَخِّرِ الرِّيَاحِ، فَالِقِ الإِصْبَاحِ
دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ وَالأَحْمَدُ لِلَّهِ عَلَيَّ عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ طَوْلِ أَنَاتِهِ فِي غَضَبِهِ وَهُوَ قَادِرٌ عَلَيَّ مَا يُرِيدُ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ، بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الإِصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى وَقَرَبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى
تَبَارَكَ وَتَعَالَى.

بار خدایا! عفو و بخشایش و گذشت تو از خطاها و لغزشهای من و ظلم و ستمهایی که مرتکب شده‌ام و نیز پرده پوشی تو در مورد جرائمی که عمداً انجام داده‌ام موجب شده است که طمع کرده، از تو چیزی که استحقاق و لیاقت آن را ندارم، تقاضا و استدعا کنم. قدرت و توانائی ترا در انجام خواسته‌هایم دیدم و اجابت ترا شناختم و با امنت و بدون ترس از تو درخواست کردم. اگر انجام خواسته‌ها و برآورده شدن نیازهایم به تأخیر می افتاد ترا مورد خطاب و عتاب قرار می دادم، در حالی که آن تأخیر به صلاح و سود من بوده است زیرا توبه عاقبت امور همه آگاه و عالمی.

بار خدایا! تو بسیار صبور و بردباری و من، مولائی چون تو که تا این اندازه در برابر نادانی بنده اش بردبار و صبور باشد، ندیده‌ام.

خداوندا! تو مرا می خوانی و من از تو روی می گردانم؛ توباً من دوستی می کنی و من بر تو خشم می گیرم؛ تو نسبت به من محبت و شفقت می ورزی و من در نتیجه جهل و نادانی خود از تو نمی پذیرم، گوئی مرا بر تو حق نعمت است. علی رغم این همه نادانی من، تو مرا از گرم و رحمت محروم نمی فرمائی. پس بنده نادان خود را ببخشای و از رحمت بهره مندش ساز؛ چه آنکه تو بسیار کریم و بخشنده ای.

سپاس و ستایش مختص خدائی است که مالک جهان وجود است؛ آن که تسخیرکننده باده‌ها و طوفانها و شکافنده شب و پدیدآورنده روز و فرمانروای روز جزا است.

ستایش و سپاس خدائی را که با وجود آگاهی و علم به [گناهان ما] صبر و بردباری پیشه می سازد و سپاس خداوندی را که با وجود قدرت [بر عقوبت و مجازات کردن گنهکاران] عفو می فرماید. سپاس خداوند را بر صبر طولانی وی، با اینکه بر همه چیز توانا است.

ستایش و سپاس مخصوص ذات پاکی است که همه مخلوقات را آفریده و سفره و خوان روزی را برای همه آنها گسترده است؛ خدائی که پدیدآورنده صبح است و صاحب جلال و بزرگواری و فضل و انعام؛ پروردگاری که از دیده‌ها و نظرها دور است و دیده نمی شود، اما از همه نزدیکتر و بر تمام رازهای پنهان، ناظر

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ وَلَا شَيْءٌ يُشَاكِلُهُ وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاوِدُهُ
فَقَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْيَاءَ وَتَوَاضَعَ لِعَظَمَتِهِ الْعُظَمَاءَ فَبَلَغَ بِهُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي حِينَ أُنَادِيهِ وَيَسْتُرْ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَعْصِيهِ.
وَيُعْظِمُ النِّعْمَةَ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيئَةٍ قَدْ أَعْطَانِي
وَعَظِيمَةٍ مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي وَبَهْجَةٍ مُؤَيِّقَةٍ قَدْ أَرَانِي فَأُنْسِي عَلَيْهِ حَامِدًا
وَأَذْكَرُهُ مُسَبِّحًا.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ وَلَا يُرَدُّ سَائِلُهُ وَلَا يُخَيَّبُ
أَمَلُهُ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ وَيَرْفَعُ
الْمُسْتَضْعَفِينَ وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ وَيُهْلِكُ مُلُوكًا وَيَسْتَخْلِفُ آخَرِينَ.
وَأَلْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْعَبَّارِينَ، مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ
الظَّالِمِينَ، صَرِيخِ الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ،
مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا وَتَرْجُفُ الْأَرْضُ وَ
عُمَارُهَا وَتَمُوجُ الْبِحَارُ وَمَنْ يَسْبِخُ فِي عَمْرَاتِهَا.

و آگاه است. او خداوندی بلندمرتبه و بزرگوار است.

سپاس خدائی را سزااست که هیچ کس را یارای منازعه و ستیز با او در ملک و حکومت نیست، نه شریکی دارد که مانند او باشد و نه کسی که او را یاری دهد؛ خداوندی که تمام قدرتمندان و گردنکشان در مقابل قدرت او مقهور و ناتوانند؛ پروردگاری که با قدرت بی نهایتش هرآنچه خواهد، انجام دهد.

سپاس مخصوص ذات مقدس خداوندی است که هرگاه او را بخوانم، جواب می دهد و در حالی که او را نافرمانی می کنم، تمام عیوب و نقایص مرا مستور و پوشیده می دارد؛ خداوندی که نعمتهای بزرگش را به من ارزانی می دارد، در حالی که من او را شکرگزار نیستم. چه بسیار مواهب و بخششهای بزرگی که به من عنایت فرموده و چه حوادث هراس انگیزی که از آن نگاهم داشته و شادیهای شگفت انگیزی که به من عنایت فرموده است. او را سپاس و ستایش می کنم و از هر عیب و نقصی منزّه و پاکش می دانم.

حمد و سپاس شایسته خداوندی است که پرده او را برقبایح اعمال بندگان، کس نتواند بدرد؛ پروردگاری که سائل را محروم نمی کند و آن که فضل او را امید داشته باشد، ناامید نگردد.

سپاس مرخدائی را که به کسانی که دچار وحشت و ترس و بیم هستند ایمنی می بخشد و بندگان صالح و شایسته را نجات می دهد؛ ناتوانان را بلندمرتبه و گردنکشان را خوار می سازد؛ پادشاهان را هلاک و دیگران را جایگزین آنان می کند.

سپاس من مختص آن پروردگاری است که درهم شکننده سرکشان و نابودکننده ستمگران است؛ خدائی که هرکس از او گریزد، باز در دست قدرت او اسیر است و ستمگران را به کیفر می رساند. او فریادرس دادخواهان است و مرجع حوائج نیازمندان، و اعتماد اهل ایمان تنها به اوست.

سپاس خداوندی را سزااست که آسمانها و ساکنان آن و زمین و اهلیش از ترس و بیم او بر خود می لرزند و دریاها و آنچه در آن شناور است در جوش و خروش و اضطرابند.

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.
أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ وَيَرْزُقُ وَلَا يَرْزُقُ وَيُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ وَ
يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَمِينِكَ وَصَفِيكَ وَحَبِيبِكَ وَ
خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَحَافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ
وَأَجْمَلَ وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنَمَى وَأَطْيَبَ وَأَظْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ وَأَنْبِيَائِكَ وَ
رُسُلِكَ وَصِفْوَتِكَ وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَأَخِي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَيَّتِكَ الْكُبْرَى
وَالنَّبَأَ الْعَظِيمَ وَصَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَةِ الظَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ
الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ وَإِمَامِي الْهُدَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ
سَيِّدَيِّ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَصَلِّ عَلَى أَيْمَةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى وَ
مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَالْخَلْفِ الْهَادِي
الْمَهْدِيِّ، حُجَجِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَمَنَاتِكَ فِي بِلَادِكَ صَلَوَةٌ كَثِيرَةٌ
دَائِمَةٌ.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَحَقِّهِ
بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَيْدِهِ بِرُوحِ الْقُدُسِ بَارَبِّ الْعَالَمِينَ.

حمد و ثنای من خداوندی را که مرا به این دین هدایت فرمود و اگر راهنمایی او نبود من هدایت نمی شدم.
حمد من مختص آن پروردگاری است که زندگان را می میراند و مردگان را زنده می سازد و ذات مقدس وی زنده جاوید و بر همه چیز تواناست.

خداوندا! درود فرست بر محمد [صلی الله علیه وآله وسلم] بنده و فرستاده ات، امانت دار و برگزیده ات، دوست و بهترین آفریده ات، نگه دارنده و رساننده پیامت؛ بهترین، نیکوترین، زیباترین، کاملترین، پاکترین، افزونترین، خوشبوترین، پاکیزه ترین و بیشترین درود و برکت و رحمت و تهنیت و سلامی را که بر یکی از بندگانت و پیامبران و فرستادگانت و خاصان درگاهت و سزاوار بزرگداشت تو از آفریدگانت، فرستاده ای.

خداوندا! بر علی امیرمؤمنان، پیشوای اهل ایمان و جانشین پیامبر خدای عالمیان، بنده خالص و ولی تو، برادر پیامبرت و حجت تو بر بندگانت، نشانه بزرگ قدرت تو و خبر عظیم، درود فرست. و بر صدیقه طاهره، فاطمه بانوی بانوان جهان و بر فرزندانش حسن و حسین، دونواده پیامبرت و دو امامی که سید و آقای اهل بهشت هستند، درود فرست. و بر امامان و پیشوایان مسلمانان که عبارتند از حضرات علی بن حسین، محمد بن علی، جعفر بن محمد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمد بن علی، علی بن محمد، حسن بن علی عسکری و جانشین او امام هادی و مهدی که حجت‌های تو بر بندگانت و امانت‌دارهای تو در شهرها و بلاد جهان هستند، درود فرست؛ درودی بسیار و همیشه و مداوم.

خدایا! بر ولی خود و صاحب الامر امام قائم منتظر درود فرست و او را به وسیله سپاه فرشتگان و خیل ملائک خود یاری فرما. ای خداوند جهانیان! او را به روح القدس مؤید بدار.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَىٰ كِتَابِكَ وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ اسْتِخْلَفُهُ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتِخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبْدِلْهُ
مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ آمِنًا يَعْْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا.

اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ وَأَنْصُرْ بِهِ وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا وَأَفْتَحْ لَهُ
فَتْحًا يَسِيرًا وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ
مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّبِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ وَتُذِلُّ بِهَا
التِّفَاقَ وَأَهْلَهُ وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَىٰ طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَىٰ سَبِيلِكَ وَ
تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا مِنَ الْحَقِّ فَحَمِلْنَاهُ وَمَا قَصُرْنَا عَنْهُ فَتَلِغْنَاهُ.

اللَّهُمَّ الْمُمُّ بِهٍ شَعْنَا وَأَشَعَبَ بِهِ صَدَعْنَا وَأَرْتُقُ بِهِ فَتَقْنَا وَكَثِرَ بِهِ قَلْتْنَا وَ
أَعِزُّ بِهِ ذِلْتْنَا وَأَغْنِي بِهِ عَائِلْنَا وَأَفْضِي بِهِ عَنْ مُغْرَمِنَا وَاجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَسُدِّ
بِهِ خَلْتْنَا وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَيَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتْنَا

بار خدایا! او را مأموریت ده تا مردم را به قرائت قرآن بخواند و به ترویج دین توفیق نماید. آنچنانکه به پیشینیان قبل از او حکمرانی عطا فرمودی او را نیز در زمین جانشین خود فرما و به او قدرت عنایت کن تا بر جهان مسلط شده، حکومت ترا پیاده کند. ترس و خوف او را پس از سالیان دراز به امنیت مبدل فرما تا ترا بپرستد و شریکی برای تو در روی زمین نماند.

بار خدایا! او (حجت بن الحسن) را عزت ده و ما را به ظهورش عزیز گردان. او را یاری کن و از یاری او ما را نیز بهره مند فرما و او را نصرتی با عزت و از هر جهت کامل عطا و عنایت کن. فتح و پیروزی عالم وجود را برایش میسر و از جانب خودت به او سلطنت مرحمت فرما.

خداوندا! به دست توانای حضرت مهدی [روحی له الفداء] دین خود و سنت پیامبرت را آشکار ساز تا دیگر به جهت ترس از هیچ کس، چیزی از حق مخفی نماند.

بار خدایا! تقاضا می‌کنیم که به دست توانای او (حضرت بقیة الله روحی له الفداء) دولت کریمه را تشکیل دهی؛ دولت کریمه‌ای که در آن اسلام و پیروان آن عزیز، و نفاق و طرفداران آن (منافقین) خوار و ذلیل شوند و در آن حکومت [کریمه آل محمد علیهم السلام] ما را از دعوت کنندگان به عبادت و از رهبران راه هدایت قرار ده و از کرامت دنیا و آخرت برخوردارمان فرما.

بار خدایا! آنچه از معارف حقّه که ما را بدان آشنا و تعلیم فرموده‌ای، توفیق عمل به آن را نیز عنایت فرما و آنچه را که در شناخت و آموختن آن قصور کرده و نیاموخته‌ایم به ما برسان.

پروردگارا! پریشانی ما را در سایه آن امام عزیز به وحدت تبدیل فرما؛ پراکندگی زندگی ما را به وسیله آن حضرت اصلاح کن؛ جدائی ما را وحدت بخش؛ جمعیت کم ما را در سایه آن بزرگوار زیاد کن؛ ذلت ما را در سایه قیام حضرتش به عزت تبدیل نما؛ نیاز ما را به بی‌نیازی مبدل ساز؛ دیون و بدهی ما را از برکات وجودش ادا بفرما؛ فقر و بینوائی ما را از برکات آن سرور برطرف نما؛ به وجود او ما را روسفید گردان؛ اسیران ما را که در بند جنایتکاران هستند به برکت او رهائی بخش؛ حوائج ما را برآورده فرما؛ از برکات انفاس قدسیه آن

وَ أَنْجِزِيهِ مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجِبِي بِهِ دَعْوَتَنَا وَ اعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا وَ بَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا
وَ الْآخِرَةِ آمَالَنا وَ اعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا . يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَ أَوْسَعَ الْمُعْطِينَ ،
إِشْفِ بِهٍ صُدُورَنَا وَ أَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا وَ اهْدِنَا بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ
الْحَقِّ يَا ذِيكَ ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ انصُرْنَا بِهِ عَلَى
عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّنَا ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ .

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ غَيْبَتَهُ وَ لَبِينَا
(إمامنا) وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ قِلَّةَ عَدَدِنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اعِنَا عَلَى ذَلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَ
بِضْرٍ تَكْشِفُهُ وَ نَصْرٍ تُعِزُّهُ وَ سُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَ رَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَ
عَافِيَةٍ مِنْكَ تُبَلِّسُنَاهَا ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .^۱

حضرت دعاهاى ما را مستجاب و درخواستهاى ما را عطا فرما؛ در تحت توجهات آن وجود عزيز ما را به آمال و آرزوهايمان در دو جهان برسان و به ما بيش از خواسته ها و تمایلات مورد علاقه مان عنایت کن. ای کسی که همگان دست نیاز به سوى او دراز مى کنند و ای کسی که خوان احسان و سفره عطایت از همه گسترده تر است! به برکت امام عصر [روحى له الفداء] دردهاى باطن و امراض درونى ما را با قیام جهانی آن حضرت شفا مرحمت فرما و حق را على رغم تمام اختلافات، به ما شناسانده، ما را به سوى آن رهبرى کن چه آنکه تو هرکس را که بخواهى به راه راست هدایت مى فرمائی. خداوندا! در سایه امام زمان، ما را بر دشمنان خود و ما پیروزی عنایت کن. بار خدایا! این دعا را به گرم خود مستجاب فرما.



بار خدایا! به درگاه با عظمت تو از نبودن پیامبران و غیبت امام عصر [عجل الله فرجه] و کمی جمعیت خودمان و کثرت دشمنان شکایت می‌بریم. همچنین از فتنه‌ها و مصائب و غلبه اهل زمان می‌نالیم. خداوندا! به روان پاک حبیب خود محمد و خاندان او درود فراوان فرست و در همه آموزما را یاری فرما. پادشاه مقتدر ولایت را مأمور به قیام فرموده، توفیق درک دوران حکومتش را با عافیت نصیب ما بگردان، ای مهربانترین مهربانان!

زیارت مبارکه آلِ یس

● یکی از زیاراتی که از ناحیه مقدس امام عصر روحی له الفداء به افتخار محمد حمیری در پاسخ مسائلی که از آن حضرت سؤال کرده بودند، رسیده است «زیارت آل یس» می باشد که علاقمندان به حضرت بقیة الله فی الارضین، طبق دستور حضرتش درشاید و گرفتاریها آن را می خوانند و به آن حضرت توسل می جویند و نتیجه آن قطعی است و آنچه نگارنده در ارتباط با این زیارت می توانم عرض کنم این است که این زیارت کلید سعادت دوجهان و گشاینده هر مشکل و رساننده هر مشتاقی به آرزوی دیرینه خود است.

سخن سر بسته گفتم با حریفان خدایا زین معما پرده بردار
اکنون با هم به سخنان حضرت ولی الله اعظم حجة بن الحسن العسکری،
روحی ل تراب مقدمه الفداء، گوش فرا می دهیم:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِي أَلْتُدْر
السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.
«سَلَامٌ عَلَيَّ آلِ يَس».
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّائِي آيَاتِهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ.
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ.

به نام خداوند بخشنانده مهربان

اینان در امر خداوند تعقل (فکر) نمی‌کنند و از اولیای او هم نمی‌پذیرند. حکمتی رساست.^۱ سلام بر ما و بر بندگان صالح خداوند باد. هرگاه خواستید به سوی خداوند تبارک و تعالی به وسیله ما توجه کنید و به سوی خود ما روی آورید، پس بگوئید چنانچه خداوند بزرگ فرموده است:

« سلام و درود بر خاندان جلیل عصمت و طهارت [سلام الله علیهم اجمعین]. »

سلام بر تو ای دعوت کننده به سوی خداوند و پرورش دهنده عالم وجود و تکامل بخش همه موجودات، ای حجة بن الحسن!

سلام بر تو ای باب رحمت الهی و ای کسی که تنها راه ارتباط با خداوند و بندگی او هستی و وصول به این هدف فقط در سایه لطف و راهنمایی تو عملی خواهد بود.

سلام بر تو ای حافظ و نگهبان دین خداوند متعال.

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمین.

● آری، خواننده گرامی! جانشین الهی کسی است که بتواند نماینده قدرت بی نهایت وی در تمام ابعاد باشد و با اجازه خداوند تبارک و تعالی بتواند همه نیازمندیهای جامعه را برآورده، جهان را در تمام شئون اداره کند.



۱. شاید اشاره به علت غیبت و مسأله ظهور باشد.



السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي آنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ .

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَالْعِلْمُ الْمَتَّصِبُ وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ
الْوَاسِعَةُ وَعَدَا غَيْرَ مَكْدُوبٍ.



سلام بر تو ای بزرگمردی که یاری کننده حق خداوند، یعنی نصرت بخش دین خدائی.

سلام بر تو ای حجت خداوند و ای راهنمای همه مردم به آنچه او از بندگانش [چون اطاعت اوامر و ترک نواهی] خواسته است.

سلام ما بر تو ای مهدی! ای تلاوت کننده قرآن خداوند و ای بیان کننده حقایق و معارف حیاتبخش آن.

● در زمان ظهور آن حضرت و در حکومت جهانی آن وجود مقدس سلام الله علیه تمام حقایق و قوانین اسلام و قرآن در اختیار بشریت قرار خواهد گرفت.

سلام ما بر تو ای ولی عصر و امام زمان در تمام لحظات شب و روز.

● شیعه در تمام ساعات و دقائق شب و روزش باید به یاد امام عزیزش باشد و به او سلام کند.

سلام و درود بر تو، ای آخرین حجت و فرستاده خداوند که دیگر پس از وجود عزیزت از طرف خداوند کسی به نام پیامبر و امام نخواهد آمد.

سلام بر تو ای فرمانروای جهان هستی که خداوند از همه بندگان در مورد حکومت و امامت تو پیمان موکد گرفته است.^۱

سلام بر تو ای مصلح جهانی که خداوند به تو وعده و تضمین فرموده است که سلطنت و حکومتت عالمگیر شده، جهان پس از گسترده شدن ظلم و جور و ستم بر سراسر گیتی، در سایه حکومت عدالت پرورت، مشحون و پُر از عدل گردد.

● آری، خواننده ارجمند! خداوند تبارک و تعالی بدون شک به وعده اش وفا خواهد کرد و تضمین اوقطعی است و صد درصد عملی خواهد شد.

سلام بر تو ای پرچم افراشته عدل الهی و حکمت موهوب حق و پناه خلق و رحمت بی نهایت خداوند تبارک و تعالی بر همه جهانیان — و این وعده ای است که قطعاً عملی خواهد شد و هرگز در آن خلافی نیست.

● آری، هنوز وقت اهتزاز و افراشته شدن آن پرچم به دست توانایش نرسیده است.

۱. شاید اشاره به عالم ذر و آن جهانی که خداوند برای فرستادگانش پیمان گرفته است، باشد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّيَ وَتَقُتُّ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُضْبِعُ وَتُمْسِي.

السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُونُ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ
عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ وَعَلِيَّ بْنَ

سلام بر تو ای برپادارنده حق آنگاه که بدین منظور قیام کنی [ویا در همه حالاتی که به پاخاسته ای].

سلام بر تو هنگامی که می نشینی.

سلام بر تو زمانی که به تلاوت و قرائت کتاب خدا و تفسیر و بیان حقایق

آن [چه در زمان غیبت و چه هنگام ظهور] مشغولی.

سلام بر تو در آن هنگام که در نماز و قنوت و نیایشی.

سلام بر تو گاه رکوع و در حالی که سجده می کنی.

سلام بر تو— ای امام عصر!— هنگامی که خداوند را به یگانگی یاد

می کنی و کلمه مقدس «لا اله الا الله» را بر زبان مبارکت جاری می فرمائی.

سلام بر تو— ای منجی بشریت!— زمانی که به حمد و ثنا و ستایش

الهی و استغفار مشغولی.

سلام بر تو آنگاه که صبح و شام می کنی.

سلام بر تو در تمام ساعات و لحظات شب و روز.

● به راستی که، همه وقت بر تو سلام و درود باد؛ درود فراوان و خالی از

هرگونه شک و ریا.

سلام و درود ما بر تو— ای امام آسمانی و عزیز ما!— که در پناه قدرت

بی نهایت خداوند محفوظ خواهی بود.

سلام بر تو ای کسی که مقدم بر تمام عالم و برتر از همه آرزوهائی.

سلام همه جانبه ما بر تو ای حجت منتظر!

ای مولای من! شاهد باش که من گواهی می دهم به خدای یکتا و اینکه

خداوندی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد. و شهادت می دهم که وجود

مقدس رسول اکرم [صلی الله علیه وآله] بنده و رسول و فرستاده اوست و اینکه تنها

او و خاندانش دوست و محبوب خداوند [تبارک و تعالی] هستند. و گواهی

می دهم که وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین، حجت و نماینده خداوند است بر

روی زمین و پس از آن حضرت، فرزندان حضرت امام حسن علیه السلام و نیز

حضرت امام حسین علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندان حضرت علی بن

الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَمُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهُ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى حُجَّتُهُ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَ
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَأَنْ رَجَعْتَكُمْ حَقٌّ لَارَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا
إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا. وَأَنَّ الْمَوْتَ
حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَ
أَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ،
وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقٌّ.

الحسین علیه السلام و پس از آن حضرت فرزندش حضرت محمد بن علی علیه السلام و پس از آن حضرت، فرزندش حضرت صادق علیه السلام و بعد از آن حضرت، فرزند عزیزش حضرت موسی بن جعفر علیه السلام و پس از آن بزرگوار، فرزند گرامی وی حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام و بعد از آن حضرت، فرزند عزیزش حضرت جواد علیه السلام و بعد از آن امام عزیز، فرزندش حضرت هادی علیه السلام و پس از آن سرور، فرزندش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و پس از آن سرور، وجود عزیزت، تنها حجت و سفیر خداوند متعال در روی زمین هستی.

● شما از نظر آفرینش بر همه مقدم هستید. خداوند بزرگ ارواح طیبه و بدنهای طاهره شما را قبل از هر موجودی آفریده است و آخرین کسی هم از بندگان خاص و فرستادگان خدا که از این جهان می رود، شماست.

و گواهی می دهیم که رجعت و بازگشت شما خاندان عصمت و طهارت [سلام الله علیهم اجمعین] متعاقب امر قرج و ظهور شما حق است و جای هیچ گونه تردید و شکی نیست؛ آن هم در روزی که اگر کسی قبلاً ایمان نیاورده باشد، دیگر در آن روز ایمان وی نفعی برایش نخواهد داشت.^۱ و گواهی می دهیم که روز قیامت و برانگیخته شدن مردگان و حضور در صحرای قیامت برای رسیدگی به اعمال همگان و آنچه که مردم در دنیا انجام داده اند، حق است. و گواهی می دهیم که صراط و عبور از آن و نیز میزان در قیامت برای سنجش اعمال مردم حق است. و شهادت می دهیم که بهشت و نعمتهای آن و جهنم و عذابهای آن، همگی حق است [و نیکوکاران به بهشت و بدکاران به دوزخ خواهند رفت].

● یکی از معتقدات بسیار مهم مذهبی ماموضوع مرگ و جهان پس از آن است. در عبارات فوق به پیشگاه مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا لتراب مقدمه الفداء عرض می کنیم: ای ولی خدا! گواهی می دهیم که مرگ حق است و آمدن دوامور الهی برای سؤال در قبر حق است و مسلماً چنین خواهد بود.

۱. رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و از برکات وجود عزیز حضرت مهدی علیه السلام و روحی له الفداء این ناچیز توفیق یافتیم که کتابی در این مورد تألیف نمایم، که چاپ شده است. برای آشنائی بیشتر در موضوع رجعت از هر جهت و در تمام ابعاد آن، علاقمندان می توانند به آن کتاب به نام «رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی» مراجعه فرمایند.

يَا مَوْلَايَ شَقِيَّ مَنْ خَالَفَكَ وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا
 أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ بَرِيٌّ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ
 وَالْبَاطِلُ مَا اسْخَطْتُمُوهُ وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ،
 فَتَفْسِي مُؤَمَّنَةٌ بِاللَّهِ وَخَدَّةٌ لِاشْرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ
 يَا مَوْلَايَ أَوْلَاكُمْ وَأَخِيرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ
 آمِينَ آمِينَ.

ای مولای من، ای صاحب الزمان! شقاوتمند و بدبخت کسی است که با
 شما مخالفت کند و سعادت‌مند آن فردی است که از شما فرمان برد. [ای مولای
 من!] آنچه شما را برآن شاهد و گواه گرفتم، در نزد خداوند برای من گواهی بده.
 آری، من دوست شما هستم و از دشمنان شما بیزار می‌جویم. [ای مولای من!] آنچه
 شما بدان راضی باشید، حق است و آنچه شما نپسندید، باطل، و معروف آن
 چیزی است که شما به آن امر کرده و منکر و ناپسند آن کاری است که شما آن را
 رد فرموده‌اید. پس من به خداوند یکتا و بی شریک و به جد شما رسول خدا
 [صلی الله علیه وآله] و به جد دیگرتان حضرت امیرالمؤمنین [علیه السلام] و به
 ائمه پس از آن حضرت تا وجود مقدس و عزیز شما ایمان و اعتقاد دارم. [ای
 مولای من و ای مهدی عزیز!] من خودم را برای اینکه در خدمت شما با دشمنانتان
 نبرد کنم، آماده می‌بینم و علاقه و محبت من مخصوص به شما خاندان رسالت
 است. خداوندا! این سعادت را به من ارزانی فرما.

دعای بعد از زیارت آل یس

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدِ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ ،
وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي نُورَ النَّبَاتِ وَعِزْمِي
نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ
عِنْدِكَ وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاتِ
لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ
فَتَغَشِّنِي رَحْمَتُكَ يَا وَليُّ يَا حَمِيدُ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ

خداوندا! از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر پیامبر رحمت و کلمه نور خود، محمد [صلی الله علیه وآله] درود فرستی. [خدایا!] خانه دل مرا از نور یقین و سینه ام را از نور ایمان انباشته فرما؛ فکر و اندیشه ام را به نور نیت‌های خیر و عزم و اراده ام را به نور علم روشن و منور گردان؛ قوت جسم و جانم را به نور عمل تقویت فرما؛ زبان مرا به نور راستی و دینم را به وسیله بصیرت و شناخت واقعی آن مساعدت کن؛ دیدگانم را با نور بصیرت، گوشم را به نور حکمت و قلبم را که خانه و مرکز محبت تو است، محل تمرکز و جایگاه نور دوستی و محبت محمد و آل محمد علیهم السلام قرار ده تا در حالی که به عهد و میثاق خویش وفا کرده باشم تو را ملاقات کنم و تو مرا غریق رحمت خود گردانی، ای مولائی که تمام صفات کمالیه در تو جمع است!

خداوندا! بر محمد بن الحسن العسکری که حجت و خلیفه و جانشین تو

وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَالْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالتَّائِبِ بِأَمْرِكَ ، وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَ
بَوَارِ الْكَافِرِينَ وَمُجَلِّي الظُّلْمَةَ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالتَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ
وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ سَفِينَةِ
النَّجَاةِ وَعَلِمِ الْهُدَى وَنُورِ ابْصَارِ الْوَرَى ، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَأَرْتَدَى ، وَ
مُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا
وَجَوْرًا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَايَكَ الَّذِينَ قَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبَتْ
حَقَّهُمْ وَأَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَظَهَّرَتْهُمْ تَظْهِيرًا .

اللَّهُمَّ انصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانصُرْ بِهِ أَوْلِيَايَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ وَانصَارَهُ
وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ .

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ
بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَأَحْرُسْهُ وَأَمْتَعْهُ مِنْ أَنْ
يُوصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ
أَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانصُرْ ناصِرِيهِ وَاخْذُلْ خاذِلِيهِ وَأَقْصِمْ قاصِمِيهِ وَأَقْصِمْ بِهِ

در زمین و همه بلاد است درود فرست؛ براو که مردم را به سوی تو و به شناخت تو دعوت می‌کند. او کسی است که به عدل و داد توفیام کننده و مجری آن در سراسر عالم وجود است؛ کسی که بندگان را به سوی تو برمی‌انگیزد و دوست و سرپرست اهل ایمان و نابود کننده کفار و دشمنان تو است. درود و رحمت فرست بر او که جهان هستی را روشنی بخش و برطرف کننده جهل و کفر است؛ بر آن آقای که آشکار کننده حق و بیان کننده حکمت و صداقت و کلمه تامه تو در زمین است (روح اعظم الهی در زمین)، که همان بنده خاصی که مراقب فرمان تو و خائف و ترسناک است در مقابل عظمت کبریائی تو و نصیحت کننده بندگان تو و کشتی نجات و نماینده راه تو در جهان است؛ بر آن مولا و آقای که بندگان را از کوری و تاریکی جهل و کفر نجات می‌دهد و همگان را با نور ایمان و ولایتش هدایت می‌فرماید؛ بر آن که بهترین کسی است که لباس انسانیت و هدایت و ارشاد به تن نموده است و کوردلان را بینا می‌کند؛ بر او که جهان را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم، پُر از عدل و داد می‌کند. ای خدائی که بر همه چیز توانائی! دعاهای مرا درباره ولی عزیزت مستجاب فرما.

بار الها! بر نماینده توانای خود و آن کسی که به حق قیام می‌کند و فرزند اولیای خویش که اطاعتشان را بر بندگان واجب و لازم و حق آنان را بر همه فرض و ضروری ساختی، درود و رحمت فرست.

خداوندا! مهدی عزیزت را یاری فرما و دین مقدس اسلام را با قیامش نصرت عنایت کن و در سایه وجود مقدس امام عصر، دوستان و پیروان و شیعیانش را یاری فرما. [بار خدایا!] ما را نیز از اولیای خود و شیعیان ولی گرامی و عزیزت قرار ده.

پروردگارا! حجت‌بن الحسن [علیه السلام] را از شر ستمگران و طاغیان زمان و از شر تمام مخلوقات که آفریده‌ای، در پناه خودت محفوظ بدار و وجود عزیزش را از تمام حوادث عالم و از طرف راست و چپ و جلو و پشت سر محافظت فرما. [خداوندا!] وجود مصلح حقیقی عالم را از تمام گزندها و بدیها و ناگواریها، در پناه عنایت خاص و قدرت بی نهایت خود محفوظ و پاینده بدار. [بار خدایا!] در سایه قیام آن حضرت و حکومت کریمه‌اش، شخصیت حبیب خود محمد و

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا
 مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَتَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَأَظْهِرْ
 بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ
 وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَارِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْتُمُّونَ وَفِي
 عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ. إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ.

خاندان عزیزش و تعلیمات عالیة آنان را نگاهداری کن. [خداوند!] با برپا
 ساختن حکومت حضرت مهدی در کره زمین، عدل و داد را در سراسر گیتی ظاهر
 فرما؛ او را به نصرت خود مؤید دار؛ یاورانش را یاری و مخالفانش را خوار و ذلیل
 کن؛ دشمنانش و نیز ستمگران و جباران را خرد و نابود و منافقان را به وسیله
 شمشیر انتقام حضرتش و همچنین تمام ملحدان و دشمنان دین تو در هر کجا از
 شرق و غرب عالم و یا در دریا و صحرا هستند، هلاک فرما. [خداوند!] زمین را
 از برکات سلطنت عدالت پرورش پُر از عدل و داد کن و دین و آئین حبیب محمد
 (اسلام و قوانین حیاتبخش آن) را — که درود خدا بر او و خاندانش باد — ظاهر و
 بر تمام جهان وجود حاکم فرما. [خدایا!] به لطف و کرمت مرا از یاران و انصار و
 از شیعیان و متابعت کنندگان آن حضرت قرار ده و آنچه را که رسول اکرم
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخاندان عزیزش آرزوی دیدن آن را دارند (حکومت جهانی
 حضرت مهدی) و آنچه را که دشمنانشان از آن می ترسند (حکومت جهانی حضرت
 مهدی) به من بنما تا با چشم خود آن را ببینم و دلم شفا یابد. ای پروردگار
 مهربان! دعایم را مستجاب کن و مرا به آرزوی دیرین خود برسان ای خدای حق،
 ای صاحب قدرت و جلال و بزرگواری و ای از همه مهربانتر!

دعای در زمان غیبت امام عصر

روحی له الفداء وعجل الله فرجه

● اگر چه به نقل از سید بن طاووس اعلی الله مقامه و دیگر بزرگان، این دعا از جناب عثمان بن سعید، نخستین نایب حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء منقول است و نیز اگر چه تصریح نفرموده اند که از زبان مبارک امام عصر روحی له الفداء می باشد، ولی به طور قطع می توان گفت که به امضای آن حضرت رسیده است، بلکه با توجه به عبارات و مضامین آن و نیز تأکیداتی که در مورد خواندن آن شده است، می توان گفت که این دعا از آن حضرت است.

آنچه در بیان شرح این دعا باید گفت این است که این دعای مبارک جامع نیازهای مادی و معنوی و موجب تحکیم عقاید مذهبی شیعیان بویژه درباره مسأله غیبت و به طول انجامیدن آن است.

اینک به خواست خداوند تبارک و تعالی و عنایات کریمانه حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف، همراه با خوانندگان گرامی به این فرمان و مضامین عالیة آن گوش فرا می دهیم:

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ .

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ .

اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ، ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي .

اللَّهُمَّ لَا تُبَيِّنْ لِي مَبْتَأَ جَاهِلِيَّتِي .

اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي بِوِلَايَةِ مَنْ فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ مِنْ وِلَايَةِ وُلَاةِ أَمْرِكَ
بَعْدَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى وَالَيْتُ وُلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ،
عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَ
عَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ التَّهْدِيَّ ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ .

اللَّهُمَّ فَتَبَيَّنْ لِي دِينَكَ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَتَبَيَّنْ لِي لَوْلِيَّ أَمْرِكَ
وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ . وَتَبَيَّنْ لِي طَاعَةَ وَلِيِّ أَمْرِكَ الَّذِي

خداوندا! خودت را به من بشناسان، چه آنکه اگر خودت را به من
نشناسانی پیامبرت را نیز نخواهم شناخت.

پروردگارا! پیامبرت را به من بشناسان، زیرا اگر پیامبرت را به من
نشناسانی حجت تو را نیز نخواهم شناخت.

بار خدایا! حجت و نماینده‌ات را در روی زمین به من بشناسان، چه آنکه
اگر او را نشناسم [قطعاً و بدون شک] گرفتار گمراهی و سرگردانی می‌شوم. (یعنی
لازمه حتمی آن این است که راه سعادت را گم کرده، دین و احکام آن را از
نااهل بگیرم و سرانجام در وادی هلاکت سرگردان شده، سقوط نمایم.)
بارالها! مرا به مردن جاهلیت (حالت کفر) نمیران.

● خواننده گرامی! در اهمیت این دعا همین بس که خداشناسی در گرو
شناخت امام عصر علیه السلام است.

امامت و ولایت و حکومت ائمه دوازده گانه سلام الله علیهم اجمعین بدون
تردید از طرف خداوند عالم به پیامبر بزرگش ابلاغ و برنامه کار آنان نیز از
طرف آفریننده جهان معین شده است.^۱

بار خدایا! به وسیله پیامبرت مرا به ذوات مقدسه ائمه معصومین سلام الله
علیهم هدایت فرمودی، که آنها را واجب اطاعه یافتم و دانستم که پس از حبیب
تو محمد صلی الله علیه وآله دوازده تن به نامهای امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب
علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، حسین بن علی علیه السلام، علی بن
الحسین علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام، جعفر بن محمد علیه السلام،
موسی بن جعفر علیه السلام، علی بن موسی علیه السلام، محمد بن علی علیه السلام،
علی بن محمد علیه السلام، حسن بن علی علیه السلام، و الحجّة القائم المهدی
صلوات الله علیهم اجمعین، اطاعت و پیروی نمایم.

خداوندا! در مقابل این لطف بزرگ، مرا در رعایت دستورات دین و عمل
به وظایف موفق گردان و خانه دل و قلبم را که در حقیقت فرمانده تن است در

۱. در این مورد در کتابهای «یاد مهدی» و «جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت» نوشته نگارنده کتاب
حاضر، به تفصیل صحبت شده است و طالبان می‌توانند به کتابهای مزبور مراجعه فرمایند.

سَرَّتْهُ عَنْ خَلْقِكَ وَيَا ذِيكَ غَابَ عَنْ بَرِيَّتِكَ وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُونَ أَنْتَ الْعَالِمُ
غَيْرُ الْمُعَلَّمِ بِالْوَقْتِ الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَلِيَّتِكَ فِي الْأَذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ
وَكَشْفِ سِرِّهِ، فَصَبِّرْنِي عَلَى ذَلِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ
لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ وَلَا كَشَفَ مَا سَتَرْتَ وَلَا الْبَحْثَ عَمَّا كَتَمْتَ وَلَا
أَنَازِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ . وَلَا أَقُولَ «لِمَ» وَ «كَيْفَ» وَمَابَالُ وَلِيِّ الْأَمْرِ
لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ وَأَفْوَضَ أُمُورِي كُلَّهَا إِلَيْكَ .

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرَبِّبَنِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا الْأَمْرَ مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ

برابر ولیّ عزیز خود [حضرت صاحب الزّمان] مطیع و فرمانبردار قرارده و در این آزمایش همگانی مرا پیروز و موفق فرما. [پروردگارا!] مرا در برابر او امر ولیّ عزیزت، حضرت بقیّة الله روحی له الفداء موفق و ثابت قدم بدار؛ در انجام فرمان مولائی که از نظرها پنهان و به فرمان ذات پاک تو از بندگانت مستور مانده و در همه حال منتظر فرمان تو است. [بار خدایا!] تومی دانی که چه موقع صلاح است ولیّ محبوبت از پس پرده غیبت برون آمده، کار جهان را اصلاح کند؛ پس به بنده ناتوانت نیروی صبر و بردباری عنایت فرما تا در برابر خواسته تو در مورد تعجیل و تأخیر در امر ظهور حضرت حجّة بن الحسن روحی له الفداء راضی باشم و آنچه را که تو پنهان داشته ای، فاش نسازم و در تدبیر و اداره جهان خلقت با تو که پروردگار توانا و دانا و حکیم و آگاه به تمام مصالح و مفاسد امور هستی، منازعه نکنم و مثلاً نگویم چرا امام عصر علیه السلام از نظرها پنهان است و یا چرا نمی آید و برای چه غیبت او این اندازه طول کشیده است و در حالی که دنیا پُر از ظلم و جور شده است چرا او ظهور و قیام نمی کند، بلکه همه امورم را به تو واگذار کنم و از پیشگاه مقدّس تو کمک بخواهم. (آری، معنای بندگی و پیمودن راه کمال همین است.)

● همان گونه که بسیار دعا کردن برای تعجیل در امر فرج یک وظیفه صد درصد مسلم می باشد، همان طور هم راضی و تسلیم بودن در مقابل اراده پروردگار وظیفه است و هیچ منافاتی بین این دو وظیفه نیست و انسان در عین زیاد دعا کردن باید تسلیم و راضی هم باشد.

در جملات قبلی دعا نهایت درجه تسلیم و خضوع و بندگی در مقابل اراده خداوند عرضه شد و اینک در مسأله غیبت ما چون و چرایی نخواهیم داشت و به تمام معنی بنده هستیم و چون اولاً دعا مورد امر و مأمور به است و ثانیاً متعلق این دعا مطلوب خداوند عالم است، لذا در این بخش به این زبان دعا را شروع می کنیم:



پروردگارا! از پیشگاه مقدّس تو استدعا دارم که جمال پرفروغ ولیّ عزیزت را به من بنمائی (البته در زمان ظهورش)، در حالی که امر او ظاهر و قدرتش ملک و ملکوت را در اختیار و جهان تحت سیطره و او امر او قرار گرفته

لَكَ السُّلْطَانُ وَالْقُدْرَةُ وَالْبُرْهَانُ وَالْحُجَّةُ وَالْمَشِيَّةُ وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ،
فَأَقْعَلْ ذَلِكَ بِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وِلِيِّ أَمْرِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ
ظَاهِرًا الْمَقَالَةَ، وَأَضِحِ الدَّلَالَاتِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ شَافِيًا مِنَ
الْجَهَالَةِ، أَتَبَرُّ بِرَبِّ مُشَاهِدَتَهُ وَتَبَّتْ قَوَاعِدُهُ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ
بِرُؤْيَيْهِ وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ وَأَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ
وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَمِنْ فَوْقِهِ وَمَنْ
تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ
وَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ.

اللَّهُمَّ وَمُدْفِي عُمْرِهِ وَزِدْفِي آجَلِهِ وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وُلِّيْتَهُ وَاسْتَرْعَيْتَهُ وَزِدْ فِي
كَرَامَتِكَ لَهُ فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي وَالْقَائِمُ الْمَهْدِي وَالظَّاهِرُ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ
النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ الشَّكُورُ الْمُجْتَهِدُ.

باشد. با اینکه می‌دانم حکومت و سلطنت واقعی عالم از آن تو است و همه قدرتها از قدرت بی‌نهایت تو سرچشمه می‌گیرد، در عین حال از پیشگاه مقدست تمتا دارم که چهره دل‌آرای ولی عزیزت را در حالی که منطق گویای او پرچم هدایت و مشعلهای فروزان علمی حضرتش جهان را از جهل و نادانی و گمراهی نجات داده است، به من بنمایانی. [خداوندا!] در دولت کریمه آن حضرت ما را از کسانی که با دیدن جمال نورانی وی چشمشان روشن می‌شود، قرارده و حکومتش را مایه آرامش و آسایش ما گردان، نه اینکه از افرادی باشیم که در دولت او ترسناک و هراسان باشیم. [پروردگارا!] پایه‌های حکومتش را ثابت بدار و توفیق خدمتگزاری به آن حضرت را در حکومت جهانی وی به ما عنایت فرما و ما را بر دین و آئین آن بزرگوار و آباء گرامی او بمیران و در روز قیامت با آن حضرت و پیروانش محشورمان فرما.

بار خدایا! تو آن عزیز غایب از نظر را از شر تمام مخلوقات و موجوداتی که آفریده‌ای در پناه خودت محافظت بفرما. وجود مبارکش را از هر جهت (راست و چپ، جلو و پشت سر) محفوظ داشته، هرگونه بلائی را از آن امام محبوب دور گردان. شخصیت رسول گرامی و خاندان و جانشینان عزیز و مکتب مترقی و اسلام حیاتبخش آنان را در سایه قیام شکوهمندش پابرجا و مستقر ساز.

پروردگارا! عمر با برکت وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء را طولانی فرما و دوران حکومتش را فزونی بخش. در حکومتی که به او واگذار فرموده‌ای، یاری و اعانتش نما و سلطنتش را عالمگیر کن و بر کرامتهایت نسبت به آن حضرت بیفزای؛ چه آنکه او تنها کسی است که باید بندگانت را هدایت کند و اوست مهدی موعود و کسی که باید با قیام خود، عدل و داد تو را در میان مخلوقات مستقر فرماید. و اوست گوهر تابناک تقوی و ولایت و مبرا از پلیدی و نقص که در مقام رضا و تسلیم در مقابل تو در نهایت درجه کمال است (راضی به رضای تو است) و پسندیده خدا و خلق و در مصائب صبور و بردبار و در مقابل نعمتهای تو بسیار شاکر و سپاسگزار. [خداوندا!] مهدی منتظر، تنها مجاهد راه رضای تو و پیاده کردن احکام و قوانین دین مقدس اسلام در همه ابعادش می‌باشد.

اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ بِطُولِ الْأَمَدِ فِي غَيْبَتِهِ وَأَنْقِطَاعِ خَبْرِهِ عَنَّا وَلَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَأَنْتِظَارَهُ وَالْإِيمَانَ بِهِ وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا يُفْتِنَنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ قِيَامِهِ وَيَكُونَ يَقِينُنَا فِي ذَلِكَ كَيْفِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ.

فَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ حَتَّى تَسْأَلَ بِنَاعِلِي يَدَيْهِ وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى وَقَوِّنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَتَبَتُّنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي حَيَاتِنَا وَلَا عِنْدَ وِفَاتِنَا حَتَّى تَتَوَقَّأْنَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ وَلَا نَاكِثِينَ وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكَدِّبِينَ.

اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَأَنْصُرْنَا صِرِيهِ وَأَخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَدَمِّدْ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ وَأَظْهِرْ بِهِ الْحَقَّ وَأَمِثْ بِهِ الْجَوْرَ وَأَسْتَقِذْ

بار خدایا! در نتیجه طول مدت غیبت حضرت مهدی روحی له الفداء و خبر نداشتن از آن حضرت، یقین ما به وجود عزیز او و انتظار ظهورش و یاد او و ایمان به امامت و زنده بودنش را از ما سلب نفرما و نیز توفیق دعا کردن جهت تعجیل در امر ظهور آن سرور و درود و صلوات فرستادن بر آن عزیز را از ما مگیر و پیوسته ما را در دعا کردن بسیار برای تعجیل در امر ظهورش بیش از پیش موفق بدار (اَكثُرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ)، تا اینکه طولانی بودن زمان غیبت، یقین ما را به امام غایب ضعیف نکند و بدان گونه که به قیام حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وآله و وحی به حضرتش با اینکه آن حضرت را ندیده ایم، اعتقاد و باور داریم، نسبت به حضرت امام زمان علیه السلام نیز همان گونه معتقد بوده و یقین داشته باشیم.

● خواننده گرامی! چون اعتقاد به وجود امام غایب علیه السلام و روحی له الفداء، موضوعی سنگین و تحمل آن طاقت فرساست، لذا برای رسیدن به این موقعیت عظیم از پیشگاه مقدس خداوند تقاضای کمک می‌نمائیم؛ چه آنکه اگر عنایت خداوند نباشد با وجود این همه تبلیغات زهر آگین، رسیدن به مقصد مشکل بلکه محال است. بنابراین عرض می‌کنیم:

[بار خدایا!] دل‌های ما را در ایمان به وجود عزیز حضرت بقیة الله روحی له الفداء تقویت فرما تا نور ایمان به آن حضرت بر دل‌های ما حکومت کند و به وسیله آن بزرگوار راه سعادت را دنبال نمائیم و در طریق مستقیم هدایت گام برداریم. ما را در اطاعت و فرمانبرداری از او و همچنین در پیروی از حضرتش یاری فرما و ما را از اعوان و انصارش قرار ده. به ما بینش و بصیرتی عنایت کن که به تمام برنامه‌های عملی آن سرور راضی باشیم و هیچگاه اجازه اعتراض به خود ندهیم. چنان ایمانی نسبت به امام عصر علیه السلام به ما مرحمت فرما که در تمام ابعاد زندگی و دوران حیات و هنگام مرگ با ما باشد و کوچکترین شک و تردیدی به خود راه نداده، تزلزل عقیده پیدا نکنیم و از جمله تکذیب کنندگان آن حضرت نباشیم.

پروردگارا! در امر فرج و ظهورش تعجیل و حکومتش را با نصرت خود یاری فرما. یاوران و خدمتگذاران حضرتش را یاری و مخالفانش را ذلیل و منکوب گردان. آنان را که در مقام تکذیب و دشمنی با او پیاخیزند، نابود ساز و دین

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذَّلِيلِ وَالنَّعْشِ فِي الْبِلَادِ وَقَتْلِهِ فِي جَبَابِرَةِ الْكُفْرِ
وَأَقْصَمِهِ فِي رُؤُوسِ الضَّلَالَةِ وَذَلِيلِهِ فِي الْجَبَّارِينَ وَالْكَافِرِينَ وَأَبْرِيهِ
الْمُنَافِقِينَ وَالْمُتَاكِثِينَ وَجَمِيعِ الْمُخَالِفِينَ وَالْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دَبَّاراً وَلَا
تُبْقَى لَهُمْ آثَاراً، طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ .
وَجَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ حُكْمِكَ وَغَيِّرْ مِنْ
سُنَّتِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَصّاً جَدِيداً صَاحِحاً لِأَعْوَجَ فِيهِ
وَلَا يَدْعُهُ مَعَهُ حَتَّى تُظْفَى بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي
اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَأَرْضَيْتَهُ لِنَصْرِ دِينِكَ وَأَصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ وَعَصَمْتَهُ مِنَ
الدُّنُوبِ وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ وَظَهَّرْتَهُ
مِنَ الرَّجْسِ وَنَقَيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ .

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَتْمَّةِ الظَّاهِرِينَ وَعَلَى شِيعَتِهِ الْمُسْتَجِبِينَ وَ
بَلِّغْهُمْ مِنْ أَمَالِهِمْ مَا يَأْمَلُونَ وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِمَّا خَالِصاً مِنْ كُلِّ شَكٍّ
وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ وَلَا تَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ .

سراسر حق و عزیز اسلام را به دست قدرتمندش در همه آفاق ظاهر گردان و جور و ستم را به دست با کفایتش نابود کن. بندگان ذلیل و خوار شده ات را در دولت کریمه و در سایه قدرت آن حضرت عزیز گردان و شهرها و قصبات را در حکومت عدالت پرورش [با زیاد شدن نعمتها و برکات مادی و معنوی در دولت آن حضرت] آباد کن. با شمشیر برنده اش، گردنکشان و ستمگران را نابود ساز و به وسیله قدرت او زمامداران جهان را درهم شکن و کفار را هلاک فرما. منافقان و پیمان شکنان و ملحدان و دشمنان و بی دینان را در هر کجا که هستند [در شرق و غرب، در دریاها و صحراها، در کوهها و بیابانها] به دست پر قدرتش از میان بردار و زمین را از وجود آنان پاک و پاکیزه گردان و سینه های پر از غم و غصه بندگان را با نابودی آنان شفا مرحمت فرما. احکام و قوانین اسلام را که در زمان غیبت از بین رفته و یا تحریف و دچار نابسامانی شده است، به دست نیرومندش به حالت اولیه بازگردان و در مسیر اصلی خود قرارده. آنچه را که از احکام قرآن و سنتهای خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله به صورتی دیگر مبدل شده است زنده کن تا دیگر انحراف و بدعتی در آن دیده نشود. آتش کفر و ستمی را که دشمنانت افروخته اند به وسیله نور عدالتش خاموش گردان، چه آنکه حضرت بقیة الله تنها کسی است که او را برای خود و احیای دین خود برگزیده ای و حضرتش را حامل علوم خود قرار داده و از گناهان و پلیدیها پاک نموده و بر اسرار عالم غیب آگاه فرموده و وجود عزیزش را از ناپاکی شرک و پلیدیهای جاهلیت مبرا ساخته ای.

خداوندا! بر حضرت مهدی روحی له الفداء و آباء گرامی وی که همه آنها از طرف تو برانگیخته شدند و ذوات مقدسه آنها مشعلهای فروزان و گوهرهای تابناکی بودند که برای هدایت بندگان فرستاده شدند، درود فرست. همچنین بر شیعیان آنها درود فرست و آرزوهای آنان را برآورده فرما. و این عرض ارادت ما را نسبت به ائمه معصومین و شیعیان ایشان، از هرگونه ریا و شک و خودنمایی به دوردار و آن را فقط برای رضا و تقرب به پیشگاه مقدس خودت قرارده.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُوا إِلَيْكَ فَقَدْ نَبَّيْنَا وَعَيْبَةَ إِمَامِنَا وَشَدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا وَوُقُوعَ
الْفِتْنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا. اللَّهُمَّ فَافْرَجْ
ذَلِكَ عَنَّا بِفَتْحِ مَنِّكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصْرِ مَنِّكَ تُعِزُّهُ وَإِمَامِ عَدْلٍ تُظَهِّرُهُ، إِلَهَ
الْحَقِّ آمِينَ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ أَنْ تَأْذَنَ لِيَوْلِيكَ فِي إِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ وَقَتْلِ
أَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى لَا تَدْعَ لِلْجَوْرِ دَعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا وَلَا بَهِيَّةً إِلَّا
أَفْتَيْتَهَا وَلَا فُؤَةً إِلَّا أَوْهَنْتَهَا وَلَا رُكْنًا إِلَّا هَدَمْتَهُ وَلَا حَدًّا إِلَّا فَالَلْتَهُ وَلَا
سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتَهُ وَلَا رَايَةً إِلَّا نَكَّسْتَهَا وَلَا شُجَاعًا إِلَّا قَتَلْتَهُ وَلَا جَنِيًّا إِلَّا
خَدَلْتَهُ. وَارْزُقْهُمْ يَا رَبِّ بِحَجْرِكَ الدَّامِغِ وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ وَ
بِأَسْكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ وَعَذِّبْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءَ
وَلِيِّكَ وَأَعْدَاءَ رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِي وَلِيِّكَ وَأَيْدِي عِبَادِكَ
الْمُؤْمِنِينَ.

پروردگارا! از فقدان پیامبرت [محمد صلی الله علیه وآله] و غیبت ولی عزیزت و سختیهای دوران و فتنه های ناشی از غیبت مهدی موعود و مجهز بودن دشمنان با جمعیت زیاد و کمی عده و ناتوانی خود، به تو شکایت می بریم و از درگاه با عظمت تو می خواهیم که ما را یاری فرموده، بردشمنان پیرو زمان نمائی و امام عادل و پیشوای ما را مأمور به قیام فرمائی.

پروردگارا! از پیشگاه مقدست درخواست می کنیم که فرمان قیام ولی محبوب خود را برای برقراری عدل و داد در سراسر گیتی صادر فرمائی و به دست توانای او دشمنانت را نابود کنی بدان گونه که در تمام جهان، نیروئی برای کفار و ستمگران نماند و پایگاه آنان درهم شکسته و صولت و شوکت آنها درهم کوبیده شود و تمام وسایل و تجهیزات نظامی آنها را بی اثر و عاطل و باطل قرار دهی.

[خداوندا!] دشمنان خود و دشمنان ولی عزیزت را به سنگهای قهر و عذاب و شمشیر تیز انتقامت و عقاب بنیانکن و به دست توانای امام عصر علیه السلام و بندگان مؤمن خود از بین برده، صفحه گیتی را از لوث وجود آنان پاک فرما.

● خواننده محترم! معلوم می شود که در ساعات قبل از ظهور حضرت بقیة الله عجل الله فرجه الشریف، به امر خداوند عالم کلیة سلاحها و تجهیزات نظامی دشمنان از بین رفته، تأثیر آنها زائل خواهد شد، همان گونه که خداوند بزرگ در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام تأثیر سوزندگی را از آتش گرفت و وادی پر از آتش را به گلستان تبدیل کرد. و نیز در مورد هلاکت فرعون و سپاهیانش. بنابراین، با توجه به اینکه حضرت بقیة الله ارواحناله الفداء به امر الهی برای نابودی کفر و شرک و ستم قیام می فرمایند، مانعی ندارد که خداوند بزرگ در شب اول ظهور، فرمانی صادر فرموده، طی آن از تمام سلاحهای دشمنان، اعم از سلاحهای اتمی و غیره، تأثیر مربوطه را بگیرد. و او بر همه چیز تواناست (إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ). آری، خداوند بزرگ تمام سلاحها و همه سپاهیان و جنگجویان دشمن را از بین خواهد برد.

اللَّهُمَّ اكْفِ وَلِيِّكَ وَحُجَّتَكَ فِي أَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَكَيْدَ مَنْ أَرَادَهُ
وَأَمْكُرْ بِمَنْ مَكَرَهُ بِهِ وَاجْعَلْ دَائِرَةَ الشُّوْرِ عَلَى مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءاً وَأَقْطَعْ
عَنْهُ مَادَّتَهُمْ وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ وَالْعَنُتَهُمْ فِي
بِلَادِكَ وَأَسْكِنُهُمْ أَسْفَلَ نَارِكَ وَأَحِظْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ وَأَصْلِهِمْ نَاراً
وَأُخْسِ قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَاراً وَأَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ .

اللَّهُمَّ وَآخِي بِوَلِيِّكَ الْقُرْآنَ وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَداً لِالْتِيْلِ فِيهِ وَآخِي بِهِ الْقُلُوبَ
الْمَيِّتَةَ وَأَشْفِ بِهِ صُدُورَ الْوَعْرَةِ وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى الْحَقِّ وَ
أَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْظَلَةَ وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ حَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ
وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ وَاجْعَلْنَا .

يَا رَبِّ مِنْ أَعْوَانِهِ وَمَقَوِّيَةِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ
وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ وَمَنْ لِحَاجَتِهِ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ .

وَأَنْتَ يَا رَبِّ الَّذِي تَكْشِفُ الضَّرَّ وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ وَتُنْجِي
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ فَاكْشِفِ الضَّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ وَاجْعَلْهُ خَلِيفَةً فِي أَرْضِكَ
كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ .

خداوندا! ولیّ عزیزت را از شرّ کید و مکر دشمنانش در پناه خودت محفوظ دار و آنان که درباره او مکر می‌کنند و نیت بد دارند، مکرشان را به خودشان برگردان و به انواع بدیها گرفتارشان نما و ریشه شرّ آنها را از وجود مقدّس امام زمان علیه السّلام قطع کن و دل‌های آنان را از رعب و ترس از حجت خود انباشته فرما. دشمنان آن حضرت را همه جا در کام قهر و انتقام و لعن و نفرین خود بگیر و در پست‌ترین جای جهنّم مسکن ده و در کام آتش عذابت فرو ببر. قبرهای مردگان آنها را پر از آتش غضبت فرموده، خودشان را نیز به آتش بسوزان؛ چه آنکه آنها مردمی هستند که نماز را ضایع ساختند و از شهوات نفسانی پیروی کردند و بندگانت را گمراه و شهرها را ویران نمودند.

پروردگارا! با قیام آخرین نماینده و جانشین خود، قرآن را بار دیگر زنده کن و ما را به زیارت نور جمال مهدی موعود که هرگز تاریکی نمی‌پذیرد و همیشه می‌درخشد، موفق گردان. دل‌های مرده بندگانت را با حکومت و در سایه تعلیمات آن سرور زندگی بخش و دل‌های اندوهگین را شفا مرحمت کن. به وسیله وجود عزیز حضرت بقیّة الله روحی له الفداء، اختلاف و تفرقه را به وحدت و یگانگی تبدیل نما و حدود و قوانین و احکام اسلام را که تعطیل شده و از بین رفته است در سلطنت جهانی حضرتش اجرا فرما تا اینکه حقّ به تمامی ظاهر شود و عدل و داد متروک در دوران فرمانروائی آن سرور در سطح جهانی پیاده گردد.

خداوندا! همه ما را از یاوران آن حضرت و تقویت کنندگان سلطنت او قرارده و توفیق اطاعت امر و تسلیم در برابر فرامین او را به ما عنایت کن تا بدون تقیه در برابر مخلوقات تو اوامرت را به ارشاد و هدایت آن بزرگوار اطاعت کنیم. بار خدایا! گرفتاران در بند حوادث و شداید ترا می‌خوانند و تو اجابت فرموده، آنان را از گرفتاری نجات می‌دهی.

پروردگارا! ولیّ عزیزت حضرت صاحب الزّمان را از سختیهای غیبت و هجوم دشمنان و تبلیغات زهرآگین آنان رهائی بخش و چنانکه وعده فرموده‌ای حکومت برجهان هستی را برای او تثبیت فرما.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنْ خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ
أَعْدَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنْقِ وَالْغَيْظِ عَلَى
آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَاعِذْنِي وَأَسْتَجِيرُ بِكَ
فَاجِرَتِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

ای پروردگار مهربان! مرا از جمله دشمنان و کینه توزان و مبارزان با
آل محمد علیهم السلام قرار مده و من در این مورد به تو پناه می برم؛ پس پناهم ده و
از این خطر بزرگ رهائی ام عنایت کن. [خداوندا!] بردودمان پاک آل محمد
درود فرست و از برکت وجودشان مرا در نزد خود سعادت مند ساز و در دنیا و آخرت
پناهم ده.

خداوندا! بار دیگر از پیشگاه مقدست استدعا می کنم که درود بی پایانت
را بر محمد و آل محمد فرستاده، دعایم را مستجاب فرمائی و مرا در دو جهان از
برکت وجود این عزیزان (محمد و آل محمد علیهم السلام) بهره مند فرمائی. آمین یا
رَبَّ الْعَالَمِينَ.





یکی دیگر از دعاهای
حضرت بقیة الله
روحی له الفداء

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصِدْقَ النِّيَّةِ وَعِرْفَانَ
الْحُرْمَةِ وَكَرَمَنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ وَسِدِّدْ أَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةَ
وَأَمْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ وَظَهِّرْ بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ وَكَفِّفْ
أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرْقَةِ وَأَغْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ
وَأَسُدِّدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالرُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ
وَعَلَى الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتْبَاعِ وَالْمَوْعِظَةِ

خداوندا! توفیق بندگی و ترک گناهان و دوری از آن را به ما عطا فرما و
نیّت خالص و شناخت آنچه که در نزد تو محترم است به ما روزی کن. در سایه
استقامت [در بندگی] و بهره برداری از هدایت، ما را اکرام فرما و به وسیله سخن
گفتن به صواب و حکمت، زبان ما را [از بدیها و کلمات ناروا] بازدار. قلبهای ما
را از نور علم و معرفت [الهی بر اساس حقیقت] آکنده کن و شکمهای ما را از
خوردن مال حرام و شبهه ناک به دور دار. دستهای ما را از ظلم به بندگانت و بردن
ثروت و اموال آنان و چشمهای ما را از خیانت [به ناموس مردم] و گوشهای
ما را از شنیدن غیبت و گناهان دیگر حفظ فرما. به دانشمندان ما زهد و نصیحت و
به دانشجویانمان کوشش و رغبت و به شنوندگانمان پیروی و شنوایی حق عنایت

وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ
وَالرَّحْمَةِ وَعَلَى مَشَائِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ
وَالتَّوْبَةِ وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ
وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ وَعَلَى الْغُرَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلَبَةِ وَعَلَى
الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ وَعَلَى الْأُمَرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى
الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السِّيَرَةِ وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَارِ فِي الزَّادِ
وَالنَّفَقَةِ وَأَقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

فرما. بیماران مسلمین را شفا بخش و آنان را از نعمت آسایش بهره‌مند ساز و بر
مردگان از مسلمین رأفت و رحمت خودت را ارزانی دار و بر پیران و سالخوردگان
وقار و متانت و به جوانان توفیق توبه و پشیمانی مرحمت فرما. [بار خدایا!] زنان
مارابه زیور حیا و عفت مزین نموده، به صاحبان ثروت، تواضع و دست‌گشاده
مرحمت کن و تهیدستان ما را با صبر و قناعت یاری فرما. جنگجویان ما را نصرت
و پیروزی بر دشمن عنایت کن و اسیران دربند ما را خلاصی بخش و آنها را به
آسایش در زندگی نائل فرما. زمامداران را به وسیله نیروی عدل و مهربانی مشمول
لطف خودت کن. رعیت ما را با روش و رفتار خوب و انصاف در کارها مورد
مرحمت خود قرارده. برزاد و توشه حجج خانه‌ات و زائران دیگر بیفزا و حج
و عمره‌ای را که بر آنان واجب فرموده‌ای قبول فرما، به فضل و رحمت خود ای
مهربانترین مهربانان!



● خواننده گرامی! به طوری که ملاحظه می فرمائید تمام سجایای اخلاقی و صفات حمیده و نیز همه زشتیها و پلیدیها در این دعای شریف، آن هم از زبان آخرین سفیر و نماینده عزیز خداوند یعنی حضرت بقیة الله فی الارضین روحی له الفداء، بیان شده است و ایشان به زبان دعا و استدعا از پیشگاه مقدس خداوند تقاضا کرده اند که همه ما را به این صفات خوب آراسته سازد و از صفات بد و ناپسندیها به دور دارد. به امید آنکه در ظهور آن سرور زنده باشیم و پیاده شدن این دعا با تمام محتویات آن را ببینیم. اللهم عجل فرجه الشریف.

دعای دیگر از
حضرت حجت
علیه السلام

إِلٰهِ يُحَقِّقْ مَنْ نَاجَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
تَفَضَّلْ عَلٰى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ وَعَلٰى مَرَضَى
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ وَعَلٰى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَامَةِ «وَالْكَرَمِ» وَعَلٰى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ وَعَلٰى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.^١

خداوندا! به حق آنان که با تو مناجات کردند و به حق آن بندگان که در بیابانها و دریاها ترا خواندند برحسب خود محمد و خاندان عزیزش درود فرست و بر مرد و زن اهل ایمان تفضل فرما و فقر و تهیدستی را از آنها بردار و ثروت و بی نیازی بدانان عنایت کن و بیماران اهل ایمان را [از مرد و زن] شفا مرحمت نما؛ زندگان آنان را از لطف و کرمیت بهره مند ساز و بر درگذشتگان آنان مغفرت و رحمت را نازل فرما. [خداوندا!] دور ماندگان از وطن را (مردان و زنان با ایمان را) به سلامت و با نعمتهای به دست آورده به وطنهای خویش بازگردان، به احترام حضرت محمد و اهل بیت گرامی اش.

● امید است هرچه زودتر این جمله از دعا درباره خود آن حضرت و عزیزان و یارانش مستجاب شود و به وطن خودشان برگردند و سرزمین حجاز و عراق به نور مقدم آن عزیز و همراهان محبوبش منور گردد.



دعای فرج از حضرت صاحب الامر

روحی له الفداء

إِلَهِي عَظَمَ الْبَلَاءُ وَبَرَحَ الْخَفَاءُ وَأَنْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَأَنْقَطَعَ الرَّجَاءُ وَ
ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي
وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ أَوْلَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ وَعَرَفْتَنَا
بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَةَ الْبَصِيرِ
أَوْهُوَ أَقْرَبُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ وَ

خداوند! بلاها و مصائب ما عظیم و بیچارگیهای ما عیان و پرده از روی
کارها برداشته شده است. امید ما قطع شده و زمین با همه وسعت بر ما تنگ آمده و
آسمان [نبوت و امامت] برکات خود را از ما دریغ داشته است. و تنها کسی که
باید به او شکایت کرد و پناه برد، ذات پاک تست که در سختیها و راحتیها و
خوبیها تنها و تنها توتکیه گاه ما هستی.

بار خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، بر کسانی که اطاعت آنان را
بر ما واجب فرموده، بدین وسیله مقام و مرتبه آنها را بر ما روشن ساختی. پس به حق
آنان به ما گشایش مرحمت فرما؛ البته زود، بسیار زود، به قدریک چشم به هم
زدن بلکه از به هم زدن چشم هم کمتر. ای محمد، ای علی! ای علی، ای محمد!
مرا کفایت کنید. آری، شما کفایت کننده اید [به خاطر مقام والائی که در

انصُرانِی فَإِنَّکُمَا ناصِرانِ یا مَوْلانا یا صاحِبَ الزَّمانِ الْغوثَ، الْغوثَ، الْغوثَ،
الْغوثَ - اذْرِکْنِی، اذْرِکْنِی، اذْرِکْنِی السَّاعَةَ السَّاعَةَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ
الْعَجَلَ الْعَجَلَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ.^۱

پیشگاه خداوند دارید] و مرا یاری نمائید زیرا شما یاران من [و تنها وسیله من] هستید. ای مولای من، ای صاحب الزمان! به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ در همین ساعت، در همین ساعت؛ زود، زود، زود؛ ای مهربانترین مهربانان! به حق محمد و خاندان پاک و پاکیزه او [دعایم را اجابت نما خیلی فوری، زود، آری زود].

۱. مفاتیح الجنان، ص ۱۱۵. «کفعمی» در بلبه الامین فرموده که دعای فرج از زبان مقدس حضرت صاحب الامر علیه السلام است که برای نجات زندانی از زندان فرموده اند.



زیارت حضرت امیرالمؤمنین

علیه السلام

در روز یکشنبه

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيئَةِ الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ
 الْمُؤَنِقَةِ بِالْإِمَامَةِ وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ.
 السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُخَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ . يَا
 مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ وَهُوَ يَوْمُكَ وَبِاسْمِكَ وَأَنَا صَيْفُكَ

درود بر درخت پاکیزه نبوت پیامبر و برکهن درخت دودمان هاشم باد؛
 درختی نورانی و پربار از وحی و نبوت که با [گلها و ریاحین] امامت آراسته
 است، [و سلام] بر دو همجوار تو حضرت آدم و نوح علیهما السلام.

سلام بر تو و خاندان پاک و پاکیزه تو.



سلام بر ملائک و فرشتگانی که در اطراف قبر مقدس تو در پرواز و
 طوافند. ای مولای من و ای امیر و پیشوای اهل ایمان! امروز روز یکشنبه و روز تو
 است که به نام تو نامگذاری شده و من در این روز میهمان تو و پناهنده به تو هستم.

فِيهِ وَجَارُكَ فَاصْفِنِي يَا مَوْلَايَ وَاجِرْنِي فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الصِّيَافَةَ
وَمَا مُورٌ بِالْإِجَارَةِ فَأَفْعَلُ مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ وَآلِ
بَيْتِكَ عِنْدَ اللَّهِ وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَعَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ.^۱

از من پذیرائی کن و مرا پناه ده؛ چه آنکه تو کریم هستی و میهمانداری را دوست
می‌داری و نیز مأموری که بی پناهان را پناه دهی. پس درباره من چنین فرما و
آنچه را می‌خواهم به من عطا کن. استدعایم را به پاس مقام و منزلت خود و
عزیزانت در پیشگاه خداوند و منزلت پروردگار و پسرعم گرامی ات رسول اکرم
صلی الله علیه وآله، اجابت فرما.

۱. مفاتیح الجنان، ص ۹۹. این زیارت به روایت کسی است که در بیداری، حضرت صاحب الزمان
روحی له الفداء را دید که در روز یکشنبه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را چنین زیارت کردند.

قُنُوتِ مَوْلَانَا حِجَّةِ بْنِ حَسَنِ عَسْكَرِي

عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَازِ وَعْدِكَ
وَبَلِّغُهُمْ دَرَكَ مَا يُأْمَلُونَ مِنْ نَصْرِكَ وَاكْفُفْ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ نَصَبَ
الْخِلَافَ عَلَيْكَ وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ مُخَالَفَتِكَ وَأَسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ
عَلَى قَلْبِ حَيْدِكَ وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ بِإِيدِكَ وَوَسَعَتُهُ حِلْمًا لِنَاخِذِهِ عَلَى
جَهْرَةٍ وَتَسْتَأْصِلُهُ عَلَى عِزَّةٍ، فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ «حَتَّى إِذَا
أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأَزْيَنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَيْهَا
أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ

خداوندا! بر محمد و آل او درود فرست و با عمل نمودن به وعدهات
(ظهور دولت کریمه خاندان وحی) اولیای خود را اکرام فرما و همه انبیاء و
اوصیاء و بندگان صالح خود را به این آرزویشان [که نصرت و یاری خداوند
متعال را درباره ولی عزیزش ببینند] برسان. [خداوندا!] شر و بدیهای دشمنانت
را که در مقابل دین تو ایستاده اند، به برکت قیام آخرین حجّت خود به آنها
برگردان و همان گونه که وعده فرموده ای آنها را با نیروی لایزال خود نابود کن.
بارالها! خودت در قرآن کریمت فرموده ای: «تا آنگاه که زمین را از خرمی و
سبزی به خود زیور بسته، آرایش کند و مردمش خود را بر آن قادر و متصرف
پندارند، که ناگهان فرمان ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیور زمین را درو
کند و چنان خشک شود که گوئی دیروز در آن هیچ نبوده است. خدا این گونه

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»^۱ وَقُلْتَ فَلَمَّا اسْفُونَا أَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّ الْغَايَةَ
عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ وَإِنَّا لِعَظِيمِكُمْ غَاضِبُونَ وَإِنَّا عَلَيَّ نَصِيرَ الْحَقِّ مُتَعَاصِبُونَ وَ
إِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ وَإِلَاجَازِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ
بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.
اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ بِذَلِكَ وَأَفْتَحْ طُرُقَاتِهِ وَسَهِّلْ خُرُوجَهُ وَوِطَأْ مَسَائِلِكَهُ وَأَشْرَعِ
شَرَائِعَهُ وَآتِدْ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ وَبَادِرْ تَأْسِكَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ وَأَبْسُطْ سَيْفَ
نِقْمَتِكَ عَلَيَّ أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ.^۱ وَخُذْ بِالنَّارِ إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ.

آیاتش را برای اهل تفکر روشن بیان می‌کند.» [خداوندا!]، بدانچه که تواز آن
خشمناکی، خشمگین هستیم و برای یاری حق، آماده و خروشان و مشتاق ظهور
امر و فرمان توئیم.^۱ ما در انتظار انجام وعده‌ات، دقیقه‌شماری می‌کنیم [که قطعاً
چیزی جز فرمان قیام جهانی حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست]
و همچنان در انتظار رسیدن عذابهای کشنده به دشمنانت هستیم که خود فرموده‌ای
اینان باید هلاک گردند.

خداوندا! فرمان پیروزی حق به دست توانای آخرین انسان کامل عالم
وجود و نماینده‌ات در روی زمین و هلاکت دشمنانت را به دست او صادر فرما و
راههای فتح و پیروزی را بروی بگشا و مشکلاتی را که بر سر راه قیام او وجود

۱. یونس/۲۴.

۲. مهج الدعوات، ص ۶۷.

دارد از میان بردار و راههای دور را برایش نزدیک کن و احکام و قوانین شرع انور را پیاده فرما. یاران و سپاهیانش را از الطاف خود بهره‌مند ساز و نیروهای کوبنده‌ات را به سوی ستمگران گسیل دار و شمشیر انتقامت را برفرق آنان وارد نموده، به حیاتشان پایان بخش.

● به طوری که خوانندگان گرامی ملاحظه می‌فرمایند تمام هدف وجود مقدس حضرت امام زمان روحی له الفداء در این دعا و قنوت، تقاضای امضای امر ظهور است. بنابراین بر همه ما واجب است که به حضرتش اقتدا کرده، برای تعجیل در امر فرج آن سرور مکرم دعا کنیم (واکثروا الدعاء بتعجیل الفرج).

قنوت امام عصر

ارواحنا له الفداء

اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكِ، تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ وَ
 تُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.
 يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا
 فَعَالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ، يَا رُؤُفَ يَا رَحِيمُ، يَا حَيُّ حِينَ لَا
 حَىٰ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ الَّذِي
 اسْتَأْثَرَتْ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ وَ
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ وَبِهِ
 تَسُوقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ وَالْعِظَامِ وَ
 أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْقَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ وَأَلْقَتْ بَيْنَ الشَّلْجِ
 وَالتَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا وَلَا هَذَا يُظْفِي هَذَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ
 فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ الثَّرَى وَسُقَّتَ الْمَاءُ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ
 الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنَتْ بِهِ طَعْمَ التِّمَارِ وَ
 أَلْوَانَهَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبْدِي وَتُعِيدُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
 الْفَرْدِ الْوَاحِدِ الْمُتَفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ وَأَسْأَلُكَ
 بِاسْمِكَ الَّذِي فَجَّرْتَ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ وَسُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ
 شِئْتَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ
 شِئْتَ وَكَيْفَ شَأُؤُوا يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْآيَامُ وَ اللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا

خداوندا! ای صاحب جهان هستی! به هر آن کس که خواهی قدرت می‌دهی و از هر آن کس که خواهی باز می‌ستانی. به هر که خواهی عزت می‌بخشی و هر که را خواهی ذلیل می‌گردانی. همه خیر و خوبیها به دست تست. به راستی بر همه چیز توانائی. ای صاحب مجد و عظمت و سخاوت، و ای صاحب شوکت و بزرگواری! ای کسی که در جای خود بسیار سختگیری! ای کسی که آنچه بخواهی می‌کنی! ای کسی که توانائی و قدرت تو ابدی است! ای آن که رؤف و از همه مهربانتری! ای آن که همیشه بوده و خواهی بود و آنگاه که هیچ موجودی زنده نیست، تو زنده و جاویدی! از پیشگاه مقدست و به آن اسم مخزون و مکنون و زنده و قیومت که در علم غیب خود پنهان داشته‌ای و کسی را بر آن آگاهی نیست، درخواست می‌کنم؛ و از درگاه کبریائی ات و به آن اسمی که مخلوقات را در رَجِمِ مادر به هر شکل و صورتی که خواهی، نقش می‌بندی و به برکت آن نام مقدس در آن دنیای ظلمانی و تاریک، میان رگها و استخوانها بدانان روزی می‌دهی، تقاضا می‌کنم؛ و از پیشگاه کبریائی ات و به آن نامی که به وسیله آن میان دوستانت الفت و محبت برقرار کردی و بین یخ و آتش به گونه‌ای هماهنگی ایجاد نمودی که نه آتش آن را آب کند و نه آب آنرا خاموش کند، قَسَمَت می‌دهم؛ و به آن نام مقدس که به وسیله آن در آب، طعم گوارا قرار دادی و به حق آن اسمی که به سبب آن، آب را در ریشه‌های گیاهان و نباتات و لابلای خاک، جاری نمودی و آنان را در میان سنگ خارا سیراب کردی، از تو استدعا می‌کنم؛ و ترا به آن نام مقدست که به وسیله آن طعم و رنگ را در میوه‌ها مقرر فرمودی، می‌خوانم و از درگاه باعظمت تو و به آن نامی که آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی، می‌خواهم؛ و از مقام کبریائی ات و به آن نام مقدسی که مبین یکتائی و بی‌همتائی تو است که در یگانگی یکتا و در بی‌نیازی بی‌همتا است تقاضا می‌کنم؛ و از توبه آن اسمی که به سبب آن، آب را از دل سنگ بیرون آورده، به هر کجا که خواستی هدایت فرمودی، می‌طلبم؛ و از دربار قدرتمندت و آن اسمی که پدیده‌ها و موجودات را بدان خلق کردی و آن گونه که اراده نمودی و می‌خواهی به آنها روزی می‌دهی، مسئلت دارم؛ ای آن که گردش شب و روز در تو دگرگونی و تغییری نمی‌دهد! ترا به آنچه نوح خواند و او و همراهانش را نجات

دَعَاكَ بِهٖ نُوحٌ حِينَ نَادَيْكَ فَانجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ، وَ
 أَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُكَ حِينَ نَادَاكَ فَانجَيْتَهُ وَجَعَلْتَ النَّارَ
 عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهٖ مُوسَى كَلِيمُكَ حِينَ نَادَاكَ
 فَفَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَانجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي السِّمِّ
 وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهٖ عِيسَى رُوحُكَ حِينَ نَادَاكَ فَانجَيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ
 إِلَيْكَ رَفَعْتَهُ وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ حَبِيبُكَ وَصَفِيُّكَ وَنَبِيُّكَ مُحَمَّدٌ
 صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَيْتَهُ وَعَلَى أَعْدَائِكَ
 نَصْرَتَهُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَتَ بِهِ أَحْبَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ
 وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ
 عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ اللَّيَالِي وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ
 وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللَّغَاتُ وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحْحَاخُ الْمُتَلِحِّينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
 عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ فَصَلِّ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ
 صَلَوَاتِكَ وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ الَّذِينَ بَلَّغُوا عَنْكَ
 الْهُدَى وَاعْقُدُوا لَكَ الْمَوَاتِقَ بِالطَّاعَةِ وَصَلِّ عَلَيَّ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، يَا مَنْ
 لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي وَأَجْمِعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ
 وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي فَإِنِّي عَبْدُكَ
 ابْنُ عَبْدِكَ ابْنُ أَمَتِكَ، أَسِيرُ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدِي، أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ
 بِهَذَا الْمَقَامِ وَتَفَضَّلْتَ بِهٖ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

دادی و قوم مخالف و معاندش را هلاک فرمودی، می‌خوانم. ترا به همان اسمی که خلیل تو ابراهیم، آنگاه که دست نیاز به سویت دراز کرد ترا به آن خواند و نجاتش دادی و آتش را بر او سرد و سلام (مطبوع) نمودی، می‌خوانم. ترا به آن نام مقدسی که موسی کلیم الله تو را به آن خواند و رود نیل را برای او شکافتی و فرعون و لشکریانش را غرق نمودی، می‌خوانم. ترا به آن نامی که عیسی روح الله ذات پاکت را به آن خواند و دعایش را اجابت کردی و از شر دشمنانش نجات دادی و به آسمانهایش بردی، می‌خوانم. ترا به آن نام مقدس و با عظمتی که حبیب تو محمد صلی الله علیه و آله تو را به آن خواند و دعایش را مستجاب فرمودی و او را از شر احزاب (مخالفان و کفار) رهائی بخشیده، بر دشمنانش پیروز نمودی، می‌خوانم. از توبه آن نامی که هرگاه بندگان ترا بدان خوانند اجابت فرمائی، استدعا می‌کنم؛ ای آن که جهان خلق و امر از آن تو است! ای آن که علم توبه هر چیز احاطه دارد [و از همه چیز آگاه و با خبری]! ای آن که همه چیز را احصاء و شماره کرده‌ای! ای خدائی که گذشت شبها تغییری در تو ندهد و صداها بر تو مشتبّه نگردد و زبانهای مختلف و لغات گوناگون بر تو پوشیده نیست و اصرار و رزی نیازمندان تو را خسته نمی‌سازد! از پیشگاه کبریائی ات مسئلت می‌نمایم که بر محمد و خاندان عزیزش — که البته برگزیدگان تو از مخلوقات هستند — بهترین درودها را فرستی، و نیز بر همه انبیاء و فرستادگانت که بندگان را به سوی تو و دین تو هدایت نمودند و از بندگان پیمانهای بندگی گرفتند و همچنین بر بندگان صالح و شایسته ات درود فرست. ای خدائی که به وعده‌هایت عمل می‌کنی و در آنها خلاف راه ندارد! به وعده‌ای که به من داده‌ای وفا کن (امر ظهورم را امضاء و حکومتم را در سراسر گیتی مستقر فرما) و یارانم را در اطرافم جمع کن و به آنها نیروی صبر و مقاومت در برابر دشمنان مرحمت فرما و مرا بر دشمنان خود و پیامبرت یاری ده و دعایم را مستجاب فرموده، محرومم مگردان که من بنده تو و فرزند بنده و کنیز تو و اسیر قدرت و دربار کبریائی تو هستم. ای مولای من! توئی که مرا بدین مقام (مقام والای امامت) مفتخر و سرافراز فرمودی و مرا بر بسیاری از

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا
تُخْلِفُ الْمِعَادُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

بندگان برتری دادی. از تومی خواهیم که بر محمد و آل او درود فرستی و وعده‌ای را که به من داده‌ای محقق سازی؛ به درستی که تو راستگوئی و از وعده‌هایت تخلف نخواهی فرمود و برانجام همه کارها و هرچیز توانائی.

● به طور خلاصه نتیجه‌ای که باید از این قنوت و سخنان حیاتبخش گرفت،

شامل سه اصل مهم است:

۱. توجه به عظمت و بزرگی خداوند متعال و اینکه همه بنده او هستند و زنده قدرت او.

۲. هرکدام از موجودات به وسیله یکی از اسماء خداوند آفریده شده‌اند؛ پس جهان در سایه اسماء بزرگ خداوند باقی است.

۳. اهمیت لزوم دعا برای تعجیل در امر فرج و ظهور آن حضرت.

آری، وجود مقدس امام عصر روحی له الفداء، اسماء الهی را وسیله قرار داده و پروردگار را به آنها می‌خواند و از خداوند بزرگ تقاضا می‌کند که به وعده‌ای که مرحمت فرموده است، وفا کند (أَنْجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي).



«حرز» امام زمان

علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا مَالِكَ الرِّقَابِ وَيَا هَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِخَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ
 الْأَسْبَابِ سَبِّبْ لَنَا سَبَبًا لَا نَسْتَطِيعُ لَهُ ظَلَمًا بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ
 رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ ۱.

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای آن که مالک همه گردنکشانی و ای کسی که تمام احزاب را از بین
 می‌بری! ای بازکننده همه درها و ای کسی که سبب‌سازی و تمام اسباب کارها را
 خلق می‌فرمائی! به حق کلمه مقدسه «لا اله الا الله» و به حق حبیبیت محمد خاتم
 انبیاء و خاندانش — که درود و صلوات تو بر آنان باد — برای موفقیت ما نیز اسبابی
 که ما از تهیة آن ناتوانیم، در اختیارمان قرار ده.

دعاى امام غايب

عليه السلام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُزْؤُفْرِى قَالَ خَرَجَ عَنِ النَّاحِيَةِ
الْمُقَدَّسَةِ:

مَنْ كَانَ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَيَأْتِ
مُصَلَّاهُ وَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى الْحَمْدَ، فَإِذَا بَلَغَ «إِتَاكَ
نَعْبُدُ وَإِتَاكَ نَسْتَعِينُ» يُكْرِرُهَا مِائَةً مَرَّةً وَيَتِمُّ فِي الْمِائَةِ إِلَى آخِرِهَا وَيَقْرَأُ
سُورَةَ التَّوْحِيدِ مَرَّةً وَاحِدَةً ثُمَّ يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ وَيُسَبِّحُ فِيهَا سَبْعَةً سَبْعَةً
وَيُصَلِّي الرُّكْعَةَ الثَّانِيَةَ عَلَى هَيْئَتِهِ وَيَدْعُوا بِهَذَا الدُّعَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى
يَقْضَى حَاجَتَهُ أَلْبَتَّةَ كَائِنًا مَا كَانَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِي قَطِيعَةِ الرَّحِمِ:

اللَّهُمَّ إِنْ أَطْعَمْتَكَ فَالْمَحْمَدَةُ لَكَ وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَالْحُجَّةُ لَكَ، مِنْكَ
الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرْجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ قَدَّرَ وَغَفَرَ.

اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَإِنِّي قَدْ أَطْعَمْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ
إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَخِذْ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا مَنَّا
مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَّا مِنِّي بِهِ عَلَيْكَ، وَقَدْ عَصَيْتُكَ.

از ابو عبدالله حسین فرزند محمد بزوفری منقول است که از ناحیه مقدسه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دستوری رسید که: چنانچه کسی حاجتی داشته باشد، در شب جمعه، پس از نیمه شب غسل کند و در جایگاه نمازش دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول، هنگام قرائت سوره «حمد» چون به کلمه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، آن را صدبار تکرار کند و پس از آن حمد را تمام کند و سوره توحید را یک بار خوانده، به رکوع رود. ذکر رکوع و سجود را هفت بار تکرار کند. رکعت دوم را نیز همانند رکعت اول بجای آورد و پس از آن، این دعا را بخواند، که البتّه خداوند تبارک و تعالی حاجت او را هر چه باشد عنایت و برآورده خواهد فرمود مگر اینکه حاجتش در مورد قطع رَجْم باشد و دعا این است:

بار خدایا! اگر تو را اطاعت می‌کنم، این توفیق از جانب ذات پاک تو است؛ پس باید ترا حمد و سپاس گویم، و اگر ترا معصیت و نافرمانی می‌کنم، حجت تو بر من تمام است [و تمام راهنمائیهای لازم به وسیله فرستادگانت انجام شده و هیچ عذری برای من نیست]. [خداوندا!] همه سرور و گشایشها از تو است. منزّه است خداوندی که نعمت می‌دهد و سپاس کرده می‌شود. پاک و منزّه است پروردگاری که در عین قدرت می‌بخشاید.

بار خدایا! اگر چه ترا معصیت کرده‌ام ولی در محبوبترین چیزها در نزد تو، که ایمان به ذات پاک تو است، نافرمانی نکرده‌ام. برای تو فرزند و شریکی قائل نشده‌ام و در این راه نیز تو به من توفیق داده‌ای و بر من منت داری نه من بر تو.

يَا إِلَهِي عَلِيٌّ غَيْرُ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ وَلَا الْخُرُوجِ عَنْ عِبُودِيَّتِكَ وَلَا
الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ، فَلَكَ
الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِدُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَ
تَرْحَمْنِي فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا كَرِيمُ حَتَّى يَقْطَعَ النَّفْسَ ثُمَّ تَقُولُ
يَا آمِنًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ
مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَسَائِرِمَا أَنْعَمْتَ بِهِ
عَلَيَّ حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا وَلَا أَخْذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا إِنَّكَ عَلِيُّ كُلِّ
شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^۱.

يَا كَافِيَّ إِبْرَاهِيمَ نُمْرُودَ، يَا كَافِيَّ مُوسَى فِرْعَوْنَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ
عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ^۲.

خداوندا! نافرمانی من از جهت سرکشی و انکار و خروج از بندگی تو
نبوده بلکه تنها پیروی از هوی و هوس نفسانی بوده است و شیطان مرا گمراه نمود و
با توجه به اینکه تمام وظایف بندگی را بیان فرموده‌ای، حاجت بر من تمام است.
پس اگر به جهت گناهان من مرا عذاب کنی، هیچ گونه ظلمی درباره من نشده
است و اگر مرا ببخشائی و رحم کنی، از باب کرم وجود تو است؛ ای کریم ای

۱. آل عمران/۱۷۳.

۲. مهج الدعوات، ص ۲۹۴.

کریم، ای کریم. (کلمه «یا کریم») را تا هنگامی که نفس قطع نشده است تکرار می‌کنی و پس از آن عرضه می‌داری:)

ای آفریدگاری که از گزند هر چیزی در امانی و همه چیز از تو در بیم و هراس است! از پیشگاه مقدّست درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستی و من و خانواده و فرزندانم و آنچه را که به من عطا فرموده‌ای در پناهت محفوظ داری تا اینکه هرگز از هیچ کس و هیچ چیز ترس و وا همه‌ای نداشته باشم. و تو بر هر چیز قادر و توانائی و «خداوند کفایت کننده ما و بهترین وکیل است».

ای خدائی که ابراهیم خلیل [علیه السلام] را از شرّ نمرود کفایت فرمودی و ای آن که موسی [علی نبینا و آله و علیه السلام] را بر فرعون پیروز نمودی! از تو درخواست می‌کنم که بر محمّد و آل او درود فرستاده، شرّ فلان و فلان را از من دور گردانی. (در اینجا باید حاجت و خواسته‌ها گفته شود.)

دعای علوی مصری

● یکی از دعاهای بسیار ارزنده و مجرب که بارها دوستان گرفتار دربند شداید و مصائب دنیا از آن نتیجه گرفته‌اند دعای مبارک علوی مصری است که از زبان پرفروغ حضرت بقیة الله روحی لتراب مقدمه الفداء درخشیدن گرفته و باید گفت صرف نظر از اینکه دعائی است بسیار و بینهایت مؤثر برای رفع گرفتاریها و مصائب، یک دوره معارف حقۀ اسلامی گرفته شده از سرچشمه وحی و امامت در آن نهفته است.

اینک باهم به سخنان حضرت بقیة الله (دعای علوی مصری) گوش می‌سپاریم:

ذِكْرُ مَا نَخْتَارُهُ لِمَوْلَانَا الْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَنْهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِرِوَايَةٍ
أُخْرَى فَمِنْ ذَلِكَ الدُّعَاءِ الْمَعْرُوفِ بِدُعَاءِ الْعَلَوِيِّ الْمِصْرِيِّ لِكُلِّ
شَدِيدَةٍ وَعَظِيمَةٍ .

أَخْبَرَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ حَمَادٍ الْمِصْرِيُّ قَالَ أَصَابَنِي غَمٌّ شَدِيدٌ وَ
ذَهَمَنِي أَمْرٌ عَظِيمٌ مِنْ قَبْلِ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلَدِي مِنْ مُلُوكِهِ فَخَشِيتُهُ خَشِيَةً
لَمْ أَرِحْ لِتَفْسِي مِنْهَا مَخْلَصًا فَقَصَدْتُ مَشْهَدَ سَادَاتِي وَآبَائِي صَلَوَاتُ
اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالْحَائِرِ لِأَيْدَائِهِمْ وَعَائِدًا بِقُبُورِهِمْ وَمُسْتَجِيرًا مِنْ عَظِيمِ سَطْوَةِ
مَنْ كُنْتُ أَخَافُهُ وَأَقَمْتُ بِهَا خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا سَادَاتِي عَلَيْهِمُ السَّلَامُ
أَشْكُوا إِلَيْهِمْ لِيُخَلِّصُونِي مِنْهُ .

فَقَالَ لِي هَلَا دَعَوْتَ اللَّهَ رَبَّكَ وَرَبَّ آبَائِكَ بِالْأَدْعِيَةِ الَّتِي دَعَا بِهَا
أَجْدَادِي الْأَنْبِيَاءُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَيْثُ كَانُوا فِي الشِّدَّةِ فَكَشَفَ اللَّهُ
عَنْهُمْ ذَلِكَ قُلْتُ وَمَا ذَا دَعَوُهُ بِهِ لِأَدْعُوهُ بِهِ؟

از جمله دعاها و نیایشهای رسیده از ناحیه مقدسه و از زبان مبارک حضرت صاحب الامر علیه السلام و روحی له الفداء، دعای علوی مصری است که در همه سختیها و شداید خوانده می شود.

ابوالحسن علی بن حماد مصری گوید که به نقل از ابو عبدالله حسین بن محمد علوی، محمد بن علی علوی حسینی مصری برای من نقل کرد به اینکه اندوهی شدید بر من مستولی شد و گرفتاری سختی از جانب فرماندار محل مرا رنج می داد و ترسی از او در دلم جایگزین شده بود که هرگز امید رهایی از آن را نداشتم. پس عزم زیارت بزرگان و موالیان خود را کردم و مدت پانزده روز در حائر مقدس حسینی متوسل بودم و تقاضای خلاصی از این بلا را داشتم و شب و روز مشغول گریه و زاری بودم تا اینکه در یکی از شبها در حالتی بین خواب و بیداری بودم که ناگهان امام غایب زنده و قائم بر حق — که درود خداوند بر او و بر آباء گرامی اش باد — خود را با آن چهره ملکوتی به من نمایانده، فرمود: پسر! از فلانی (کنایه از آن ظالم است) ترسیدی؟ عرض کردم: آری، قصد داشت مرا نابود کند. پس به سروران خودم — که درود خداوند بر آنها باد — پناهنده شده، شکایت خود را به آنها عرضه داشتم تا اینکه وسیله نجات مرا از چنگال این ستمگر فراهم نمایند.

پس به من فرمودند: آیا خداوند را به آن دعائی که آباء و اجدادم [از انبیاء و غیر آنها] در گرفتاریها می خواندند و خداوند گرفتاریها را از آنان رفع می نمود، خوانده ای؟ عرض کردم: کدام دعا است که بخوانم؟



فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَقُمْ فَاغْتَسِلْ وَصَلِّ صَلَاتَكَ
فَإِذَا فَرَعْتَ مِنْ سِجْدَةِ الشُّكْرِ فَقُلْ وَأَنْتَ بَارِكٌ عَلَيَّ رُكْبَتَيْكَ وَأَدْعُ بِهَذَا
الدُّعَاءِ مُبْتَهَلًا.

قَالَ وَكَانَ يَأْتِنِي خَمْسَ لَيَالٍ مُتَوَالِيَاتٍ يُكْرِرُ عَلَيَّ الْقَوْلَ وَهَذَا
الدُّعَاءَ حَتَّى حَفِظْتُهُ.

وَأَنْقَطَعَ مَجِيئُهُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَفُئْتُ وَاعْتَسَلْتُ وَغَيَّرْتُ ثِيَابِي وَتَطَيَّبْتُ
وَصَلَّيْتُ مَا وَجِبَ عَلَيَّ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَجَثَوْتُ عَلَيَّ رُكْبَتَيْ فَدَعَوْتُ
اللَّهَ تَعَالَى بِهَذَا الدُّعَاءِ فَأَتَانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ السَّبْتِ كَهَيْئَةِ النَّبِيِّ
يَأْتِنِي فِيهَا فَقَالَ لِي قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكَ يَا مُحَمَّدُ وَقِيلَ عَدُوُّكَ
وَأَهْلَكَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عِنْدَ فِرَاعِكَ مِنَ الدُّعَاءِ.

قَالَ فَلَمَّا أَصْبَحْتُ لَمْ يَكُنْ لِي هِمَّةٌ غَيْرُ وِدَاعِ سَادَاتِي صَلَوَاتِ اللَّهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَالرَّحْلَةَ نَحْوَ الْمَنْزِلِ الَّذِي هَرَبْتُ مِنْهُ فَلَمَّا بَلَغْتُ بَعْضَ
الطَّرِيقِ إِذَا رَسُولُ أَوْلَادِي وَكُتُبُهُمْ بَانَ الرَّجُلَ الَّذِي هَرَبْتُ مِنْهُ جَمَعَ
قَوْمًا وَاتَّخَذَ لَهُمْ دَعْوَةً فَآكَلُوا وَشَرَبُوا وَتَفَرَّقَ الْقَوْمُ وَنَامَ هُوَ وَعِلْمَانُهُ فِي
الْمَكَانِ فَاصْبَحَ النَّاسُ وَلَمْ يُسْمَعْ لَهُ حَسٌّ فَكُشِفَ عَنْهُ الْغِطَاءُ فَإِذَا هُوَ
مَذْبُوحٌ مِنْ قَفَاءٍ وَدِمَاءٍ تَسِيلٌ وَذَلِكَ فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ وَلَا يَدْرُونَ مَنْ فَعَلَ
ذَلِكَ بِهِ وَيَأْمُرُونِي بِالْمُبَادَرَةِ نَحْوَ الْمَنْزِلِ فَلَمَّا وَافَيْتُ إِلَى الْمَنْزِلِ
وَسَأَلْتُ عَنْهُ وَفِي آيٍ وَقِيَتْ كَانَ قَتْلُهُ فَإِذَا هُوَ عِنْدَ فِرَاعِي مِنَ الدُّعَاءِ.



حضرت علیه السلام فرمودند: چون شب جمعه بیاید برخیز و غسل کن و نماز خود را بخوان. چون از سجده شکر برخاستی در حالتی که دوزانو نشسته ای با چشمی اشکبار و دلی شکسته این دعا را بخوان.

نامبرده گوید: امام علیه السلام پنج شب پیایی تشریف آورده، این دعا را تکرار فرمودند تا اینکه آن را یاد گرفتم.

شب جمعه دیگر امام عصر را زیارت نکردم. پس برخاسته، غسل کردم و لباسم را عوض نمودم و خودم را معطر ساختم. نماز شب را چنانکه باید بخوانم خواندم. آنگاه دوزانو نشستم و دعا را خواندم. شب شنبه بود که حجت خدا با همان هیئت قبل به دیدار من آمده، فرمودند: ای محمد! دعایت مستجاب شد و خدا دشمن تو را کشت و بعد از خواندن دعایت خداوند قادر و توانا او را هلاک نمود.

محمد می گوید: چون صبح شد دیگر غیر از وداع با موالیان و سروران خود هدف دیگری نداشتم و پس از وداع به سوی محلی که از آنجا گریخته بودم حرکت کردم. مقداری از راه را که طی کردم ناگهان فرستاده و نامه ای از فرزندانم دریافت کردم که نوشته بودند آن مرد خبیث و بدسرشتی که از او فرار کردی با جمعی از یارانش در مجلسی گرد آمده، خوردند و آشامیدند و متفرق شدند. فقط او و غلامان وی در آن مکان ماندند و خوابیدند و چون از خواب بیدار شدند اثری از او نیافتند و چون به سراغش رفتند و روانداز او را کنار زدند مشاهده کردند که او را از پشت، سربریده اند و خون جاری است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاد و کسی از قاتل خبری به دست نیاورد و شناخته نشد. و فرزندانم از من خواسته بودند که به منزل بازگردم. پس از اینکه به منزل آمدم از داستان قتل و ساعت کشته شدن او سؤال کردم، معلوم شد که قتل آن ستمگر درست پس از فارغ شدن من از آن دعا بوده است.

و این است آن دعائی که حضرت بقیة الله تعلیم فرمودند:

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ وَمَنْ
ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ أَوْ تَهَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ.

وَرَبِّ هَذَا فِرْعَوْنَ ذُو الْأَوْتَادِ مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوهِ وَأَدْعَانِهِ الرُّبُوبِيَّةَ
لِنَفْسِهِ وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يَتُوبُ وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ
اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَأَعْظَيْتَهُ سُؤْلَهُ كَرَمًا مِنْكَ وَجُودًا وَقَلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا
سَأَلَكَ عِنْدَكَ مَعَ عَظِيمِهِ عِنْدَهُ أَخَذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ وَتَأْكِدًا لَهَا حِينَ
فَجَرَ وَكَفَرَ وَاسْتَطَالَ عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ وَبِكَفْرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَخَرَ وَبِظُلْمِهِ
لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ، فَكُتِبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً
مِنْهُ أَنَّ جَزَاءَ مِثْلِهِ أَنْ يُعْرِقَ فِي الْبَحْرِ فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ وَأَبْنُ أُمَّتِكَ مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ مُقِرٌّ
بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي لِإِلَهِ لِي غَيْرِكَ وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ مُوقِنٌ بِأَنَّكَ
أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي وَاللَّيْلُ أَبِي عَالِمٌ بِأَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تَفْعَلُ
مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ. لَا مُعَقَّبَ لِحُكْمِكَ وَلَا رَادَّ لِقَضَائِكَ وَأَنَّكَ
الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ وَلَمْ تَبْنِ عَنْ شَيْءٍ،
كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ. وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ
شَيْءٍ، خَلَقْتَ كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ كَذَلِكَ كُنْتَ وَتَكُونُ وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ لَا تَأْخُذُكَ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ
وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ وَلَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِ وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ وَلَا تُشَبَّهُ
بِالنَّاسِ وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عَبِيدُكَ وَأَمَّا أَنْتَ الرَّبُّ وَنَحْنُ

بار خدایا! چه کسی دعا کرد و تو او را اجابت فرمودی؟ کدامیک از بندگانت دست نیاز به سوی تو دراز کرد و تو او را محروم نمودی؟ کدام بنده ای با تو مناجات کرد و تو او را مأیوس ساختی؟ چه کسی از بندگانت تقاضای نزدیک بودن به تو را داشت و تو او را از درخانه ات راندی؟

خداوندا! این است آن فرعونی که در مقابل دستگاه با عظمت تو کاخها برافراشت و سرکشیها نمود و دعوی خدائی کرد و با اینکه تومی دانستی توبه نمی کند و قلبش در برابر ذات پاک تو خاضع نخواهد شد، دعایش را مستجاب کردی و خواسته او را برآوردی و با اینکه حاجت او برای ذات پاک تو ناچیز و برای او بزرگ بود تو حجت را بر او تمام کردی هنگامی که به ذات پاک تو کفر ورزید و راه بدیها را پیمود و بر ملت خود راه ظلم و ستم در پیش گرفت و در سایه کفر خود بر آنها استیلا یافت و بر آنان فخر می فروخت و از حلم تو سوء استفاده کرد و راه تکبر در پیش گرفت و خود بر خویشان حکم نمود، که پاداش کسی مانند او غرق شدن در دریاست و تو نیز آن حکم را اجرا فرمودی و او را در دریا غرق کردی.

بار خدایا! من بنده ای از بندگان و فرزند بنده و کنیزی از کنیزان توام؛ به خدائی تو معترفم و به اینکه خدائی نیست جز ذات پاک تو که یگانه آفریننده و تنها خدا و تربیت کننده منی. معتقدم که خدا و رب من توهستی که بر همه چیز توانائی و هر چه بخواهی انجام می دهی و هر حکمی را که اراده فرمائی، صادر می کنی. هیچ کس نمی تواند حکم تو را رد کند و حتماً فرمان تو باید اجرا شود. اول جهان هستی و آخر آن، ظاهر آن و باطن آن توئی. از چیزی خلق نشده و از چیزی جدا نشده ای. قبل از هر چیز تو بوده ای و پس از آن نیز تو خواهی بود. همه چیز را تو آفریدی و آفرینش همه موجودات بر اساس تقدیر حکیمانه تو مقرر است و تو شنوا و دانائی. شهادت می دهم که ذات پاک تو چنین بوده و چنین خواهد بود. ذات مقدست زنده است و نظام جهان هستی در سایه وجود تو اداره می شود و سستی و خواب در وجودت راه ندارد. همگان از عهده وصف تو ناتوانند و با حواس ظاهر (چشم، گوش و...) شناخته نخواهی شد. با مقیاسها و معیارهای متداول

الْمَرْبُوبُونَ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ وَأَنْتَ الرَّازِقُ وَنَحْنُ
الْمَرْزُوقُونَ، فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي إِذْ خَلَقْتَنِي بَشَرًا سَوِيًّا وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا
مَكْفِيًّا بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلًا صَبِيًّا تَقْوُنِي مِنَ الثَّدي لَبَنًا مَرِيًّا وَعَدَّيْتَنِي
غَدَاءً طَيِّبًا هَنِيئًا وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ
لَمْ يُحْصَ وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ
الْحَامِدِينَ وَيَعْلُوا عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ.
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ وَزِنَةَ مَا
خَلَقَ وَزِنَةَ أَجَلِ مَا خَلَقَ وَبِوزْنِ أَحَقِّ مَا خَلَقَ وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى رَبَّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يَغْفِرَ لِي رَبِّي وَأَنْ يُحْمَدَ لِي أَمْرِي وَيَتُوبَ عَلَيَّ
إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صِفْوَتُكَ أَبُونَا
آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ أَصَابَ الْخَطِيئَةَ فَغَفَرْتَ لَهُ
خَطِيئَتَهُ وَنُتِبَ عَلَيْهِ وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى عَلَيَّ
فَإِنْ لَمْ تَرْضَ عَلَيَّ فَاعْفُ عَلَيَّ فَإِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ عَاصٍ وَقَدْ
يَغْفِرُوا السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنْهُ وَأَنْ تُرْضِيَ عَلَيَّ خَلْقَكَ
وَتُمِيطَ عَلَيَّ حَقَّكَ.

میان مردم ترا نمی توان سنجید و به انسان ها نمی توان تشبیهت کرد. آفریده شدگان همه بنده و کنیز تواند و تو پروردگار مائی و ما مخلوق تو و اسیر قدرت بی نهایت توئیم. توئی آفریننده ما و مائیم آفریده تو. توئی روزی دهنده ما و مائیم روزی خواران تو.

اینک تو را حمد می کنم که مرا انسانی کامل [از نظر اعضاء و جوارح] خلق فرمودی و از غیر خودت بی نیازم ساختی. کودکی خردسال بودم که از پستان مادر شیر گوارائی برایم آماده نمودی و غذای پاکیزه و گوارا در دسترسم قرار دادی و بدین وسیله رشد کرده، قامتی رسا یافتم. پس حمد و ستایش سزاوار ذات پاک تو است؛ آن هم ستایشی برتر و بالا تر از ستایش همه ستایشگران که هیچ ثنائی بدان نرسد؛ ستایشی برتر از تمام اقسام حمد و ثنائی که ستایشگران انجام داده اند و ستایشی ارجمندتر از همه امور و گرانقدرتر از هر سپاسی که آفریده ای به درگاه خداوند می کند. آری، حمد مختص ذات پاک خداوندی است چنانکه می پسندد؛ سپاسی برابر با تعداد همه آفریدگان و هموزن همه موجودات و مساوی با بزرگترین و کوچکترین و خردترین آنها؛ حمدی که خداوند را خرسند سازد و با خوشنودی خداوند برابر باشد. از او تقاضا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستد و مرا ببخشد و اعمال مرا نیکو فرموده، توبه ام را بپذیرد، که او بسیار توبه پذیر و مهربان است.

خداوندا! ترا به نامی می خوانم و به اسمی قسم می دهم که برگزیده ات، پدر ما آدم علیه السلام، ترا به آن خواند و تو او را اجابت کردی و توبه اش را پذیرفتی و درحالی که او گناه کرده و بر خودش ستم روا داشته بود، تو او را بخشیدی و دعایش را مستجاب فرمودی و او را به خود نزدیک ساختی. ای کسی که از من به من نزدیکتری! از پیشگاه مقدست استدعا می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از گناهان من بگذری و از من خشنود گردی و اگر از من خشنود نمی شنوی پس مرا عفو فرما که من گناهکار و ستمگرم و لغزشم زیاد است. آری، چه بسا مولائی که از بنده خود درمی گذرد درحالی که از او راضی نیست. تقاضای دیگرم این است که بندگانت را از من راضی نمائی و حق خودت را درباره من نادیده محسوب فرمائی.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ
صِدِّيقًا نَبِيًّا وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا
قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ مَأْبَى إِلِي جَنَّتِكَ
وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ وَتُسَكِّنَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ وَتُرْوِجَنِي مِنْ حُورِهَا
بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ نَادَى «رَبِّهِ أَنِّي مَغْلُوبٌ
فَأَنْتَ صِرٌّ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى
الْمَاءُ عَلَى أَمْرِ قَدِيرٍ وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوْحِ وَدُسِرِ» فَاسْتَجَبْتَ
دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُنَجِّنِي مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيدُ ظُلْمِي وَتَكْفِ عَنِّي بِأَسْمَنِ يُرِيدُ
هَضْمِي وَتَكْفِينِي شَرَّ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ وَعَدُوِّ قَاهِرٍ وَمُسْتَحِقِّ قَادِرٍ وَجَبَّارٍ
عَنِيدٍ وَكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَأَنْسِي شَدِيدٍ وَكَيْدٍ كُلِّ مَكِيدٍ يَا حَلِيمُ
يَا وَدُودُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صَالِحٌ عَلَيْهِ
السَّلَامُ فَتَجَبَّتْهُ مِنَ الْخُصْفِ وَأَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ
وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُخَلِّصَنِي مِنْ شَرِّ مَا يُرِيدُنِي أَعْدَائِي وَسَعَى بِي حُسَادِي وَتَكْفِينِيهِمْ
بِكِفَاتِكَ وَتَتَوَلَّأَنِي بِوَلَاتِكَ وَتَهْدِي قَلْبِي بِهَدَاكَ وَتُوْتِدَنِي بِشَمْوَاكَ
وَتُبَصِّرَنِي (وَتَنْصُرَنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ وَتُغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمُ.

بارالها! من ترا به نامی می‌خوانم که ادریس علیه السلام ترا بدان خواند و تو او را به مقام راستگویان و درستکرداران و به پیامبری رساندی و مقامی بس بلند به او ارزانی فرمودی؛ دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. اکنون ای نزدیکتر از من به خودم! از درگاه با عظمت تو استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و پایان کار مرا بهشت برین قرار دهی و مرا در دریای رحمت خود غوطه‌ور سازی و با آمرزش گناهان، مرا در بهشت جای دهی و حوریان بهشتی را با من همسر فرمائی، به توانائی بی‌نهایت تو ای قادر متعال! خداوندا! تو را به نامی می‌خوانم که نوح علیه السلام در سایه آن به درگاهت باریافت و عرضه داشت: «خداوندا! من مغلوب و مقهور گشته‌ام، پس مرا یاری کن. و [در قرآن فرموده‌ای که] درهای آسمان را گشودیم و بارانی کوبنده و ویرانگر فرو فرستادیم و از زمین چشمه‌های پر آب به جوشش درآوردیم! و آنها از زمین و آسمان به هم پیوستند و آنچه مقدر بود، انجام شد و نوح از آن دریای خروشان نجات یافت و بر کشتی ساخته شده از چوب و میخ سوار شد.» [پروردگارا!] تو نیاز و احتیاج او را تأمین نمودی و او را به خود نزدیک ساختی. اکنون ای نزدیکترین افراد به من! از درگاهت استدعا می‌کنم که درود خودت را به محمد و آل محمد فرو فرستاده، مرا از ستم هر ظالمی که اندیشه ستمی درباره من دارد رهائی بخشی و شرّ هر زمامدار جفاکار و دشمن توانا و هر صاحب قدرت خوارکننده و زورگوی کینه‌توز و شیطان رانده شده و انسان بدرفتاری را از من دور فرمائی و مرا از نقشه و کید فریب‌دهندگان در امان داری، ای بردبار و حلیم و ای خدای مهربان!

خداوندا! ترا به نامی که بنده و پیامبرت صالح علیه السلام ترا به آن خواند و دعا کرد، می‌خوانم. تو دعایش را مستجاب نمودی و او را از فرو رفتن در زمین حفظ فرمودی و بر دشمنانش او را برتری بخشیدی و در مقام قرب منزلش دادی. ای خداوند نزدیک! صلوات و درود مرا بر حبیب خود محمد و آل او بفرست و مرا از شرّ دشمنانم ایمن دار و از بدیهای حسودان حفظ کن و خودت امور مرا کفایت نما و در زیر لوای ولایت خود مرا هدایت کن و قلب مرا به خود متوجه فرما و به وسیله تقوی و بصیرت، توفیق تحصیل رضای خود را به من عنایت کن و با بی‌نیازی

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَخَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ أَرَادَ نُفُورُهُ فِي السَّارِ فَجَعَلْتَ لَهُ التَّارُ بَرْدًا وَسَلَامًا وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ وَتُظْفِيَّ عَنِّي لَهَيْبَهَا وَتَكْفِيَنِي حَرَّهَا وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِنَارِهِمْ وَتَرُدَّ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَتُبَارِكَ لِي فِيهَا أَعْظَمِيَّتِيهِ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالِاسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلْتَهُ نَبِيًّا وَرَسُولًا وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَىً وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي وَتَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي وَتُسَدِّ لِي أَرْزِي وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي وَتَرْزُقْنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ وَتَضَاعِفَ الْحَسَنَاتِ وَكَشْفِ الْبَلِيَّاتِ وَرَبْحِ التِّجَارَاتِ وَدَفْعِ مَعْرَةِ السَّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ وَقَاضِي الْحَاجَاتِ وَمُعْطِي الْخَيْرَاتِ وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الَّذِي نَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ وَقَدَّيْتَهُ بِذَّبْحِ عَظِيمٍ وَقَلَّبْتَ لَهُ الْمِشْقَصَ حَتَّى نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَّبْحِهِ رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُنَجِّنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ وَتَضْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ وَخِيَمَةٍ وَتَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورٍ

و ثروت‌های مادی و معنوی خود مرا بی‌نیاز فرما، ای خداوند حلیم و بردبار!
 بار خدایا! ترا به همان نامی که بنده صالح و پیامبر بزرگت ابراهیم
 علیه السلام خواند و تو او را از آتش نمرود نجات دادی، می‌خوانم که بر محمد و
 آل او درود فرستی و آتشی را که دشمنان برای من افروخته‌اند به جان خودشان
 برگردانی. آنچه را که به من عنایت فرمودی بدان گونه که بر آن حضرت (ابراهیم
 علیه السلام) و خاندان عزیزش مبارک نمودی بر من نیز مبارک گردان، ای آن که
 ذات پاکت بخشنده و ستوده و بزرگوار است!

خداوندا! به اسمی که اسماعیل علیه السلام ترا بدان خواند و در سایه آن
 نام، او را به پیامبری رساندی و خانه خودت را منزل و پناهگاه او قرار دادی و
 دعایش را مستجاب نمودی و از قربانی شدن نجاتش دادی و از بهشت برایش
 گوسفند قربانی (فدا) فرستادی و او را به خویش نزدیک ساختی — ای از همه
 نزدیکتر به من! — از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که بر پیامبر عزیزت حضرت
 محمد بن عبدالله و خاندان گرامی اش درود خود را نازل فرمائی. خانه قبر مرا
 وسیع کن و بار سنگینی گناه را از دوشم بردار و توانمندی و پایداری نصیبم فرما.
 گناهانم را بیامرز و با پاک نمودن گناهانم، مرا به مقام توبه نائل فرما. خوبیهام
 را دوچندان ساز و گره از مشکلاتم بگشا و در تجارت بهره‌مندم ساز و آزار
 بدگوئیها را از من دور گردان، ای آن که ذات پاکت اجابت کننده دعاها، عطا
 کننده همه خوبیها، فروفرستنده تمام برکات و فرمانروای مطلق آسمانها است!

خداوندا! از تو درخواست می‌کنم به چیزی که اسماعیل علیه السلام فرزند
 خلیل تو بدان خواندت و تو او را از کشته شدن نجات دادی و قربانی بزرگ برایش
 فرستادی و جلوی تیزی کارد را گرفتی و به آن اجازه بریدن ندادی و در حالی که
 او خود را برای ذبح شدن آماده نموده و امر پدر را اطاعت کرده و راضی بدین امر
 بود، دعایش را مستجاب نمودی و او را به مقام قرب نائل کردی — ای خدائی که
 از همه به من نزدیکتری! — از پیشگاه مقدّست استدعا می‌کنم که درود خود را بر
 محمد و آل محمد فرو فرستی و مرا از هر بدی و سختی برهانی و ظلم ستمگران را
 از من دور نمائی و در امور دنیوی و اخروی که بر آنها بیمناک هستم مرا کفایت

دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَمَا أَحَادِرُهُ وَأَخْشَاهُ وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ بِحَقِّ
آلِ يَس.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَتَجَبَّتْهُ وَأَهْلَهُ
مِنَ الْخَشْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلَاتِ وَالشَّدَّةِ وَالْجُهْدِ وَأَخْرَجَتْهُ وَأَهْلَهُ مِنْ
الْكَرْبِ الْعَظِيمِ وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا شِئْتَ مِنْ
شَمْلِي وَتُقَرِّعَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُضْلِحَ لِي أُمُورِي وَتُبَارِكَ لِي
فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي آمَالِي وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ
وَتَكْفِينِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُضْطَفِّينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْأَبْرَارِ وَنُورِ الْأَنْوَارِ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الظَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْأَيْمَةِ الْمَهْدِيِّينَ وَالصَّفْوَةَ
الْمُنْتَجَبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ وَتَمُنَّ عَلَيَّ
بِمُرَافَقَتِهِمْ وَتُوفِّقَ لِي صُحْبَتَهُمْ مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَمَلَائِكَتِكَ
الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ
وَالْكَرُوبِيِّينَ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ يَعْقُوبُ وَقَدْ كُفَّتْ بَصَرُهُ وَ
شِئْتَ شَمْلَهُ جَمَعُهُ وَقَفِدَ قَرَّةُ عَيْنِهِ ابْنُهُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَجَمَعْتَ
شَمْلَهُ وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي
وَتُقَرِّعَ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَتُضْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ وَتُبَارِكَ لِي فِي

کنی و از شر همه مخلوقات در امان خودت نگاهم داری، به حق آل یس. ۱

خداوندا! به نامی که لوط ترا بدان خواند و تو او و فرزندانش را از فرو رفتن در زمین و نابود شدن و شکنجه دیدن نجات دادی و آنان را از گرداب نیستی به سلامت بیرون بردی، ترابه همان نام می‌خوانم و از تو که از من به من نزدیکتری تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از آتش سوزان جهنم مرا در پناه لطف خود نگاه داشته، اجازه فرمائی که نابسامانیهای سامان گیرد و چشمم به خاندان و فرزندانم روشن گردد و تمام کارهای مرا بر من مبارک فرمائی و مرا به آرزوهای خودم برسانی. [خدایا!] شر بدخواهان را از من دور کن و مرا در آتش غضب خود نسوزان. به وسیله برگزیدگان محمد و آل محمد که همگی مشعلهای فروزان جهان وجود و هدایت کننده بندگان تواند بر من منت گذاشته، افتخار مصاحبت و همنشینی با این ذوات مقدسه را به من عنایت فرما و نیز افتخار معاشرت و مصاحبت و مجالست با همه بندگان صالح خود مانند انبیاء و اوصیاء و ملائکه مقرب و حاملان عرش و ساکنان آستان با عظمتت را نصیبم فرما.

بار خدایا! در نتیجه هجران یوسف، یعقوب پیامبر بینائی خود را از دست داده و افراد خاندانش متلاشی و جمعشان پراکنده شده بود و او مایه روشنائی دیده‌اش، یوسف را نمی‌یافت تا اینکه با توسل به یکی از اسماء مقدسه ات ترا خواند و در نتیجه اجابتش فرمودی و یوسف را به او باز گرداندی و جمع پریشانانش را به هم پیوند زدی و چشمان نابینایش را روشن ساختی و دردهای او را درمان کردی و او را به خود نزدیک نمودی. اینک — ای خداوندی که به [همه بندگانت] نزدیکی! — من ترا به همان نام می‌خوانم و از درگاه با عظمتت می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستاده، به من اجازه فرمائی که به خاندانم پیوندم و پریشانیهام سامان گیرد و خاندان و فرزندانم مایه روشنائی دیده‌ام شوند و تمام امور برایم آسان گردد و به خواسته‌ها و آرزوهایم برسم و بر من منت گذار، که شأن تو گرم است. [آری، تو کریمی]. ای خداوندی که از نظر مقام و مرتبت بر همه برتری داری و ای کسی که رحمت بی نهایت همه

جَمِيعِ اَحْوَالي وَتَبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي وَآمَالِي وَتُضَلِّحْ لِي اَفْعَالِي وَتَمُنَّ عَلَيَّ
يا كَرِيمُ يا ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ يُوسُفَ
عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَةِ الْجُبِّ وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ
وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكاً وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ وَكُنْتَ
مِنْهُ قَرِيباً يا قَرِيبُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَدْفَعَ عَنِّي
كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، اِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ مُوسَى بْنِ
عُمَرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ اِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ
الْظُّورِ الْاَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا»^١ وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقاً فِي الْبَحْرِ يَبياً وَنَجَّيْتَهُ
وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا وَاسْتَجَبْتَ لَهُ
دُعَاءَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يا قَرِيبُ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَاَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ مِنْ
فَضْلِكَ ما تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَيَكُونُ لِي بَلَاغاً اَنالُ بِهِ
مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ يا وَلِيَّيَ وَاوَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ .

إِلَهِي وَاسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ دَاوُدَ فَاسْتَجَبْتَ
لَهُ دُعَاءَهُ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَسِيِّ وَالْأَبْكَارِ وَالطَّيْرِ
مَحْشُورَةً كُلُّ لَهَا أَوَابٌ وَشَدَّدْتَ مُلْكَهُ وَأَتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَلَ الْخِطَابِ
وَأَلَّتْ لَهُ الْحَدِيدَ وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ

موجودات را فرا گرفته است و همگان در دنیا از آن بهره‌مندند! مرا از این رحمت (رحمانیت) و نیز رحیمیت خود در دو جهان بهره‌مند فرما.

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت یوسف علیه السلام ترا بدان خواند و دعایش را مستجاب فرمودی و او را از قعر چاه نجات دادی و مهماتش را کفایت کردی و او را از کید و مکر برادرانش رهائی بخشیدی و پس از اینکه او را به عنوان یک بنده و برده فروختند، به پادشاهی مصرش رساندی و دعایش را اجابت فرمودی و وی را به مقام قرب نائل ساختی — ای خدای نزدیک به همه! — از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و کید و مکر هر مکار و حيله گر را از من دور فرموده، از حسد حسودان مرا در پناه خود محفوظ داری. البته ذات پاک تو بر هر چیزی قادر و تواناست.

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت موسی بن عمران علیه السلام ذات پاک تو را بدان خواند، چه آنکه در قرآنت فرموده‌ای: «موسی را از وادی مقدس طور ایمن خواندیم و برای مناجات با خود او را به خود نزدیک کردیم.» [خداوندا!] دریا را برای او خشک کردی و او و همراهانش را نجات دادی و فرعون و هامان و یارانش را غرق نمودی و دعای موسی را اجابت فرموده، او را به خود نزدیک ساختی. اینک — ای خدائی که نزدیکی! — ترا به همان نام می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از شر مخلوقات محفوظ بداری و از بخشندگی خود مرا بهره‌مند سازی و فضل و لطف خود را به من ارزانی داری، آنچنان فضلی که مرا از همه آفریدگانت بی‌نیاز فرمائی تا به آمرزش و رضوان تو دست پیدا کنم، ای ولی و صاحب اختیار همه بندگان و مؤمنان!

پروردگارا! ترا به نامی می‌خوانم که داود [علیه السلام]، بنده و پیامبرت ترا بدان خواند. دعایش را مستجاب کردی و کوهها را برای او مسخر نمودی به طوری که صبح و شام با او همصدا شده، با تو مناجات می‌کردند؛ پرندگان را گرد او جمع کردی که همه به سوی او بیایند و با وی هماواز شوند؛ سلطنتش را قوی و پهناور ساختی و او را به زیور حکمت و شناخت حق از باطل مفتخر ساختی؛ آهن را در دستش نرم کردی و ساختن زره را به او آموختی؛ از گناهانش صرف نظر

قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي وَتَرْزُقْنِي مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَتُدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَكَيْدَ الكَاذِبِينَ وَمَكْرَ المَاكِرِينَ وَسَطَوَاتِ الفَرَاعِنَةِ الجَبَّارِينَ وَحَسَدَ الحَاسِدِينَ، يَا أَمَانَ الخَائِفِينَ وَجَارَ المُسْتَجِيرِينَ وَثِقَةَ الوَائِقِينَ وَذَرِيعَةَ المُؤْمِنِينَ وَرَجَاءَ المُتَوَكِّلِينَ وَمُعْتَمَدَ الصَّالِحِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنِّي بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الوَهَّابُ» فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤُهُ وَأَطَعْتَ لَهُ الخَلْقَ وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ وَعَلَّمْتَهُ مَنَاطِقَ الطَّيْرِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الشَّيَاطِينَ مِن كُلِّ بِنَاءٍ وَعَوَاصٍ وَآخِرِينَ مُقَرَّبِينَ فِي الأَصْفَادِ، هَذَا عَطَاؤُكَ لِأَعْتَابِ غَيْرِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيباً يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُهْدِيَ لِي قَلْبِي وَتَجْمَعَ لِي لُبِّي وَتَكْفِيَنِي هَمِّي وَتُؤْمِنَ خَوْفِي وَتَفُكَّ أَسْرِي وَتُشَدَّ أَرْزِي وَتُمَهِّلَنِي وَتُنْفِسَنِي وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتَسْمَعَ نِدَائِي وَلَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَا أُوَايَ وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَهَمِّي وَأَنْ تُوسِعَ عَلَيَّ رِزْقِي وَتُحَسِّنَ خُلُقِي وَتُعَيِّقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فَإِنَّكَ سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤَمَّلِي.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَيُّوبُ لَمَّا حَلَّ بِهِ البَلَاءُ بَعْدَ الصِّحَّةِ وَنَزَلَ السُّقْمُ مِنْهُ مَنَزِلَ العَافِيَةِ وَالضِّيْقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةُ فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ وَرَدَّدَتْ عَلَيْهِ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ حِينَ نَادَاكَ دَاعِيًا لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاغِبًا لِفَضْلِكَ شَاكِيًا إِلَيْكَ «رَبِّي إِنِّي مَسَّنِيَ الضَّرُّ وَأَنْتَ

نمودی و به خود نزدیکش ساختی. اکنون — ای خداوند از همه به من نزدیکتر! — بر محمد و آل محمد درود فرست و همه کارها و مشکلاتم را مسخر من قرار ده؛ مقدرات مرا آسان ساز؛ گناهانم را بیامرز و مرا به عبادت خود موفق گردان و ظلم ظالمان، نیرنگ نیرنگبازان، قدرت فرعونیان و حسد حسودان را از من دور فرما، ای امان دهنده ترسیدگان و پناه دهنده پناه خواهان و تکیه گاه اطمینان دارندگان و امید متوکلان و امید دهنده به نیکوکاران! ای مهربانترین مهربانان!

خداوندا! ترا به نامی می خوانم که بنده و پیامبرت سلیمان بن داود علیهما السلام در زیر سایه آن نام با تو مناجات کرد و «گفت: پروردگارا! مرا بیامرز و سلطنتی به من عطا فرما که پس از من به کسی اعطاء نکنی» و تو خواسته او را اجابت فرمودی و خلائق را مسخر او قرار دادی، باد را تحت فرمان وی گذاشتی، زبان پرندگان [بلکه همه موجودات] را به او آموختی و شیاطین را مطیع او قرار دادی که وی برخی از آنان را به ساختن کاخهای مرتفع و باغها مأمور کرد و گروهی را در دریاها به غواصی واداشت و جمعی را که موجب گمراهی خلق بودند در غل و زنجیر به بند کشید — خداوندا! — این همه بخشندگی مختص ذات پاک تو است و دیگری را چنین بخشایشی نیست. تو او را به خود نزدیک ساختی — ای نزدیک به من! — از تومی خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و عقل و خردم را بارورسازی، مشکلاتم را جوابگو باشی، ترس و هراس را از دلم بیرون کنی، از قید و بند نجاتم دهی، پایمردی و توانائی ام عطا کنی، مهلتم دهی و پریشانی ام را رفع و دعایم را اجابت فرمائی، ناله ام را بشنوی و جایگاه مرا در دوزخ قرار ندهی، دنیا را خواسته بزرگ من نسازی، روزی مرا زیاد فرمائی، حُسن و خوبی رفتار به من عنایت کنی و مرا از آتش خلاص فرمائی. تو سرور و مولای منی و به لطف تو امید و آرزو بسته ام.

بار خدایا! ترا به نامی می خوانم که ایوب علیه السلام ترا بدان خواند، آنگاه که بلا بر او نازل شد و بیماری جای سلامتی را گرفت و تنگی معیشت جای نعمتهای فراوان را پر کرد. او ترا خواند و تو مشکلاتش را حل نمودی و خاندانش را به او بازگرداندی و شمار آنان را دو چندان قرار دادی. ایوب به درگاه تو دست نیاز برداشته، با امید به فضل و کرمات شکایت خویش را چنین عرضه

أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^١ فَاسْتَجَبْتَ دُعَائِهِ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَأَخْوَانِي فِيكَ عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً مُسْتَغْنِيَةً عَنِ الْأَطِبَّاءِ وَالْأَدْوِيَةِ وَتَجْعَلَهَا شِعَارِي وَدِنَارِي وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَتَصْرِي وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُؤُسُّ بْنُ مَتَّى فِي بَطْنِ الْحَوْتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ «أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^٢ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَائِهِ وَأَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ بَقُطِينٍ وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي وَتُدَارِكَنِي بِعَفْوِكَ فَقَدْ عَرَفْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي وَرَكِبْتَنِي مَظَالِمُ كَثِيرَةٌ لِيَخْلُقَكَ عَلَيَّ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَسْتُرْنِي مِنْهُمْ وَأَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ وَأَجْعَلْنِي مِنْ عُتَقَائِكَ وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ فِي مَقَامِي هَذَا بِمَنِّكَ يَا مَنَّانُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَبَدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ فَأَخْبَا بِهِ الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ بِهِ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ وَخَلَقَ مِنَ الظُّلْمِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا خُلِقْتُ لَهُ وَلَا تُشْغَلْنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ لِي

١. انبياء/٨٣.

٢. انبياء/٨٧.

داشت: «خداوندا! بیچارگی به من روی آورده و همانا گذشت تو از همه بالا تر است.» در آن زمان دعایش را اجابت فرمودی و گرفتاری اش را مرتفع ساختی و وی را به خود نزدیک گرداندی. ای خدای از همه نزدیکتر! ترا می‌خوانم که بر محمد و آل او درود فرستی و گرفتاریهایم را برطرف نمائی و عافیت همه جانبه در مورد خود و خاندان و فرزندان و برادران به من لطف فرمائی که برای همیشه برای من و خانواده‌ام باقی بماند، آنچنان عافیتی که مرا از طیب بی‌نیاز سازد، و مرا از اعضاء و جوارحم بهره‌مند فرما به طوری که تا آخرین لحظه زندگی من، باشند. آری، تو بر همه چیز قادر و توانائی.

بار خدایا! ترا به نامی می‌خوانم که یونس بن متی^۱ در شکم ماهی ترا به آن خواند. آنگاه که در تاریکیهای سه گانه بانگ برآورد که «خدائی جز ذات پاک تو نیست و من از ستمکارانم [که به نفس خود ظلم کردم]» اما تو از همه رحم کننده‌تری. پس دعای او را اجابت نمودی و او به خواسته اش رسید و برای وی درخت کدور رویاندی و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی و به خود نزدیکش ساختی. اینک ای نزدیکتر از من به من! از پیشگاه مقدست استدعا می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را مستجاب فرمائی و عفو و بخشش خود را شامل حال من نمائی، زیرا من خود را در دریای ظلم به نفس غرق نموده و دربارهٔ بندگان تو ستم کرده‌ام. [خداوندا!] بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا در زیر سایهٔ ولایت آنها نگاهداری فرما و از آتش دوزخ آزاد ساز. در همین لحظه مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده و بر من منت گذار، ای خداوند کریم!

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت عیسی بن مریم علیهما السلام ترا به آن خواند، هنگامی که او را به وسیلهٔ روح القدس تأیید فرمودی و قدرت سخن گفتن در گهواره به او لطف کردی و مردگان را به وسیلهٔ او زنده ساختی و بیماریهای سخت مانند پستی و خوره را به دست او شفا مرحمت نمودی. او مجسمهٔ پرنندگان را از خاک می‌ساخت و بر آن می‌دمید و به فرمان تو روح در آن کالبد پیدا می‌شد. تو او را به خود نزدیک ساختی. ای از همه نزدیکتر به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من آرامش فکر و

وَتَجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ وَزُهَادِكَ فِي الدُّنْيَا وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ وَهَمَاتَهُ بِهَا
مَعَ كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمُ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ أَحِصُ بْنُ بَرِّخِيَا عَلَى عَرْشِ
مَلَكَةِ سَبَا فَكَانَ أَقَلَّ مِنْ لَحْظَةِ الظَّرْفِ حَتَّى كَانَ مَصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ
فَلَمَّا رَأَتْهُ قِيلَ أَهْكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ فَاسْتَجَبَتْ دُعَاؤُهُ وَكُنْتُ
مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتُكْفِرَ عَنِّي
سَيِّئَاتِي وَتَقْبَلَ مِنِّي حَسَنَاتِي وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ وَتُغْنِيَ فَقْرِي
وَتَجْبُرَ كَسْرِي وَتُحْيِيَ فُؤَادِي بِذِكْرِكَ وَتُحْيِيَنِي فِي عَافِيَةٍ وَتُمِيتَنِي فِي
عَافِيَةٍ.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكْرِيَّا
عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ دَاعِيًا لَكَ رَاغِبًا إِلَيْكَ رَاجِعًا لِفَضْلِكَ فَقَامَ
فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً خَفِيًّا فَقَالَ رَبِّ «هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا
يَرِثْنِي وَيَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا» فَوَهَبَتْ لَهُ يَحْيَى
وَاسْتَجَبَتْ لَهُ دُعَاؤُهُ وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ وَتَجْعَلَنِي وَإِيَاهُمْ
مُؤْمِنِينَ لَكَ رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ رَاجِعِينَ لِمَا عِنْدَكَ
أَيْسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَوَةً طَيِّبَةً وَتُمِيتَنَا مَيْتَةً طَيِّبَةً إِنَّكَ
فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ.

خیال عنایت فرمائی تا آنچه را که به خاطرش آفریده شده‌ام، خوب انجام دهم و مرا بدانچه خود عهده دار آن شده‌ای [مانند روزی و غیره] تکلیف مفرما. مرا بنده خویش و به دنیا بی‌علاقه قرار ده تا از کسانی باشم که به عافیت کامل دست پیدا کرده‌اند و مرا مورد الطاف خودت قرار داده باشی، ای خدای کریم و ای بلند مقام و ای آفریدگار بزرگ!

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که آصف بن برخیا برای انتقال تخت پادشاهی ملکه سبا به وسیله آن نام به پیشگاه مقدست روی آورد و در زمانی کوتاه‌تر از یک چشم برهم زدن، تخت در برابرشان قرار گرفت به طوری که ملکه سبا چون آن را بدید گفت «گویا همان است». [خداوندا!] احتیاج او را برآوردی و او را به خود نزدیک ساختی. اینک ای نزدیکترین کس به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و از بدیهایم چشم پوشی فرمائی. [خدایا!] کارهای خوبم را پذیر، توبه‌ام را قبول فرما و رحمتت را شامل حالم گردان، احتیاجاتم را خود کفایت فرما، کمبودهایم را جبران کن، دلم را به یاد خودت زنده نگاه دار و زندگی و مرگم را همراه با عافیت قرار ده.

پروردگارا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده و پیامبرت زکریا علیه السلام ذات پاک تو را به آن خواند و دست نیاز به سویت بلند نمود و در محراب عبادت با ندائی آرام ترا خواند و عرضه داشت: «خداوندا! به من فرزندی عطا فرما که وارث من و وارث آل یعقوب باشد و او را راضی قرار بده». [خداوندا!] تویحیی را به او لطف فرمودی و دعایش را مستجاب کردی و او را به خود نزدیک ساختی. ای نزدیک به من! ترا به همان نام می‌خوانم و تقاضایم این است که بر محمد و آل محمد درود فرستی و فرزندانم را برای من نگاه داری و مرا از آنان بهره‌مند سازی و من و فرزندانم را به زیوربندگی مزین فرمائی و خلاصه بنده توباشم. [خدایا!] ما را به نعمت‌های اخروی علاقمند فرما و از عذابهای آن در هراس دار؛ امید ما به توباشد و از غیر تو منقطع باشیم تا اینکه به زندگی واقعی برسیم. آری، زندگی ما پاکیزه و مرگ ما هم پاکیزه باشد؛ همانا ذات پاکت آنچه اراده فرماید انجام می‌دهد.

إلهي وأسألك بالاسم الذي سألتك به امرأة فرعون إذ قالت «ربِّ
ابن لي عندك بيتاً في الجنة ونجني من فرعون وعملي ونجني من
القوم الظالمين»^١ فاستجبت لها دعائها وكنت منها قريباً يا قريب أن
تصلي على محمد وآل محمد وأن تقر عيني بالنظر إلى جنتك
ووجهك الكريم وأولياك وتقرجني بمحمد وآله وتونسني به وآله و
بمصاحبتهم ومرافقتهم وتمكن لي فيها وتنجيني من النار وما أعد
لأهلها من السلاسل والأغلال والشدائد والأنكال وأنواع العذاب
بعفوك يا كريم.

إلهي وأسألك باسمك الذي دعيتك به عبدك
وصديقتك مريم البتول وأُم المسيح الرسول عليهما السلام إذ قلت
«ومريم ابنة عمران التي آخضت فرجها فنفضنا فيه من روحنا
وصدقت بكلمات ربها وكنهه وكانت من القانتين»^٢ فاستجبت لها
دعائها وكنت منها قريباً يا قريب أن تصلي على محمد وآل محمد
وأن تخصصني بحضنك الحصين وتخرجني بحجابك المنيع وتخرزني
بحرزك الوثيق وتكفيني بكفائتك الكافية من شر كل طاغ وظلم
كل باغ ومكر كل ماكر وغدر كل غادر وسخر كل ساحر وجور كل
سلطان جائر بمنعك يا منيع.

إلهي وأسألك بالاسم الذي دعاك به عبدك ونبيك وصفيك و
خيرتك من خلقك وأميتك على وحيك وبعيتك إلى بريتك و
رسولك إلى خلقك محمد خاصتك وخالصتك صلى الله عليه وآله

١. تحریم/١١.

٢. تحریم/١٢.

خداوندا! به نامی می‌خوانمت که همسرفرعون ترابه آن خواند، هنگامی که عرض کرد: «خداوندا! برای من در بهشت کاخی بنا کن و مرا از چنگال فرعون نجات ده و مرا از شر این قوم جفاکار رهائی بخش». تو خواسته‌اش را برآوردی و او را به خویش نزدیک ساختی. اینک ای خدای نزدیک به من! از تو می‌خواهم که بر محمد و آل او درود فرستی و دیدگان مرا با دیدن بهشت روشنی بخشی؛ زیارت چهره کریمانه اولیای خود را نصیبم فرمائی؛ مرا همدم و همنشین محمد و آل محمد قرار دهی؛ در پناه این خاندان مسرورم نمائی؛ مرا در بهشت منزل دهی و از آنچه برای دوزخیان چون زنجیرهای گران، آهنهای گداخته، سختیهای فراوان و خواری ابدی و دیگر عذابها آماده فرموده‌ای مرا دور قرار دهی؛ البته با بخشایش و بزرگواری تو، ای کریم!

خداوندا! به نامی که مریم بتول، بنده راستگو و درست کردارت، ترا بدان خواند که در قرآن فرموده‌ای: «مریم دختر عمران بانوئی که خود را پاک نگاه داشت و ما از روح خود در او دمیدیم. او کلمات و کتب پروردگارش را باور داشت و از فرمانبرداران بود». پس دعایش را مستجاب نمودی و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون — ای خدای نزدیک به من! — به همان نام تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در قلعه محکم خود نگاهداری فرمائی و در پرده‌های شکوه و جلال مرا محفوظم داری و در پناهگاه خلل‌ناپذیر خود جایم دهی و از شر طغیانگر و ستم‌پیشه در امانم داری. نیرنگ نیرنگبازان و فریب‌فریبکاران را از من دور گردانی و در برابر سحر جادوگران و فرمانروایان گنه‌پیشه مرا کفایت فرمائی، به رفعت شأن تو ای والامقام!

خداوندا! ترا به نامی می‌خوانم که بنده پاکیزه و برگزیده‌ات و بهترین شخصیت میان بندگان و مخلوقات و آن که او را امین وحی خود قرار دادی و بر عموم مردم به رسالت مبعوث فرمودی، آن محمدی که (صلی الله علیه و آله و سلم) او را خالص و برگزیده برای خویش قرار دادی، پس دعای او را مستجاب فرمودی

وَسَلَّمَ فَاسْتَجَبْتَ دُعَاةَهُ وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ
 الْعُلْيَا وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ أَنْ
 تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً زَاكِيَةً طَيِّبَةً نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً
 كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارَكْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ
 عَلَيْهِمْ وَسَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ وَزِدَّهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُتِبَ زِيَادَةٌ
 مِنْ عِنْدِكَ وَاخْلُظْنِي بِهِمْ وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ وَأَحْشُرْنِي مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ
 حَتَّى تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ وَتُدْخِلْنِي فِي جُمَّلَتِهِمْ وَتَجْمَعَنِي وَإِيَّاهُمْ وَ
 تُفَرِّغَنِي بِهِمْ وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي وَتُبَلِّغَنِي آمَالِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَ
 آخِرَتِي وَمَخْيَايَ وَمَمَاتِي وَتُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ وَالسَّلَامَ وَ
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

إِلَهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافٍ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ
 فَأَعْطِيَهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَأَجِيبَهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ أَمْ هَلْ
 مِنْ رَاجٍ فَأَبْلِغَهُ رَجَاهُ؟ أَمْ هَلْ مِنْ مُوَمِّلٍ فَأَبْلِغَهُ أَمَلَهُ؟ هَا أَنَا سَائِلُكَ
 بِفِنَائِكَ وَمِسْكِيئِكَ بِبَابِكَ وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ وَفَقِيرُكَ بِبَابِكَ وَمُؤَمِّلُكَ

و به وسیله نیروهای نامرئی وی را مدد رساندی و دین مقدس اسلام را یاری کردی و آئین کفر را سرنگون و او را به خود نزدیک ساختی، اکنون ای پروردگار از همه چیز به من نزدیکتر [حتی از خودم به خودم]! — از پیشگاه مقدست تقاضا می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی، درودی که پاکیزه و در حال رشد و تکامل باشد و همان طوری که بر پدرشان ابراهیم و آل ابراهیم درود فرستادی، و برکات خود را بر آن حضرت و آل او ارزانی فرما همچنانکه بر ابراهیم و فرزندان او نازل فرمودی. [خداوندا!] مرا نیز از این الطاف بهره‌مند ساز و از جمله آنان محسوبم فرما و در زمره آنان محشورم کن تا اینکه از حوض کوثر سیراب شوم. [بار خدایا!] مرا در میان خاندان محمد و آل محمد قرار ده و با آن عزیزان همراهم فرما و چشمانم را به زیارت این دودمان پاک روشن کن. [خداوندا!] خواسته‌هایم را برآور و مرا به آرزوهایم در دو جهان نائل فرما. حیات و مرگ مرا آن گونه که می‌خواهی قرار ده [تا با ایمان زندگی کنم و با ایمان از دنیا بروم]. سلام مرا به خاندان عزیز نبوت برسان و پاسخ سلام مرا به من بازگردان. سلام و رحمت بی‌نهایت الهی بر این خاندان باد.

● خواننده گرامی! فرازهای بزرگی در این عبارات دیده می‌شود:

۱. رسالت عامه حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله بر همه مردم.

۲. خداوند او را برای خودش انتخاب و اختیار فرموده است.

۳. از خداوند متعال استدعا شده است که سلام دعا کننده را به آن حضرت ابلاغ فرماید.

۴. از پروردگار متعال تقاضا شده است که جواب سلام را گرفته، آن را به سلام کننده برگرداند.

خداوندا! منادی در نیمه‌های شب از جانب تو ندا می‌کند که: آیا سؤال کننده‌ای هست تا خواهش او را برآورده کنم؟ آیا دعا کننده‌ای هست تا دعای او را اجابت کنم؟ آیا گنهکاری هست تا در سایه توبه، گناهان او را ببخشم؟ آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ اینک — ای خداوند بزرگ! — من دست نیاز و گدائی به در خانه تو آورده‌ام و مسکینی هستم که در خانه ترا می‌کوبم؛ درمانده‌ای هستم که بر در خانه ات ایستاده‌ام؛ مستمندی هستم که به در خانه ات

بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلَكَ وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ وَأُوقِلُ عَفْوَكَ وَالْتِمِسُ
عُفْرَانِكَ فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعْطِنِي سُؤْلِي وَبَلِّغْنِي أَمْلِي
وَاجْبُرْ فَقْرِي وَأَرْحَمْ عِضْيَانِي وَأَعْفُ عَن ذُنُوبِي وَفُكِّ رَقَبَتِي مِن
الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبْتَنِي وَقَوِّضْ عَفْوَ وَاعِزِّمْ مَسْكِنَتِي وَتَبِّتْ وَظَانِي
وَاعْفِرْ جُرْمِي وَأَنْعِمْ بَالِي وَأَكْثِرْ مِن الْحَلَالِ مَالِي وَخِرْلِي فِي جَمِيعِ
أُمُورِي وَأَفْعَالِي وَرَضِّنِي بِهَا وَأَرْحَمْنِي وَوَالِدِي وَمَا وَلَدَا مِن الْمُؤْمِنِينَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ إِنَّكَ سَمِيعُ
الدَّعَوَاتِ وَاللَّهِمْنِي مِن بَرِّهِمَا مَا اسْتَحِقُّ بِهِ ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ وَتَقَبَّلْ
حَسَنَاتِهِمَا وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا وَاجْزِهِمَا بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابَكَ وَالْجَنَّةَ.

إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَهِيناً أَنَّكَ لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا
تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ وَلَا تَغْشَاهُ وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هَوْلَاءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ وَ
بَغْيِهِمْ عَلَيْنَا وَتَعَدِّيهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ بَلْ ظُلماً وَعُدْوَاناً وَزوراً وَ
بُهتاناً فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَا بُدَّ مِنْ بُلُوغِهَا أَوْ كَتَبْتَ لَهُمْ آجَلاً
يَبَالُغُونَهَا فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ وَعَدُّكَ الصِّدْقُ «يَمْنُحُوا اللَّهَ مَا يَشَاءُ
وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ». ۱. فَإِنَّا أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَا سَأَلْتَ بِهِ أَنْبِيَائَكَ
الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلَكَ وَأَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ
وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ أَنْ تَمْنُحَ مِنْ أَمِّ الْكِتَابِ ذَلِكَ وَتَكْتُبَ لَهُمْ
الِاضْمِحْلَالَ وَالْمَخِيقَ حَتَّى تُقَرِّبَ آجَالَهُمْ وَتَقْضِيَ مُدَّتَهُمْ وَتَذْهَبَ
آيَاتُهُمْ وَتُسَبِّرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ وَتُسَلِّطَ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ حَتَّى

روی آورده‌ام؛ آرزومندی هستم که به امید رسیدن به آرزوی خود به درگاهت رو کرده‌ام. به رحمتت امیدوار و به آمرزشت نیازمندم. پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و خواسته‌ام را برآور و مرا به آرزویم برسان. فقر و تهیدستی مرا جبران فرما، بر سرکشی من رحم کن و از گناهانم درگذر؛ از ستمهایی که بر بندگانت روا داشتم نجاتم ده؛ ناتوانی ام را به قدرت و بیچارگی ام را به عزت مبدل ساز؛ مرا ثابت قدم بدار و لغزشهایم را ببخش؛ کارم را اصلاح فرما؛ ثروت فراوان و حلال نصیبم کن؛ در هر کاری برایم اراده خیر فرما و مرا از آن خشنود ساز. [خداوندا!] من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از مردان و زنان مؤمن و مردان و زنان مسلمان، اعم از زنده و مرده، همگی را از رحمت بی‌نهایت خود بهره‌مند فرما؛ همانا ذات پاک تو دعا را می‌شنوی و اجابت می‌فرمائی. [خدایا!] راه خدمت و نیکوکاری نسبت به پدر و مادرم را به من بنما تا شایسته قرب تو و بهشت برین گردم. اعمال خوب پدر و مادرم را بپذیر و گناهان آنان را بیامرز. پاداش آندورا بالا تر از آنچه عمل کردند ثواب و بهشت خودت قرار ده.

خداوندا! یقین دارم که امر به ظلم و ستم نمی‌کنی و بدان راضی و خشنود نیستی؛ به ظلم گرایش نداری و بیدادگری را دوست نمی‌داری؛ کسی را گرفتار تاریکی نمی‌کنی و می‌دانی که گروه ستمگران تا چه اندازه بر بندگانت ستم روا داشته‌اند. بدانان جفا کرده و بدون هیچ حقی به آنها تعدی نموده‌اند. این نابکاران، تنها پایگاهشان ظلم و کینه‌توزی و کلمات ناپسند و بیهتان است. حال اگر برای این دسته، زمانی را مقرر فرموده‌ای که باید به پایان برسد یا اجل آنان را معین کرده‌ای که باید بدان دست یابند. از آن طرف خود در قرآن سخنی گفته‌ای که حق است و وعده فرموده‌ای که حتماً باید انجام شود و آن قابل انکار نیست: «خداوند آنچه را که بخواهد محو می‌کند و آنچه را که اراده فرماید ثابت می‌دارد و نزد اوست ام الكتاب» - اینک ترا به چیزی می‌خوانم که همه انبیاء و فرستادگان و بندگان صالح و ملائکه مقرب، ترا بدان خواندند، که این مهلت را برای این دسته از ام الكتاب محو فرمائی و به جای آن نابودی آنان را مقرر نمائی تا اینکه مدت زندگی آنان خاتمه یافته، مرگشان فرا رسد، بدکاران آنها را هلاک فرمائی و بعضی از آنها را بر برخی دیگر مسلط سازی تا اینکه احدی از آنان باقی نماند و

لَا يَبْقَى مِنْهُمْ أَحَدٌ وَلَا تُنَجَّى مِنْهُمْ أَحَدًا وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ وَتَكِلَ سِلَاحَهُمْ وَتَبِيدَ سَمْلَهُمْ وَتَقَطِّعَ آجَالَهُمْ وَتَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ وَتُظْهِرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ وَنَقَضُوا عَهْدَكَ وَهَتَّكُوا حَرِيْمَكَ وَأَتَوْا عَلِيَّ مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا فَصَلِّ عَلِيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأُذِّنْ لِجَمْعِهِمْ بِالشَّنَاتِ وَلِحَيِّهِمْ بِالْمَتَمَاتِ وَإِلْزَاجِهِمْ بِالنَّهَبَاتِ وَخَلِصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ وَأَقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنْ هَضْمِهِمْ وَظَهْرَ أَرْضِكَ مِنْهُمْ وَأُذِّنْ بِحَصْدِ نَبَاتِهِمْ وَاسْتِصَالِ شَاقِيَتِهِمْ وَشَّنَاتِ سَمْلِهِمْ وَهَدْمِ بُيَانِهِمْ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ وَرَبِّي وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ وَادْعُوكَ بِمَادَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَنَبِيَّكَ وَصَفِيَّكَ مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ حِينَ قَالَا دَاعِيَيْنِ لَكَ رَاجِيَيْنِ لِفَضْلِكَ «رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالِهِمْ وَأَشْدُدْ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ» فَمَنْنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ فَقُلْتَ.

اللَّهُمَّ رَبِّ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَطْمِيسَ عَلَيَّ أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ وَأَنْ تَشْدُدَ عَلَيَّ قُلُوبَهُمْ وَأَنْ تُخَيِّفَ بِهِمْ بَرَكَ وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي بَحْرِكَ فَإِنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِمَا لَكَ وَأَرِ الْخَلْقَ قُدْرَتَكَ فِيهِمْ

هیچ یک از آنان را از این سختیها نجات ندهی. [خدایا!] جمعیت آنان را از هم پیاش و اسلحه‌شان را از کار بینداز؛ وحدتشان را به تفرقه مبدل کن و مرگشان را برسان؛ عمرشان را کوتاه کن؛ گامها و قدمهایشان را بلغزان؛ شهرهای خود را از لوٹ وجودشان پاک کن و بندگانت را بر آنان پیروز گردان. آری، اینها سنتهای ترا دگرگون ساختند، پیمان ترا شکستند، هتک احترام تو نمودند، آنچه را نهی فرموده بودی بجای آوردند، به سرکشی و گردنفرازی پرداختند و در گمراهی آشکار غوطه ور شدند. [خداوندا!] بر محمد و آل محمد درود فرست و جمع این کافران و بیدادگران را پریشان ساز و مرگ را بر افراد زنده آنان مسلط فرما، همسران آنها را بدنام کن، بندگانت را از جفای آنان نجات ده، دست ایشان را از چپاول و غارت اموال مردم کوتاه نما، زمین را از لوٹ وجودشان پاک فرما، زراعتشان را نابود ساز — بنیانشان را از ریشه برکن — پیوندشان را مبدل به جدائی فرما و پیکرشان را درهم شکن، ای پروردگار صاحب جلال و کرم!

ای معبود من و همه مخلوقات، و ای پروردگار من و همه موجودات! به درگاهت دست نیاز دراز می‌کنم و از تومی‌خواهم که آنچه را که به دو بنده و پیامبر و برگزیده‌ات، موسی و هارون که البته با دلی پر از امید ترا خواندند، عطا فرمودی و در دعایشان چنین عرضه داشتند: «ای پروردگار ما! توفرعون و عمالش را از زینتها و ثروت دنیا برخوردار فرموده‌ای که بدین وسیله بندگان تورا از راه تو منحرف کنند. خداوندا! دارائی آنها را نابود فرما و دل‌هایشان را سخت بر بند که اینان ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند». پس تو ای خدا! بر آندو (موسی و هارون علیهما السلام) منت گذاشته، دعایشان را مستجاب فرمودی و به گوش جان شنیدند که: «دعایتان اجابت شد. استقامت کنید و راه نادانان را نپوئید.» [آری، به همان نام ترا می‌خوانم] که بر محمد و آل او درود فرستاده، اموال این ستمکاران را نابود کن و دل‌هایشان را سخت بر بند. آنان را در دل خشکی فرو بر و برکاتت را از آنها بگیر و آنها را در دریاها غرق کن، زیرا آسمان و زمین و هر چه در آن هست ملک تو است. [خداوندا!] قدرت زوال‌ناپذیر و سیطره عظیم خود را به مخلوقات بنما و این تقاضا

وَبَطَشْتِكَ عَلَيْهِمْ فَأَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ وَعَجِّلْ لَهُمْ ذَلِكَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ
وَيَا خَيْرَ مَنْ دُعِيَ وَيَا خَيْرَ مَنْ تَدَلَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ وَرَفَعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي وَدُعِيَ
بِالْأَلْسِنِ وَشَخَّصَتْ إِلَيْهِ الْأَبْصَارُ وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ وَنَقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ
وَتُحَوِّكُم إِلَيْهِ فِي الْأَعْمَالِ.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْهَائِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ بِهَيْئِ بَلِّ
أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ
تُرْكِبَهُمْ عَلَيَّ أُمَّ رُؤُسِهِمْ فِي زُبَيْتِهِمْ وَتُرْدِيَهُمْ فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ وَأَرْسِهِمْ
بِحَجَرِهِمْ وَذَكِيهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ وَأَكْبِيَهُمْ عَلَيَّ مَنَاحِرِهِمْ وَأَخْتَفِيَهُمْ بِوَتْرِهِمْ
وَأَرْذُدْ كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ وَأَوْبِقَهُمْ بِسَدَامَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَخْدِلُوا
وَيَتَضَاءَلُوا بَعْدَ نِخْوَتِهِمْ، وَيَنْقِمِعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ أَذِلَاءَ مَأْسُورِينَ فِي
رَبْقِ حَبَائِلِهِمُ الَّتِي كَانُوا يُؤْمَلُونَ أَنْ يَرَوْنَ فِيهَا وَثْرَتَنَا قُدْرَتِكَ فِيهِمْ
وَسُلْطَانِكَ عَلَيْهِمْ وَتَأْخُذْهُمْ أَخَذَ الْقُرَى وَهِيَ ظَالِمَةٌ إِنْ أَخَذَكَ الْآلِيمُ
الشَّدِيدُ وَتَأْخُذْهُمْ يَا رَبِّ أَخَذَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ فَإِنَّكَ عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ شَدِيدُ
العِقَابِ شَدِيدُ المِحَالِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ إِبْرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي
أَعَدَدْتَهُ لِلظَّالِمِينَ مِنْ أُمَّتَالِهِمْ وَالظَّالِمِينَ مِنْ نُظْرَائِهِمْ وَأَرْقِعْ حِلْمَكَ عَنْهُمْ
وَاحْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ وَأْمُرْ فِي تَعْجِيلِ ذَلِكَ
عَلَيْهِمْ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ فَإِنَّكَ شَاهِدُ كُلِّ نَجْوَى وَعَالِمُ

را درباره آنان عملی فرما و هر چه زودتر عذاب ستمگران را برسان، ای بهتر از همه سؤال شوندگان، و ای از همه بهتر و بالا تر در اجابت دعا، و ای بهترین کسی که همه موجودات در مقابل عظمت او سر تعظیم فرود می آورند و دست نیاز به سوی او دراز می کنند و با زبان خود او را می خوانند و همه چشمها به سوی او دوخته شده و دلها به سوی او متوجه است و حرکتها به سوی او منتهی می شود و قضاوت در اعمال را به سوی او می برند!

خداوندا! من بنده تو هستم و ترا با نام گرانقدرت می خوانم و می دانم که همه نامهای تو ارزنده و حیاتبخش اند. پس ترا با همه نامهایت می خوانم و عرضه می دارم که بر محمد و آل محمد درود بفرست و این فرومایگان را در دامهایی که [برای مردم] گسترده اند گرفتار فرما و آنان را در گودالهایی که [برای مردم] کنده اند سرنگون ساز. با تیرهای خودشان آنان را از پای در آور؛ با کاردهائی که خود آماده نموده اند جانشان را بگیر؛ دماغ پر از غرورشان را به خاک مذلت بمال؛ گلویشان را بفشار؛ نیرنگشان را به خودشان باز گردان و ندامتشان را سبب هلاکشان قرار ده تا پس از گردنکشیها خوار و ضعیف شوند و پس از مهلتی که به آنها داده شد ذلیل و زبون گردند و در نهایت پستی اسیر همان بندهائی شوند که آرزو داشتند ما را در آن بندها ببینند. [خداوندا!] برای همیشه حکومت زوال ناپذیرت را درباره آنان به ما بنما و چنانکه قبل از آنها نیروی ستمگران را درهم شکستی، این گروه را نیز به آنها ملحق فرما و تمام قدرت وجودی را از آنها بگیر. آری، عذاب و کيفرتودردناک و کشنده است، زیرا نیرو و قدرتت بینهایت است.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و عذابی را که برای ستمگران و گردنکشان و امثال آنان فراهم فرموده ای هر چه زودتر بر این دسته از ظالمان نازل کن. حلم و بردباری خود را از آنان بردار و خشم و غضب خود را که هیچ قدرتی توان تحمل آن را ندارد بر آنان مسلط فرما و فرمان ده که این عذاب با شتاب بیشتر آنان را در کام خود فرو برد؛ فرمانی که هرگز کسی آن را نادیده نخواهد گرفت و هرگز تأخیری در آن روی نخواهد داد. همانا ذات پاکت گواه بر هر گفتار نهانی است و توبه آنچه در دلها می گذرد آگاهی و هیچ یک از کارهای بندگان بر تو

كُلِّ فَحْوَى وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَافِيَةٌ وَلَا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِتَةٌ وَأَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ.

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ بِمَا نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي وَسَأَلَكَ بِهِ نُوحٌ إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ «وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ» أَجَلُ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ نِعْمَ الْمُسْجِبُ وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ وَنِعْمَ الْمُعْطَى، أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلِكَ وَلَا تَرُدُّ رَاجِيكَ وَلَا تَنْظِرُ الْمُسَلِّحَ عَنْ بَابِكَ وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ وَلَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ وَلَا تَتَّبِرُ بِكَثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ وَلَا بِقَضَائِهَا لَهُمْ فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَسْرَعِ لَحْظٍ مِنْ لَمَحِ الظَّرْفِ وَأَخْفَى عَلَيْكَ وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ وَحَاجَتِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي فَقَدْ جُنْتُكَ تَقِيلَ الظَّهْرَ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ سَيِّئَاتِي وَرَكِبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي وَلَا يُخَلِّصُنِي مِنْهَا غَيْرُكَ وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ فَاغْنُ يَا سَيِّدِي كَثْرَةَ سَيِّئَاتِي بِسِيرِ غَبْرَاتِي بَلْ بِقِسَاوَةِ قَلْبِي وَجُمُودِ عَيْنِي لِأَبْلِ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَأَنَا شَيْءٌ فَلْتَسَعْنِي رَحْمَتُكَ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

لَا تَمْتَحِنِّي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا بِشَيْءٍ مِنَ الْمِحَنِ وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي بِذُنُوبِي وَعَجِّلْ خَلَاصِي مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَادْفَعْ عَنِّي كُلَّ ظُلْمٍ وَلَا تَهْتِكْ سِتْرِي وَلَا تَفْضَحْنِي يَوْمَ جَمْعِكَ الْخَلَائِقَ لِلْحِسَابِ يَا جَزِيلَ الْعَطَاءِ وَالثَّوَابِ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

پوشیده نمی ماند و اعمال خیانت بار آنان از تو پنهان نخواهد بود، زیرا تو بر عالم غیب و آنچه در قلب و جان آفریده شدگان می گذرد، آگاهی.

خداوندا! از پیشگاه مقدست می خواهم و ترا به نامی قسم می دهم که آقا و مولای من نوح پیامبر ترا خواند و در قرآنت از زبان نوح چنین فرموده ای: «به تحقیق، نوح ما را خواند و نیکو جوابش دادیم». آری، ای خداوند یکتا و ای آفریدگار من! تو پاسخگوئی نیکو و بهترین کسی هستی که به درگاهت دست نیاز می آورند و ترا می خوانند و به آنها عطا می کنی. تو هرگز گدای در خانه ات را ناامید نمی کنی و دعای آرزومندان بارگاه با عظمتت را مستجاب می فرمائی. کسی که در حاجتش اصرار ورزد او را نمی رانی و کسی که به درگاهت دست نیاز آورد او را رد نمی کنی. فزونی نیاز حاجتمندان ترا آزرده نمی کند و بر آوردن خواسته ها بر تو سنگین نمی آید. بر آوردن حوائج تمام نیازمندان برای تو از یک چشم برهم زدن آسانتر و از یک بال مگس سهلتر خواهد بود. اینک حاجت من — ای سید و مولای بزرگوارم! — این است که بر محمد و آل محمد درود فرستاده، گناهانم را بیامری. من با بار سنگین گناه به سوی تو آمده ام، آن هم با گناهان آشکار، و درباره بندگانت مظالمی مرتکب شده ام که غیر از ذات پاک تو دیگری توان جبران آن را ندارد و نیز قدرتمندی غیر از تو قادر بر انجام آن نیست و جز تو کسی توان نجات مرا ندارد و ذات پاک تست که همه چیز را در اختیار دارد. اینک — ای مولای من! — گناهان سنگین مرا در برابر ریختن چند قطره اشک در مقابل آستان کبریائی ات محو و نابود کن. چه کنم که قلبم تیره و چشمانم خشکیده است؛ بلکه از باب رحمت و اوسعۀ تو که همه چیز را فرا گرفته است و من هم یکی از چیزها (اشیاء) هستم رحمت بینهایتت شامل حالم گردد، ای مهربانترین مهربانان!

مرا در این دنیا آزمایش مکن. آن کس را که رحم ندارد بر من مسلط مفرما. به خاطر گناهانم مرا هلاک نکن. مرا از همه بدیها نجات بده. همه ستمها را از من دور کن. پرده از روی بدیهایم عقب مزن و در روز حساب در میان مردم رسوایم نکن. ای کسی که بخشش و عطای تو قطعی است! از تو تمتا دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا مانند نیکبختان زنده کنی و مانند شهیدان

مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُحْيِيَنِي حَيَوَةَ السُّعْدَاءِ وَتَمِيَّتِي مَيِّتَةَ الشُّهَدَاءِ وَتَقْبَلَنِي
قَبُولَ الْآوِدَاءِ وَتَحْفَظَنِي فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الدِّنْيَةِ مِنْ شَرِّ سَلَاطِينِهَا وَ
فُجَّارِهَا وَشَرَارِهَا وَمُحِبِّيِّهَا وَالْعَامِلِينَ لَهَا وَمَا فِيهَا وَفِي شَرِّ ظُلْمَاتِهَا
وَحُسَادِهَا وَبَاغِي الشِّرْكِ فِيهَا حَتَّى تَكْفِيَنِي مَكْرَ الْمَكْرَةِ وَتَقْفَأَ عَنِّي
أَعْيُنَ الْكُفْرَةِ وَتُنْفِجَ عَنِّي أَلْسُنَ الْفَجْرَةِ وَتَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي الظُّلْمَةِ
وَتُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ وَتَمِيَّتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ وَتَشْغَلَهُمْ بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ
وَأَفْسُدَنِيهِمْ وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ وَحِرْزِكَ وَ
سُلْطَانِكَ وَحِجَابِكَ وَكَتْفِكَ وَعِيَادِكَ وَجَارِكَ وَمِنْ جَارِ السُّوءِ وَجَلِيسِ
السُّوءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِنَّ وَلِيَّيَ اللهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ
وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.

اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ وَبِكَ أَلُوذُ وَلَكَ أَعْبُدُ وَإِلَيْكَ أَرْجُو وَبِكَ أَسْتَعِينُ وَبِكَ
أَسْتَكْفِي وَبِكَ أَسْتَعِيثُ وَبِكَ أَسْتَنْقِذُ وَمِنْكَ أَسْأَلُ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تُرَدَّنِي إِلَّا بِدَنْبٍ مَغْفُورٍ وَسَعِيٍّ مَشْكُورٍ وَتِجَارَةٍ لَنْ
تَبُورَ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ
التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ.

إِلَهِي وَقَدْ أَظَلْتُ دُعَائِي وَكَثُرَتْ خِطَابِي وَضِيقُ صَدْرِي خَدَانِي عَلَيَّ
ذَلِكَ كُلِّهِ وَحَمَلَنِي عَلَيْهِ عِلْمًا مِنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي
الْعَجِينِ بَلْ يَكْفِيكَ عَزْمُ إِرَادَةٍ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَلسَانِ
صَادِقٍ يَا رَبِّ فَتَكُونُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ
قَلْبِي فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُفَرِّقَ دُعَائِي
بِإِلْجَابِهِ مِنْكَ وَتُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتُهُ فِيكَ مِنْكَ مِنْكَ وَطَوْلًا وَقُوَّةً وَخَوْلًا لَا

بمیرانی. آنچه‌انکه دوستان خودت را می‌پذیری مرا نیز بپذیر و در این دنیای بی ارزش مرا از شر پادشاهان و فسادورزان و دیوسیرتان و دنیاطلبان و کارگزاران آن در امان خودت بدار و از شر گردنفرزان و حسودان و مشرکان بدرفتار نگهبانم باش تا در برابر نیرنگ فریبکاران مرا کفایت کنی. چشم کافران را درآور و از دیدن من آنان را محروم فرما. زبان نابکاران را در مورد من گنگ ساز. دست ستم پیشگان را از دراز شدن به طرف من کوتاه گردان و مرا از مکرشان در امان بدار. آنها را با همان خشم و کینه‌ای که دارند بمیران. گوشها و چشمها و دل‌هایشان را به خودشان مشغول کن و مرا از میان همه این سختیها و رنجها در پناه و امنیت و آرامش و حفاظت و قدرت و نگهبانی و سرپرستی و بنده‌نوازی خودت قرار ده و نیز مرا از همسایه و همنشین بد حفظ فرما، که تو بر هر چیزی توانائی. همانا ولی و سرپرست من خداوندی است که کتاب را نازل فرموده و از بندگان صالحش نگاهداری می‌کند.

خداوندا! به تو پناه می‌برم و به حمایت تو دل بسته‌ام؛ تو را می‌پرستم و به لطف تو امیدوارم؛ از تو کمک می‌خواهم و خودم را به تو می‌سپارم؛ از تو امان می‌طلبم و از آستان عزت تو استمداد می‌جویم، و از درگاه با عظمت تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از درگاه باشکوه خود جز با گناهان آمرزیده شده و کوشش به ثمر رسیده و تجارتي سودبخش و بدون زیان، بازنگردانی و آنچه شایسته مقام کبریائی تو است درباره من رفتار کنی نه آن گونه که من سزاوارم. همانا تو شایسته تقوی و آمرزش و لطف و بخششی.

خداوندا! دعاهایم را طولانی کردم و خواسته‌هایم را بر شمردم. تنگی سینه مرا بر آن داشت، زیرا می‌دانم یک اشاره و یک «یاالله» گفتن کافی است و از همه نیازهای من مطلعی و احتیاج به تفصیل ندارد. آری، به شرط اینکه من راست بگویم و نیت من خالص باشد همان توجه کفایت می‌کند. [خداوندا!]

قلب من با اراده ترا خواند. اینک از پیشگاه مقدس تو استدعا می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی و دعای مرا به اجابت مقرون فرمائی و مرا به آرزوهایم برسانی، چون همه قدرتها از آن تو است، و من از جای خودم برنخیزم مگر با حوائج

يُقِيمُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَائِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ
وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَثِيرٌ وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ.

إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِيكَ مِنَ التَّارِ وَالْهَارِبِ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبٍ
تَهَجَّمْتُهُ وَعُيُوبٍ فَضَحَّتُهُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةً
رَحِيمَةً أَفُوزُ بِهَا إِلَى جَنَّتِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ عَظْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ
فَإِنَّ الْجَنَّةَ وَالتَّارَكَ وَبَيْدِكَ وَمَقَاتِيحُهُمَا وَمَغَالِيقُهُمَا إِلَيْكَ وَأَنْتَ عَلَيَّ
ذَلِكَ قَادِرٌ وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ فَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ يَا قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ نِعْمَ الْمَوْلَى وَ
نِعْمَ النَّصِيرُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
الظَّاهِرِينَ.

قَالَ عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ أَخَذْتُ هَذَا الدُّعَاءَ مِنْ أَبِي الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْعَلَوِيِّ الْعَرِيضِيِّ وَأَشْرَطَ عَلَيَّ أَنْ لَا أَبْذُلَهُ لِمُخَالِفٍ وَلَا أُعْطِيَهُ إِلَّا لِمَنْ
أَعْلَمُ مَذْهَبَهُ وَأَنَّهُ مِنْ أَوْلِيَاءِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَكَانَ
عِنْدِي أَدْعُوِيهِ وَأَخْوَانِي ثُمَّ قَدِمَ عَلَيَّ إِلَى الْبَصْرَةِ بَعْضُ قُضَاةِ الْأَهْوَازِ
كَانَ مُخَالِفًا وَلَهُ عَلَيَّ آيَادٍ وَكُنْتُ أحتَاجُ إِلَيْهِ فِي بَلَدِهِ وَأَنْزِلُ عَلَيْهِ
فَقَبَضَ عَلَيْهِ السُّلْطَانُ فَصَادَرَهُ وَأَخَذَ حَظَّهُ بِعِشْرِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فَرَفَقْتُ
لَهُ وَرَحِمْتُهُ وَدَفَعْتُ إِلَيْهِ هَذَا الدُّعَاءَ فَدَعَا بِهِ فَمَا اسْتَمَّ أُسْبُوعًا حَتَّى
أَظْلَقَهُ السُّلْطَانُ ابْتِدَاءً وَلَمْ يُلْزِمَهُ شَيْئًا مِمَّا أَخَذَ حَظَّهُ وَرَدَّهُ إِلَى بَلَدِهِ
مُكْرَمًا وَسَيِّعْتُهُ إِلَى الْإِبِلِ وَغَدْتُ إِلَى الْبَصْرَةِ. فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ أَيَّامٍ ظَلَبْتُ
الدُّعَاءَ فَلَمْ أَجِدْهُ وَقَفَّشْتُ كُتُبِي كُلَّهَا فَلَمْ أَرَلَهُ أَثْرًا فَظَلَبْتُهُ مِنْ أَبِي
الْمُخْتَارِ الْحُسَيْنِيِّ وَكَانَتْ عِنْدَهُ نُسخَةٌ بِهَا فَلَمْ يَجِدْهُ فِي كُتُبِي فَلَمْ تَزَلْ

برآورده شده؛ چه آنکه انجام خواسته های من برای تو بسیار ناچیز و برای من سخت مهم است. تو قادر بر انجام آن هستی، ای خداوند بینا و شنوا!

بارالها! در جایگاه کسی قرار گرفته ام که از ترس آتش به تو پناه آورده و از عذاب تو به سوی تو گریخته است؛ گناهان بر او یورش برده و کارهای زشت او آبرویش را ریخته است. پس بر محمد و آل محمد درود فرست و با دیده رحمت بر من بنگر تا در پرتو آن رستگار شوم و در بهشت جایگزین گردم، و مهر و لطف خود را شامل حالم فرما تا از عذاب عالم آخرت در امان باشم. [خداوند!] بهشت و دوزخ از آن تو و در دست توانای تو است و کلید گشودن و بستن آن در دست تو. پس آنچه استدعا کردم برای من مقرر فرما، ای خداوند توانا! همه تواناییها و قدرتها در سایه عنایت خداوندی است؛ بنابراین خدا ما را کفایت می کند و او بهترین یاوران، آن هم نیکویاوری است. حمد و سپاس مختص ذات پاک خداوند جهانیان است و درود خداوند و تحیات او بر محمد و آل محمد باد.

علی بن حماد می گوید: این دعا را از ابوالحسن فرزند علی علوی عریضی گرفتم و نامبرده با من شرط کرد که آن را به مخالف و کسی که مذهبش را نمی دانم و اطلاع ندارم که از دوستان و اولیای محمد و آل محمد علیهم السلام هست یا خیر، ندهم. و این دعا در نزد من بود و من و برادرانم آن را می خواندیم. در یکی از روزها یک نفر از قضات اهواز که از مخالفان بود به نزد من آمد و جریان خویش را برای من نقل کرده، اظهار نمود که پادشاه بر او خشم گرفته است و در نتیجه اموالش را مصادره کرده و بیست هزار درهم از او گرفته اند. من نسبت به او احساس ترحم کردم و به جهت اینکه در مورد من کارهایی انجام داده بود، دعا را به او دادم. هفته ای نگذشته بود که پادشاه او را مورد محبت قرار داد و آنچه از او گرفته بودند پس دادند و با احترام او را به منزلش باز گرداندند. چندی بعد که به سراغ دعا رفتم آن را نیافتم و هر چه در میان کتابهای خود جستجو کردم از آن نشانی نبود. به ابوالمختار نیز که قبلاً نسخه ای از دعا را به او داده بودم مراجعه کردم؛ نامبرده هم دعا را پیدا نکرد. از این ماجرا بیست سال گذشت و ما

نَظَلُّهُ فِي كُتُبِنَا فَلَا تَجِدُهُ عِشْرِينَ سَنَةً فَعَلِمْتُ أَنَّ ذَلِكَ عُقُوبَةٌ مِنَ اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ لَمَّا بَدَّلْتُهُ لِمُخَالَفٍ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ الْعِشْرِينَ سَنَةً وَجَدْنَاهُ فِي
كُتُبِنَا وَقَدْ فَتَّشْنَاهَا مِرَاراً لَا تُحْصَى فَأَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي أَلَّا أُعْطِيَهُ إِلَّا لِمَنْ
أَثِقُ بِدِينِهِ مِمَّنْ يَعْتَقِدُ وِلَايَةَ آلِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ بَعْدَ أَنْ
أَخَذَ عَلَيْهِ الْعَهْدَ إِلَّا يَبْدُلُهُ إِلَّا لِمَنْ يَسْتَحِقُّهُ وَبِاللَّهِ نَسْتَعِينُ وَعَلَيْهِ
نَتَوَكَّلُ.

همچنان در جستجوی این دعا بودیم و آن را پیدا نمی‌کردیم و دانستیم که این موضوع، عقوبت و مجازاتی است از جانب خداوند متعال و ولی عزیز او در نتیجه آنکه دعا را به نااهل داده‌ام.

پس از آنکه بیست سال از ماجرا گذشت ناگهان دعا را در میان کتابهای خود پیدا کردیم در حالی که مکرراً در میان همان کتابها جستجو کرده و آن را نیافته بودیم. لذا با خود عهد کردم این دعا را فقط به کسانی بدهم که از پیروان اهل بیت [علیهم السلام] بوده و ولایت آنان را قبول داشته باشند و از آنان پیمان بگیرم که به غیر از شیعیان و مخلصان و ارادتمندان خاندان رسالت آن را به کسی ندهند. از خدا یاری جسته، امور را به او واگذار می‌کنیم.

از دعاهای حضرت بقیة الله

علیه السلام

برای رهایی از شدائد

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوِي بِهِ قُوَى الْكُلِّيَّةِ وَالْجُزْئِيَّةِ حَتَّى
 أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ فَتَنْقِضُ لِي إِشَارَةَ دَقَائِقِهَا انْقِبَاضًا
 تَسْقُطُ بِهَا قُوَّتُهَا حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ دُورُوحٌ إِلَّا وَنَارُ قَهْرِي
 قَدْ أَخْرَقَتْ ظُهُورَهُ يَا شَدِيدُ يَا شَدِيدُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ يَا قَاهِرُ يَا قَهَارُ
 أَسْأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ فَانْفَعَلْتُ لَهُ النَّفُوسُ
 بِالْقَهْرِ أَنْ تُودِعَنِي هَذَا السِّرْفِي هَذِهِ السَّاعَةَ حَتَّى أَلَيْنَ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ
 وَأَذِلَّ بِهِ كُلَّ مَنِيْعٍ بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ .^۱

خداوندا! از پیشگاه با عظمت تو مسئلت می‌نمایم که مرا به وسیله
 نیروهای روحانی آنچنان یاری و مدد فرمائی که تمام نیروهای کلی و جزئی من
 تقویت شوند به صورتی که بر همه موجودات عالم وجود استیلا یابم و آتش قهر و
 قدرت من پشت آنها را درهم شکند. ای از همه قویتر و ای صاحب قدرتهای
 کوبنده و ای قهار! از درگاهت تقاضا می‌کنم که همان نیروئی که به جناب
 عزرائیل [علیه السلام] عنایت فرمودی و در سایه آن تمام بندگان مقهور و مغلوب
 او شده‌اند، از همان سر، هم اکنون و در این ساعت به من مرحمت فرمائی تا تمام
 سختیها بر من آسان گردد و همه گردنکشان خوار و ذلیل شوند، ای آن که صاحب
 قدرتهای استوار هستی!



۱۵

تسبیح حضرت قائم

علیه السلام

از روز هجدهم تا آخر ماه

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ أَرْضَى نَفْسَهُ سُبْحَانَ اللَّهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ
سُبْحَانَ اللَّهِ زِينَةَ عَرْشِهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلُ ذَلِكَ ۱.

خداوند را به عدد تمام مخلوقاتش تسبیح می‌کنم و پاکیزه می‌دانم او را در حدی که رضای ذات اقدس وی در آن است. خدای را به تعداد و شماره کلماتش تسبیح می‌کنم و همچنین ستایش می‌کنم ذات مقدسش را، و او را از هر عیب و نقصی دور می‌دانم و همتای عرش وی، او را تسبیح می‌کنم. همچنین و همانند تسبیح و تقدیس من خداوند بزرگ را، حمد و سپاس و ستایش من مر او را است.



دعائی که حضرت بقیة الله

روحی له الفداء

در روز عید فطر پس از نماز صبح تلاوت می فرمودند

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي وَعَلَيَّ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي
وَأَيْمَنِي عَنْ يَسَارِي أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أَحَدٌ
أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ أَيْمَنِي قَامَنَ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ
وَسَخَطِكَ وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ
مُؤْمِنًا مُؤَقِنًا مُخْلِصًا عَلَيَّ دِينَ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ
وَسُنَّتِهِمْ، آمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ وَأَرْغَبُ إِلَى اللَّهِ فِيمَا رَغِبَ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ
وَعَلِيُّ وَالْأَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا
مَنْعَةَ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ۱

خداوندا! در حالی که پیشگاه مقدس تو روی نیاز می آورم که وجود
مبارک حضرت محمد [صلی الله علیه وآله] در پیشاپیش من و حضرت علی
[علیه السلام] در عقب سر و طرف راست من و ائمه و پیشوایان معصوم
[علیهم السلام] در سمت چپ من هستند [و این عزیزان واسطه منند]. از عذاب
توبه این عزیزان پناه می برم و به وسیله این مشعلهای فروزان به تو تقرب می جویم و

ترجمه دعائی که حضرت بقیة الله در روز عید فطر پس از نماز صبح تلاوت فرمودند ﴿

این بدان جهت است که می‌دانم هیچ کس از نظر شخصیت و شفاعت به پای این انوار تابناک نمی‌رسد. آری، اینان پیشوایان منند. در سایه وجود آنها مرا از عذابت ایمنی بخش و از غضبت مرا پناه ده و از برکات رحمت بی‌پایانت مرا در زمره بندگان شایسته و صالح خود محسوب فرما. خداوند! من در حالتی صبح کرده و به روز آورده‌ام که به تو ایمان دارم و از روی اخلاص دین تو و سنت این عزیزان را پذیرا هستم و به آنچه در باطن این ذوات مقدسه است و آنچه که علناً انجام می‌دهند، ایمان دارم و آنچه که موجب رغبت آنان به ذات پاک تو شده است من نیز همان را راغبم و همه قدرتها را از آن ذات پاک تو می‌دانم، و همه عزتها و حکومتها مختص ذات بی‌همتا و قهار و مقتدر تو است و من امر خود را به تو واگذار می‌کنم. آری، آن کس که کارش را به خداوند بزرگ واگذار نمود، او مشکلات و مهماتش را کفایت خواهد نمود.

● خواننده گرامی، موفقیت هر انسانی در سایه همین اصل حیاتی است.

صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی که از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته است

● سید بن طاووس و مصباح کفعمی نقل کرده اند که از طرف وجود مقدس حضرت بقیة الله فی الارضین ارواحنا له الفداء صلواتی به افتخار ابوالحسن ضراب اصفهانی شرف صدور یافته است. این صلوات در زمان غیبت کبری در عصر روزهای جمعه خوانده می شود. اینک متن صلوات و ترجمه آن به نظر خوانندگان گرامی می رسد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ الْمُنتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْمُصْطَفَى فِي الضَّلَالِ الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ الْبَرِيءِ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ الْمُؤَمَّلِ لِلنَّجَاةِ الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ الْمُفَوَّضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ اللَّهُمَّ شَرِّفْ بُنْيَانَهُ وَعَظِّمْ بُرْهَانَهُ أَفْلِحْ حُجَّتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ وَأَضِيءْ نُورَهُ وَبَيِّضْ وَجْهَهُ وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ

خداوندا! بر محمد سرور فرستادگانت درود فرست؛ بر کسی که خاتم پیامبران و حجّت تو بر همه مخلوقات و برگزیده ات در روز عهد و میثاق^۱ و پاک و پاکیزه از هرگونه عیب و نقص است؛ بر کسی که از طرف ذات مقدس تو برای رهایی خلق انتخاب شده است و تو دین خود را به او سپرده ای. پروردگارا!

۱. ممکن است اشاره به عالم ذر باشد.

وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ وَأَبْعَثُهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيْظُهُ بِهِ
الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ وَصَلِّ عَلَيَّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَقَائِدِ
الْغُرِّ الْمُحَجَّجِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ ابْنِ الْحُسَيْنِ إِمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ
عَلَيَّ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ ابْنِ مُوسَى إِمَامِ
الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ
عَلَيَّ ابْنِ مُحَمَّدٍ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ

ترجمه صلوات ابوالحسن ضرباب اصفهانی که از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته است

شرافت برهان و عظمت او را ابدی و براهین اقامه شده از سوی آن حضرت را آشکار و نور وجودش را روشن تر و جمال پرفروغش را نورانی تر فرما.

● کنایه است از فراگرفتن تعلیمات عالیّه آن سرور در سراسر جهان هستی،
والبتّه این موضوع در ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه مصداق پیدا
خواهد کرد، ان شاء الله.

خداوندا! تمام کمالات و مقام منزلت و شفاعت و وسیله بودن برای
نجات و دستگیری بندگانت را از جانب خود به او عطا کن و مقام وی را بالا تر
نموده، به مقام محمود برسان^۱؛ مقامی که تمام خلائق و همه بندگان صالح و
انبیاء و اولیاء و صدیقین بدان غبطه خورند. [بار خدایا!] بر پیشوای اهل ایمان
[علی بن ابی طالب علیه السلام] که وارث همه فرستادگان تو و حجّت و نمایندۀ
ذات پاک تو و سرور همه فرستادگان و اوصیای تو است، درود فرست.
[خداوندا!] بر حسن بن علی [علیهما السلام] که او نیز مانند پدرش رهبر اهل تقوی
و یقین و حجّت تو بر همه خلائق است، درود فرست. [خداوندا!] بر حسین بن
علی [علیهما السلام] که پیشوای مؤمنان و حجّت بالغه تو در روی زمین است،
درود فرست. [خدایا!] بر علی بن حسین [علیهما السلام] که او نیز پیشوای اهل
ایمان و حجّت حق در زمین است، درود فرست. [بار خدایا!] بر محمد بن علی
[علیهما السلام] رهبر اهل ایمان و وارث همه پیامبران و حجّت تو که پرورش
دهنده و خالق همه مخلوقات، درود فرست. [آفرید گارا!] بر جعفر بن محمد،
[علیهما السلام] پیشوای اهل تقوی و وارث پیامبران و حجّت تو در زمین، درود
فرست. [خداوندا!] بر موسی بن جعفر [علیهما السلام] پیشوای مؤمنان و وارث
همه پیامبران و حجّت بالغه تو در زمین، درود فرست. [پرورد گارا!] بر علی بن
موسی [علیهما السلام] رهبر اهل ایمان و وارث همه فرستادگان و حجّت تو در
زمین، درود فرست. [خداوندا!] بر محمد بن علی [علیهما السلام] که پیشوای
مؤمنان و جانشین تو در زمین است، درود فرست. [پرورد گارا!] بر علی بن محمد



۱. ممکن است اشاره به مقام ویژه حضرت خاتم الانبیاء باشد.

رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ
الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلَى الْحُجَّةِ الْمُنْتَظَرِ الْخَلْفِ
الْقَائِمِ الْهَادِي الْمَهْدِيِّ إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ وَحُجَّةِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَثَمَةِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ الْعُلَمَاءِ
الصَّادِقِينَ الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ دَعَائِمِ دِينِكَ وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ وَتَرَاجِمَةِ
وَحْيِكَ وَجُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ، الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ
لِنَفْسِكَ وَاصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ وَارْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ وَخَصَصْتَهُمْ
بِمَعْرِفَتِكَ وَجَلَلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ وَ
عَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ وَالْبَسْتَهُمْ نُورَكَ وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ وَخَفَّفْتَهُمْ
بِمَلَائِكَتِكَ وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ صَلَوةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً
لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ وَلَا يُخَصِّصُهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ .

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُحْيِي سُنَّتِكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ الدَّاعِي إِلَيْكَ
الدَّلِيلِ عَلَيْكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ وَشَاهِدِكَ
عَلَى عِبَادِكَ .

ترجمة صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی که از ناحیه مقدسه شرف صدور یافته است

که حجت تو و امام اهل ایمان و وارث همه فرستادگان تو است درود فرست. [خداوندا!] برحسن بن علی [علیهما السلام] که امام مؤمنان و وارث همه پیامبران و حجت تو است، درود فرست. [بار خدایا!] به امام هدایت کننده بعد از پدرش، حضرت مهدی [عجل الله فرجه الشریف] که پیشوای اهل ایمان و وارث همه پیامبران و حجت بالغه تو در روی زمین است، درود فرست.

خداوندا! بر محمد و آل او که هدایت کننده بندگان تو و دانشمندان راستگو و نیکوکار و پرهیزگار روی زمین هستند درود فرست. [بار خدایا!] اینان ستونهای دین تو و ارکان عالم توحید و مترجم وحی تو و حجت و جانشینان تو در روی زمین اند. [خداوندا!] محمد و آل او کسانی هستند که آنها را برای خودت اختیار کرده ای و از میان بندگان تو و برای دین تو برگزیده شده اند و آنها را به شناسائی و معرفت ذات پاکت مخصوص گردانیدی و به لطف و کرمت به آنها جلالت بخشیدی و در دریای رحمت آنان را غوطه و رساختی و به نعمت خاص خودت آنها را پرورش دادی و به وسیله حکمت خود آنها را تغذیه فرمودی و از نور وجود خویش آنها را پوشانیدی و مقام آنان را در ملکوت خود رفیع گردانیدی و به وسیله وجود مقدس حبيب خود-آنها را مفتخر و سربلند قراردادی.

● خواننده عزیز! خاندانی که رهبری خلق جهان را به عهده دارند باید از نعمت مخصوص خداوندی تربیت شوند تا مرکز تجلی صفات مطلقه الهی گردند.

خداوندا! بر محمد و آل او درود فرست؛ درودی که پاکیزه و پیوسته در فزونی باشد و غیر از تو کسی نتواند آن را احصاء نماید و غیر از علم بی نهایت تو کس دیگری نمی تواند آن را بفهمد.

خداوندا! بر نماینده عزیزت [بقیة الله فی الارضین] درود بفرست؛ آن نماینده ای که سنت و احکام ترا زنده می سازد و به امر توفیام می کند و بندگان را به ایمان فرامی خواند و راهنمای بندگان به سوی تو و حجت تو بر خلائق و جانشین تو در روی زمین و شاهد بر بندگان تو است.

اللَّهُمَّ اعِزَّنَا فِي عُمُرِهِ وَزَيْنِ الْأَرْضِ بِطَوْلِ بَقَائِهِ
اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِرَادَةَ
الظَّالِمِينَ وَخَلِصْهُ مِنْ آيْدِي الْجَبَّارِينَ.

خداوندا! به او عزت با پیروزی عطا کن و عمر او را پربرکت و طولانی
قرار ده.

خداوندا! کره زمین را به وجود مبارکش مزین و پرنور فرما و وجود عزیزش
را از شر حسودان در پناه خودت حفظ کن و وی را از شر مکاران در کنف حمایت
خود قرار ده و از سوء قصد ستمکاران دورش بدار و از چنگال ستمگرانش رهائی
بخش.

● خواننده گرامی! بدین ترتیب وجود عزیز حضرت مهدی امام زمان
روحی له الفداء و عجل الله تعالی فرجه الشریف در زندان هستند. آری، زندان
غیبت. همگی از خداوند کریم بخواهیم که هرچه زودتر حضرتش را از زندان
نجات مرحمت فرماید.

امر به دعا برای وجود مقدس امام زمان

علیه السلام

وخاندان و فرزندان و شیعیان وی و تجدید حیات احکام دین به وسیله آن حضرت

اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شِعْبَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ
وَ جَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ وَ تُسَرِّبُهُ نَفْسُهُ وَ بَلِّغُهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ
فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى [مُحَيِّ] مِنْ دِينِكَ وَ آخِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ
كِتَابِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ مِنْ حُكْمِكَ حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ

خداوندا! خواسته آن حضرت را در حق خود آن بزرگوار و فرزندان و
نوادگان و شیعیانش و همه رعایا و یاران مخصوص و عموم دوستان و نیز در ارتباط
با دشمنانش و تمام مردم روی زمین عطا فرما آنچنانکه موجب روشنی دیده و
شادی دل آن سرور گردد. [خداوندا!] آن حضرت را به کاملترین آرزوهایش در
دنیا و آخرت برسان که تو بر هر چیز توانائی.

خداوندا! آنچه از احکام دین تو که نابود شده و احکام قرآن تو را که تغییر
داده اند و قوانینی که از اسلام تبدیل شده است با قیام شکوهمند آن حضرت زنده
فرما و آنچه از حکمت‌های تو که به دست دشمنان دگرگون شده است ظاهر ساز تا

غَضًا جَدِيدًا خَالِصًا مُخْلِصًا لِأَشْكَ فِيهِ وَلَا شُبْهَةَ مَعَهُ وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ
وَلَا بِدْعَةَ لَدَيْهِ.

اللَّهُمَّ نَوِّرْ بُشُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ وَهَدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ وَاهْدِمْ بَعِزَّهُ كُلَّ
ضَلَالَةٍ وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ وَأَخِمْدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَأَهْلِكْ بِعَدْلِهِ كُلَّ
جَوْرٍ | جَوِّزْ كُلَّ جَائِرٍ | وَأَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَأَذِلَّ بِسُلْطَانِهِ
كُلَّ سُلْطَانٍ.

اللَّهُمَّ أذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ وَأَهْلِكْ كُلَّ مَنْ عَادَاهُ وَأَمْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ وَ
اسْتَأْصِلْ مَنْ حَجَدَهُ حَقَّهُ وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ وَسَعَى فِي إِظْفَاءِ نُورِهِ وَآرَادَ
إِخْمَادَ ذِكْرِهِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَعَلَى الْمُرْتَضَى وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
وَالْحَسَنِ الرِّضَا وَالْحُسَيْنِ الْمُصْطَفَى وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ مَصَابِيحِ الدُّجَى
وَأَعْلَامِ الْهُدَى وَمَنَارِ الثَّقَفَى وَالْعُرْوَةِ الْوَثْقَى وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ وَالصِّرَاطِ
الْمُسْتَقِيمِ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَوَلَاةِ عَهْدِكَ وَالْآئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَمُدَّةِ فِي
أَعْمَارِهِمْ وَزِدْ فِي آجَالِهِمْ وَبَلِّغْهُمْ أَقْصَى آمَالِهِمْ دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

ترجمه امر به دعا برای وجود مقدس امام زمان (ع) و خاندان و فرزندان و شیعیان وی

اینکه دین تو حیات خویش از سرگیرد و خالی از هرگونه شائبه و شک و تردید باشد و هرگونه بدعتی و باطلی از آن دور گردد.

بارخدا یا! به نور جمالش تاریکیهای عالم را روشن فرما و هر بدعتی را به دست توانای او ویران ساز و هر گمراهی را در دوران عزتت نابود کن و هر گردنکشی را از میان بردار و آتش فتنه و فساد را با قدرت او خاموش گردان و از برکات عدالتش به عمر ستمگران خاتمه ده و حضرتش را بر همه فرمانروایان جهان فرماندهی عطا کن و در سایه سلطنت او تمام پادشاهان را ذلیل و خوار فرما.

خداوندا! مخالفان حضرتش را ذلیل و نابود گردان و هر کس که با او دشمن است هلاک فرما و هر که با او مکر و رزد با مجازات مکر از میانش ببر و آن که حق حضرتش را سبک شمارد مستأصل و بیچاره اش فرما و هر کس که بخواهد نور او را خاموش کرده، یادش را از میان ببرد نابودش کن.

خدا یا! بر محمد برگزیده ات و علی و فاطمه زهرا و حسن، عزیزی که به رضای تو راضی است و حسین عزیزی که برگزیده بر همه مردم است و تمام اوصیاء که مشعلهای فروزان جهان تاریک و نشانه های هدایت و مظاهر تقوی و حلقة محکم و زنجیر مستحکم میان تو و بندگانت و راه مستقیم خلق هستند، درود فرست. [خداوندا!] بر ولی محبوب خود [امام عصر علیه السلام] و والیان تو که از فرزندان آن حضرتند درود فرستاده، عمر آنان را طولانی و دوران حکومتشان را زیاده فرما و آنان را به آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی خود برسان که تو بر هر کاری توانائی.

دعاهای ماه مبارک رجب

که از ناحیه مقدسه امام عصر

ارواحنا له الفداء

صادر شده است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعِ مَا تَدْعُوكَ بِهِ وَوَلَاةِ أَمْرِكَ الْمَأْمُونُونَ
 عَلَى سِرِّكَ الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ الْوَاصِفُونَ لِقُدْرَتِكَ الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ
 أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مَشِيئَتِكَ فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ وَأَرْكَاناً
 لِتَوْحِيدِكَ وَآيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَغْطِيلُ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَغْرِفُكَ
 بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لِأَفْرَقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ فَتَقُّهَا وَ
 رَتَّقُهَا بِيَدِكَ بَدْوُهَا مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمَنَاةٌ وَأَذْوَادٌ وَ
 حَفَظَةٌ وَرُؤَاةٌ فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاوَاتِ سَمَائِكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا
 أَنْتَ فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَبِمَقَامَاتِكَ وَعَلَامَاتِكَ
 أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَاناً وَتَثْبِتَانِي بِأَطْنَأِ فِي
 ظُهُورِهِ وَظَاهِرِهَا فِي بُطُونِهِ وَمَكُونِهِ بِأَمْفِرَقاً بَيْنَ النُّورِ وَالذُّجُورِ بِأَمُوصُوقاً
 بِغَيْرِ كُنْهِ وَمَعْرُوقاً بِغَيْرِ شَبْهِ حَادِّ كُلِّ مَعْدُودٍ وَشَاهِدَ كُلِّ مَشْهُودٍ وَ
 مُوجِدَ كُلِّ مَوْجُودٍ وَمُخْصِيَ كُلِّ مَعْدُودٍ وَفَاقِدَ كُلِّ مَفْقُودٍ لَيْسَ
 دُونَكَ مِنْ مَعْبُودٍ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ بِأَمْنٍ لَا يُكَيِّفُ بِكَيْفٍ وَلَا
 يُؤَنِّنُ بِأَيْنٍ يَا مُخْتَجِباً عَنِ كُلِّ عَيْنٍ يَا دَائِمُومٌ بِأَقْيُومٍ وَعَالِمٌ كُلِّ مَعْلُومٍ

به نام خداوند بخشاینده مهربان

خداوندا! از پیشگاه مقدس تو درخواست می‌کنم به تمام معانی و آنچه که صاحبان امر (انبیاء، اوصیاء و اولیاء) به آن دعا کردند و می‌کنند. آنان که امین بر اسرار تو بودند و به بیان عظمت و شرح قدرت تو مشغولند. درخواست می‌کنم بدانچه مشیت تو درباره آنان گفته است و آنها را معدن کلمات و ارکان توحید خود قرار داده‌ای و اینان نشانه‌های قدرت تو در هر مکانی هستند و به وسیله این آیات ترا می‌شناسند. تنها فرقی که میان تو و آنان وجود دارد این است که تو خالق و آنها بندگان و مخلوق تو اند و رتق و فتق عالم و آنان یکسره به دست تو است. آنان پشتیبان دین تو و گواه بر خلق تو اند و نگهبان و رساننده احکام دین تو که از تو و آنان زمین و آسمان پر شده است^۱ تا اینکه معلوم و روشن شد که خدائی جز ذات پاک تو نیست. پس به آنها و نیز به مواقع عزت و جلال و رحمانیت و به مقامات و نشانه‌های تو درخواست می‌کنم که بر محمد و خاندان عزیزش درود فرستاده، بر ایمان و استقامت من بیافزائی. ای آن که در عین آشکار بودن پنهانی و در عین پنهان بودن عیانی! ای جداکننده نور از تاریکی! ای آن که بدون پی بردن خرد به کنه ذات مقدست توصیف می‌شوی! ای آن که بی مثل و مانند و شبیه شناخته شده و معروفی و خود برای هر موجودی اندازه و حدی معین می‌کنی و بر هر چیز گواه و به وجود آورنده هر موجود و احصاء کننده هر معدود و فاقد گرداننده هر مخلوقی و کسی جز تو شایسته پرستش نیست! ای اهل کبریا و جود! ای آن که ترا به کیفیتی نتوان یاد کرد و مکانی نداری! ای پنهان از همه دیده‌ها! ای وجود دائمی

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَعَلَىٰ عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ وَ
مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَالْبُهَمِ الصَّافِينَ الْحَاقِقِينَ وَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا
الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا فِيهِ التَّعَمَّ
وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ
الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ فَأَضَاءَ وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ
وَأَغْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَمْ نَتَعَلَّمْ وَأَعِصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرَ الْعِصَمِ
وَأَكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ وَأَمُنْ عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ وَلَا تَكِلْنَا إِلَىٰ غَيْرِكَ
وَلَا تَمْتِنْنَا مِنْ خَيْرِكَ وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا وَأَصْلِحْ لَنَا
خَبِيئَةَ أَسْرَارِنَا وَأَعْطِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ وَبَلِّغْنَا شَهْرَ
الصِّيَامِ وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ^۱

و ابدی و دانای همه چیز! بر محمد و آل او درود فرست و نیز بر بندگان برگزیده و پرده برداران از قدرتت و ملائکه مقرب و آماده فرمانت. خداوندا! در این ماه برکات خود را نصیب ما بفرما. آری، در ماه مبارک رجب که صاحب اکرام است و نیز در ماههای پس از آن، نعمتهای فراوان به ما کرامت فرما و سهم ما را در این ماه فزونی بخش و سوگند ما را بری ساز. به اسم اعظم و جلال و کرم خود، بدان اسمی که بر روز نهادی و روشن شد و بر شب نهادی و تاریکی گرفت^۲، از هر گناهی که ما مرتکب شده ایم و تومی دانی و ما خود نمی دانیم، درگذر و ما را از ارتکاب گناه به بهترین وجه نگاهداری فرما و به وسیله مقدرات خود امور ما را کفایت کن و به

۱. مفاتیح الجنان، ص ۲۴۶.

۲. معلوم می شود که ظلمت و روشنائی از آثار اسم اعظم است.

ترجمه دعاهای ماه مبارک رجب که از ناحیه مقدسه امام عصر (ع) صادر شده است

حُسن نظر خود بر ما منت گذار و ما را به غیر خودت وامگذار و از احسان خود بهره‌مندمان فرما و آنچه را در سرنوشت ما مقرر فرموده‌ای بر ما مبارک ساز. باطن ما را از بدیها اصلاح و از سوی خود به ما امنیت عنایت کن. ما را به حُسن ایمان و کردار شایسته موفق بدار و توفیق بهره‌برداری از ماه رمضان و ماهها و سالهای پس از آن را به ما عنایت فرما، ای صاحب جلال و بزرگواری!



دعای دیگر از ناحیه مقدسه امام عصر

روحی له الفداء

در ماه مبارک رجب

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَأَبْنِهِ
عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَنَجِّبِ وَآتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ يَا مَنْ إِلَيْهِ
الْمَعْرُوفُ ظَلِيلٌ وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغَبٌ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ
أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَأَوْثَقَتْهُ عُيُوبُهُ فَطَالَ عَلَى الْخَطَايَا ذُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزَايَا
خُطُوبُهُ يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْأُوبَةِ وَالشَّرُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النَّارِ
فَكَأَنَّ رَقَبَتَهُ وَالْعُقُوبَةَ مَا فِي رِقَبَتِهِ فَأَنْتَ مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ.
اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ أَنْ تَتَغَمَّدَنِي فِي
هَذَا الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَأَسْعَةٍ وَنِعْمَةٍ وَأَزْعَةٍ وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا قَانِعَةً
إِلَى نُزُولِ الْحَافِرَةِ وَمَحَلِّ الْأَخِرَةِ وَمَاهِي إِلَيْهِ صَائِرَةً.^۱

خداوندا! به حق آن دونوزادی که در این ماه (رجب) متولد شدند،
محمد بن علی و علی بن محمد، که هر دو برگزیده تو هستند از تو مسألت دارم و به
این دو بزرگوار به تو بهترین تقربها و نزدیک شدن را می جویم. ای آن که هر خوبی
را از تو می خواهند و بدانچه نزد تو است مشتاق و آرزومندند! از تو می خواهم همانند
کسی که غرق گناه و عیب است و مدتی طولانی به گناهان خو گرفته است و



ترجمه دعای دیگر از ناحیه مقدسه امام عصر (ع) در ماه مبارک رجب

کارش با غم و اندوه می‌گذرد و تقاضا دارد که بروی ببخشائی و توبه اش را قبول فرمائی و اینکه از گناهان بیرون آید و از آتش دوزخ آزادش سازی و هرچه بر ذمه اوست عفو فرمائی. تو مولا و بالا ترین آرزوهای من و تنها کسی هستی که به او اعتماد دارم.

خدایا! از تو مسئلت دارم به مسائل شریفه و اسباب عالیجات که مرا در این ماه در دریای رحمت بی پایان خود غرق فرموده، جانی عنایتم نمائی که به روزی و بخشش تو قانع باشد تا فرود آمدن در قبر و عالم آخرت که بازگشت همه به سوی آن خواهد بود.

زيارت رجبیه از ناحیه مقدسه امام زمان

ارواحنا له الفداء

از جناب حسین بن روح

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدَنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ وَأَوْجَبَ عَلَيْنَا مِنْ
حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُنتَجِبِ وَعَلَى أَوْصِيَائِهِ
الْحُجُبِ.

اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْنَا مَشْهَدَهُمْ فَأَنْجِرْنَا مَوْعِدَهُمْ وَأَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ
مُحَلِّسِينَ عَنَّا وَزِدْ فِي دَارِ الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلَامِ عَلَيْنَا إِنْ
قَصَدْتُنَا وَاعْتَمَدْتُنَا بِمَسْئَلَتِي وَحَاجَتِي وَهِيَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
وَالْمَقَرِّمَعَكُمُ فِي دَارِ الْقَرَارِ مَعَ شِيعَتِكُمُ الْإِبْرَارِ وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا
بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ أَنَا سَائِلُكُمْ وَأَمْلِكُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ التَّفْوِيضُ
وَعَلَيْنَا التَّفْوِيضُ فَبِكُمْ يُجَبَّرُ الْمَهِيضُ وَيُشْفَى الْمَرِيضُ وَمَا تَزِدَادُ
الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ إِنْ سِرَّكُمْ مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ
مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِخَوَائِجِي وَقَضَائِيهَا وَإِمْضَائِيهَا وَإِنْجَاحِيهَا وَإِبْرَاجِيهَا وَ
بِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِيهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا سَلَامٌ مُودِعٌ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ
مُودِعٌ يَسْئَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ وَ سَعْيُهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَأَنْ
يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ إِلَى جَنَابِ مُرْعٍ وَخَفِضِ مُوسَعٍ وَ
دَعَا وَمَهَلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ

حمد و ستایش خدائی را سزد که در ماه مبارک رجب ما را به زیارت اولیای خود مشرف کرد و آنچه از اطاعت و ترک مخالفت آنان بر ما لازم بود واجب فرمود، و درود بر پیامبر بزرگ حضرت محمد و خاندان او باد که همه برگزیده اویند.

خدایا! همان گونه که ما را به زیارت آنان موفق فرمودی وعده های مربوط به آنها را محقق ساز و ما را در جایگاه آنان که بهشت باشد مستقر فرموده، در آن خانه ابدی منزل ده. ای اولیای من! سلام بر شما. من بارگاه شما را قصد نموده، شما را وسیله حاجت خودم که آزادی از آتش جهنم و بودن در خدمت شما و شیعیان پاک شما است، قرار دادم. سلام بر شما که در مصائب صبر نمودید و خداوند بهترین جایگاه را در بهشت به شما عطا فرمود. من گدای در خانه شما هستم و تنها امیدم به خیراتی است که از طرف خداوند به شما واگذار شده است و بدانچه که به وسیله شما در سایه آن اختیار دلهای شکسته التیام یافته و بیماران شفا می یابند و نامه هائی که در رجم مادران زیاد یا کم (سرنوشت افراد) تعیین می شود به فرمان شماست. من به اسرار شما ایمان دارم و به فرمان شما تسلیمم و خداوند را به شما قسم می دهم که با خواسته های برآورده شده و به امضای شما رسیده به وطنم بازگردم و حوائج من بر اساس مصلحت به اندازه مقام شما تثبیت گردد. سلام و درود بر شما؛ درود و سلامی که در حال خدا حافظی عرض می شود و حوائج و نیازهایم را نزد شما به امانت می گذارم و استدعای تشریف مجدد دارم و اینکه پیوسته کوشا باشم و این ارتباط قطع نشود و از درگاه شما به بهترین مکانها

وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْأَكْلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلِيٍّ وَنَهْلٍ
لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ عَلَيْكُمْ حَتَّى الْعُودِ إِلَى
حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرِّكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
عَلَيْكُمْ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَهُوَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. ۱

بازگشت نمایم با برکت و زندگی خوب و راحت در تمام ابعاد زندگی و بدون
زوال که در آن ناگواری و ملال نباشد. رحمت بی پایان خداوندی و برکاتش بر شما
باد تا اینکه بار دیگر به سوی شما برگردم و نیز در بازگشت شما به دنیا و در آن روز
(روز رجعت) با شما باشم. رحمت واسعة الهی و برکات بی پایانش و تحیت‌های او
بر شما باد و او کفایت کننده همه کارهای ما و بهترین وکیل است.

دعا به افتخار محمد بن صلت قمی

از ناحیه مقدسه امام عصر

روحي له الفداء

اللَّهُمَّ رَبَّ الثُّورِ الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ وَرَبَّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ
وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ وَمُنْزِلَ الزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ
الْعَظِيمِ وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَإِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَاجِبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ فِي
السَّمَاءِ وَخَالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَخَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ وَأَنْتَ حَكَمٌ مَنْ
فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ لَحَكَمَ فِيهِمَا غَيْرُكَ .

ای پروردگار نور عظیم و کرسی رفیع و بلند پایه، و ای پروردگار دریای
بیکران، و ای آن که تورات و انجیل و زبور و قرآن عظیم را فرو فرستادی! ای
پروردگار ملائکه مقرب و انبیاء و رسولان! تو خداوند ساکنان آسمان و زمینی و
غیر از تو در آسمان و زمین خدائی نیست؛ تنها قدرتمند آسمان و زمین تویی و جز تو
صاحب قدرتی نیست؛ تو خالق همه موجوداتی و جز ذات پاک تو آفریدگاری
نیست؛ تنها حکمفرمای آسمان و زمین تویی و غیر از تو حکم کننده ای نیست.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الْمُنِيرِ وَمُلْكِكَ
الْقَدِيمِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ
وَالْأَرْضُونَ وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ يَا حَيُّ قَبْلَ كُلِّ
حَيٍّ وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيَّ وَيَا مُخَيِّبَ الْمَوْتَى
وَيَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَأَرْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَخْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَخْتَسِبُ رِزْقًا
وَاسِعًا خَلَالًا طَيِّبًا وَأَنْ تُفَرِّجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَكُلَّ هَمٍّ وَأَنْ تُغَطِّيَنِي مَا
أَرْجُوهُ وَأَمْلُهُ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

بار خدایا! ترا به وجه کریم و آن فروغی که از جمال احدیت تو جلوه گر
است و نیز ترا به هستی و حیات دائمی و جاودانت می خوانم. ای آن که زنده و
پابرجائی! ترا به آن اسمی که آسمان و زمین را بدان وسیله روشن کردی و نیز به
نامی که بدان همه پیشینیان و اولین و آخرین را اصلاح فرمودی می خوانم. ای
کسی که پیش از همه موجودات بوده ای و پس از همه مخلوقات خواهی بود! ای
آن که زنده ای آنگاه که موجود زنده ای نیست و ای حیات بخش و زنده کننده
مردگان! ای خداوند حی و زنده! خدائی جز ذات پاک توییست. ای پروردگار
زنده و باقی و استوار! از تو تقاضا می کنم که بر محمد و آل او درود فرستی و از
جائی که گمان آن را دارم و ندارم مرا روزی دهی — روزی بسیار و حلال و
پاکیزه — و نیز غمهای مرا از بین ببری و آنچه امید و آرزویش را دارم به من عطا
کنی؛ زیرا تو بر همه چیز قادر و توانائی.



فهرست مطالب

مقدمه ۱۱

فصل اول:

سخنان حضرت بقیة الله از لحظات قبل از ولادت تا آغاز غیبت صغری ۱۵

سخن گفتن حضرت بقیة الله روحی له الفداء در رحم مادر ۱۷

سخنان حضرت بقیة الله روحی له الفداء پس از ولادت ۱۸

مصلح جهان ارواحنا له الفداء در ساعات اولیة ولادت ۱۹

تکلم امام زمان علیه السلام هنگام ولادت ۲۱

سخنان امام عصر علیه السلام در لحظات اولیة زندگانی این جهان ۲۲

سخن گفتن حضرت بقیة الله روحی له الفداء در ساعات اولیة ولادت ۲۳

سخن گفتن حضرت صاحب الزمان علیه السلام در ساعات اولیة ولادت ۲۵

سخنان امام عصر در خدمت پدر بزرگوارشان خطاب به ۲۶

سخن گفتن امام عصر در کنار بدن مقدس حضرت عسکری علیه السلام ۴۹



فصل دوم:

- توقیعات صادره از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام در غیبت صغری و کبری . ۵۱
- توقیع شریف به افتخار جناب عمری و فرزندش محمد بن عثمان ۶۰
- توقیع مبارک در مورد ابوالعباس خضر بن ابی صالح ۶۶
- توقیع شریف به افتخاریکی از شیعیان به نام علی ۶۸
- توقیع مبارک به افتخاریکی از شیعیان ۷۰
- توقیع مبارک در تأیید محمد بن عثمان عمری ۷۱
- توقیع مبارک به افتخار اسحاق بن یعقوب ۷۲
- خبر دادن حضرت صاحب الامر از مرگ محمد بن زیاد ۷۸
- توقیع حضرت بقیة الله برای جمعی از شیعیان ۷۹
- توقیع مبارک حضرت به افتخار جمعی از شیعیان ۸۱
- توقیع مبارک به جناب احمد بن اسحاق ۸۷
- توقیع مبارک در ارتباط با «شلمغانی» مطرود ۹۷
- نامه محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به پیشگاه مقدس آن حضرت ۱۰۰
- توقیع حضرت بقیة الله خطاب به شیخ مفید ۱۱۰
- توقیع دیگر حضرت بقیة الله خطاب به شیخ مفید ۱۱۵
- توقیع مبارک امام زمان به افتخار شیخ مفید ۱۱۷
- توقیع مبارک به افتخار احمد بن ابی روح ۱۲۳
- توقیع مبارک به افتخار ابی صالح خجندی ۱۲۵
- توقیع دیگری از وجود مقدس امام عصر ارواحنا له الفداء ۱۲۶
- آخرین توقیع حضرت بقیة الله به جناب علی بن محمد سمری ۱۳۰
- فرمان حضرت بقیة الله برای همه ۱۳۳
- توقیع مبارک به افتخار محمد بن علی بن هلال کرخی ۱۳۹
- توقیع دیگر حضرت بقیة الله به افتخار محمد بن عبدالله حمیری ۱۴۳
- توقیع دیگر حضرت بقیة الله به افتخار محمد بن عبدالله حمیری ۱۵۲
- فرمان مبارک حضرت به افتخار سید ابوالحسن اصفهانی ۱۷۰

فصل سوم:

- فرمایشات حضرت بقیة الله روحی له الفداء در روزهای اول ظهور ۱۷۱
- اولین خطبه یا اعلامیه جهانی حضرت بقیة الله روحی له الفداء ۱۷۳



۱۷۷	خطبه دوم حضرت در روزهای اول ظهور
۱۷۹	خطبه سوم حضرت یا «اعلامیه جهانی»
۱۸۲	برخی سخنان حضرت هنگام ظهور
۱۸۳	اولین دعا حضرت در روزهای اول ظهور
۱۸۶	سخنرانی حضرت در شب اول ظهور
۱۸۸	سخنان حضرت بقیة الله هنگام قیام

فصل چهارم:

۱۸۹	ادعیه مختلفه نقل شده از آن حضرت در غیبت صغری و کبری
۱۹۱	دعای افتتاح
۲۰۴	زیارت مبارکه آل یس
۲۱۳	دعای بعد از زیارت آل یس
۲۱۷	دعای زمان غیبت
۲۳۳	یکی دیگر از دعاهای حضرت بقیة الله روحی له الفداء
۲۳۶	دعای دیگری از حضرت حجت علیه السلام
۲۳۷	دعای قرچ از حضرت صاحب الامر روحی له الفداء
۲۳۹	زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه
۲۴۱	قنوت مولانا حجة محمد بن حسن عسکری علیه السلام
۲۴۴	قنوت امام عصر ارواحنا له الفداء
۲۴۹	«حرز» امام زمان علیه السلام
۲۵۰	دعای امام غایب علیه السلام
۲۵۴	دعای علوی مصری
۲۹۳	از دعاهای حضرت بقیة الله برای رهایی از شدائد
۲۹۴	تسبیح حضرت قائم از روز هجدهم تا آخر ماه
۲۹۵	دعائی که حضرت در روز عید فطر پس از نماز صبح تلاوت می فرمودند
۲۹۷	صلوات ابوالحسن ضراب اصفهانی
۳۰۳	دعا برای وجود مقدس آن حضرت و خاندان و فرزندان و شیعیان وی
۳۰۶	دعاهای ماه مبارک رجب
۳۱۰	دعاهای دیگر از ناحیه مقدسه امام عصر در ماه مبارک رجب
۳۱۲	زیارت رجبیه
۳۱۵	دعا به افتخار محمد صلت قمی
۳۱۷	منابع و مأخذ

آثار چاپ شده مؤلف

- ۱ - جهان بعد از ظهور یا فروغ بی نهایت / چاپ دوّم / مؤسسه الغدير / ۱۳۷۰ ش. / قم / ۲۰۰ صفحه وزیرى.
- ۲ - جوان مسیحى در خدمت حضرت بقیة الله / چاپ اوّل / ۱۳۶۹ ش. / قم / ۹۶ صفحه وزیرى.
- ۳ - خورشیدی که از مکه طلوع می کند / چاپ اوّل / مرکز نشر آثار شیعه / ۱۴۱۳ هـ. / قم / ۱۶۴ صفحه وزیرى.
- ۴ - رجعت یا دولت کریمه خاندان وحى / چاپ دوّم / مؤسسه الغدير / قم / ۱۴۱۱ هـ. / ۲۸۸ صفحه وزیرى.
- ۵ - غیبت امام عصر علیه السلام / چاپ اوّل / انتشارات رسالت / قم / ۱۴۱۹ هـ. / ۲۰۰ صفحه وزیرى.
- ۶ - مجموعه فرمایشات حضرت بقیة الله / چاپ دوّم / انتشارات رسالت / قم / ۱۳۷۷ ش. / ۳۲۰ صفحه وزیرى.
- ۷ - نشانه های ظهور او / چاپ اوّل / ۱۳۷۱ ش. / قم / ۲۲۰ صفحه وزیرى.
- ۸ - یاد مهدى علیه السلام / چاپ دوّم / انتشارات مسجد جمکران / ۱۳۷۱ ش. / قم / ۳۵۲ صفحه وزیرى.
- ۹ - یوسف ناپیدای فاطمه / چاپ اوّل / انتشارات میقات / ۱۳۷۰ ش. / تهران / ۸۴ صفحه وزیرى.

آماده چاپ

- ۱۰ - حجت منتظر و دعا
- ۱۱ - حکومت جهانی و تکامل جهانی
- ۱۲ - خورشید هشتم امامت

* * *

